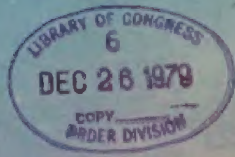


شماره ۳۵
سال سی و یکم

شنبه ۲۶ عقرب ۱۳۵۸
۱۷ نوامبر ۱۹۷۹

ژوندون

لڼه والی کلتور



77038031



تیت کتونه ۱۳ افغانی





رفیق حفیظ الله امین موقعیکه ژورنالستان خارجی را برای مصاحبه مطبوعاتی بحضور پذیرفته به سوالات آنها

کتاب پرلپی شماره

اقتصاد و قایم مهم مفتی

تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی ولومپی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان، بروی میا سی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان روز ۲۴ عقرب از ساعت یازده و نیم قبل از ظهر الی یک و نیم بعد از ظهر در خانه خلق جلسه نمود.

تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لو مپی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان جلسه دارالانشای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان روز ۲۳ عقرب از ساعت دو الی سه و نیم بعد از ظهر در خانه خلق دایر گردید.

در جلسه واجه به طرز کار و تنظیم فعالیت دارالانشای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بحث به عمل آمد و تصامیم مقتضی اتخاذ شد.

از طرف رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لو مپی

وزیر شام ۲۲ عقرب ضیافتی برای اعضای کمیسیون تدوین قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان در خانه خلق ترتیب یافته بود.

سلامهای گرم و تمیحات نیک رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی و لو مپی وزیر را با خلق شفیع وزیر نواندوورت و تودیزم به خلق زحمتکش و وطنپرست هرات طی محفلیکه به مناسبت پشتیبانی از فیصله پلینوم فوق العاده کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و مصوبه شو را ی انقلابی و آغاز کار کمیسیون طرح قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان در تالار کنفرانس های خلق در هرات ترتیب گردیده بود رسائید که از طرف حضار با دادن شعار های انقلابی کف زدنهای ممتد و احسانات پاک و وطنپرستانه مواجه گردید.

بخاطر استقبال از فیصله پلینوم فوق العاده کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و مصوبه شو را ی انقلابی مبنی بر انتخاب رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و

لو مپی وزیر محفلی قبل از ظهر ۲۰ عقرب از طرف سازمان اولیه حزبی انکشافدهات و ریاست ضد حوادث لومپی وزارت تحت رهبری ناحیه نهم و دهم حزبی شهر کابل ترتیب یافته بود.

حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و لو مپی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت یازده قبل از ظهر ۱۹ عقرب جلالتماب لی چو ننگ ریم منشی کبیر جمهوری دموکراتیک خلق کو ریاست کابل را برای قبول اعتماد نا مه اش در خانه خلق بحضور پذیرفتند.

تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لو مپی وزیر، شورای وزیران روز ۱۹ عقرب از ساعت چار بعد از ظهر تا ساعت هشت شب در خانه خلق جلسه نمود.

شورای وزیران به اساس اجندای مرتبه ضمن بحث و اتخاذ تصمیم روی پیشنهادت وزارت خانه ها در باره یک سلسله موضوعات فیصله صادر نمود.

حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و لو مپی وزیر جمهوری دموکراتیک

افغانستان ساعت یازده قبل از ظهر روز ۲۱ عقرب جلالتماب الطاف احمد شیخ سفیر کبیر منتخب جمهوری اسلامی پاکستان در کابل را برای قبول اعتماد نا مه اش در قصر گلخا نه خانه خلق بحضور پذیرفتند.

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد که درین هنگام دکتورشاه ولی معاون وزیر و وزیر امور خارجه محمد نادر شاه نیک یار رئیس دفتر شورای انقلابی و محمد ولی مندوی رئیس تشریفات وزارت امور خارجه حاضر بودند.

حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و لو مپی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان قبل از ظهر ۲۱ عقرب در حالیکه خیال محمد کنوازی وزیر اطلاعات و کلتور حاضر بود خبر نگاران آژانس تاس اتحاد شوروی را دایره تلو یزیون جمهوری دموکراتیک آلمان و این روزنامه نگاران را برای مصاحبه مطبوعاتی در قصر گلخا نه خانه خلق بحضور پذیرفته و در فضای نهایت صمیمانه و دموکراتیک به سوالات خبر نگاران مذکور پاسخ گفتند.

کمیسیون اقتصادی حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان روز ۲۳ عقرب تحت ریاست دکتورشاه ولی معاون لومپی وزیر و وزیر امور خارجه تشکیل جلسه نمود.

انقلاب مادارای ماهیت طبقاتی است که باید یالوژی طبقه کارگر بوجود آمده است



رفیق حفیظ الله امین موقعیکه ژورنالستان خارجی را برای مصاحبه مطبوعاتی بحضور پذیرفته و سوالات آنها پاسخ ارائه میدارند.

متن مصاحبه حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی ولومری وزیر باخبر نگاران آژانس تاس اتحاد شوروی، رادیو تلویزیون جمهوری دموکراتیک آلمان و آیزرور انگلستان.

سوال: نمایندۀ رادیو تلویزیون جمهوری دموکراتیک آلمان ؟
آیا ممکن است بعضی از دست آورد های عمده انقلاب افغانستان را شرح نمایند ؟

جواب: سوال بسیار خوب است پیروزی های بسیار بزرگ انقلاب ثور خلق افغانستان را اگر بشماریم نهایت زیاد است مگر بعضی آنها بطور مثال ذکر می نمایم ، در افغانستان با پیروزی انقلاب ثور قدرت سیاسی از طبقات و قشر های استثمارگر به خلق زحمتکش و به نمایندگی از آنها به حزب دموکراتیک خلق افغانستان که حزب طبقه کارگر می باشد انتقال یافت و این پیروزی بزرگ که نصیب خلق زحمتکش افغانستان گردید توأم با آن چنان کار های بزرگ نیز روی دست گرفته شد که راه را برای اعمار جامعه فائد استثمار فرد توسط فرد هموار نمود، در جمله اقدامات بزرگی که بعمل آورده ایم اولتر از همه یاد آوری فرمان شماره ششم ششم دارای اهمیت میباشد، زیرا تمام دهقانان زحمتکش از بار سود

و سلم و گروی رهایی یافتند همچنان تعامل غیر انسانی که در رژیم های گذشته نسبت به زنان صورت میگرفت و دختران و زنان مانند امتعه خرید و فروش میشدند و از جمله بقایای نظام های فیودالی و مافیل فیودالی بود، ما آنها را به واسطه فرمان شماره هفتم شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان از بین بردیم حقوق زنان و مردان کاملاً با هم برابر شد و اکنون زن و مرد بغوشی برای خود همسر انتخاب مینمایند، مهمتر از همه فرمان شماره هشتم شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان می باشد که بواسطه آن در افغانستان سقوط فیودالیسم عملاً از لحاظ اقتصادی آغاز یافت، مادرشماره توانستیم زمین را ملت و رایگان از زمینداران بزرگ بگیریم و بصورت

رایگان به دهقانان بی زمین و کم زمین توزیع نماییم.
اکنون در افغانستان قطعاً زمینداری وجود ندارد که اضافه از سی جریب یا شش هکتار زمین داشته باشد به این اساس اکنون در افغانستان دهقانان زحمتکش خود زمین خود را میکارند و حاصلش را خود می گیرند توأم با آن ماعده از سازمان های خلقی را مشاهده می نمایم که فعلاً از انقلاب دفاع می کنند و در افغانستان می کنند و در افغانستان برای اعمار جامعه سو سیاستی سعی و تلاش مینمایند، ما توانستیم در مدت کمتر از یکسال پلان پنجساله انکشاف اقتصادی و اجتماعی افغانستان را بسازیم این پلان آغاز شده و مطابق به آن کارها به پیش میرود، در افغانستان در زمینه انقلاب کلتوری نیز کارهای

بزرگ و پرافتخار صورت گرفته است ما توانستیم تبلیغات و نشرات رادیویی خود را از ۹ ساعت به ۱۸ ساعت تزئید بخشیم همچنان ما در رادیو تلویزیون برای تمام ملیتهای افغانستان به زبان خود شان نشرات را آغاز کرده ایم و توأم با آن درسیستم تعلیم و تربیه نیز تحولاتی به میان آمده است تا اطفال به لسان مادری شان تدریس شوند که این مامول البته در تکامل انقلاب کلتوری نیز موجب افتخارات بسیار میباشد، مطابق به ایدئالوژی و روحیه کارگری در بخش حزبی فعالیت های بزرگ را آغاز کرده ایم که از آن جمله جریده خلق اکنون به پنج لسان نشر میگردد و انستیتوت علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بحیث مرکز دانش اکادمیک ایدئالوژی طبقه کارگر به طور بسیار وسیع دو تقویه و سازماندهی حزب دموکراتیک خلق افغانستان موثر واقع گردیده است.
لطفاً ورق بزنید

سوال: نماینده تلو یزیون جمهوری دموکراتیک آلمان: مطبوعات غربی آنچه را که اضطراب در افغانستان می خوانند بسیار تکرار می کنند آیا ممکن است برای خلق جمهوری دموکراتیک آلمان وضع حقیقی افغانستان را شرح نمایید؟

جواب - در افغانستان همزمان با انقلاب ثور خلق زحمتکش ما همه با یک دل و یک دست از جمهوری دموکراتیک افغانستان پشتیبانی کردند و در دفاع از انقلاب ثور سهم گرفتند و تا امروز به بسیار خوشی و سرور از آن دفاع می نمایم.

و خلق کشور ما، پناه بردند و کمک می شود، کمک مالی و اسلحه به آن هاداده میشود و هم از طریق عمال و اجیران خارجی سایه شان دراز تر میگردد و لی افتخار میکنیم که در عمل موافقانه بر ضد آنها استاده ایم، شما هم در این روزها شنیده باشید که این دشمنان مبین ما با شکست سخت مواجه شده اند قوای مسلح با شهادت و خلق زحمتکش ما با مردانگی به آنها هجوم بردند و اکنون در جستجوی آن اند که آنها را بیا بند و روی سیه شانرا به خلق زحمتکش ما نشان دهند. اکنون نه تنها عناصر ضد انقلاب

و وظیفه عمده ای که کشور و خلق ما به آن رویرو است عبارت از اعمار جامعه سوسیالیستی می باشد. اعمار جامعه سوسیالیستی در هر کشور سهمگیری وسیع و کار خستگی ناپذیر خلق را ایجاب می کند.

ما در فراز هستند بلکه با داران و همدستان خارجی شان نیز راه فراز در پیش گرفته اند زیرا ضرر به شدت به خلق ما به آنها وارد شده است، خلق زحمتکش ما با احساس زیاده و ظن پرستی با نهایت افتخار و علاقه به آنها هجوم می برد و آنها را که در کوه ها و دره ها پنهان شده اند نمی گذارد مگر اینکه دوباره به دامان با داران شان پناه دهند و شوند و تا آن زمان این عناصر تعقیب میشوند و اکنون هم آوازه های بی بی سی بالا شده است که بواسطه معلوم میگردد که از ضربات خلق با شهادت افغانستان آزرده و جگر خون گردیده است. شما خود می بینید که امروز همه چیز در تسلط دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان است.

سوال: بزرگترین پرابلمی که شما به آن مواجه اید چه است؟

مابه اطمینان و افتخار گفته می توانیم در صورتیکه مداخلات خارجی در کشور ما نمی بود ضرورت احساس نمی شد که حتی یک مرمی به سوی عناصر ضد انقلاب فیر شود زیرا آنها آنقدر ضعیف و در اقلیت بودند که ایجاب نمیکرد از سلاح استفاده شود.

پیش از نود و هشتصد فیصد باشندگان افغانستان را خلق زحمتکش تشکیل میدهد و دو فیصد آن مفت خواران استثمارگر و سر داران بودند. آنها به زحمت و کار خلق زحمتکش افغانستان به قسم طفیلی زندگی می کردند تا و ام با پیروزی انقلاب ثور سرنگونی آنها نیز آغاز گردید و بعد از تقسیم افتخار آمیز زمین آنها دیگر در افغانستان قوت اجتماعی نداشتند و ندارند. پس این عناصر به دشمنان خارجی انقلاب

جواب - وظیفه عمده ای که کشور و خلق ما به آن رویرو است عبارت از اعمار جامعه سوسیالیستی میباشد. اعمار جامعه سوسیالیستی در هر کشور سهمگیری وسیع و کار خستگی ناپذیر خلق را ایجاب می کند.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و جمهوری دموکراتیک افغانستان سعی دارد تا خلق زحمتکش افغانستان به طور شعوری در آبادانی و اداره کشور سهم فعال و همه جانبه داشته باشد.

پس هنگامیکه ما به این امر کاملاً پیرو شویم و اطمینان داریم که پیروزی می شویم، تا خلق زحمتکش افغانستان به طور شعوری و داوطلبانه در آبادانی کشور و در اعمار جامعه سوسیالیستی سهم بگیرند. ما این پرابلم بزرگ را نیز حل خواهیم کرد و به زودی خواهیم دید که در افغانستان چنان جامعه شکوفان اعمار خواهد شد که در آن استثمار فرد توسط فرد وجود نداشته باشد که به سوی جامعه بدون طبقات به پیش میرود سوال نمائید: تلو یزیون جمهوری دموکراتیک آلمان - آیا ممکن است اهداف و مابیت قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان را توضیح بدهید؟

جواب - قسمیکه در گذشته گفته ایم هدف بزرگ

خلق ما اعمار میشود، پس قانون اساسی ما زمینه آبادی وطن را برای خلق زحمتکش افغانستان مهیا می سازد و به این صورت مکلفیت خلق زحمتکش افغانستان را مشخص می نماید تا خلق با احساس وطن پرستانه به این حرکت بزرگ انقلابی پیوندند. گذشته از این خلق زحمتکش افغانستان در روشنائی قانون اساسی اطمینان خواهد داشت که در مصونیت کامل قانون نیت کامل و عدالت کامل زندگی نمایند. برای آنها کار میسر خواهد شد و هر قدر توان کار را که داشته باشند به همان اندازه کار نمایند.

هدف عمده قانون اساسی آنست تا در آینده زندگی پر افتخار خلق زحمتکش افغانستان را تضمین کند و طوری را روشن سازد که با تغییر لیدر شیپ در افغانستان راه رسیدن به هدف یعنی اعمار جامعه سوسیالیستی تغییر نپذیرد.

سوال نماینده تلو یزیون: جمهوری دموکراتیک آلمان: لطفاً نقش حزب دموکراتیک خلق افغانستان را در اعمار جامعه نوین در افغانستان توضیح نمایید؟

جواب: حزب دموکراتیک خلق افغانستان به حیث خد متگار و مدافع منافع خلق

این درست است که خلق ما به مقابل مداخله گران و عناصر ارتجاعی که از طرف خارجی ها حمایت میشوند با شدت عکس العمل نشان دادند و پیروزی های زیادی را نصیب شده اند.

زحمتکش افغانستان راه گشای کار و بیکار خلق زحمتکش میباشد، حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مثابه اورگان رهبری کننده تمام خلق زحمتکش

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و جمهوری دموکراتیک افغانستان ایشست که در کشور جامعه سوسیالیستی اعمار گردد این جامعه با کمک خلق و بازوان

با داشتن ما هیت کارگری دکتاتور ی پرو لتاریا را در افغانستان تحت پیری دولت جمهور ی دمو کرا تیک افغانستان بوجودآورده است واین دولت در افغانستان به اتحاد مستحکم کارگران و دهقانان استوار است پس این نقش بزرگ یعنی رهبری خلق زحمتکش افغانستان بخاطر اعمال جا معه سوسیالستی رهنمای تمام کارها و زحمتکشی های خلق ماست .

سوال - نماینده تلوزیون جمهوریت دموکراتیک المان: اهمیت همکاری اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالستی در راه انکشاف افغانستان از چه قرار است لطفا توضیح فرمایید ؟

جواب - خلق زحمتکش حزب دموکراتیک خلق افغانستان و جمهور ی دموکراتیک افغانستان افتخار می کنند با داشتن اید یو لوزی علمی یعنی اید یو لوزی دوران ساز طبقه کارگر از دوستی و برادری اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیالستی بر

ما مساعدت های وسیع صورت میگیرد .

آنقدر کمک با ما می نمایند که ما خلق زحمتکشی افغانستان برای حفظ انقلاب و آبا دانی کشور و انقلاب خود به کار انداخته می توانیم و از آن خود مابرای حفظ انقلاب و آبادی وطن خود استفاده می توانیم .

سوال نماینده ایزر رولند - یا در نظر داشت آنچه در ایران و سایر کشور های همجوار افغانستان می گذرد آیا شما انقلاب خود را مناسب ترین راه علی البدل در جهان اسلام میدانید ؟

جواب - انقلاب ما دارای ماهیت طبقاتی است که بتاسی از اید یو لوزی طبقه کارگر بمیان آمده است .

ما در افغانستان یک جا معه سوسیالستی اعمال می نماییم ، هر کشوری یا هر خلقی در هر کشوری که مصمم باشد تا یک جا معه سوسیالستی بسازند ، این امر هرگز برای شان ممکن نیست که چنین کاری را بدون یک

انقلاب ما دارای ماهیت طبقاتی است که بتاسی از اید یو لوزی طبقه کارگر بمیان آمده است .

انقلاب طبقه تی تحت رهبری حزب طبقه کارگر انجام دهند .

پس به نظر من در هر کشوری که طبقه کارگر بقدرت میرسد باید تحت رهبری یک حزب طبقه کارگر قرار داشته باشد . نوع انقلابی را که ما در پیش می گرفته ایم بهترین راه برای ساختمان بهترین جا معه سوسیالستی است که می تواند توسط برادران ما در هر نقطه جهان که شرایط مشابه افغانستان را داشته باشد تعقیب شود .

سوال نماینده ایزر رولند - آیا شما انقلاب را با اسلام در تضاد نمی بینید ؟

جواب - نمی دانم مقصد

شما چیست ؟ اگر انقلابی بخاطر ایجاد یک جامعه فاقد استثمار فرد از فرد و تهیه مسکن ، غذا و لباس برای خلق صورت بگیرد و هم به دین و عقاید خلق احترام بگذارد و به آنها آزادی مذهب و آزادی تفکر بدهد طبعاً توسط خلق زحمتکشی قبول و استقبال می شود .

سوال نماینده ایزر رولند - آیا شما خود را در تضاد مستقیم با مساجد نمی بینید ؟

جواب - چنین مسأله ای هرگز مطرح نیست و همچو تضاد مطلقاً وجود ندارد زیرا ما درین زمینه قیودی ایجاد نمیکنیم .

خلق ما می توانند آزادانه به مساجد بروند و به حدی در رفتن به مساجد آزادی دارند که هرگز در سایر بقع چنین آزادی را نداشته اند . احساسات مذهبی آنها عمیقاً احترام می شود .

سوال نماینده ایزر رولند - شما مدت زیادی در ایالات متحده امریکا بودید و این عهده ترین جا معه سر ما به داری جهان را مشاهده کردید آیا بر داشت شما از همان جا معه بود که شما را یک سوسیالیست ساخت ؟

جواب - ایالات متحده امریکا یک کشور بسیار پیشرفته سرمایه داری و محصول تکامل سرمایه داری چند قرن است . افغانستان نمی تواند در ظرف یک یا دو قرن به آن مرحله تکامل برسد ، اما تضاد طبقه تی بوضاحت در جا معه امریکا دیده می شود و درین مورد شک نیست زیرا امریکا پیشرفته ترین جا معه سرمایه داری است . ولی اقامت من در ایالات متحده امریکا دلیل گرایی من نیست ، اعتقاد و افکار من از درک واقعیت اید یو لوزی طبقه کارگر و فهم عمیق من ازین اید یو لوزی منشأ گرفته است که مبتنی بر واقعیات میباشد .

سوال نماینده ایزر رولند - خبر نگار تلویزیون جمهوری دموکراتیک المان به تاکید مطالبات غربی بر موجودیت یک حالت اضطراب در افغانستان اشاره کرد ، ما درین اواخر راپوری داشتیم که قوای حکومت افغانستان در جریان هجوم عمده در ولایت پکتیا پیروزی زیادی حاصل کرده است آیا این حقیقت دارد ؟

جواب - این درست است که خلق ما به مقابل مدافعین گران و عناصر ارتجاعی که از طرف خارجی حمایت میشوند باشند و عکس العمل نشان دادند و پیروزی های زیادی را نصیب شده اند .

این عکس العمل خلق زحمتکش افغانستان بود که به دشمنان خود شکست داد و نشان خوشی خلق ما مخصوصاً ازین حقیقت معلوم میشود که در هر حصه پکتیا سر بازان ما با گری می مورد استقبال خلق زحمت کش قرار گرفتند .

این درست است که عناصر ضد انقلابی به سختی شکست خوردند و رو به فرار نهادند .

سوال نماینده ایزر رولند - حکومت پاکستان مدعی است که در حدود دو صد هزار مهاجر افغانی سرحد افغانستان را عبور کرده و در قلمرو پاکستان پناه برده اند . آیا تدابیری را برای برگشت آنها مهیا خواهید ساخت ؟

جواب - ما نه تنها تدابیری را برای برگشت آنانیکه توسط دشمنان خلق ما قریب خود اند اتخاذ نمی کنیم بلکه آنها مورد استقبال قرار میگیرند . این کشور بروی همه شان باز است . این کشور خود آنها است و می توانند به همان آزادی که هرگز تصویب آنرا نمی کنند در افغانستان زندگی نمایند .

لطفاً ورق بزنید صفحه ۵

من با این ادعا موا فقهه ندارم که میگویند دو صد هزار مهاجر افغانی بانجا رفته است. اکثریت آنها پناه گزین نبود بلکه جنایت کاران، استثمارگران و ستمگران بودند که بر بهره کار و زحمت گشایان ما زندگی می نمودند. آنها طفیلی های بی بودند که وقتی انقلاب صورت گرفت خلق و زحمتکش ما آزادی یافت و طبقه کارگر قدرت را گرفت جای برای زندگی استثمارگران نه شان در افغانستان باقی نماند. بنابراین بخارج گریختند. اکنون مدعی اند که مهاجر اند. تنها کسانی را که فریب خورده اند نباید از آنها حساب کرد آغوش کشور و محبوب شان همیشه بروی شان باز است.

هیچ چیزی در افغانستان واقع نشد که آنها را برون دارد تا کشور را ترک کنند مهاجر گفته شوند، اما اگر هدف شما آن باشد که مثلا دو صد، یا پنجصد هزار افغان یا بیشتر از آن در آن منطقه زندگی میکنند این معنی دیگر دارد. هر زمستان میلیون ها افغان تا دریای سند مهاجرت مینمایند و در تابستان دوباره برگشته و تا گرانهای آمو اقامت اختیار نمی نمایند، یعنی صاحه این دو دریا منطقه رفت و آمد آنهاست، هرگز ناپدید آنها را مهاجر خطاب کنند. اگر دو میلیون یا سه میلیون نفر دوباره در تابستان به افغانستان می آیند آیا میتوان آنها را پناه گزین خواند؟ نمایند آرزو در - نه آن ها کوچی هستند.

سوال نماینده آبرورمن با یکی از آنها تی که به پاکستان رفته بودند حین بازدید از کمپ مهاجرین صحبت کردم که میگفت آنها از افغانستان فرار کرده اند زیرا مورد بمباران هلیکوپتر توپ دار ساخت

شوروی قرار گرفته اند. جواب قبل از گفتن که قسمتی از مردم در زمستان تا کرانه های دریای سند می روند چرا؟ آنها بخاطر پیدا کردن کار، غذا و زندگی وبخاطر تغییر اقلیم به آنجا میروند و در تابستان باز میگردند و در افغانستان کار میکنند. این کاملاً يك اختلاط طبیعی است، ولی وقتی که به آنها غذا، سرپناه و پول داده شود و برای شان گفته شود که شما اینجا بمانید و بگوئید که ما پناه گزین هستیم بشما خانه، غذا و پول داده خواهد شد، در آنصورت آنها مهاجرین خریداری شده هستند. اینها مهاجرین برای پول و غذا هستند و مهاجرین حقیقی نمی باشند. سوال نماینده آبرور -

مجد و دینی برای این کمک وجود نداشته و کاملاً مربوط به ظرفیت ما برای جذب آن و به لیاقت ما در استفاده از آن است. سوال نماینده آبرور - سفیر اتحاد شوروی در افغانستان در حالی تبدیل شد که شایعات زیادی راجع به موجودیت بعضی اختلافات با سفیر سابق وجود داشت. جواب - بسیار عجیب معلوم میشود، اخیراً سفیر جمهوریت اتحادی المان، سفیر انگلستان، سفیر پاکستان، سفیر هند، سفیر جمهوریت دموکراتیک خلق کوریا، سفیر ترکیه و سفیر عراق که در کابل بودند تبدیل شدند ولی هیچگونه شایعه حتی درباره یکی از آنها نشر نشده، شایعات درباره تبدیل سفیر شوروی

حزب دموکراتیک خلق افغانستان بحیث خدمتکار و مدافع منافع خلق زحمتکش افغانستان راه گشای کار و پیکار خلق زحمتکش میباشد.

در کابل از مراکز سرمایه داری برون شده است در حالیکه این سفیر پیش از هفت سال در کابل بود این شایعات از طرف دشمنان انقلاب پخش میشود که میخواهند خلق زحمتکش مارا که مشتاق دوستی و برادری با خلق اتحاد شوروی میباشند فریب بدهند.

خلق زحمتکش افغانستان از دوستی و برادری با خلق شوروی با جدیت پشتیبانی میکنند. مراکز امپریالیستی میگویند خلق ما را اینگونه نفرینند که گویا امین یک رفیق خوب برای اتحاد شوروی نیست و نباید به او اعتماد کنیم. چون گفتیم که خلق افغانستان به دوستی اتحاد شوروی و افغانستان اعتماد دارند و من مثل این اعتماد

نماینده تلویزیون جمهوری دموکراتیک المان در مورد مناسبات شما با اتحاد شوروی سوال کرد در غرب شایعات زیادی وجود دارد که هزارها مشاور شوروی در افغانستان اقامت دارند، به چه مقدار در ساحات نظامی و غیر نظامی از شوروی کمک دریافت میکنید؟ جواب ما به همان اندازه کمک دریافت میکنیم که به نفع خلق زحمتکش ما مفید و موثر واقع شود و به همان اندازه که برای حفظ انقلاب و اعمار جامعه خود ما بکار برده بتوانیم کمک دریافت می نماییم، هر قدر بیشتر استفاده کرده بتوانیم بهمان اندازه بیشتر کمک از اتحاد شوروی دریافت خواهیم کرد.

شان میبایست همراکز امپریالستی میخواستند ریشه این اعتماد را به زعم خود ضعیف نمایند اما افتخار دارم که ممثل حقیقی احساس خلق خود با قی خواهد ماند.

سوال نماینده آبرور - در سابق درین کشور زندگی همراه با خشونت بوده است و اخیراً هم خشونت آمیز شده است آیا میتوانید بگوئید که شما انتظار دارید در راه انقلاب جان خود را از دست بدهید؟

جواب: من چنین چیزی را انتظار ندارم میخواهم زنده با شما و جامعه سوسیالیستی را در افغانستان ببینم. مشخصاً درک احساس، آرزو و تمایل خلق افغانستان به من این اطمینان را میدهد که خشونت در برابر وطن - پرستان قطعاً محسوس نیست از وطن پرستان تمام خلق زحمتکش با محبت استقبال می کنند.

به افغانستان تو مسلط اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی کمک های فراوان میشود و در آینده نزدیک ما قادر خواهیم بود تا اعمار جامعه سوسیالیستی را وسیعتر ادامه دهیم. امیدوارم زنده با شما که جامعه سوسیالیستی را در افغانستان ببینم.

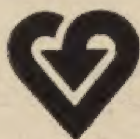
سوال - آیا به نظر شما بابر گشت قرن مثلاً در بیست سال آینده چهره افغانستان چگونه خواهد بود؟

جواب - به نظر من جامعه ما جامعه فاقد استثمار فرد از فرد خواهد بود بیرق سرخ در فضای افغانستان بحیث سمبول یک جامعه سوسیالیستی در اهتزاز خواهد بود و کشور ما شانه به شانه دو قطب و سایر کشورهای صلح دوست سوسیالیستی قرار خواهد گرفت.



«مردمان عزیز! برای حفاظت و آبادی وطن ما و اعمار چنین جامعه که هر کس در آن نان، لباس، خانه، شفاخانه، مکتب و دیگر وسایل ضروری زندگی را داشته باشد در جهان برادران و دوستان ما سالانه میلیونها هزار افغانی با ما را یگان مساعدت میکنند و هر نوع کمکی که ما خواسته باشیم با ما میکنند»
«رفیق حفیظ الله امین»

شنبه ۲۶ عقرب ۱۳۵۸، ۱۷ نوامبر ۱۹۷۹



همبستگی نیروهای جهان با خلق افغانستان پیوندانترنا سیمونالستی دارد

انقلاب ما دارای ماهیت طبقاتی است که با
ایدئالوژی طبقه کارگر بوجود آمده است

اقدام یک جانبه در تقلیل فضا، یا
صلح دوستی در عمل

انقلاب کبیر اکتوبر و جنبش های رهایی
بخشی ملی

در گذشته صنعت پوست فوری در یک ساحه
محدوده معمول بوده ...

شعر وینام

کشور های آزاد شده و مسله ارضی

تصاویری که مسیر زندگی زنی را دگرگون
ساخت

مابخاطر صلح و آزادی مبارزه میکنم

شرح روی جلد: چاپ اندازان روئین تن
و آهنگین پنجه صفحات شمال کشور حین ورزش
باستانی و غنغوی کشور ما

بشئی چارم: دهقانان زحمتکش ما را در
مزرعه بی سرسبز لیلیو نشان میدهد که با
کاروبیکار انقلابی دوشگوفانسی کشور شان
سهم ارزنده و فعال میگیرند.

و اظهارات هیات سازمان صلح و همبستگی
خلفهای افریقا و آسیا انعکاس دهنده حقانیت
و ماهیت انقلاب کارگری افغانستان در آسیا
و افریقا و از آنجا در سراسر جهان می باشد که این

خودمشت محکم و کوبنده بی بدین پایه سرایان
و پروپاگند جهان امپریالیستی می باشد که حقایق
را تحریف و زهر پاشی می نمایند.

باید گفت که از انقلاب نجات بخش شور
هیه نیروهای مترقی و عدالت پسند سراسر
جهان حراست و حمایت می کنند و آنها یک

دیده پیروزی حق بر باطل را ندارند و بسرای
تأمین منافع شوم و استثمار شایان حتی
انسانیت را زیر پای می گذارند. عناصر وابسته به خود

شانرا جهت تاراج و چپاول هستی زحمتکشان
پشتیبانی می کنند که این خود تلاشیهای مذبوحانه
است و جایی را نمیگیرد زیرا خودشان در حالت

احتضار قرار دارند و نابودی شان حتمی
است. بدین مفهوم که خلق سازنده

ویر توان است و امروز این واقعیت
را درک کرده اند که پیروزی شان در وحدت
و یگانگی شان نهفته است و همانطوریکه تأمین

منافع شوم و ازمندهانه استثمارگران که یک
اقلیت مفتخوارانند حدود و تقویری را نمی شناسند
مبارزات عادلانه و همبستگی خلفهایم جدو حصری

رأیی پذیرد برای نابودی استثمار، استثمار
و امپریالیزم دست بدست هم داده در سنگر
کار و یکپار انقلابی می ریزند.

زنده و پیروز باد وحدت و همبستگی خلقهای
سراسر جهان
ناود و سر تگون باد استثمار و دشمنان
بشریت

خاتمال دست می یازند تا باشد که بزعم
خود شان جلو سيل خروشان و توفنده خلق
راسد نمایند (۱)

چنانچه دوبرابر انقلاب نجات بخش تصور
که با فداکاری بید ریخ افسران و سر بازان و
پشتیبانی همه جانبه خلق، برهبری حزب
دموکراتیک خلق افغانستان به پیروزی رسید،
عناصر ارتجاعی و وابسته به امپریالیزم بین-

المللی پیوسته با شبکه های جاسوسی خود
بسا تلاشیهای مذبو حانه
دست بدست هم داده به شایمی و توطئه

ها پرداختند ولی بر مبنای آنکه انقلاب آور
ماهیت کارگری و خلقی دارد، و از حمايت
خلقهای جهان برخوردار است با تکیه به

نیروی پر توان خلق دسایس شوم
امپریالیزم را نقش بر آب ساخته و میسازد، چنانچه
تجلیل هتلهای همبستگی با خلق افغانستان

توسط ساز مان همبستگی خلقهای افریقا و
و آسیا یکبار دیگر نمایان گر این واقعیت
است که خلق افغانستان در کار و یکپار

انقلابی و مبارزات برحق و عادلانه شان تنها
نیستند و بسویه جهانی برادران و پشتیبانان
واقعی دارند.

دارالندای اجرائیوی سازمان همبستگی
افریقا و آسیا که همبستگی بیدریغ شانرا
با خلق، حزب دموکراتیک خلق افغانستان

و حکومت افغانستان اعلام نموده و هفته یسی
مخصوصی را بدین مناسبت با تئوری میمنتگها،
نشر مقاله ها و ارائه مطالب مؤثر از تحولات انقلابی
افغانستان از تاریخ بیست و سه تا سی عقرب
که مطابق چهارده تا بیست و یک نوامبر تعیین
نموده و تجلیل می نمایند باعث مباحثات و سر

دست از همان آغازیکه خلقها با رهنمایی
پیشوایان خویش استثمار و امپریالیزم را
علت عمده و اساسی بدبختی و مویه روزی خویش

دانسته و عاملین آنرا بحمت دشمنان آشناس
ناپذیر تشخیص نموده اند، باطنین این ندای
انسانیت که «زحمتکشان سراسر جهان متحد

شوید» در صدق آن شده اند تا با اتحاد و همبستگی
کامل در پی ریشه کن کردن استثمار و
امپریالیزم که در واقع طاعون تباه کسن

بشریت می باشد برآیند، زیرا میدانند که
بدون وحدت و یکپارچگی نمیتواند جنگ غول
امپریالیزم رفت. امپریالیستان با آنکه همواره

به سلاحهای تباه کسن بشریت اتکاء دارند و
به آن میبایند، نوکران و جاگرانی هم در
گوشه و کنار جهان یخمدت میکنند تا آنها

با بی شرمی و وفاحت تمام «بازد دهن جوال
را بگیرند»

ولی از آنجاییکه پیروزی حق بر باطل حکم
تاریخ و جبر زمان است، این دزدان و چپاول
لگران هستی خلقها روز تارو به نیستی و نا

بودی گراییده و در مقابل صفوف رزمنده و
نیرومند خلق قد بر افراشته و هنوز هم
نیرومندتر و توفنده تر گردیده اند.

امپریالیستان و استثمارگران که انقلاب
کارگری را سبب زوال و نابودی خود میدانند،
همواره با تلاش های مذبوحانه در پی آن بوده

اند تا از وقوع چنین انقلابات در سراسر جهان
جلوگیری نمایند و با آنکه در برابر نیروی پر
توان خلق نارها برافراشته اند باز هم
با برویی مختص به خودشان به هر خس و

آتش

اقدام يك جانبه در تقليل قوا

يا صلحدوستي در عمل

مسأله جنگ و صلح در جهان عمده ترين پديده قابل بحث در جو امع بين المللی بوده و وضع کنونی دنیا می رساند که در بیکار انقلابی بخاطر تا مین صلح جویان در روی کره زمین ، پیروزی از آن صلح خواهان بوده و دو جنگ جهانی و همچنان جنگ های منطقه ای می رسد که اگر جنگ طلبان هر قدر قدرتی هم داشته باشند روز بروز در جهان رسوا می شوند و پلان های شوم شان علیه بشریت خنثی می گردد .

پدیده های جنگ و صلح ما نند تمام پدیده های اجتماعی در روشنی و به اروپا ط طبقات و مبارزات طبقاتی مطرح بوده و امر امپریالیزم جنگ طلب از برافروختن جنگ های غیرعادلانه بسنگدود، صلحدوستان هرگز مجبور نمی شود تا برای جنگ عادلانه خود را عیار سازند و به تقوی به ساز و برگ نظامی و جنگی بپردازند .

امروز برای جهان نیا ن به اثبات رسیده که تمام جنگ در طول تاریخ طبقات استثمارگر بسوده ودر وضع کنونی قدرت های امپریالیستی اند که در گرشه وکنار جهان برای فروش اسلحه ویا فن ما رکت های بر در آمد نظامی شعله های جنگ را می افروزند و تباهی انسان ها را باعث می شوند .

در جنگ جهانی ، جنگ در الجزایر و ویتنام ، شرقیانه و با نقاط دیگر گیتی فقط و فقط بر همنای امپریالیزم در گرفته و عقل سلیم حکم می کند که تا مالمسین جنتا بیا در این همه کشتار و تجاوز کشور های امپریالیستی و در رأس آنها سرمایه داران بزرگی قرار دارند که از درک تپه اسلحه سود گران را به جیب می اندازند .

قبل از انقلاب اکتوبر که نظام سوسیالیستی در جهان وجود نداشت ، کشور های امپریالیستی بخاطر تقسیم جهان بارها

در مقابل هم قرار گرفتند و با اینکه رهبر انقلاب اکتوبر بصورت علمی پیشه اصلی جنگ و جنگ افروزی را تحلیل نمود و چشمه جنگ افروزان ، را به جهان نیا ن معرفی نمود .

بهر حال جنگ اول جهانی روسیه تزاری را بیش از پیش ضعیف ساخت و با پیروزی انقلاب اکتوبر در جریان این جنگ تا لیسینام دولت کارگری روسیه ، بسیم صلح در جهان بود که از آزمون تاکنون کشور شوروا ها بهترین مدافع صلح بوده و تاریخ شصت دو سال حیات کشور انقلابی اتحاد شوروی نشان داد که این کشور نیرو عتی ترین سنگر صلح در جهان است .

با ایشیم جنگ دوم جهانی را المان فاشیستی بر افروخت و در نتیجه اتحاد شوروی درین جنگ بر فاشیسم هنری و موسیوایی و ملیتاریسم جاپان پیروز گردید و تسامب قوا به نفع صلح ، دموکراسی و سوسیالیزم در عرصه جهان تغییر خورد .

با شکست فاشیسم در اروپا اردوگاه سوسیالیستی پایه عرصه وجود گذاشت و با انهدام ملیتاریزم جاپان انقلاب توده ای در چین به پیروزی رسید که کسی نخواهد یا نخواهد بصورت مستقیم پیروزی اتحاد شوروی درین رویداد های بزرگ انسر داشته و کسی متکبران شده نمی تواند .

بعد از جنگ دوم جهانی برای مهار کردن هر چه بیشتر فاشیسم در اروپا نیرو های پیروز هند با قیام کردند و اتحاد شوروی که با سدار جدی صلح در جهان است از استقلال و آزادی کشورهای آزاد شده از یوغ فاشیسم بصورت جدی دفاع نموده و امروز که در دولت المان طوسی ایمان های در طول تاریخ بعد از جنگ حاکمیت طرفین را بر سمیت شناخته اند ، خلق های هر دو کشور بیشتر از همه به استقرار صلح و دینتانت علاقمند اند و از آن دفاع می نمایند .

اتحاد جما هیر شوروی از همان فردای جنگ دوم جهانی برای تقلیل قوا کوشیده و موضع گیری انقلابی و صلحدوستانه آن کشور بعد از جنگ تمام صلحدوستان در اروپا و جهان را متیقن گردانیده که اتحاد شوروی هما نظور یک در راه دینتانت گام جدی و نیرو مند را گذاشت ، هم نظور در راه دینتانت گام جدی و نیرو مند را گذاشت ، هم نظور در راه دینتانت گام جدی و نیرو مند را گذاشت .

پیشنهاد تقلیل قوا و سلاح در اروپا مرکزی نه تنها به استقبال گرم هواداران صلح در اروپا بلکه مورد تشویق تمام خلق های جهان بخصوص صلحدوستان درین جهت ادامه دارد .

جهان امپریالیستی که خود عا ملین جنتا بیکار جنگ در جامعه بشری انداخته و سبیله مطبوعات یکصد و صد زبان خویش به اساس توصیه گوبلز و زیر تبلیغات هنر تمام امکانات را بکار انداخت و دستگاه های دروغ پردازی را فعال نموده که علیه صلح دوستانه تبلیغات زهر آکین بپردازند ، جنتا بیکار ها و بارها و بارها مطبوعات امپریالیستی به این عمل خائنه دست زده و علیه صلح دوستانه جهان عطا لب غیور قبا بیل قبول دروغ های ناب دانشخوار نموده است .

مطبوعات امپریالیستی به وسیله شبکه های تخریبی و جاسوسی که از طرف انحصارات غول پیکر حمایت می شود در جهان های و ی را بر پا ساخته و از خطر موهومی که مویا صلح جهان را به مخاطره انداخته صحبت می کند و بصورت بسیار غلط و نادرست کشورهای سوسیالیستی و بخصوص اتحاد شوروی را درین دلف قرار می دهد ، در حالیکه تا ریش وروایتگران صادق و راستین آن تنها د می دهند که کشورهای سوسیالیستی واقعا

مدافعان صلح در جهان اند و تا با ی جان از صلح دفاع می نمایند . در بنا به این ها و و تبلیغات زهر آکین انحصارات تجاوزگر به کار خود ادامه داده و با اجیر نمودن طبقات استثمارگر در گوشه و کنار جهان مارکیت های فروش اسلحه را گرم نموده و به درآمد خویش می افزایند و به این وسیله هم اسلحه می فروشند و هم خطر شعله ور شدن جنگ را بهوش دیگران می اندازند .

امامیل اروپا که در جنگ اول جهسان و بخصوص در جنگ دوم جهانی مستقیما خساره بر داشتند و اکثر اعضا خانواده های شان را درین جنگ از دست داده اند ، میداند که جنگ طلب و جنگ افروز کدام نیرو ها اند و در عمل کدام قدرت ها دستگیر صلح قرار گرفته و کدام نیرو ها در سنگر جنگ موضع اختیار نموده اند .

ملل اروپا و امریکا هرگز فراموش نمی کنند که در جنگ دوم جهانی فرانسه پنجصد بیست هزار ، ایتالیا چهار صد هزار ، انگلستان سه صد بیست هزار ، امریکا سه صد بیست و پنج هزار چکسلواکیا سه صد بیست و پنج هزار ، یوگسلاو و یونانی میلیون و هشتاد هزار ، یوگوسلاو و یونان یک میلیون و شصت هزار ، المان نه میلیون و هفتصد هزار ، اتحاد شوروی بیست میلیون انسان را از دست دادند .

با قتل میلیون ها انسان ، میلیون ها خانواده ویران شده و آتش جنگسوز و خنجر و حالا وقت آن رسیده که به حکم آمرانه زمان و حکم عقل سلیم در راه استقرار دایمی صلح جهان و بخصوص بخاطر خلع سلاح عام و تام ، تمام صلحدوستان و ملل گیتی دست بدست هم بدهند و از شعله ور شدن جنگ دیگر جلوگیری نمایند و آتش جنگ های منطقه ای را نیز خاموش سازند .

ندای نیرو مند زمان و خواسته میر عصر ما حکم می کند هما نظور یک اتحاد شوروی بارها در جهت تقلیل قوا در اروپا متحد بدانواع سلاح جنگی چه مستر اتمی و غیره پیش قدم شده و علا از صلح دفاع نموده تمام نیرو های صلح خواه با یک آواز فریاد شان را بلند بلند تر نمایند تا جلود تجاوز و جنگ گرفته شود و خلق های جهان هر چه بیشتر به زندگی خویش و آینده اطمینان داشته باشند .

انقلاب کبیر اکتوبر و جنبش های رهایی بخش ملی

تاریخ جوامع بشری همگون با مبارزات سرستخانه بین طبقات استثمارگر و استثمار شونده تکامل می یابد. این مبارزات از زمان تقسیم جوامع به طبقات متخاصم آغاز گردیده است. این مبارزات در زمان بردگی بین برده برداران و برده گان و در دوران فئودالی بین دهقانان و ملاکان به سرخشی جزیران داشت و این مبارزات در طول سده های متعاقب تاریخ مراحل گوناگونی را سپری نموده است. بدین ترتیب با رشد شیوه سرمایه داری مبارزات طبقاتی نیز دگرگونی قابل ملاحظه ای کسب نمود. این مبارزات آشتی ناپذیر بین طبقه ورزمنده کارگر و سرمایه داران و یا کار و سرمایه صورت گرفته است. البته واضح است که تبدیل اشکال تولیدی فوق خود بخود نبوده بلکه محصول مبارزات، قیامها و تپرد های بیامان خلق هادملیت های اسیر برضد طبقات حاکم پنداشته می شود. و مطالعه عمیق انقلابات و قیام های قبل از انقلاب کبیر اکتوبر نشان میدهد که پیروزی نهایی همواره به طبقات استثمارگر تعلق گرفت. ولی شاخص عمده و مجزا ای که انقلاب کبیر اکتوبر با دیگر انقلابات دارد عبارت از اینست که در طی این انقلاب قدرت سیاسی بطور بی سابقه ای به طبقه استثمار شونده، کار گرو دهقان منتقل شد. و برای اولین بار در تاریخ بشریت طبقه کارگر در مبارزات دشوار خود پیروز شد و برآمد.

انقلاب کبیر اکتوبر جنبش های انقلابی و ملی واکه در سابق صرف جنبه ملی و بعضا محلی داشت از لحاظ کیفی مبدل به نیرو های قدرت مند و معجزه با ایدیالوژی نوران ساز کارگر نمود که به اصالت مبارزات خود و قدرت طبقه کارگر اعتقاد راسخ کسب نمودند. بعد از انقلاب کبیر اکتوبر سرعت زایدالو صفی موجبات بحران عمومی سیستم مستعمراتی فراهم گردید. و ملل اسیر آسیا، آفریقا و امریکای لاتین بر ضد استثمار و امپریالیزم تپرد عظیمی را آغاز نمودند که در نتیجه آن به زودی هفتاد کشور مستقل و آزاد در صحنه جهان بنیان آمد. این کشور ها منابع عمده واساسی مواد خام کشور های استعماری را تشکیل میداد و غارتگران استثمار استیلائی ثروت ها و منابع سرشار طبیعی این ملل را بی رحمانه غصب می نمودند.

بیان امن جمهوری دو کرانیک ویتنام جمهوری دموکراتیک خلق کوریا، جمهوری انقلابی کوبا از نخستین انقلابات کارگری و ضد امپریالیستی بود که ادامه انقلاب سوسیالیستی اکتوبر برده و در روشنائی و دست

انقلاب کبیر اکتوبر به تپابه چرخش عظیم در تاریخ بشری برای نخستین بار ارمغان آزادی و خوشبختی را برای کلیه زحمتکشان بپار آورد. و شعار «برای هرکس طبق کار و استعدادش» سازمان داده شد. ستم های طبقاتی ملی و فرهنگی ای که در زمان حکمرانی دستگاه در سوده تپروزی در جامعه روسیه وجود داشت از میان برداشته شد.

انقلاب کبیر اکتوبر بی کلایتی و پیوسیده می سیستم سرمایه داری رابه اثبات رسانید و همچنان برای کلیه جهانیان نشان داد که هیچ جامعه ای بدون داشتن حزب طراز نوین و معجزه با ایدیالوژی انقلابی طبقه کارگر به سوی جامعه فاقد استثمار فرد از فرد به پیروزی نخواهد رسید.

رهبر انقلاب کبیر اکتوبر در نخستین روز های انقلاب اعلام نمود که: «این انقلاب، عمیقترین انقلاب سراسر تاریخ جامعه بشری است که در آن برای نخستین بار در جهان نظام حکومت از دست اقلیت استثمارگر بدست اکثریت استثمار شونده افتاد.»

انقلاب کبیر اکتوبر باتکون و تکامل جنبش های رهایی بخش خلقهای در حال رشد ارتباط ناگسستی دارد. در پرتو اندیشه های این انقلاب است که امروز این جنبش هادر کشور

های در حال رشد آسیا، آفریقا و امریکای لاتین به قدرت نیرومند و منسجم ضد امپریالیزم و استثمار مبدل شده است.

کشور انقلاب کبیر اکتوبر علی رغم حملات وحشیانه قدرت های استعماری و امپریالیستی تکیه گاه بزرگ خلقهاییکه در راه استبداد و امپریالیزم می جنگیدند مبدل شد. پیروزی خلق های شوروی بر ضد فاشیسم ضربه کشنده دیگری بود که جنبش های رهایی بخش ملی را وارد مرحله نوین نمود. و امپریالیزم و استثمار مواضع زیاد نظامی و تجاوز می خود را از دست داد و چپبه فاسد امپریالیستی و پروسه انقلابی بین المللی در بین ملل جوان آزاد شده توسعه و گسترش پذیرفت.

نوازن قوا بطور آشکار برفع نیرو های ترقی خواه و سوسیالیسم تغییر نمود و حقانیت سیستم سوسیالیستی به اثبات رسید. ترقیات روزافزونی که در فروغ انقلاب کبیر اکتوبر نصیب جامعه شوروی شده است آن کشور را در طی مدت کوتاهی از حالت غلب ماندگی رها کرد، برادری و برابری در بین کلیه ملیت های شوروی تحکیم یافت. و مشترکا بخاطر حفظ دست آورد های انقلاب کبیر اکثر واعمار جامعه فاقد استثمار فرد از فرد قریبانی زیادی را داده اند. در نتیجه انقلاب کبیر اکتوبر زنان شوروی از حقوق واقعی خود بهره مند شدند. و زنجرهای اسارت استثمار و فرهنگ طبقاتی از دست وی آنها گسسته شد.

انقلاب کبیر اکتوبر در نتیجه تکامل بیش از نیم قرن خود همزمان با اینکه سر آغاز جنبش ها و انقلابات کارگری و خلقی پنداشته میشود.

تپا دو مرزهای شوروی باقی نماند، بلکه عامل عمده حفظ صلح و تامین حقوق کلیه خلق ها و ملل اسیر که برضد استثمار و امپریالیزم درگیر و در مبارزه اند می باشد. تجربه های که در ساحه اقتصادی و سیاسی از انقلاب کبیر اکتوبر بدست آمده برای اکثر کشور های مبتنی بر طبقات سر مشق گردید. انقلاب نور که در اثر تشدید مبارزات طبقاتی و متناسب به شرایط عینی و ذهنی و روند تکامل تاریخی جامعه مابه راد مردی قوای مسلح خلقی و پشتیبانی وسیع توده های زحمتکش به پیروزی رسید، ادامه انقلاب کارگری اکتوبر می باشد. که در عمل پیوندهای اترانس سوسیالیستی پروتری رابه اثبات رسانید.

و اینک امروز شرایط در کشور ما احیا گردیده است که طبقه کارگر و خلق های زحمتکش ما در فروغ رهبری خردمندان حزب دموکراتیک خلق افغانستان جنبش کار گران جهان را در کشور خود با سر بلندی و افتخار تجلیل می نمایند. و در زمانی که کشور ما مورد تاراج استثمارگران و غارتگران امپریالیستی واقع بود. به اندیشه های طبقه کارگر و انقلاب کارگری اکتوبر سایه مگدوری انداخته می شد. و از انظار و از اذهان مردم بخش این اندیشه پنهان ساخته می شد.

یکی از فرخنا تپرین مظاهر انقلاب کبیر اکتوبر اینست که امروز در اکثریت کشورهای جهان که یوغ استثمار و استبداد را بسدور انداخته اند و در شافراه ترقی اجتماعی و اعمار جامعه فرد از فرد دارند سالگرد این انقلاب با افتخارات جشن گرفته می شود.

آزادی فرد بدون آزادی جمع ممکن نیست

میاید که ایده های انسانی و مستدل علمی دارد و آن جز سوسیالیزم چیزی دیگری نیست. گرم ترین سنگر این تپرد بیامان جنگت ایدیولوژیک و تیوریک میان این دو قطب متضاد میباشد. میدان جنگت ایدیولوژیک و تیوریک بین ایندو هم آشتی ناپذیر خیلی وسیع است و مادر اینجا صرف، نظر دوطرف وادر مورد آزادی و ماهیت آن پردسی و تحلیل می نمایم. محور تیوری آزادی بود و تپروازی هما ناندیو بدیالیسم (منش فردی) و محور تیوری آزادی سوسیالیستی کلو تپرویزم (منش جمعی) میباشد. اندیو دیالیزم از اندیشه ای اندیو گرفته شده که معنی آن تپرساری زبان های جهان (مشخص) میباشد بهمین جهت اندیو بدیالیزم رامنشی فردی نامیده اند و اندیو بدیالیزم از مختصات ایدیالوژی خورده بود و تپروازی و انواع روحیاتیکه در جامعه ای مبتنی بر مالکیت خصوصی پردوش می یابد، ظاهر می گردد و معنی آن بطور خلاصه برتر نهادن فرد بر جمع فایل شدن رسالت و اهمیت برای فرد نه برای جمع. شعار اندیو بدیالیست هاجنین است: اول فرد و سپس جمع. انواع فلسفه و جامعه بقیه در صحنه ۴۹

اگر عصر ما از نگاه علوم طبیعی و تخنیک عصر سیمتری انسان بر کائنات است یعنی عصر فتح کرات غیر از سیاره های ماست و انسان پوینده پیوسته ترین ساحه در صدد آنست تا ساحات نا منکشف و کشف شده را به حیطة قدرت خود در آورد و آنرا کشف نماید و انکشاف دهد از نگاه علوم اجتماعی عصر گذار از سرمایه داری و سایر فورماسیون های اقتصادی، اجتماعی به جامعه ای بدون استثمار فرد از فرد و بالاخره عصر ایجاد جامعه ای بدون طبقات متخاصم است. همانطوریکه بشر و انسانیت در ساحه ای علوم طبیعی پیوسته با طبیعت مهار نشده در تپرد و ستیز است در ساحه ای علوم اجتماعی انسان و بشر آزادیخواه و زنجر شکن در صدد زودن همه عوامل بدبختی انسان زحمت کش و مؤلبد میباشد به بهره دیگر در ساحه ای علوم و مبارزه اجتماعی عصر ما عصر جنگت گرم و سرد میان سوسیالیزم جهانی و امپریالیزم جهانی میباشد.

فردین جنگت تاریخی هر دو طرف در تکابوی آنست تا طرف مقابل را بزانو در آورد ولی حکم آمرانه ای تاریخ و تجربه بشر بر آنست که درین تپرد همان جنبی پیروز منه بسد



نمونه یی از بالاپوش قره‌قل افغانی

با فرا رسیدن فصل سرما ، با زاپوس-
سنتین و پوستنجه و دیگر لباس های
پوستی گرم و گرم تر شده میروند و
این صنعت دستی که در گذشته تنها
به ولایت غزنی و چند ولایت دیگر مختص
بود امروز شکل عمومی بخود گرفته
و صنعتگران این صنعت از تمام ولایات
کشور به این کار مصروف اند.

علاقه‌مندان این صنعت تنها در داخل کشور
ما نبوده بلکه در خارج از کشور علاقه‌مندان
زیاد دارد . شهرت این فرآورده های دستی
صنعت گران مادر جهان روز بروز بیشتر
میگردد .

چرا این صنعت علاقه‌مندان زیاد دارد ؟
با وجودیکه صنایع ماشینی و کمیای
امروز رقیب سر سخت صنایع دستی
بشمار می رود ولی پوستین و پوستنجه‌های
افغانی همیشه مورد پسند علاقه‌مندان این
صنعت قرار دارد و هیچگاه صنایع مشا به



صنعتگری در حال فیچی و دوختن پوستین

در گذشته صنعت پوست دوزی در یک ساحه محدودی معمول بود ، ولی حالا این صنعت شهرت جهانی کسب نموده است

ما شینو کمیای نتوانسته جای این فرآورده
های دستی را بگیرد .

مزیته پوستین ، پوستنجه و دیگر
لباس های پوستی نسبت به لباس های
پارچه ای مایشینی دارد ، زیبا یی ، دوام ،
راحتی ، و گرمای آن است .
امروز هر سیاح و خارجی که به
کشور ما سفر میکند تا ممکن است که
از این فرآورده های پوستی با خود
نبرد . پوستین های افغانی در شورانرین
اقلیم و سرد ترین هوای قطبی میتوانند
بهترین ، گرم ترین و راحت ترین
لباس باشند . از همین رو تو ریست ها و
سیاحتیکه درملکشان زمستان هاسرد است
از پوستین و پوستنجه های افغانی
استفاده میکنند .

بهترین تخته امروز مخصوصا در فصل
سرما فرآورده های پوستی ما را تشکیل
میدهند . از همین رو وقتیکه به هر
دکان پوستین دوزی سری میزنید
مشترکانی را می بینید که مصروف خرید
لباس های پوستی اند تا برای هوسنان و
آشنا بان خود سوغات ببرند .

به اولین دکانی که سر راهم قرار
دارد سری میزنم در این دکان هم
مشترکانی زیاد مصروف خرید اند . یکی
پوستین بلند را که از رویاه است
نگاه میکند و با اشتیاق روی آن دست میکشد
و قیمتش را از فروشنده می پرسد . دیگری



فرآورده های پوستی ما از زیبایی زیادی برخوردار اند



امروز پوست هابصورت اساسی آتش، سست و نو میگردند



پوست هابصورت آتش، سست و نو میگردند

پوست هابصورت آتش، سست و نو میگردند
تایید که به اندازه نقش است یا خیر به
دین تر تیب هر یک از خریداران مشغول
خرید و نماشا از این فرآورده های
بوستی بودند . بعضی از خریداران بسا
سماجت زیاد مشغول جته زدن با فروشنده
در قیمت و است آن بود . مدتی سپری شد
بالاخره مشتریان رفتند و من موقع یا قسم
تا با فروشنده که خود پوستین دوز نیز
بوده کمگو بردارم .
خود را حاجی نصیر احمد مهر فی میکند
و در ماه صنعت پوستین دوزی جنبش
مکگو بد صنعت پوستین دوزی در کمسور
ما تا ریح خیلی کهن دارد . و این صنعت
از همان آوین کمزندگی شکل ابتدایی دا ست
مورد علاقه و استفاده فرار میگرد و امروز
که در این صنعت تحول و نوآوری
های زیادی صورت گرفته و باوجود یکسه
صنایع هاشینی زیادی به بازار عرضه
میگردد اما هرگز جای صنایع دستی
پوست را نگرفته است و این بخاطر
اصالت ، دوام و بختگی فرآورده های
بوستی است .

چند سال است که به این صنعت اشتغال
دارم ؟
از ده سالگی مصروف دوختن و تهیه
لباس های پوستی بوده ام و امروز که
بیش از شصت سال دارم باز هم مصروف
ساختن آن هستم یعنی بیش از پنجاه سال
سابقه کار در این رشته دارم .
پوست های که بسازم مورد استفاده در
صنایع پوستین دوزی قرار میگیرد .
ننداز پوست ، روبا ، پوست خفاش ، پوست
قره قل ، پوست پلنگ ، پوست میمون ،
پوست خز و غیره است .
ولی بصورت عمومی از پوست گوسفند
و پوست قره قل بیشتر استفاده بعمل
می آید .



بوستینچه های مادرخارج علاقمندان زیاد دارد .

می آید .
در مورد تاریخ گذشته این صنعت چه
میدانی ؟
از گذشته های دور ، یعنی از آن
آوانکه هنوز تاریخ به مفهوم واقعی
آن وجود نداشت یعنی قبل از تاریخ
کهنای از علم و نشانی از مدنیت موجود
نبود انسانها برای پوشش تن خویش
از پوست حیوانات استفاده میکردند . البته
طوری که تاریخ گواست انسان ها بیکه
در آنوقت پوست پوشش بدن میکردند .
لباس های پوستی آنها
شکل و ساختار امروزی را نداشته است
بلکه بیشتر به همان شکل طبیعی آن
استفاده میکردند ، تا اینکه با لایحه به
مرور زمان انسان در پرتو انکشاف ذهنیت
شان بشکر نامین و سایر پیشرفت های
پراگنده ، و موفق به بافت پارچه
گردیدند ولی در پهلوی این انکشافات
باز هم بشر و انسان های آن وقت
تقریباً به مدت یک قرن از پوست حیوانات
استفاده میکردند . بعضی با وجود
پیشرفت در صنایع باز هم پوست همشه
مورد استفاده قرار میگرفت . مردم ما طی
این مرحله به انواع مختلف از پوست
استفاده می نمودند که بیشتر آن بخاطر
حفظ جان شان از سرما بود . فرآورده های
بوستی بنام های پوستین ، پوستکی ،
چغری ، پوستینچه و همچنان موزه ،
چوس کلاه و غیره یاد میگردند . اگر
چه از پوست حیوانات امروز در سرتاسر
جهان استفاده های مختلف بعمل می
آید . بعضی انواع پونه ، موزه ها
بکس ها ، و دیگر وسایل چرمی اما در
فرآورده های ما بیشتر از پوست حیوانات
از چرم و پشم آن یکجا استفاده میشود .
از نظر حرفه ات یک لباس پوستی
باید چه اوصاف را داشته باشد ؟
این بستگی به ذوق و علاقه طرف دارد
که کدام نوع را بخواهد خصوصاً سی تی را
بیشتر دوست دارد ولی از نگاه فنی عقیده
من بر این است که او لا یات لباس پوستی
باید بوی نداشته باشد که در گذشته
بعضی از پوستین دوز ها یا بهتر بگویم
بوست فروش ها کمتر توجه در این
مورد داشتند و کی کنون این نقیصه از بین
رفته است و اکثر پوست های که عرضه
میگردد کوشش میشود به بهتر پس
و جیبی آتش داده شود و هم توچه زیاد
بعمل می آید تا پوستین و پوستکی با
پوستینچه ها و دیگر فرآورده های
پوستی بوی نداشته باشد .
امروز بسیاری از خریداران و علاقمندان
ان هم بیشتر به این دو نکته توجه دارند
که او لا یات پوستین خریده شده آنها بوی
نداشته باشد و ثانیا دارای رنگ مرغوب
و بخته باشد .
بقیه در صفحه ۵۶

نگارشی بر ادبیات شوروی

قسمت دوم

از همان زمان به بعد زندگی گورکی در بین مردم شروع گردید. ابتداء شاگردان او دور شدند، بعد نزد یکی از رسامان معروف دوری کرد. از آنجا به «والگا» رفت و در یکی از جای خانه های کشتی ظرف می زد و می پخت. در آنجا در خدمت آشپزی که «میخائیل کلیو» نام داشت کار میکرد. این آشپز توانست علاقه گورکی را بسوی ادبیات بکشد. «کلیو» و «یچ» هفت یا خود صندوقی بزرگی از کتاب را داشت و به گفته گورکی این کتاب در عجب ترین کتابخانه های دنیا بود. در این کتاب صندوق آثاری از نویسندگان معروف چون: گوگول، گلیب، اوسپنسکی، تکراسوف، والتر سکا و غیره وجود داشت. این کتابها جهان زیبا بی رابری گورکی گشت و داد و به گفته خود گورکی: «در آن زمان متوجه شدم که در جهان تنها نیستم و نا بود نمی شوم».

درین سالها گورکی مشغول کارهای مختلفی گردید: محاسب در تئاتر، شربت فروشی، شاکرد نانوا، حمامی، باغبان و غیره. کارهای بی شغلی بود که گورکی مجبور آنجا میگردید. در سال ۱۸۸۴ گورکی به کاران رفت و آرزو داشت سال به دو هفتاد آنجا بگذرد ولی به سبب آنکه به آرزوی خود نرسید.

گورکی درین زمان با روسکوان انقلاب دیدار کرد. مخصوصا با فردا سبکی که یکی از رهبران سازمانهای جمعیت «کازان» بود آشنا گردید. ابتداء این نویسنده با آثار دنیو گرات های انقلابی چون: «جریمسکی» «دوره لویوف» و «بشارت آسمانی» دید. بعد به مطالعه «ما» نیمت حزب کمونیست، نوشته مارکس و انگلس پرداخت. به بعضی آن سرمدانه «رکس» و «جیمز آتار» و مقالات لنین و ف. را مطالعه نمود.

دوسال ۸۸۹ در سپهر «نیروسی کورد» برای اولین بار گورکی را نسبت رابطه ای با حلقه های انقلابی به زندان انداختند. در سال ۱۸۹۱ گورکی به «تیلین» مهاجرت کرد و با انقلابی های راه آهن آن شهر رابطه برقرار نمود. در همانجا با یکی از رهبران انقلابی که بعد از چندین سال حبس تازه رها گردیده بود آشنا شد. گورکی بنا بر توصیه آن شخص، داستان «ما» را نوشت که در سال ۱۸۹۲ در جریده «حقارت» به نشر رسید. این اولین اثر نشر شده ماکسیم گورکی بود. در آن سال در صفحات روزنامه ها و مجلات داستانهای دیگر گورکی چون: «چلکاش» «پره زن غریب» و «عوبه» به چاپ رسید و آوازه شهرت این نویسنده در جهت در میان مردم روسیه پخش گردید.



شولوخوف

در مقابل استعداد و نبوغ تولستوی متر نظیم خم نموده بود و وی را یک عالم مذهبی می دانست. بعد ها گورکی در آثار خود تولستوی را با همه جهات خوب و بد آن ترسیم می نماید.

همراه با نوشتن آثار و فعالیت انقلابی گورکی هم اضافه تر میگردید. در شروع سالهای ۱۹۰۰ گورکی با «اسکر ایپا» (بلشو یکها) نزدیک شد و خواست با حزب بلشو یک کمک کند.

لنین رول فوق العاده بزرگ گورکی را در جنبش ها و مبارزات کارگری پر اهمیت شمرده و از وی مانند یک هنرمند بزرگ عصر پیشینیان می نمود. در سالهای ۱۹۰۶-۱۹۱۳ که گورکی در خارج روسیه بود، با نوشته های خویش در ارتقا مباحث نشراتی با بلشویک ها «سناره» و «معارف کمک فوق العاده زیادی را در راه اکتشاف هنر و ادبیات انجام داد».

در سال ۱۹۱۱ گورکی با «پتر» آشنا شد. مدتها گورکی با «پتر» این نویسنده و شاعر شادید تر گردید و بنابه دستور لنین به ایالت لیا سفر نمود. در ۱۹۲۸ گورکی دو باره به اتحاد شوروی برگشت. بعد از انقلاب کبیر اکتوبر این نویسنده آثار جدید و پراهمنی را نوشت که «زندگی کلیه سیمگین» «بادی از لوب» «تولستوی» «مقاله ولادیمیر ایلیچ لینن» آخرین قسمت اتو بیو گرافی خود «دانشکده های من» «نمایشنامه «ایگور بولیچوف و دیگران» و غیره. گورکی در داستانهای ریا لستیک خود نظم غیر انسانی جامعه یوزواری و فودالی روس و زندگی فقر انگیز آنرا ترسیم نموده است. قریبان این و حجت اجتماعی عا و تنداز: «ولگردها» «بی خانه ها» «زدها» و «کیمه» برها که زندگی شان فایضاد های اجتماع گردیده است. هه این داستانها نماینده ای از نظام فرسوده جامعه طبقاتی روسیه می نماید.

گورکی با مفایسه این فسرمانهای فقر و بد بخت که انسانهای با احساس و مهربانند و فرقی زیادی با «اربابان» و شیطان های مفت خوار دارند داستانهایی خیره را نوشته است. خصوصیت داستانهای گورکی اینست که وی رنجهای مردم را با نظام طبقاتی «سر مالداری» ربط داده است. داستان «چلکاش» یکی از نمونه ها ی بارز این داستانهاست. داستان «چلکاش» با منظره و مسح رتی یکی از بنادر کشنی را آغاز میشود. درین منظره صحنه غمگین و تراژیدی نهفته است. زحمت کشانی که وجود آورندگان همه نعمات و خوشبختی ها اند درین چاحتی از کو چکترین و ساریل زندگی محروم اند. به گفته لینن: «کمیتالزم سینه نعمات را شگافت و انسانها را برده های این دارایی ساخت».

درامه «بین» «گاوریل» و «چلکاش» در سیم کننده تضاد های زندگی است که بر پایه های خشونت و فبرو تضاد استوار است. گورکی سیمای چلکاش را بخوبی در پرچسته ترسیم نموده است. پدر چلکاش یکی از سرما به داران بزرگ قریه خود بود. گورکی از اینکه چطور چلکاش در اعناق اجتماع داخل شد چیزی نمی نویسد. چلکاش پیشروی خواننده مانند یک و لگرد و دزدی که مستعد به هر جنایت و کار خطرناک است قرار دارد. ولی در وجود چلکاش حس و کرامت انسانیت نمایان است. وی از سرمایه خردی و قدرت پول نفرت دارد. وی پس از هه آزادی قری را دست دارد. زمانیکه گورکی و ریل سر خود را در میان چلکاش بخاطر پول خم می نمایند درین موقع چلکاش با خود میگوید: «هر قدر دزد و لگرم و از هه آثار رب جسدانم، ام ولی هرگز چنین پست و خسیس نخواهم شد».

دیگر فرانسه نیز ضد دخالت های ممالک خارجی در شوروی در آن امضاء نموده بودند.

در پانزده سال اول بعد از انقلاب کبیر اکثر نویسندگان بزرگ جهان چون برناردشو، جان رید، تیودور دیزلر، پولیس فریچ، رومن رولان، هنری بریوس، اوبی ارگون، راندنات ناگور و عده دیگری از نویسندگان بزرگ به اتحاد شوروی سفر نمودند.

انقلاب کبیر اکتوبر و ادبیات شوروی :

انقلاب در مقابل هر هنرمند سوالی را گذاشت که او باکیست ؟ باخلفای انقلابی یا ضد ایشان ؟

بعضی از نویسندگان که مخالف انقلاب کبیر اکتوبر بودند، بعد از موفقیت انقلاب به خارج شوروی پناه بردند .

مایاکوفسکی در اولین روز های انقلاب قلم بدست گرفت و با نوشتن مقاله «فرمان شماره دوم لشکر هنر متدان» به مبارزه علیه دشمنان انقلاب برخاست . همچنان دیمیان - بیدنی با اشعار انقلابی و سرافیویچ با داستان های خوش، همیگی خود را با خلمبا نشان دادند . اناتولی واسیلویچ لوناچارسکی رول بزرگی را در اعمار ادبیات شوروی بازی نمود . الکساندر بلوک شعر «مواژه» ی خود را بخاطر انقلاب سرود .

زیر درفش انقلاب کبیر اکتوبر آثار نویسندگان شوروی انکشاف نمود .

ماکسیم گورکی درین این نویسندگان مقام اول را دارد زیرا او را می توان حتی قبل از انقلاب به مثابه بیان گذاران ادبیات پرولتری شناخت .

گورکی در یکی از نامه های خود که در سال ۱۹۱۸ در روزنامه «پراودا» نشر کرده بود، نویسندگان و روشنفکران را چنین دعوت نموده است :

«با مایاکوفسکی اعمار زندگی نوین بییونید، برای زندگی که بخاطر آن مبارزه می کنیم، با ما بییونید علیه نظام کهنه، بخاطر زندگی آزاد و زبیا» .

ولادیمیر مایاکوفسکی در سالهای جنگ داخلی با اشعار انقلابی خود مردم را بخاطر دفاع از دست آورد های انقلاب کبیراکتوبر دعوت کرد .

مایاکوفسکی در ۱۸ جولای ۱۸۹۳ در فیه بغدادی عمر جوان که فلا بنام قریه مایاکوفسکی بادی شود تولد یافت . وی در ۱۹۰۲ شامل مکتب گردید .

انقلاب ۱۹۰۵ را از نزدیک مشاهده کرد و حتی می توان گفت که وی درین انقلاب شرکت داشت . زیرا در تمام تظاهرات و مشتک ها هم می گرفت و اشعار را که خواهرش لودمیل از مسکو با خود می آورد درین مشتک ها قرائت می نمود .

در سال ۱۹۰۶ مایاکوفسکی پدر خود را از دست داد و مادرش با فرزندان خود به مسکو آمد .

(ادامه دارد)

تیلو نا آهسته آهسته با کار های ادبیاتی نزدیک می شود . وی ادبیات متخی را در سن کارگران بخش می کند . اگر در ابتدا کار های انقلابی را به خاطر کمالات با پس خود انجام میداد بعد ها به خاطر عصبه و سختی که خودش درین راه پیدا کرده بود ، این کار را رانی نمود .

در اول ماه می تیلو نا همراه با پسرش در صنف اول قضا هر کتندگان قرار می گیرد و میداند که بخاطر کدایم حضرت بزرگ میارزه می کند . به گفته دولابین عضو برجسته حزب کمونیست همپا : «مادر» گورکی سمبول همه مادران کارگران جهان و مادران همه انقلابیهاست .

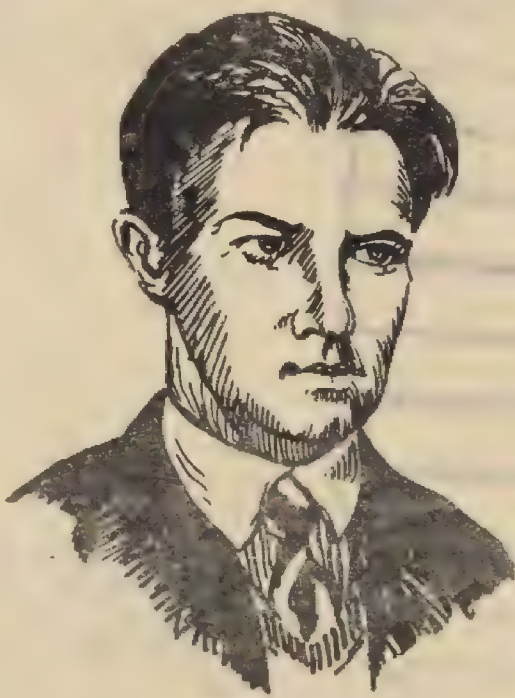
انقلاب کبیر اکتوبر تأثیر بزرگی بر سال ۱۹۱۹ بود که هفتاد نفر از روشنفکران

می کنند وی در مقابل اعضای محکمه نه مانند بکنفر محکوم بلکه به حیات دشمن سر سخت حکومت و ساخنمان کهنه و روزاری صحبت می کند :

ما سو میا لیست ها هستیم ، شعسار ما اینست : هرکس بر ما لکنت شخصی همه چیز برای ی خلق، همه قدرت بدست میبرد برای همه کار میخواستیم ، ماکار گسرا

بروز می شویم . ایدال های سیاسی و انقلابی با و را به یک کارگر کمونیست و انقلابی که جمعیت بزرگی را رهبری نموده بد تبدیل نموده است .

گورکی درین زمان سیمای پلاکی تیلو نا را هنر متدان به ترسیم نموده است . وی در مقابل خواننده چون زن لاغری - ضربه های خشم و غضب خورده شده است و زندگی اش اسیر پنجه ظلم و ستم بوده



مایاکوفسکی شاعر بزرگ اتحاد شوروی

آرزوی پولدار شدن ، «گدا و بیل ساده و پاک را به جانب می کشاند وی پسر ساده یی است حرص ، وی را تا حای می کشاند که نزدیک است چلکا ش .

معروفترین اثر ریالیزم سو میا لینی «گورکی در مان» «مادر» است، گورکی در مورد نوشتن این امان حتی در سال ۱۹۰۵ فکر نموده بود ولی امان در سال ۱۹۰۶ نوشته شد و در همان سال منتشر گردید اما هیات سا نورو قسمت هایی از امان را سانسور کردند . در سال ۱۹۰۷ حکومت نزاری خواست ماکسیم گورکی را بسا نوشته این اثر که جنبه یرو با گندی داشت و مخالف حکومت آژمان بود محاکمه کند ولی خوبینا نه گورکی درین زمان درایتا لیا بود در سال ۱۹۱۷ «امان» مادر بدون سانسور به طبع رسید . اهمیت تاریخی این زمان در آن است که نویسنده درین اثر برای اولین بار در ادبیات جهانی منظره یی از مبارزات انقلابی کارگری را ترسیم نمود و سیمای کارگران انقلابی را نشان داد .

موضوع امان پرده بیدادی سیمای سیمای کارگران و مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر است . مبارزات شان ضد حکومت مطلقه نزاری .

نویسنده در شروع زمان داستان زندگی بی ارزش و پر مشقت پدر «پاول» را مختصر شرح داده است .

به گفته کالین ، ماکسیم گورکی در امان «مادر» برای اولین بار و جبره یک انقلابی طبقه کارگر را ترسیم نموده است . «پاول» ابتدا در مقابل خواننده نه مشا به یک کارگر بیچاره غای غا هر میس

بعد از مرگ پدر خود عیاش گردید . و نا و وقت های شب به خانه می رفت . زندگی پاول شباهت زیادی به زندگی پدرش پیدا می کند . غم ، بدبختی و بی مضونق . ولی زندگی پاول آهسته آهسته تغییر می کند . وی با ادبیات انقلابی و روشنفکران انقلابی نزدیک می شود .

درین جا گورکی میا حل مبارزات کارگران را به خاطر آزادی شان که با جهان بینی علمی در مقابل کا پیمای لیسم می جنگند . ترسیم می نماید . کتاب هسا جهان بزرگ را بر روی پاول می کشاند

و سمور انقلابی را در پاول بیدار می سازد احساس می گردد که چگو به پاول در مقابل به دلریج راه دشوار مبارزه را طی می کنند . شکست ها انقلابیها را از راهبرد

باز نمی دارد اولین قدم . نظا هر ات آنها بود بخاطر «ما» یی روز همیگی زحمتکشان جهان . از حلقه کو چک کارگران و روشنفکران انقلابی ، از پروتست مشترک ، بسوی مبارزات دسته جمعی ، اینست راه تاریخی طبقه کارگر روس که گورکی درین زمان آنرا ترسیم نموده است .

جریان مبارزات انقلابی با لای افکار پاول تا ثیر فوق العاده یی انداخت . نیکه پاول را توقیف می نماید و محکمه

است آشکار میگردد . وقتی این زن بی میرد که پسرش پاول کتابهای غیر قانونی را مطالعه می کند می ترسد .

فانونی را مطالعه می کند می ترسد . می اندازد و می گوید : «پاول ضد نزار است آنها یکی را کشته» که تیلو نا به

دلریج می داند که چه اشخاص می یابند و خوبی پسرش را احاطه نموده اند . موقعی که خانه شان از طرف زاندام مورد تفتیش قرار می گیرد ، گورکی حالت «مادر» را چنین ترسیم می کند : با ترس بطرف رنگهای زرد زاندام نگاه می کند و در سیمای زاندام دشمن بی رحم و سبی عدالی را می بیند و میداند که حقیقت طرف

کست .

شعرویتنام

(از انقلاب پیرو زمند سال ۱۹۴۵ تا پایان دوره جنگ مقاومت - سال ۱۹۵۴)

انقلاب اگست و جنگ مقاومت بر آفرینش هنری بزرگترین شعری ویتنام ناهلین عینی گذاشت. شعر نخستین سالهای جنگ متماثل به قهرمانی و حمله های شکوهمند بود و این به سبب آنکه همه محیط را عمل قهرمانانه فرا گرفته بود.

کافیت ، سرود های غم انگیز را درها کنید نفس بگیرید تا بلندتر فریاد بزنید «حمله !»

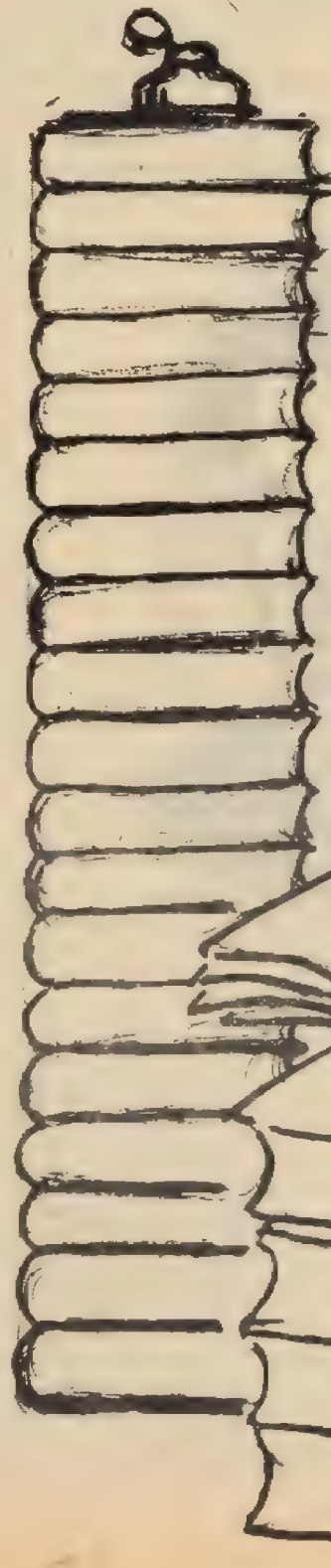
این سطرها را از شعر ولیم شان نقل کردیم (۱۸۸۸ تا ۱۹۴۹) و شعر می باشد واقعیت جنگ را مطالعه کنند و به تصویرگری رئالیستیک آن دست یابند ، مانند این شعر مین هیوی :

سر بازان باجامه هایشان در خواب اند بالای برگ ها بورایی نیست ... از بالا ، از میان ساقه های گندم باران میریزد ... و اینک شعر دمید .

جنگ قشنگی جایزای های سر بازان را ظاهر ساخت و در مقابل صنایع چران ناپذیری وارد آورد . شعر نگون دین نبی به نام «به سرباز شهید» که در سال ۱۹۴۸ سروده شده است بیانگر چنین پیامی است : درمه غلیظ بر لبه کلاه آهنین قطره های آب می درخشد

با صورتی آرام ، گویا به خواب رفته ای ... اما سینه ات به خون آلوده است وزیر پیراهن

سر بازیات زخمی است . مافراز آمدیم تا با تو وداع کنیم . ما اینجا در این جنگل از هم جدا می شویم ،



در حالیکه نمیدانم باز روزی در باز گشت ترا خواهم یافت ؟ نقش پاها که به گور تو راه مینمایند محو خواهند شد علف ها زمین را خواهند پوشید و بارانها به ها را خواهند شست .

تنگی ها در پنجه های مافشرده میشوند ، برای ادای احترام آتش و باران می افتیم . در دور دست شفق خوبین میدهد .

مرغان به نوا پرداختند . شب مپسری شد نیست .

مجموعه اشعار توهی او که در گرامر جنگها سروده شده بود در سال ۱۹۵۵ به چاپ رسید . یکی از منتقدین ویتنام درباره اشعار وی چنین داوری کرده است

«شعر او را هر کسی بخواند باید فراموش نخواهد کرد . در آن اشعار گوارایی آیهای معدنی هست که رهگذر میخواهد آنرا قافه سر بکشد .» اشعار مجموعه یاد شده اساس غنی و پرمایه لیریک مردمی دارد . منتهی ترانه های مردم در اشعار توهی او آنهنگ ترازویی حاصل میکنند . زبان ساده و روشن اشعار که می تواند با همه عمق ودقت آرمان شاعر را منعکس سازد از سروده های مردم گرفته شده است . طور مثال نودیکی به فولکلور در شعر «راه را خراب میکنیم» که در سال ۱۹۴۸ سروده شده است به خوبی دیده می شود ماه از فراموشی تپه ها با چشمان خمار آلود نگاه میکند

راه چون قیفه دراز سباهی پیچیده است هنگام کار خوهرا صمیمی اند . صد ها بیل بر زمین ! یک ! صد ها بیل بر زمین ! دو ! ما راه را خراب میکنیم . دشمن بر آن نخواهد گذشت ...

«ترانه اکتور» که در سال ۱۹۵۰ سروده شد در ویتنام معروف است . توهی او سرآمده این ترانه در نخستین بخش آن آهنگ گزاش رزمی با آغاز غنایی استادانه آمیخته است درسیاه چاه ها و هنگام صعود بر سکوی اعدام و گاهی که زیر رنگار گلوه های زهر آگین می افتند

مسین پرستان دلیرانه فریاد میزنند : «زننده باد اتحاد شوروی و زننده باد حزب ! با سر بلندی از پیروزی عظیم تو ما در راه دوستی از می و برادری اگست ویتنام

باقی ، اکتور شوروی تلاش میوزیم ! در مجموعه اشعار توهی او که ذکرش گذشت ترجمه هایی هم جای دارد که شهرت زیادی یافته اند . و همانا به یاری اسناداد همین شاعر سمیونوف سفنور نامدار شوروی با شعر های «منتظرم باش» ، «به خاطر داری الیوشا ...» و دیگر وارد رز شعرویتنام گردید . جان می اوتیونگ (متولد در سال ۱۹۲۶) : سراینده مجموعه شعر به نام «زمین در ماه اگست» هنرش را به تصویر گری زندگی داه اختصاص داد

بقیه در صفحه ۵۴

کشورهای آزاد شده و مسئله ارضی

مسئله ارضی یکی از مسایل کلیدی رسد اجتماعی و اقتصادی کشور های آسیا، فریقا و امریکا ی لاتین است. سرعت رشد اقتصادی و دور نما ی اقتصاد مستقل به حل این مسئله وابسته می باشد. حل مسائل اساسی رشد سیاسی، اجتماعی و کلتوری کشور های تازه به استقلال رسیده نیز بسته به ساحه ارضی است. کشورهای روبه انکشاف در برخورد با مسئله ارضی به مشکلات قابل ملاحظه مواجه می گردند. حلقه های امپریالیستی بی گو شدن این مشکلات را استثمار نمایند از خروج کشور های که جنبش های رهائی بخشی ملی در آن اوج گرفته است از دایره سرما یه داری جهانی جلو گیری نموده یا شدند، و به اساس آن ایدیولوژی های آنها تصورات گوناگونی را خورده فروشی می نمایند مثلاً شما چنین تصوراتی که بین غنما ندگی زراعتی کشور های روبه انکشاف و «کمتر» نفوس مگره زمین ارتباط نزدیک وجود دارد.

علوم عصری ادعا های را را جبهه به اینکه «کثرت نفوس» کره ارضی منبع عمده بحران زراعتی و بحران مواد غذایی است رد می نماید. تنها در حدود بازده فیصد سطح زمین (تقریباً یک و نیم هزار میلیون هکتار) به منظور امواد زراعتی مورد استفاده قرار گرفته است و هنوز از ۴۱ فیصد ساحات قابل آبیاری زمین استفاده بعمل آمده است. با تکنولوژی عصری، در حدود ۷۰ فیصد سطح زمین (در حدود ۱۰۵ هزار میلیون هکتار) به منظور زراعت می تواند بکار برده شود، در صورتیکه توجه جدی به استفاده از صحراها، شوره زارها و نواحی ایکه دایماباخ پوشیده شده مبدول داشته شود و زمین در دست مورد استفاده قرار گیرد امکان دارد بلیون هامردم تنها با محصولات زراعتی تغذیه شوند.

این تصور ایدیولوژی های غربی به همان اندازه اشتباه است که قانون تنقیص قابلیت زرع زمین یا تنقیص ظرفیت زمین را به پیش می کشند، که در واقعیت امر ناشی از تنظیم غنا یه آمیز ما لکیت

خصوصی زراعت است، آرا «قانون مطلق» طبیعت جلوه میدهند. اما طبیعت از چنین «قانون مطلق» اطلاعی ندارد. در عین تنقیص ظرفیت یا «تنه شدن» زمین عوامل دیگری وجود دارد. چنانچه رهبر اثرنا سیو- نال اول می گوید: سرمایه داری چنان تخنیک را رشد میدهد که منبع همه ثروت را (زمین و کارگر) تحت شعاع قرار میدهد.

در حال حاضر جهان ۳۴ فیصد آن مقدار را از زمین بدست می آرد که اگر از علم و تخنیک استفاده موثر بعمل آید میتوانست تولید شود.

تکار بردن دانش علمی و تخنیک به حد کافی حاصلات زراعتی و تولیدات دام پروری را بالای برد. اما این حادثه به رفورم های مناسب اجتماعی و اقتصادی نیاز دارد که بصورت دوست با رشد اقتصادی، علمی و تخنیک کشور هر بوطه هموار گردد در غیر آن تمام تخنیک های پیش بینی های علمی و تخنیک چیز تصور چیزی دیگری نخواهد بود. طور نمونه می توانیم از «انقلاب سبز» نام ببریم.

چنانچه همه میدانند، این انقلاب بسبب رشد قابل ملاحظه تولید گندم، بطور مثال در بسیاری از کشورهای اروپایی و امریکا ی شمالی گردید. اما با این هم تنها دور نما ی علمی و تخنیک استعمال انواع جدید تخم گندم، برنج، تخنیک های جدید زراعت و غیره برای کشورهای آسیا، فریقا و امریکا ی لاتین مبنی بر خوشبینی بود. نتیجه اش در بسیاری واقعات نسبتاً کم بوده است و بهتر یسن حالات، رشد تولیدات زراعتی در عده از کشورهای آسیایی با تزیاید نفوس در تساوی قرار گرفت. حلو سطحی مصرفی فی نفر پائین تر از میزان مصرف زیست گذرانی باقی ماند.

عین همین وضع در فریقا با نفوس ۴۰۰ میلیون مشاهده می شود. به اساس احصائیه اف. آی. او (سازمان غذائی و زراعتی ملل متحد) تزیاید اوسط تولید غذائی در فریقا طی سالهای ۱۹۷۱-۱۹۷۵ به ۵۰ فیصد بالغ گردید، اگر سرعت تزیاید نفوس در نظر گرفته شود این رقم هر سال به ۲۱ فیصد سقوط نموده

ست. در نیم اول سالهای ۱۹۷۰ زراعت غذا توسط کشورهای فریقا مسه رابر شد. بعبارة دیگر «انقلاب سبز» هنوز قسمت اعظم نفوس فریقا را تحت تاثیر قرار نداده و به شکل خواهد توانست وضع را تغییر دهد تا و تخنیک تحولات اجتماعی لازمه صورت نگیرد و برای استفاده از دستاوردهای علمی و تخنیک شرایط مهیا نگردد.

یک بررسی علمی: در سالهای اخیر مطالعات جدیدی در ادبیات تئوری علمی به ظهور پیوسته و تهر اقتصاد کشورهای رو به انکشاف را از دیدگاه تازه مورد بررسی قرار داده اند. قبل از همه این مطالعات، اقتصاد متعدد الشکل و تصورات رشد سرما یه های وابسته را که به عقیده ما، برای دانستن و درک جریانات عمده در زراعت کشورهای آسیا، فریقا و امریکا ی لاتین موضوع کلیدی است احتوا می کند.

از نقطه نظر مناسبات اجتماعی، تصور اقتصاد متعدد شکل به تشخیص شکل یا ساختمان عمده اقتصادی نیازمند است اخیراً

سرما یه داری در اکثر کشورهای رو به انکشاف چنین شکلی داشته است. سرما یه

داری جهانی در رشد اقتصاد ساختارهای مختلف اقتصادی کشورهای تازه آزاد شده ای که قسمت گیری سرمایه داری دارند تا تاثیر قاطع دارد. ساختارهای اقتصادی ما قبل دوران صنعتی با دید به حیث بقایای گذشته مورد بررسی قرار نگیرد بلکه نتیجه رشد سرما یه داری جهانی نیز با بسد بصورت شود.

بر خلاف گذشته، و تخنیک کشورهای مستعمره وابسته به حیث منابع مواد، به شمول مواد غذایی برای کشورهای صاحب مستعمره محسوب میشد، امروز مجبور اند مواد غذایی را از کشورهای سرمایه داری انکشاف یافته وارد نمایند.

قدرت های امپریالیستی تا مخصوصاً ایالات متحده امریکا، صدور مواد غذایی را به حیث یک اسلحه سیاسی برای تحت فشار قرار دادن کشورهای آزاد شده بکار می برند در نتیجه، کشورهای فریقا، طور مثال، در حالیکه به بازار سرما یه داری جهانی تولیدات زراعتی عرضه میدارند مجبور ساخته میشوند تا محصولات غذایی عمده مورد نیاز خود را تولید نمایند. این بدین معنی است که آنها کالای وابسته به نوسانات گاوچک بازار جهانی بوده و بار بزرگی بر تعادل تجارتی خا ر جی آنها وجود دارد، که بطور قابل ملاحظه ای تلاش آنها را برای بهبود وضع زندگی اقشار وسیع ساکنین آنجا، مخصوصاً دهاقین، خنشی می سازد.

برای عده زیادی از کشورهای رو به انکشاف، صادرات زراعتی هنوز هم منبع مهم عاید است. اما رشد صادرات زراعتی به مقیاس توسعه تجارت جهانی در مجموع بسیار عقب می ماند، لذا سبب صادرات تولیدات زراعتی کشورهای رو

به انکشافی در صادرات جهانی از ۵۷ فیصد در سال ۱۹۵۵ به ۳۰ فیصد در سال ۱۹۷۰ تنزیل نموده. با وجود تمام تلاش های که به سوی ملی و بین المللی بخرج میدهند، تولید زراعتی آنها در برابر رقابت مواد ترکیبی قرار می گیرد، بر علاوه، او با دید با قدرت تولید بسیار بلند کشورهای سرما یه داری و مانعه های زیادی تجارتی نیز هم چشمی نماینده.

یک راه حل ویالستیک:

مسئله ارضی کشورهای رو به انکشاف وقتی به دو سستی میتواند درک شود که از مو قف وابسته آنها در سیستم سرما یه داری جهانی آگاهی حاصل شود. تحکیم و استثمار امپریالیستی بر زراعت این کشور ها تا تاثیر تخریبی دارد.

استثمار بخش های ما قبل سرما یه داری و اوایل سرما یه داری اقتصاد، توسط انحصارهای امپریالیستی صلب ما لکیت مولدین مستقیم و بیگانه شدن آنها از وسایل تولید سرعت بخشیده، و سبب ایجاد یک اردوی نا داوان قسمی یا کابل مولدین روستائی گردید. اما اقتصاد عقب مانده برای تبدیل شدن

این مزد گیران با استفاده به پروتاریا یا هیچ شرایط مساعد ایجاد نمی کند و یانگه کمترین شرایط مساعد می سازد قسمت عمده نفوس روستا را در کشورهای آسیا و فریقا دهاقین استثمار شده و فستیر تشکیل میدهد که شیوه باستان زنگی را در پیش گرفته اند. آنها قطعه های کوچک زمین دارند که به شیوه کهنه آنرا زرع می دارند.

عقب ماندگی زراعتی کشورهای روبه انکشاف ناشی از این است که درین بخش اقتصاد نیرو های مولده بسیار عقب مانده بکار برده شده و اکثریت و وسیع نفوس پرکار جامعه را استخدام داشته اند، این عقب مانده گی مسئول حجم پائین بازده کشتا و وزی و مسئول رشد بسیار بطی آن می باشد. این بدان معنی است که فاصله میان نیازمندی روز افزون غذایی نفوس و لیا ز مندی مواد خام صنایع رشد یافته، از یکسو و میزان رشد زراعت از سوی دیگر رو به تزیاید است.

یک مشاهد غیر متعصب مجبور است چنین نتیجه گیری نماید که وضع زراعت کشورهای رو به انکشاف میتواند با تطبیق ثابت و پیگیر رفورم های اساسی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ای که در کشور های سرمایستی از حل مسئله ارضی تجربه شده است، تغییر یابد.

خاستا، تجارت جمهوری های آسیای میانه شوروی و همچنان مئوکولیا که خلق های آن از طریق راه رشد غیر سرما یه داری به سوی سیالیزم تایل شدند، لذا یانگه آنست که در عصر ما برای تنظیم و انسجام مولر زراعت در یک مرحله گوناگونی امکانا ث حقیقی بوجود آمده است. ختم.

هو چی مین که اسم اصلی آن (لگونین) تا د ن) می باشد در (۱۹) ماه می سال ۱۸۹۰ در قریه (کیم-لین) ناحیه (نام دان) ایالت (نگ آن) ویتنام در یک خانواده معلم چشم به جهان گشود.

هو چی مین در جریان مبارزه خویش چندین مراتب اسم خویش را تغییر داده است زیرا از طرف پولیس به طور جدی تعقیب می شد مگر از سال (۱۹۴۲) به این طرف به اسم آخرش که هو چی مین بود، ملقب گردید و در تمام جهان به این اسم شهرت یافت.

هو چی مین از ایلم طفولیت خویش تحت تأثیر اندیشه های انقلابی و مترقی به فعالیت پرداخت.

او در (۱۵) سالگی به عضویت جبهه دموکراتیک و وطنپرست محلی که در مقابل استعمار فرانسی ایجاد شده بود درآمد. جبهه مذکور با قاطعیت در مقابل استعمار فرانسی ایستاد.

از منابع خارجی

ترجمه لطیف

هو چی مین قهرمان نامدار و انقلابی ویتنام

استعمار فرانسی برای تسخیر ویرانه های ویتنام و برای تحمیل بر داشت و در لیس (دیو ک دان) به حیث اسبستان اینا وظیفه می نمود هو چی مین در سال (۱۹۱۱) از لیس مصلکی بیگون فارغ گردید و تصمیم گرفت تا به مالک خاچی سفر نماید. تا که بدین طریق با افکار مترقی و انقلابی آشنا می پیدا کند برای آرزو شدن همین مقصد در سال (۱۹۱۱) عازم فرانسه گردید و در فرانسه به حیث کارگر شرکت کشتی سازی مقرر شد. دیری نگذشته بود که عازم آفریقا شد و از کشورهای هسپانی، پرتغال و الجزایر دیدن نمود در این سفر کتاب مشهور خود را که (شکست استعمار فرانسی) نام دارد، نوشت. کتاب مذکور از طرف جوانان انقلابی مورد استقبال گسترده قرار گرفت. بعد از سفر آفریقا هو چی مین وارد لندن

گردید. در لندن ابتدا به حیث جارو کش و سپس در هتل (کارل سون) به حیث معاون آشپز انجام وظیفه می کرد. در نیمه سال (۱۹۱۴) هو چی مین لندن را ترک کرد و عازم ایالات متحده آمریکا گردید. هو چی مین آرزو داشت با جنبش آزادی بخش آن کشور آشنا می حاصل نماید. بعد از اینکه جنگ جهانی اول خاتمه یافت، هو چی مین به فرانسه رفت. در فرانسه بحیث عکاس ایفای وظیفه می نمود و در جریان آن به یک سلسله نشرات انقلابی پرداخت. هو چی مین نخستین شخصیت ویتنامی بود که از انقلاب کبیر اکتوبر به گرمی استقبال نمود و خاطر نشان ساخت که ایدئولوژی علمی طبقه کارگر یگانگانه راه نجات خلقهای تحت استعمار و استثمار است. هو چی مین در مورد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر یو چنین می نویسد: «اشعه زریں انقلاب کبیر اکتوبر بر ما نرسد»

انقلاب در خشان خلقهای ستمدیده پنج قاره جهان را در مقابل ظلم و استثمار به جنبش و حرکت در آورد.

در سال (۱۹۱۹) موقعیکه کنفرانس صلح در (ویرسایل) دایر گردید، هو چی مین به نمایندگی از وطنپرستان ویتنام دست خواسته های مردم قهرمان ویتنام را به کنفرانس مذکور فرستاد. کنفرانس (ویرسایل) به خواسته های آنان توجه جدی خود را جلب نمود و در خواست نامه آنها را در روز نامه سوسیالیستی فرانسه (لی پاریس) منتشر کرد و بدینترتیب جهان را به چنانیات استعمار فرانسی در ویتنام آگاه نمودند.

در سال (۱۹۲۰) هو چی مین در کنفرانس (کاترگس) ملی حزب سوسیالیست فرانسه که در (تور) دایر شده بود شرکت ورزید. هو چی مین نخستین شخصیتی بود که عضویت حزب کمونسیت فرانسه را بدست آورد. حزب مذکور بعد از کنفرانس (تور) تأسیس گردیده بود. و تئوریکه هو چی مین در فرانسه زندگی داشت، همیشه با آن تعداد از ویتنامی ها که در فرانسه می زیستند رابطه قایم کرده بود، با آنها سخن می گفت و آنها را به تیوری انقلابی و جنبش بیینی علمی مجهز می ساخت. هو چی مین به کمک رفقای انقلابی و مبارزان خویش کتاب ها، نسخه ها و رساله های انقلابی را به ویتنام می فرستاد تا که بتواند مردم کشور خود را بوشد استعمار کسور. نوی تصور یک نماینده در سال (۱۹۲۱) به همکاری رفقای خویش (اتحادیه خلقهای استثمار شده) را در پاریس تأسیس نمود. بعد از تأسیس اتحادیه روز نامه انقلابی راه نام (مظلومان) منتشر ساخت و خود به حیث مدیر روز نامه، خزانه دار و توزیع کننده آن روز نامه و طبقه خویش را با کمال صداقت انجام می داد. روز نامه مذکور بنا بر اندیشه انقلابی به زودی در ویتنام شهرت یافت. روز نامه مظلومان نظر به اهمیت انقلابی خویش، مطالب علمی و انقلابی را به تدریج می سپرد. روز نامه را جمع به اتحاد شوروی و انقلاب پیروز مند اکتوبر

و موفقیت سوسیالیزم در کشور شو راها. مقالاتی در مجسمی می نوشت و بدینسان جهان را به تیوری مترقی آشنا می ساخت.

هو چی مین در سال (۱۹۲۳) در آنستراسیو نال دهقانان شرکت ورزید و به حیث عضو کمیته اجرا تیوری اثرنا سیونال دهقانان انتخاب گردید. در سال (۱۹۲۴) بحیث عضو حزب کمونسیت فرانسه و نماینده کشور های استعمار شد. در این سال یک هیات وارد مسکو شد در پیچمین کاترگس جهان اثر نامیونال کمونسیت شرکت جست هو چی مین نظر به اینکه استعداد و لیاقت عالی داشت بحیث عضو بود اجرا تیوری دیپلوماتیک شرقی کاترگس کمیتران منتخب گردید و در سفر کوتاه اتحاد شوروی کتابهای مشهور خود را به نام های «جوانان» «چینی» و «نژاد سیاه» به رشته تحریر در آورد.

هو چی مین به صفت یک انقلابی و ملی و وطنپرست، بسا عزم و سخاوت علمی فرا گرفتن هر چه عمیق تر جهان بینی علمی وایدولژی فوراً تمام طبقه کارگر برآمد که بعد از این حصه در کتاب مشهورش به نام «راهی که بسوی جهان بینی علمی رهبری ام کرد» چنین خاطر نشان می سازد:

«نخست و وطنپرستی رهبری ام کرده که به رهبری پروتاریا جهان اعتقاد پیدا کنم. اثر لاسیونال سوم قلم به قلم در جریان مبارزه و فعالیت عملی با رفقای گرفتن جهان بینی علمی تدوین حقیقت را برای رسم ثابت ساخت و پی برهم که یگانگانه راه نجات خلقهای جهان، ایجاد جامعه بدون استثمار و بدون طبقات است که ملت های محکوم جهان را به سوی افق های روشن رهبری می کند».

در ماه دسامبر سال (۱۹۲۳) هو چی مین، عازم کاتون شد تا «سازمان انقلابی خلق ویتنام» را تأسیس نماید. در جون (۱۹۲۵) وی «اتحادیه انقلابیون جوان و متحد ویتنام» را تأسیس کرد و به اعضای اتحادیه هدایت داد تا هر چه بیشتر جهان بینی علمی وایدیولوژی دورانساز طبقه کارگر را پخش و کلیه عناصرو وطنپرست و ترقیخواه را در یک سازمان واحد منسجم نماید.

در سال (۱۹۲۷) هو چی مین، رساله مشهور خود را به نام «راه انقلاب» منتشر ساخت. در این رساله وی خط مشی خلق ویتنام را تعیین کرد. بعد از آنکه چاکتای شیک در چین توسط کودتای نظامی به قدرت رسید، نه تنها بر ضد وطنپرستان چین بلکه بر ضد کمونسیت ها و میهن پرستان ویتنامی نیز مبارزه شدید نمود.

هو چی مین در سال (۱۹۲۷) حسب تصمیم کمیته مرکزی «اتحادیه جوانان انقلابی خلق ویتنام» به شانگهای مسافرت گردید و از اقامت کوتاه وارد ماسکو شد. از مسافرت اتحاد شوروی به زودی در کنفرانس صلح

و همبستگی بین المللی که در (بروکسل) انعقاد یافته بود، شرکت نمود و در ضمن از بعضی کشورهای اروپایی مانند فرانسه، جرمنی، سوئیس و ایتالیا نیز دیدن بعمل آورد. و در سال (۱۹۲۸)

وارد تایلند شد. در آنجا با ویتنامی های که در تایلند سکونت داشتند، ملاقات نمود و تصمیم گرفت که شد تا یک جنبش انقلابی دیگری را تأسیس کند. درین موقع مقامات فرانسی، در جستجو بودند تا وی را گرفتار نمایند، اما موفق نشدند. در سال (۱۹۲۹) مقامات فرانسی تصمیم گرفتند هو چی مین را نظیر به فعالیت های سیاسی اش به اعدام محکوم نمایند، همان بود که فیصله اعدام هو چی مین را در قیاس صادر نمودند.

در سال (۱۹۲۹) «حزب نوین ویتنام» به «اتحادیه جوانان انقلابی متحد ویتنام» به سه حصه تقسیم شدند و هر یکی از آنها بدو ن از اینکه اصول انقلابی را در نظر داشته باشند خود سرانه عمل می نمودند. درین وقت کمیته اجرایی اثرنا سیونال کمونسیت، طی نامه که عنوانی کمونسیت هندی و چین صادر گردیده بود چنین خاطر نشان نمود:

«این وظیفه بزرگ بر دوش شما انقلابیون مترقی هندی و چین است تا که یک حزب کارگری را بوجود بیاورید».

درین موقع هو چی مین وادهانگانگ شد در آنجا کمیته اجرایی حزب کمونسیت را تأسیس نمود و از کلیه نمایندگان سازمان های مترقی دعوت بعمل آورد تا کنفرانس را ترتیب نمایند. همان بود که در فیوری سال (۱۹۳۰) نمایندگان سازمان های مختلف، گرد هم جمع آمده و حزب کمونسیت ویتنام را تأسیس نمودند. حزب مذکور سیم به نام حزب کمونسیت هندی و چین شهرت یافت. هو چی مین در موقع کنفرانس نیز تأکید نمود که باید اولتر برای برقرار شدن دولت دموکراتیک ملی سعی بعمل بیاوریم و سپس کوشش های خود را برای ایجاد دولت سوسیالیستی وقف نماییم.

در پنجم جولای سال (۱۹۳۱) موقعیکه هو چی مین در هانگنگ به سر می برد از طرف مقامات انگلیسی دستگیر گردید و به دو سال حبس محکوم شد. بعد از سیری نمون دوره زندان نخست به (های) و سپس وارد (شانگهای) گردید. در سال (۱۹۴۳) برای بار سوم وارد اتحاد شوروی گردید و در آنجا برای گرفتن معایل سیاسی و برای بلم های ملی و استعمار کار میگرد.

در سال (۱۹۵۳) هو چی مین در هفتمین کاترگس جهان کمیتران شرکت ورزید و در اوایل (۱۹۳۹) وارد چین گردید تا از نزدیک با جنبش انقلابی ویتنام رابطه برقرار سازد. هو چی مین در تأسیس حزب کمونسیت چین سهم فعال گرفت و در اوایل سال (۱۹۴۰) هو چی مین وارد ویتنام گردید.

هو چی مین از سفر های که نموده بود، نتیجه فوق العاده ای بدست آورد که نتیجه سفر های خویش را در انقلاب ویتنام به بقیه در صله ۴۹

گا می يك حاد نه عا دی میتواند
مسیر زندگی يك انسان را دگرگون
سازد. این جریان بر ایلینا كه سه
خودش يك عكا سر عا دی وشوقی
بود و تازه بیست و هفت بهار زندگی
را پشت سر گذاشته بود، اثر وارد
کرد. وی با شرکت در نمايشگاه
عكس ها توا نسبت در برابر عكا-
سان حرفه یی دست و پنجه نرم كند
و در بین آنان جای پای برای یشس
بیا بد، یشس از آن وی در برج-
برق، كه يك كار غر عا دی برای
زنباست، مسغول به كار بسودو
فقط گاه گاهی كمره را برمیداشت و
به شكل تفریح به گرفتن تصاویر
می بردا خت. و قتیكه خبر و اعلان
تدویر این نمايشگاه را شنید بسا

آنكه به پیروزی یشس باور نداشت،
سعی كرد با شرکت در آن بختش
را بیاز ماید.
او یشس از آن هرگز در مسا بقه
عكاسی شرکت نكرده و جایزه یی
دریافت نموده بود، ولی به زودی
هبتادور اسنعداد وی را در هنر
عكاسی در یافت نموده و به اوجازه
دادند تا در بختس عكا سان حرفه یی
به مسا بقه بردا زد. پس از آن بود
كه برا یشس كاری در روز نامه یسی
پیشنهاد كردند.
او را میتوان يك عكا سبی خود
درس خوانده، خواند، شعرا و این
است: دراهت را در جنگل زندگی
باز كن! اودر جریان عمر كو تاهش
به چندین راه، هنری كام زده ولی

بقیه در صفحه ۵۲



عكاسی ایلینا

تصویر «علف هسا»

تصویر «زمستان و پشك»
عكاسی ایلینا



عكاسی ایلینا

تصویری بنام «تصویر خودی»

ترجمه کاو نده

تصاویری كه مسیر زندگی زنی را دگرگون ساخت



آزاد و دموکراتیک. بدین مفهوم که هیات موظف بدون احساس تفوق جو بی و عاری از هر گونه خود برستی به پرسش های ما پاسخ میدادند و بر موضوعاتی که مهم می نمود روشنی می انداختند.

اگر در مورد امتحاناتیکه در گذشته صورت می گرفت از دوستان و خواهران چیزی شنیده باشید آنها با این امتحان چگونه مقایسه می کنید؟

من درین باره در گذشته چیزهای می شنیدیم که انسان از شنیدن آن تنگ می داشت چه رسد به آنکه انسانی آنها را مرتکب شود ولی با تأسف باید گفت که زر پرستان و مقامات ذیصلاح خاین رژیم های گذشته واقعا آنها را مرتکب می شدند.

مثلا چه؟

مثلا اینکه آنها بنام ابریش (معیار شمول) رقی را که خودشان میخواهند تعیین می نمودند و برای اینکه نور چشمی های



گوشه یی از امتحان شمول به پوهنتون

کانکور پوهنتون یا لحظا تیکه باترس، امیدو انتظار شاگردان داوطلب توأم است



مریم عتیقی از لیسه رابعه بلخی

وابسته به عمال در بار را که همه دوره های تعلیمی را در عیاشی میگذرانند به بلند برین نمره کامیاب و به دلخواه خود آنها را شامل پوهنتون های مورد نظر ساخته باشند و چانس های طلایی را در اختیار آنان قرار داده باشند در بدل پول کامیاب می نمودند.

و حتی سوالات امتحان را قبلا در اختیار شان قرار میدادند که متاسفانه اکثر شاگردان لایق و مستحق نا کام شمرده می شدند و گناه شان هم این می بود که نه پول داشتند و نه واسطه! اما خوشبختانه اکنون چنان نیست پول واسطه و وسیله جایی ندارد

خوانندگان گرانقدر مجله ژوندون چنانکه میدانند چندی قبل امتحان کانکور صنوف دوا زدهم لیسه های شهر کابل توسط هیات موظف در پوهنتون کابل گرفته شد. خبرنگار مجله ژوندون با استفاده از فرصت سری به پوهنتون زده و از آنجا گفتنی های دارد. ببینیم که چه از معانی تقدیم فر هنگ دوستان می کند:

چرانی؟
- بعد از آن از عده یی از شاگردان خواهش نمودم تا در ختم امتحان بامن در پای صحبت نشسته و در باره چگونگی کانکور و موضوعات مربوط به گفت و شنود بپزدازند. در پایان امتحان نخست از مریم عتیقی می پرسیم:
خوب شما صحنه یی امتحان را چگونه یافتید؟
صحنه یی امتحان را نهایت

حل نمودن سوالات بود مخاطب قرار داده از وی خواهش نمودم تا خود را معرفی کند.
وی با صمیمیت خاص و لهجه مؤدبانه و مؤثر گفت: اسم مریم تخلص عتیقی و شاگرد صنف دوازدهم (ه) رشته ساینس رابعه بلخی می باشم.
- خوب حالا ضریرید بعد از ختم امتحان به سوا لایم پاسخ بگوئید تا در مجله ژوندون بچاپ برسد.

هنکا تیکه داخل صحنه یی پوهنتون گردیدم. فضا را ملوای سرور و شادمانی و سرشار از آرزو ها و امید به آینده یافتیم. شاگردان با تبسم های فرحت بخش از همدیگر پذیرای میکردند و با نثار بوشه های گرم یکدیگر را در آغوش میکشیدند. لحظه یی بعد دسته دسته سوی اتاقها تیکه جهت اخذ امتحان ترتیب و تنظیم گردیده بود به حرکت افتادند و در جاهای معینه اخذ موقع نمودند. در آنجا عده یی را مصروف حل نمودن سوالات و عده یی را هم در حال فال انداختن یافتیم و بعضی ها هم چنان در اندیشه و تفکر غرق بودند که گویی از ینکه ارزش وقت را نادیده انگاشته اند، ندامت می کنند.
درین میان شاگرد پراکله سرگرم

فقط لیاقت و استعداد خود شاگرد است که معیار قرار داده میشود نه چیز دیگر.

خوب شما کدام پو هنجی را انتخاب نموده اید ؟

انتخاب اولم پو هنجی طب و انتخاب دوم پو هنجی ساینس است.

چرا ؟

بخاطریکه به طب علاقه دارم و میخواهم از این طریق به هموطنانم خدمت نمایم.

به نظر شما یک داکتر باید چه خصوصیات داشته باشد ؟

یک داکتر باید رویه و کرکتر خوب داشته باشد بدین معنی که بتواند مریضش را نه تنها از نگاه جسمی بلکه از نگاه روحی نیز تدوی کند.

اقدامات اخیر دولت در مورد اینکه کلینیک های مجانی معاینات را دایر و هم عوض دوا یاتنسیت دوا ی جنر یک را رایج نمود به نظر شما چگونه است ؟

اقدام نهایت یک و انسان

همچنان در مورد ادویه باید گفت که در گذشته قیمت نسخه های مندرج ادویه از توان خلق ما بالا میرفت و اکثریت جامعه توان خرید آنرا نمیداشتند در حالیکه امروز ادویه جنر یک باعین خاصیت و تأثیر دوا ی پانت ، به ارزا ترین قیمت با اختیار مریض و مریضداران ما گذاشته میشود.

خوب مریم جان خدا نخواستہ اگر در کانکور پو هنتون نا کام بمائی بازچه خواهد شد ؟

هیچ، به وظیفه مقدس معلمی می پردازم زیرا رشته تحصیلی ام هم رشته ساینس است و من بخوبترین وجه از عهده این وظیفه انسان میشود که استعداد واقعی آنرا داشته باشد و هم باید بگویم که شاگردا نیکه در امتحان کانکور می نشینند نباید وار خطا و دست و پاچه شوند بلکه با روح آرام و عاری از تشویش بحل سوالات شان بپردازند که این امر شاگرد را در حل درست سوالات کمک خوب و شایسته یی مینماید.

بعدا می پردازم به صحبت با شورای انقلابی چه نظر داری ؟

فرمان شماره (۷) زن را از قید اسارت و خرید و فروش آزاد ساخت و حیثیت انسانی به آن قایل گردید چه در گذشته زن متاع وار خرید و فروش می شد و بحیث یک انسان ارزو و خواسته اش مد نظر نبود و

واقعی آن در راه خدمت به خلق و وطن از آن استفا ده نمایند.

به خوا هرات چه پیام وگفتنی ها دارید ؟

پیام به خوا هراتم اینست که اول باید وطن پرست باشند وطن را شرف و قربانی را در راه آن افتخار خود بدانند و دوم اینکه در انتخاب رشته هائی علمی تابش احساسات و تلقینات نشوند بلکه استعداد شانرا بطور واقعی در نظر داشته باشند و لوکه از دیدگاه بعضی ها مسلکی از نظر افتاده هم باشد زیرا پیشرفت و ارتقاء واقعی در مسلک هنگامی نصیب واقعی انسان میشود که استعداد واقعی آنرا داشته باشد و هم باید بگویم که شاگردا نیکه در امتحان کانکور می نشینند نباید وار خطا و دست و پاچه شوند بلکه با روح آرام و عاری از تشویش بحل سوالات شان بپردازند که این امر شاگرد را در حل درست سوالات کمک خوب و شایسته یی مینماید.



محمد عثمان از لیسه حبیبیه

شاگردانیکه دور و پیشم حلقه زده و به گفتگو می باشند . یکی از آنها را مخاطب قرار داده می گویم خود را معرفی کند .

میگوید : اسمم آسیه و کیلی و متعلمه لیسه آریانا می باشم . شما کدام رشته را امتحان می دهید ؟

می گوید اجتماعات را . چه انگیزه باعث شد تارشته اجتماعات را انتخاب کنید ؟

نظر به علاقه ایکه به رشته اجتماعات داشتم و هم باید گفت

آسیه وکیلی از لیسه آریانا

در بازار داو طلبی هر که بول زیاد می پر داخت به آن تسلیم داده می شد وحق آه کشیدن نداشت . ولی اکنون چنان نیست و حق و حقوق زن و مرد در همه ساحات یکسان است که این بهترین ارمغانی در پهلوی سایر ارمغانهای انقلاب ثور برای زنان افغانستان محسوب میشود .

به داکتر ها چه گفتنی داری ؟

داکتر ها باید احساس همدردی و انسان دوستی داشته باشند و علمی را که آموخته اند به شکل

دو ستانه است بدین مفهوم که در گذشته بعضی ها حتی علم را می فروختند و باوجود آنکه از خون همین مردم تغذیه و تربیه می شدند و هم مصارف دوره های تحصیلشان از جیب مردم پر داخته می شد باز هم در برابر خلق بی اعتنا می بودند و فقط بالای پول حساب میکردند و امروز جوانان مرفقی و وطن پرست ما که با خلق و میهن شان علاقه نا گسستنی دارند داو طلبانه در کلینیک های مجانی به معاینه و تدوی می پردازند .

یعقوب از لیسه انصاری

که پدرم تاریخ دان می باشند و کتا بهای زیاد تاریخ و جغرافیه را که کتا بهای پدرم می باشد مطالعه نموده ام از یثرو علاقه گرفتم نسا رشته اجتماعات را انتخاب و در آینده توانسته باشم معلم خوبی شوم ، تاریخ و جغرافیه تدریس کنم .

اینکه رشته ساینس را انتخاب نکرده ام جرات اینرا ندارم تانجیر شوم .

شاید قبل از اینکه داخل صحنه امتحان شوید از امنعات سالهای گذشته از دوستان خود نقل واتی گرفته باشید آیا امتحان امروزی شما بطوریکه معلومات داشتید بود و یا اینکه کدام تغییری در آن دیدم می شد ؟

قسمیکه از دوستان پرسیدم بودم امتحان کانکور پو هنتون به نظرم زیاد مشکل جلوه میکرد اما وقتیکه پارچه سوالات را پلست آوردم زیاد آسان و وقت کافی هم داشت که هر شاگرد ذکی می توانست بعد از حل سوالات بهار دیگر آنرا تکرار کند و چیزیکه نزد من مشکل بود وقت و سوالات ریاضی بخش اجتماعات بود چرا که ما میتوانیم فور مول های ریاضی را اختصار کنیم و هر سوال ریاضی نظر به فور مول حل می شود که شخصا خودم زیابا مصامین اجتماعات را خوانده بودم و سوالات ریاضی واقعا برای من و شاگردان رشته اجتماعات مشکل بود .

خوب آسیه جان شما کدام پو هنجی را انتخاب کرده اید ؟

در قدم اول ادبیات را ، می

خواهم تاریخ و جغرافیه بخوانم . اگر در پو هنجی مورد نظر خود موفق نشدید آیا سال آینده امتحان خواهید داد و یا چگونه ؟

اگر کامیاب نشدم به یکی از دوا یررسی کار خواهم کرد چرا که وضع اقتصاد دی ما آنقدر خوب نیست با آنهم اطمینان دارم که کامیاب شوم .

شاگرد دیگر یک اسم خود را محمد یعقوب شاگرد لیسه انصاری معرفی می کند در باره چگونگی امتحان کانکور امسال پو هنتون چنین میگوید :

قسمیکه قبلا در باره امتحان بقیه در صفحه ۵۶

انگلی کنگلی های خاکی کنگ

عبدالمعوم زیاده

مترجم: عبدالله سعیدی

الماس آب های آشامیدنی

در قشر زمین



جبل بایکال با عمق وسطی (۷۳۰) متر و عمق اعظمی (۱۶۲۰) متر

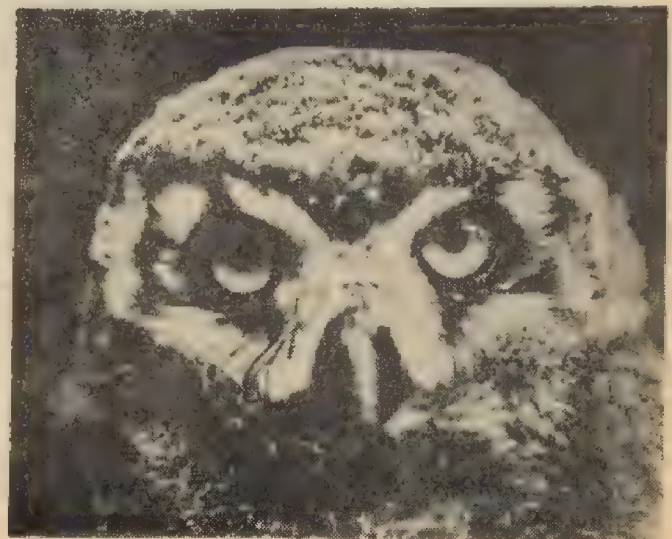
انگارا از جبل بایکال سر چشمه گرفته و از اطراف صخره ها دو باره سرازیر میشود. دریای انگارا در بزرگترین دریای سائیریا یعنی نیسی میرزد. در حال حاضر جبل خارق العاده در مرکز انکشاف سریع قوای تولیدی سائیریا قرار گرفته و بالای دریای نیسی وانگارا يك سیستم مکمل استیشن های برق آبی ساخته میشود. از طرف جنوب جبل راه آهن ترانسسیبرسک را احاطه میدهد. این راه اروپا را با اوقیانوس آرام اتصال میدهد و درین اواخر از قسمت شمال آن یکی از بهترین راه های آهن بایکال - آمور خواهد گذشت.

بافر - نظر داشت اینکه آب جبل بایکال و دریا های که در آن میریزند دارای اهمیت حیاتی میباشد چرا که آب های فاضله صنعتی مسکونی و غیره در آن بکلی منع می باشد. ارگان های بهداشتی کنترل شدیدی را درین قسمت پیش میرزد و سعی میکنند تا دستگاه های صنعتی که در آن منطقه وجود دارند از

جبل بایکال در قسمت جنوبی اتحاد شوروی موقعیت داشته و از عمیق ترین جبل های جهان بشمار میرود. عمق وسطی آن (۷۳۰) متر و عمق اعظمی آن (۱۶۲۰) متر می رسد. بایکال را اغلب بنام «مروارید آب های شیرین و آشامیدنی در قشر زمین» نیز یاد میکنند. آب جبل بایکال دارای خاصیت فلسوئی و منرالی کم و از اکسیجن بسیار غنی میباشد. در جبل خارق العاده بایکال قسمت پنجم آب آشامیدنی جهانی متمرکز میباشد. دیسن جبل بی نظیر از ۱۸۰۰ نوع فوسیل های حیوانی و نباتی یکپارده و صد آن یافت میشود و این رقم در جهان طاق است. انواع مختلف مایه ها در جبل بایکال موجود میباشد که وزن بعضی از مایه ها به یکصدویست کیلو - جبل از ۳۳۶ دریای کوهستانی تغذیه گرام میرسد. منابع و ازین تعداد تنهایی از آنها دریای

خنگلی کنگ

کنگ: دا لوتو نکو مرغانو له لسی خخه بو شانه پیکاری مرغه دی چه د شمی به نو و به کی له یو خای نه بل حسای نه الوزی. خیل پیکار کوی او دیر رو خنگلی مرغانو نیو او کی دیر چا است دی او دانا نه شانه شغی سترگی حساس او اوریدو نکسی غود و نه لسی. خنگلی چی نو مو دی پیکاری مرغه له چول چول خنگلی مرغانو، حشراتو، مویدگانو او دینی سوبانو خخه تغذیه کوی. همدا نشان یو لوی کنگ کوی لای شی مرغو می خنگلی یا بید یا بی پیکو تی به خیلو پنچو کی ونیسی او به هوا کی بی و الوزی. کله چی نو مو دی مرغه د شمی لخواوری شی سمد سنی له خیل خای خخه یا خیری او به هوا کی د خنگل به شاخو نو او د با لچو به سر کی الوخی تر خو چه یو مرغه «خوخلو دپاره پیدا کوی» هرکله چی یو خیل پیکار و مؤند سمد سنی هغه باندی حمله کوی او دخیلو غیتلو پنچو به واسطه بی وزنی او به خوخلو بی پیل کوی دخیل پیکار چول غری لکه پوستکی، هلو کی کولمی، لرمون اونور شیان خوری د شکار هغه بر خه چی دیر کلک وی او خوری



خنگلی کنگ

آبایی استفاده نمایند که چندین مرتبه تحت تعقیب قرار میگیرند. چندی قبل دولت شوروی غرض حفاظه هرچه بیشتر بایکال تصمیم دیگری یعنی برپا کردن و مرور سیاحین اتخاذ نمود. اکنون سیاحین در آن منطقه بطور گرویی به استراحت پرداخته میتوانند و آنهم دوسودنیکه اشخاص مجرب آنها را همراهی نماید. جبهیل بایکال غرض کشتی رانی نیز مساعد میباشد. برای اینکه جبهیل توسط کشتی ها کثیف نشود ریخت هر نوع مواد فاضله حتی لیم سوخته سگرت از کشتی منع میباشد و برای اینکه قطرات نفت از کشتی در جبهیل نریزد کشتی ها بطور مخصوصی نفت مورد ضرورت خود را میگیرند. در اطراف جبهیل بایکال زمین های زراعتی نیز وجود دارد. برای اینکه از اثر استعمال مواد کیمیاوی کدام آسبیبی رخ ندهد غرض محافظه نباتات و جلوگیری از حشرات مفسره

تربیفه بیولوژیکی مورد استفاده قرار گرفته است. جنگلات که در نواحی بایکال قرار دارند تا یک اندازه معین قسمی استفاده میشوند که نه تنها ضرر وارد ننماید بلکه منفعت نیز ببار آورد و ارزش های صحنی و زیبایی آن را بلند ببرد. برای اینکه اشجار تخریب نشوند قوانین معین غرض قطع اشجار وضع گردیده است و در نواحی که زاویه انحنای اضافه تراز پانزده درجه باشد قطع اشجار بکلی منع میباشد. چون جبهیل بایکال غرض توسعه ماهیگیری مساعد میباشد تصمیم گرفته شده تا غرض انکشاف هرچه بیشتر آن موقعا صید ماهی قطع گردد. در حال حاضر کار های علمی و تحقیقاتی ادامه داشته و فعالیت انسان را با محافظه طبیعت درین قسمت بطور جدی مطالعه می نمایند.



منظره ای از جبهیل بایکال

دایمل مومند ژاپانه

تشخیص د کمپیو تر پواسطه

دیوی و تو الکتریکی دستگاه به واسطه لونی بینشیه ای دروازی پرانستل گیری او د خلکو خور سل کمیزی پلی دهفی خخته نیر یزی. هغه کسان چه هلته ورنو خی دو مره دایر دا فکر نکوی چه گو ندی دا بو خاص عا جل کلینیک دی. اودا خکه جی هلته دیری بنا یسینه قالینی هو ساچوکی دایره سر سبزی پوره احتیاط او خاصو شی او دواکترانو دکوتو مفی ته دهنی مونی اوقطارونو نشتوالی دی. معاینات به معین وخت سره پیل گیری. هر ناروغ (کیمو نو) یو دپول مخصوص کالی او کناوی اغو ندی او وروسته دهفی جی د ناروغ نوم د کمپیو تر پواسطه واسطه ثبت شو نو موی کمپیو تر دمعاینات نو یوه مکمله دوره سرته رسوی او به واضح نو که د مریض حالت دیوی علامی پواسطه

منعکس کوی. یعنی یو دول عکس العمل بیکاره کوی. داتو ما تیکی معا یلو او سنجش پروگرام یو شمیر زیاتی مرحله لکه دو یسی تجزیه داد راو مصایسته، دزده اوسرود فعالیت کنترول، دویسی دوران، دیابصری او اوویدو حس، دتغذیه دستگاه، اوهدا رنگه په پنخو کی ماییتو لوژیکی او تر موگرافیکی معا ینی احتوا کوی. اتوما تیکی طبیی معا حبه په تیرو وختو کی دیاروغ پوره صحنی حالت بیتی. دستگاه سو پیچو نو ته په فشار ورکولو سره ناروغ بولی پوینتنو ته خوابونه ور کوی چه دایر دی پر مخ بیکاری او لی نتیجی د طب په مختلفو برخو کی دمتخصصیتو د نظریاتو سره یو خای د کمپیو تر حافظی ته ور سپارلی گیری. چه وروسته ددوی دپوره

خبر لو او تحلیل خخته یو واضح او هر ایزه خیزه را پور ور کولی گیری. به تیره چه کی یوه معاینه د داخله ناروغ غیو دوا کتر یوا سطره تشخیص او تو صیه. د تفصیل سره چی په را تلو نکی کی ناروغ خخته لاره غوره گیری یاپه بسل عبارت کو می تخصصی دقیق معا ینی یسا ندای ته ضرورت شته او که نه سر به رسیدی. د ۱۹۷۷ کال د جون په میاشت کی په (روسلاو) کسی دولمند کمپیو ترود مرکز دعا جلو طبیی تشخیصو نو دپاره چی دکاملا نو یو صحنی مرکز ونو خخته شمیرل گیری او تر اوسه پوری د نری په دپرو لیز وهیواد و نو کی پیژندل شویندی پراستل شو. ددغه مرکز نقش کنترول او په تیره بیا په دله ایزه تو گه نفو سود لو یو گرو بونو صحنی نظارت دی دغه معاینات په داسی پول تنظیم شوی دی چی دژوندانه داوردو په هرو دوو کلو نو کی تر سره گیری. دعا جلو ناروغ غیو د سمد لاسه تشخیص دمرکزونو دمنخ ته را تگ مفا هیم دلمری خل لپاره د ۱۹۶۰-۱۹۷۵ کلو نو تر منسج د ۱ مریکا په متحده ایالاتو کی ماییتو ته راغلل. وروسته ترهفی هو سوه داسی مرکز ونه تا سیس شویندی چی زیاتره بی دایر یکا په متحده ایالاتو او جاپان کی دی او همدانگه په چینو نورو هیواوو نو کی لکه بریتانیا او سویدن هم تا سیس شوی دی چی د تشخیص او سنجشی په وسایلو او کمپیو تر سمبال دی. هر یو ددوی خخته د هفی د نوعیت پوری اوده لری او د هفی د خرتکو الی سره

په ورخ کی ۲۰ خخته تر ۳۰ پوری ناروغان معا ینه کوی. په عین وخت یوه نوی صنعتی خانگه تاسیس شوی او مخ پسه انکشاف ده چی د طبیی وسایلو په تولید او تقدیم باندی تمرکز لری کومه چی دکمپیو تر سره د همکاری د پاره عیار شویدی

نو خکه (دولمند) دپرو تجربو دکو او اساسو مرکز ونو خخته گنل گیری اود همدی مقصد دپاره متخصصین خا رج ته طبیی سملا سی تشخیص رهبری مرکزونونه لیز دول شوی وو. دغه پیشقدمی دانتیگر (بوگملا و لایسو سکی) په هغه وخت کی په وروسلو کی د یو لیند دکمپیو تر د فابریکی مدیر او همدانگه داکتر (جائینا پسلاو سکا پرش) دورو سلوود ستر روغتون دمدیر له خوا چی د مخلی مقام توله خوا پوره دتایید وپوومنخ ته راغله (دورسا پسین) دصنعتی تا سیسا تو کار کوو لکی به دی حقیقت تشویق شول او خیل تیار یی خا رج ته دصا درا تی محصولاتو په زیاتوالی او شهرت د لاس ته راوپولو دپاره وینو د.

دوولمند مرکز دمنخ ته رانگ پسه لمری کال کی ۲۲ خلک و قا یوی صحنی کنترول لاندی ونیول چی د هفی خخته ۱۵۰۰ تنه ناروغان دزیاتو معا یینا تسو او خیتو سملا سی دتایید وپو دپاره روغتونو ته ولیز دول شول. ددو موی مرکز لوازم داجتماعی او اقتصادی له پلوه دپراهمیت لری.

وینیا نه سپی

وینیا نه سپی دپیش پرانگ له کورنی اوخوله لگونکی ژوی دی او په شمالی امریکا کی په خو دپوله پیدا کیزی. نوموړی سپی په دی وقتونو کشتی له پخوانه لږه موندل گیری او په اوتو ورونیو کی دپسر لوی مفلک او پچلی سوری چی گنیزی شکل ولری خانه جوړوی. دغسوری خکه د گنیزی په شان جوړوی چی ددورنیت په وقت کی دسیلابونو مغه ونیسی او له بلی خوا دغه سوری دیوینار پشان لوی جوړوی چی په زرگونو دغه شان سپی پکشی خاییری او په دله ایزه توگه خیل بچیانو سره په دغه خو نه کشتی خیل ژوند پای ته رسوی. او دشپی له خوا خیل دخونی په خوله کی ترسپاره غایی ترخو چی دخپل دینمن چی بازان، ماران، ایسی او داسی نور دی وویروی. نوموړی ژوی په کال کی له دو بچیا تسو پوری خیر وی چی دده بچیان تر پنخو میاشتمو پوری غنیزی اوهری خونه خفلی او شنی واپنه ده د خانگاری خوراک دی.

دغه وینیا نه سپی چی دشپی له خوا دخپلی خونې په خوله کی دغپ وهلو په حال کی لیدل گیری غواپی چی خپل دینمن وویسروی.



صحنه بی از رقص باله

ترجمه «زهدی»

کلتور در اتحاد شوروی

انقلاب کبیر سو سیالستی اکتوبر در تاریخ زندگی بشر یک واقعه بزرگ تاریخی محسوب می شود زیرا این انقلاب پر فیض، مردم روسیه زمان تزارها را از مصائب و شداید اجتماعی، اقتصادی و ملی نجات بخشید و برای نخستین بار سازمان کارگران و دهقانان تبارز نمود و این دو طبقه دوران ساز از استثمار رهایی یابی یافتند و از حاصل کار و دستر تیج خود، خود مستفید گردیدند و تعیین سرلوشت خویش را، بدست تواناوسا زند و خود گرفتند.

این میرهن ویک حقیقت است که هر سیستم اجتماعی دارای کلتور مختص بخود بوده و سیستم رژیم سو سیالستی نیز شکل بخصوصی دارد و انقلاب اکتوبر اتحاد شوروی کلتور سو سیالستی خود را تبارز داد. دولت اتحاد شوروی که بر اساس ملکیت عامه و تسلط کامل روی و سایل تولید بنیان گذاشته شده بدستور بر نسب های سو سیالستی به استعمار فرد از فرد پایان داد و آن شرایط اقتصادی را، بوجود آورد تا کلتور بدستور س عامه مردم قرار گرفته بتواند.

همزمان با انقلاب ۱۹۱۷ حزب کمونیست و موسمی آن لنین فیصله نمودند نایک کلتور درخشان سوسیالستی را تکمیل بخشند. در آن زمان بمنظور سازمان یبوزر مثلا نه یک سیستم سو سیالستی راهی جز بوجود آوردن انقلاب در ساحه کلتور وجود نداشت. برای حرکت ضرورت این امر باید گفته شود که زندگی مردم آن شوروی، با تنوع ملیت های آن، در زمان امپراطوری روسیا و تاشام انقلاب اکتوبر، از چه قرار بوده است. لنین در سال ۱۹۱۳ چنین نگاشته است:

«در هیچ کشوری بقدر روسیه، اعمال وحشیانه و ضد انسانی صورت نمیی گیرد. این جاستی و دست رتیج توده های مردم را بتاراج می برند و آنها را از نعمت سواد و دانش بی بهره نگه میدارند. زارعان در زیر یوغ ملاکان بزرگ قرار دارند و از هر گونه حق ملکیت محروم میباشند» خلقتها ی که در تحت سلطه زارهای روسی بسر می بردند همه دارای کلتور بودند و در بین سالیان، نوین و گان و آرتیست های معروف جهان نه

تنها اتباع روس مانند میخائیل لئونو سوف دی متری، مندلیف، الکساندر پوشکین چایکو فسکی وغیره شامل بسودند بلکه اشخاص با شهاستی مانند تاروس شف چنکو (اوکر این)، فرانسسکوف رلیا (بلو روس) شو تا استاد یلی (جارجیا) نظامی گنجوی (آذربایجان)، علی شیر نواهی (ازبک)، امایی کاتن بایف (قزاق) و امثال آنها کسان بودند که از کلتور سرزمین های شان نمایندگی میکردند.

امادر زمان تسلط و اقتدار تزار روسی شرایط طوری بود که کارگران وزارت عان بر علاوه ای که هرگز نمیتوانستند از کلتور شان برخوردار گردند از مطالعه کتب، شنیدن موسیقی و تماشا ی نقاشی های نمیب نگه داشته شده بودند. روی این منظور بود که تاشام روز انقلاب ۱۹۱۷ بیش از هفتاد فیصد مردم روسیه که شامل ۹۹ فیصد جمعیت آسیای میانه بودند در جیل و بی سواد ی بسر می بردند.

در سال ۱۹۰۶ یکی از روزنامه ها شکوه کرده بود که «برای مردم قسمت اروپایی روسیه یکصد و بیست سال بکار است تا با سواد شوند همچنان مردم قفقاز چهار صد و سی سال، ترکستان چهار هزار و شصت سال ضرورت دارند تا بیو ادی را از سر زمین های شان تابود سازند.

و وضعیت قبایل کوچی و مردمان سلب یبریا و کناره های شمال، شرق دور روسیه، از آنچه که گفته شد تاریک تر است»

بایست تذکر داد که سرنوشت زنان از آنچه که گفته آمدیم نیز مقشوش تر سیه تر بود. چنانچه قصه صوفی یا کوایف سکایا که یک ریاضی دان مشهور روسی میباشند زبان زد خاص و عام است و همه میدانند که با وجود یک ساینست معروف جهانی که اولین زن روسی بود با آنکه گواهی نامه دا کتری و انقلاب زیاد افتخاری را بدست آورده بود نتوانست در موسسات تعلیمی روسیه مقامی برای تدریس پیدا کند و مجبور گردید تا تحقیقاتش را دور از وطنش انجام دهد. این عقب افتادگی و افسردگی که توام با جمال بودن حق و حقوق زنان مسلمان در روسیه آن زمان بود خیلی موهوم و رقت بار بود.

زیرا مردها، به شمول پدران، برادران، و شوهران هر چه میل و آرزو داشتند بالای زنان انجام میدادند و زنان حتی حق شکایت را هم نداشتند.

در این زمان، مردها زنان را بفروش می رسانیدند یا حیوانات تابود لسه میکردند، شلاق میزدند و حتی او را می کشتند.

در تیاتر ها مردها نقش زنان را بازی می کردند و زنان را به آنجاها ندانستند.

از آنچه که گفتیم این حقیقت روشن می شود که جمهوری شوروی جوان بعد از انقلاب حق بجانب بود تا انقلاب جدیدی را در زمینه کلتور آغاز کند. اینکه از نگاه سیستم کمونیستی چگونگی این انقلاب کلتوری، صورت بگیرد لنین عقیده داشت

که ایجاد یک کلتور سو سیالستی بدون جذب کردن و تکامل بخشیدن، همراهی صفات خوبی که در کلتور و آرت، مردم زمان سابق وجود دارد امکان پذیر نمیی باشد.

وی اصرار می ورزید که ما باید تماما کلتوری را که امروز یا لیست ها از خود بجا گذاشته اند گرد آوریم و درونی آن کلتور سوسیالستی را بناء کنیم چه

مأموریم از کلتور سابق تمام سالی دانستن ها و معلومات سالیس، تکامل کوچی و آرت را کسب نمائیم زیرا بدون انجام این کار ما قادر نخواهیم بود یک سازمان کمونیستی را، بوجود آوریم. این معلوم میشود که کلتور سو سیالستی جدید از کلتور زمان سابق نه تنها جدایی کلی ندارد بلکه تمامی جنبه های خوب کلتور دو را نهی گذشته را در بر دارد. انقلاب کلتوری سو سیالستی نه تنها مجموع فعالیت های روشنفکرانه نبود و

متخصصان بدان اجازه بکارگران و زحمت کشان در مورد کسب معلومات و موفقیت ها در رشته ادبیات و آرت و تکامل و زی نماند. بلکه یک دگرگونی همه جا پرا، در همه ای آن چیزهای که گفتیم پدید آورد.

اما هدف اصلی انقلاب کلتوری جدید همانا پدید آوردن رنسانس کلی کلتوری بر اساس سیستم سوسیالستی کمونیستی بود و این کار ایجاد می کرد تا در طرز فکر خلق ها یک دگرگونی بوجود آید و مردم هر ناحیه دارای یک کلتور اساسی و منحصر بفرد نباشند و در میان تمامی جمعیت ها، شیوه تفکر مارکسیستی ایجاد گردد تا توده های مردم بتوانند آزادانه در کار دولتی اشتراک نمایند و در تمامی جنبه ها به پیشرفت های چشمگیر و درخشانی نایل آیند.

هر ملیت که دولت کارگری را تشکیل میدهد آزادانه، در تکامل اجتماعی و کلتور منجم سو سیالستی شرکت نماید و با لیسی کلتوری روسی و روسی سالی ختن خلقتها ی سر زمین اتحاد شوروی، در یک نظام سو سیالستی، تطبیق گردد

تلاشهای صورت گرفت که بزودی تا پنج مئتی از آن بدست آمد به حکومت اتحاد شوروی باید کردید تا زیادهای باوجود مشکلات و پرابلمهای متعدد سالیان بعد از انقلاب برای همه مردم، زمینه های مسا عدی خلق گردد تا آنها در تکامل کلتور خود، حصه بگیرند.

لنین نخستین فرامین حکومت اتحاد شوروی که بعد از انقلاب صادر گردید، تمامی خلقتها ی آن سر زمین پیرو هر مذهب و زهر قبیله که بودند از نعمت حقوق مساوی و آزادی های اجتماعی بر خوردار گردیدند و این کار منجر به پیشرفت روابط اقتصادی و کلتوری تمام مردم و ملیت های کشور پنا و شوروی گردید.

بشار بیخ ۳۰ دسمبر ۱۹۲۲-اولین کانگرسی متحده جمهوری های سالی سالی اتحاد شوروی اعلامیه ای در مورد تشکیل

دولت اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی به تصویب رسائید و در این اعلامیه طهارت عقیده را منع کرد که در این کشور جدید جمهوری ها، خیلی موفقانه پیشرفت نموده و روحیه برادرستی و همکاری که، در ماه اکتوبر ۱۹۱۷ بنیان گذازی شده بود در بین مردم پیش از این مستحکم گردیده است.

اتحاد شوروی در امتحان بیسودی از آغاز انقلاب اکتوبر بر کارهای خارق العاده ای را انجام داد و تا اواخر سال ۱۹۳۰ که مدت زیادی از انقلاب کارگری سپری نگردیده بود برای بلم های بیسودی را بکلی، از آن سرزمین از بین برد و در طول این مدت برای مردمی که از خود لسان تحریکی ندا شنیدند التماس ایجاد کرد و تمامی ملیت ها و خلقهای آن سرزمین فرست یا قتلند تا نه تنها اشکال آرت آموختن و گسترش آن بکوشند.

پالیسی ملی لیستیست در پهلوی ساروکارهای مهمی که انجام داد این زمینه را نیز مساعد کرد دانید که در یک مدت خیلی کم کشور تمام ملیت های اتحاد شوروی تا اندازه زیادی رو به تکامل برده و با هم در یک سطح مساوی قرار بگیرند و از آنها یک کشور حقیقی و منسجم خلقی و مردمی سوسیالیستی بوجود آید.

این کشور و عمومی جدید که بر بنای عمارت سوسیالیستی یا یگناری شده شکل بین المللی را دارا می باشد با وجودی که اشکال ملیت ها و رسم و رواج ها در آن متنوع است.

این کشور جدید دارای قوه آفرینش مشترک روشن بینی سیستم سوسیالیستی بوده و از پر نسبی های بنیادی مردمانشوروی، در مورد ادبیات و آرت و هنر نمایندگان و رشتیانی می کند.

لیونید برتوف منشی عمومی کمیته مرکزی دولت اتحاد شوروی، طی برگزاری مراسم پنجاهمین سالگرد اتحاد شوروی چنین اظهار داشت:

«طی پنجاه سال حکومت سوسیالیستی اتحاد شوروی، یک کشور حقیقی و منسجم سوسیالیستی تکامل یافته، در کشور گسترش یافته است.

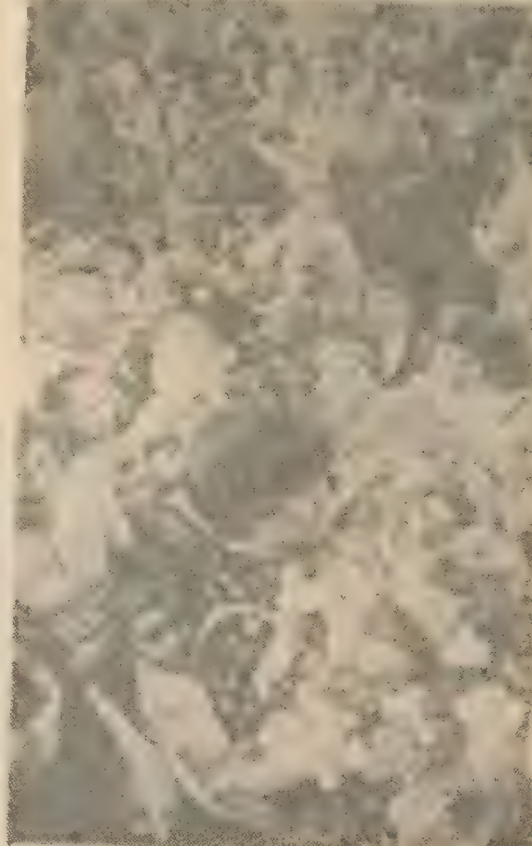
کلتوری که زیر بنای عقیدوی و روحی آن، با هم سازگاری دارد و خصوصیات با ارزش رسم و رواج های کلتوری نمایان ملیت های اتحاد شوروی در آن دیده میشود.

امروز کلتور ملی شوروی نه تنها بر ستونهای زیر بنائی خود استوار است بلکه در عین حال از مزایای روحی، همه ای ملیت های برادر نیز برخوردار دارد می باشد و کلتور سالت ملیت ها را، بر گز می سازد.

در اتحاد شوروی آنا نیکه میتوانند از راه اشیا و هنر نمایی ها نشان بدهد کلتور و آرت کشورشان خدمت نمایند و فوق العاده مورد احترام قرار می گیرند و دولت

اتحاد جماهیر شوروی و اتحاد به های دو-شنگرا ن، نو پسندگان، کمپوزها، کارگران، هنرمندان تئاتر و صنایع فیلم سازی، برای این چنین اشخاص، زمینه های مساعدی را برای کارهای اثر بخش آنها مساعد می سازد.

پیروزی های کلتوری کثیرالمللیت اتحاد شوروی، در جریان مراسم برگزاری پنجاهمین سالگرد اتحاد شوروی، چنان حیرت انگیز بود که انسان را بی مپها به تحسین و امید داشت و تماشاچی با تماشای لیاق و مهارت هنرمندان و آرتیستان باین حقیقت میرسد که کلتور ملی کشورشوراها، هنوز بسوی شگوفائی و تکامل سیر می کند و بزودی عالم گیر میشود. زیرا



استقبال از یک هنرمند در اتحاد شوروی

این کلتور توانسته است در پیشرفت کلتور سراسر جهان سهم بارزی داشته باشد و موفقیت شایانی را کسب نماید.

آرت و هنر:

آرت و هنر اتحاد شوروی که منعکس کننده زندگی و وضعیت های مردم آن کشور است مورد علاقه و استقبال فراوان مردمان سایر کشور های جهان واقع گردیده و تما سبای کلتوری بین-المللی کشورشوراها بعد از انقلاب کبیر اکتوبر رو به ترقی و پیشرفت بوده است. مثال بر جسته این پیشرفت و ترقی عبارت از موفقیت ها و پیروزی های بزرگ هنرمندان و آرتیستان آن سرزمین است که چند سال قبل از شهر های بزرگ

و پرفس اروپا و آمریکا بازدید به عمل آوردند و با هنر نمایی ها نشان مورد استقبال و تمجید، و صف نا پذیر مردم شهر های موصوف واقع شدند و از این هم بهتر اینکه موسیقی نواز معروف اتحاد شوروی ایمیل گلیل یا کوفلایر در سال ۱۹۳۰ بعد از اشتراک در مسابقه های بین-المللی حائز جایزه گردید و شهرت و محبوبیت جهانی کسب نمود.

امروز اتحاد شوروی با یکصد و بیست کشور دنیا روابط گوناگون کلتوری دارد و موافقت نامه های کلتوری را با ۶۴ کشور با مضاء رسانیده و سالانه بیش از پانزده هزار موسیقی نواز، نقاش و سایر هنرمندان شوروی از سایر کشورها بازدید بعمل می آورند.

ساشا چی و علاقمندان بیشمار دارند. چند سال قبل بیش از صد موسیقیدانان و سرانجام یکصد سی سمرو هنری و آرتیستان، از جمهوری های گوناگون اتحاد شوروی بخارج کشور مسافرت نمودند و با پیروزی ها و موفقیت های چشمگیری باز میگردند سالانه ده تا پانزده گروه هنری بهترین نمایشاتشان را، برای مردم ستاداران شان در سایر کشورها انجام میدهند.

در اتحاد شوروی از همه گونه و تمامی جنبه های آرت و هنر حمایت و پشتیبانی بعمل می آید و در راه تقویت و موفقیت آن، تلاش ها و کوشش های موثری صورت میگیرد.

روی همین منظور است که در پهلوی ارکسترهای سمفونی، پیانو نوازان، ویلونیست ها، هنرمندان تئاتر و سینما، تماشاگران کارکنان سرکس ها، تمامی هنرمندان و آرتیستان کشور مذکور به موفقیت های درخشان رسید و همواره تماشاچی و قابل قدر است نمایانگر این موفقیت ها و کامیابی های آنان نمایشات سرکس و هنرمندان تئاتر اتحاد شوروی است که در اکثر کشور های جهان، علاقمندان زیاد دارند و نمایشاتشان چنان با توانائی و بی نقص اجرا می شود که تماشاچیان را به حیرت و تحسین وامیدارد.

گروه هنری اوپرای تیاتر بالشوی با رهبر باریس، واداس، برلین و پائو، مانتریالو اوساکا، نمایشات جالبی را اجرا کرده اند چند سال قبل از گسترش ای مردمی و انسترومانتل اتحاد شوروی در پنجاه و پنج شهر آمریکا، کنسرت دادند که طر کنسرت های آنها از همه بیشتر آواها و ترا به های خلقی اتحاد جماهیر شوروی مورد علاقه و دلچسپی مردم قرار گرفت.

از سال ۱۹۶۹ باین طرف آرتیست های جوان شوروی در ۶۹ مسابقه بین المللی شرکت کردند و ۷۸ جایزه مهم و ارزنده را بدست آوردند در حالیکه تا قبل از آغاز انقلاب کبیر اکتوبر، تنها هنرمندان مسکو و لنینگراد حائز جایزه می شدند و هنرمندان سایر شهرها و نقاط اتحاد شوروی از اشتراک در مسابقات محروم بودند.

اکنون هنرمندان تمام نقاط جمهوری های اتحاد شوروی نظر به لیاق و هنرنمایی های شان، در عموم مسابقات بین المللی حصه می گیرند و برای کشورشان، مردمان و خانواده شان، افتخاراتی را کما می کنند در این اواخر، کارهای زیادی، در هنر های نقیسه اتحاد شوروی صورت گرفته و بیش از پیش توجه مردمان داخلی و خارجی باین صنایع تقیص معطوف گردیده است.

چنانچه از نمایشگاهی که غرض نمایش آثار نقیسه هنرمندان اتحاد شوروی و اولمپ کردن تکامل، تازه کلتور سوسیالیستی ملیت های مختلف مردم اتحاد شوروی در اوساکا دایر گردیده بود ۲۸ میلیون نفر با علاقه فندی فراوان دیدن نمودند.

ما بخاطر صلح و آزادی

مبارزه می کنیم



صادق عضو دفتر سیاسی جبهه پولیساریو

جبهه پولیساریو از جنگ اشغال-گران اسپانیا نوی آزاد سا ختنه در فبروری سال ۱۹۷۶ دست به تشکیل دولت جمهوری مستقل دموکراتیک عربی صحرا زدند و ما مبارزین تصمیم گرفتیم تا آزادی کامل و پیروزی نهایی به پیکار خویش ادامه بدهیم.

ما با چشمان خود سیاست قلع و قمع دسته جمعی اهالی را با استفاده از نا پالم و غا سفور مشا عده کردیم آن روز های خیلی دشوار خلق ما بود که مجبور شدیم از هر محلی که شده پیکار تلاش ضد استعمار را به پیش ببریم. نیرو های رهایی بخش ملی ماتحت رهبری منشی عمو می جبهه الف.ی. مصطفی سید به نبرد گسترده ای علیه نیرو های مراکش و موریتانیا پرداخت.

طی چهار سال ستیز بی امان قوای دشمن از نظر نیروی انسانی و تجهیزات جنگی صدمات زیادی متقبل شد و عملا ده منطقه بزرگ میهن ما آزاد شد.

مسأله صحرائی غربی در سطح بین المللی نیز زیر نظر مداوم قرار داشته و در سازمان وحدت، آفریقا، سازمان ملل متحد و در کنفرانس های کشور های پیرو نهضت عدم انسلالک با بر خورده حمایت گرانه از مبارزه خلق مسا فیصله ها و تصاویری به عمل آمده است.

این سازمانها از حق خود ارادیت و تعیین سر نوشت و استقلال ملی خلق عرب صحرا همیشه جا نبداری کرده اند.

در آخرین جلسات اسامیه سران دول یا حکومت سازمان

و در برابر اشغالگران اسپانیا نوی اسلحه بدست گرفت. بعد از انتشار نخستین بیانیه سیاسی، رهبری جبهه آزادی بخش دست به عملیات جنگی علیه استعمار گران زد.

در عمل بستن بر نامه فعالیت ملی مصوبه کنفرانس های اولسی و دو می پولیساریو، جنب و جذب جبهه را بالا برد و پیکار رهایی بخش خلق عرب صحرا ساحه گسترده تری را احتوا نمود. بعد از مبارزات آتشین و جنگ های خونین سه ساله استعمار گران

اسپانیا نوی عملا از سر زمین عرب صحرا رانده شدند. باید در نظر داشت که جبهه پولیساریو با وجود برتری نظامی نیرو های دشمن، مقدار کافی اسلحه و مهمات نظامی معاصر و حمایت رژیم های ارتجاعی منطقه توانست در مدت کم (سه سال) به پیروزی های بزرگی نایل آید.

اشغالگران با وجود شکست عملی حاضر نشدن به پیروزی نهایی خلق عرب صحرا سر تسلیم فرود آورند. از پیرو اسپانیا در سال

۱۹۷۵ معاهده ای را با شرکت مراکش و موریتانیا پیرا منون انقسام کشور ما و منابع طبیعی و غنای ملی ماسر هم بندی کرده و بدین ترتیب جنگ تازه ای را با اتحاد نیرو های مراکش (المغرب) موریتانیا و خود اسپانیا به خلق عرب صحرا تحمیل نمود.

س - وضع بعد ازین معاهده که با شرکت دو کشور همسایه تان عقد گردید چگونگی دستخوش دیگر گونی شد؟

ج - خلق ما بعد از آنکه بخش بزرگی از میهن را تحت رهبری

یکی از پرا بلم های میرم بیسن-المللی در عصر کنونی معضله صحرائی غربی است. این مساله در مجامع بین المللی مانند سازمان ملل متحد و سازمان وحدت آفریقا نیز مطرح گردیده که فیصله نامه هایی به تأیید از حل صلح آمیز این معضله صادر گردیده و از حقوق تعیین سر نوشت صحرائی غربی بدست خلق آنجا جا نبداری شده است. بهمین ترتیب این موضوع در مذاکرات بین اتحاد شوروی و ایالات متحده نیز مطرح گردیده و هر دو کشور طر فدار ی کامل خویش را از خلق عرب صحرا در مذاکرات هر ده سپتا میر ۱۹۷۹ اعلام داشته اند.

خبر نگار اختصاصی نیو تایمز در الجزایر با م، الف، صادق عضو دفتر سیاسی جبهه پولیساریو معاون ارتباط خارجی سازمان و عضو شورای ملی صحرا مصاحبه ای به عمل آورده که تقدیم خوانندگان عزیز می گردد:

سوال - ممکن است پیر سم تادر مورد تاسیس جبهه پولیساریو و پرا بلم های را که در پیشرو دارد معلومات ارائه نمایند؟

جواب - پولیساریو، مخفی نام سازمان ما بزبان اسپانیا نوی است یعنی: جبهه خلق برای آزادی (سیگت) (الجامر) و (ریودی اورو) این جبهه به تاریخ دهم می سال ۱۹۷۳ با شرکت فعالین ملی و انقلابی بمثابه سازمان رهایی بخش نیرو مندی بوجود آمد.

اولین بیانیه که جبهه انتشار داد هدفش را آزادی خلق عرب صحرا از زیر یوغ استعمار اسپانیا اعلام داشت که تسلط اسپانیا نیم قرن کامل را احتوا نموده بود. شعار پیکار بخاطر آزادی، حق حاکمیت تمامیت ارضی را به پیش کشیده

وحدت آفریقا در مونروویا از مبارزه خلق عرب صحرا طر فدار ی شده که خوش بینی جدید، به خلق و نهضت رهایی بخش ما می باشد. بهمین ترتیب چندی قبل در کنفرانس سران دول و یا حکومت غیبر منسلک منعقد ها وانا روی حق خود ارادیت و تعیین سر نوشت ما پا فشاری صورت گرفت. جمهوری دموکراتیک عربی صحرا وی رانا نیمه سپتا میر سال جاری، ۲۲ کشور جهان و جبهه پولیساریو را اکنون حتی اسپانیا و موریتانیا نیز بر سمیت شناخته اند.

س - موافقت نامه که در همین نزدیکی ها بین جمهوری دموکراتیک عرب صحرا و موریتانیا عقد شد چه اثراتی بالای جبهه پولیساریو وارد نموده است؟

جواب - بخاطر دارم که بعد از کودتای دولتی دهم جولای سال ۱۹۷۸ دموکراتانیا، پولیساریو به قسم یکجا نه بر فرای مناسبات خویش را با حکومت جدید آنجا اعلام نموده و گامی بسوی صلح و ترقی گذاشت که به تعقیب آن مذاکرات سیزده ماهه بین طرفین در الجزایر آغاز یافت به موافقت نامه پنج اگست سال ۱۹۷۹ بنام معاهده صلح انجامید. این سند باعث شد تا موریتانیا از ادعای ارضی در برابر خاک ما صرف نظر نموده و به تمامیت ساحه کشور ما احترام بگذارد. بر علاوه موریتانیا جبهه میهن پرست پولیساریو را بمثابه یکسانه نماینده قانونی صحرائی غربی بر سمیت شناخت. موریتانیا و جمهوری دموکراتیک عرب صحرا تصمیم گرفتند تا صلح نهایی بین خود بر قرار و با احترام متقابل و همسایگی نیک روابط دو ستانه داشته باشند.

این موافقت نامه مطابق فیصله نامه های سازمان وحدت آفریقا بوده و تکامل منطقی آنست که امکانات ایجاد فضای صلح و آرامش را در جهان و شمال غرب آفریقا میسر ساخته است. چنین کاری را می توانستیم با مراکش نیز انجام دهیم البته در صورتیکه آنها از سیاست استفاده از قوای نظامی تجاوزی از اشغال و تهاجم به خاک ما صرف نظر می نمودند

این اثرها شی گویی شمابر خاطره های دی می است و اثر پندۀ آن به شیوۀ خاصی بک اثر ادبی را در پودت ریت گوگول بصورت عمیق توضیح مینماید .
یو گین پا را شکیف ، رو مایا نی نیز در جمله پرندگان جایزه شامسل است .

و اثر وی بنام «خاطره ها» گواهی است بر کیفیت عالی رنگهای نقاشی سپهری ژان ریلکا ، نقاش پولندی که مستحق تصدیقاً به گردید بخاطر تجارب دلچسپ او در خاطره ها با قی خواهد ماند . «ملیشای ملکی» به چنان زیبائی مجسم گردیده است که گوئی از و را ی شیشه رنگین مشاهده میشود . اشخاص در لباسهای متعدد الشکل شان کاملاً رو مایا تیک به نظر میرسند «دوشیزه در حال نوشتن» و «دوراندیشی» که توسط تبیین نقاش ها لندی نقاشی گردیده با روحیه دقت رسامی ایجاد شده که بصورت گسترده درین نما یشگاه جلب نظر میکرد . «دوراندیشی» این اثر نقاشی بلند پایه نمونه هنر برای هنر نیست بلکه کوشش است برای انعکاس واقعیت خارجی کیسکیو لاء نقاشی شوروی فضای شهر رادر شامگاهان مجسم نموده است .

بقیه در صفحه ۵۷

سهم خویش را در انکشاف سبک وایف یو لوی ریالیزم ادا نمودند . جای بردید نیست که نما یشگاه طور شایسته یی بهرام خود رسیده زیرا هنر مشدان جوان نظرگاه های گسترده هنری و روشهای تاثیر افکنی را تقدیم نما یشگاه نمودند . او لگا بولگا کوف ، پرندۀ جایزه ممانزه سه پا رچه نقاشی به نما یش گذاشت :

«نمایش» «ژند می خاموش با یک رقص» و «ن گورگول» این آثار به انسان درس اخلاق میاموزد که خاصه کار خلاق این هنرمند است . «خاموش» در نیمه تار یکی فرو میرود ، تما ویر در قاصصه های خیلی دور تما یان میگردند و گوئی قریبها از بیننده قاصصه دارند .
«نمایش» خاطره های زیبا رو بیان عامه پسند روسی را در دلها زند میسازد که شعبده بازان و اگر و باتهای دهنده حتی نما یش به بیننده ها مهارت شانرا نشان میدهند . این اثر نیز به یک انسان ساده لوح را تمثیل مینماید که برای نخستین بار با هنر مواجه شده و آثار با مهارت نما یشگران تعریف مینماید . چنان تاثیر عمیق در زندگی خاموش ولسی سر و سامان «گوگول» که غرق رویاها است ، نیز نهفته میباشد



خاطره های ابو کالیتیک اثر ملیکوبوژکوف هنرمند بلغاریایی

ترجمه فخرالدین جمالیور

(از صوفیه نیوز)

نظرگاه های گسترده هنری

در

نمایشگاه بین المللی

نقاشان جوان در

صوفیه



نمایش. اثر اولگا بولگا کوف هنرمند شوروی

دومین نما یشگاه بین المللی و مسابقه نما شان جوان که اخیراً در لگا و خا نه، هنری صوفیه برگزار شد ، ۲۵۷ پا رچه نقاشی، یکصد و سه هنرمند از شانزده کشور در آن به نما یش گذاشته شد . جایزه ممانزه صوفیه به او لگا بولگا کوف ، هنرمند شوروی تعلق گرفت . همچنان ، فایان پال ، هنرمند مجارستانی و ملیکوبوژکوف هنرمند بلغاریایی هر یک پرندۀ جایزه اول گردیدند ، جایزه دوم



ترس

چرا مینرسیم و علت آن چیست ؟
گاهی برای شما هم اتفاق افتاده که از چیزی بترسید ؟
اگر چنین اتفاقی برای شما رخ داده است چه حالتی داشته اید ؟
چرا د ختران بیشتر از پسران ترسند ؟
این ها سوالاتی است که یکمده ازخوا-
ندگان از ما نموده اند به جواب این
خوانندگان باید گفت :
ممکن است هرکس از چیزی بخصوص
بترسد مانند ترس از وجدان ، ترس از آینده
ترس از گذشته و ترس از ...
ولی یکمده هستند که ازچیز
های بیجاوی مورد ترس دارند . مثلا ترس
از تاریکی ، ترس از حیوانات ترس از
بلندی و ده ها ترس دیگر .
علت والتکیزه که باعث این ترس ها
میشود صرف ترتیب نادرست وغلط درگذشت
است . امروز یکمده از جوانان ونوجوا-
نان از تاریکی شب می ترسند علت
این ترس را میدانید که چیست ؟
علت این ترس بخاطر این است که این جوانان و



اگر این حرف ها و کلمات را درگوش
او دروقتی که هنوز کودک بیش نبود
نمی خواندند پد امروز د ختر ترسو
بار نمی آمد .
دوستم قبول کرد ودانست که اشتباه
ازخود او بوده است . امی او در گذشته
اطفالش را به واقعیت های زندگی آشنا
میساخت ، اگر برایش می فهماند که
تاریکی یعنی چه وترس از تاریکی
خنده آور است و ... امروز به این
مشکل گرفتار نمیشد .
یکمده دیگر هم از حیوانات ترس دارند
مخصوصا از پشک و آنهم پشک سیاه .
بعضی ها که خرافاتی اند گر به سیاه
را حیوان نحس میدانند از همین روجه اطفال
کودکان شان با رها گو شزد میکنند
که از پشک حذر نمایند . این کودکان
بالاخره کودک واکه حالا به نوجوان
جوان تبدیل شده است ترسو با دمی
آورد . اگر کسی بر سبیل اتفاق گر به
به انسانی حمله کرد به این حمله گر به

فرزند زمان خویش باش

درین جای شکی نیست که زندگی دیروز ما
بازندگی امروز ما تفاوت کلی دارد .
اگر دیروز درزندگی اجتماعی ، و خانوادگی
خویش مشکلات فراوانی داشتیم نیا یسد
تعجب میکردیم زیرا شرایط و دشواری های
که زاده آن عصر و زمان بود به خلق ما
مخصوصا به جوانان ما این موقع را
نمیداد تا به زندگی اجتماعی وخصوصی
خود رسیدگی نماید ویا آن را سرو سامانی
دهد .
بلی دیروز عصر نابرابری بودولی اکنون
زمان عدالت است .
این یک حقیقت انکارنا پذیر است که نسل
امروز در روشنی ارزش های انقلابی-فر-
مند نور نسبت به گذشته از مزایای
یکزندگی بهتری برخوردار هستند وهنوز
راه درازی باقی است تا به آن زندگی
ایسده آل ودوستد آشنی رسیدولی
با پیروزی انقلاب نظر مند نور این راه هرچه
بیشتر از گذشته کوتاه تر شده وامید می
رود در آینده نزدیک تمام خلوق کشور
ما به زندگی ایده آل خویش برسند
در این جا وظیفه هر فرد وطن پرست حکم
میکند که برای تسریع و سرعت بخشیدن
چرخ های اقتصادی مملکت که ضامن
سعادت فردای کشور است از هیچگونه
تپ و تلاش و قربانی دریغ نه ورزند .
کارهای دوا طلبانه که امروز در بخش
های مختلف حیات اقتصادی ، فرهنگی وکار
و ساختن از طرف خلق با شما مست
ماصورت میگردد مویه این حقیقت است که امروز
خلق ما مخصوصا جوانان ما راه حقیقی
زندگی را باز یافته اند .
از خود مددی وابشار دوراه آبادی کشور
و آرا می خلق وظیفه هر انسان شریف شمرده
میشود .
امروز جوانان ما با یکبار انقلابی خود

فکر میکنم لازم بذکر نیست که وظایف جوانان را در شرایط حاضر خاطر نشان سازم زیرا امروز جوانان آگاه و چیز فهم ما بخوبی در یافته اند و این حقیقت را دانسته اند که وظیفه انقلابی هر جوان است تا با تمام مفاسد اجتماعی مبارزه نماید و برای در هم شکستن موانع وسدها باهم اتحاد نظر و اتفاق رای داشته باشند.

با پیروزی انقلاب پیروز مند نور بیشتر از هر موقع دیگر زمینه این اتحاد در راه آبادانی کشور ما مجیا شده است ...



عزیز احمد عطایی

داشتن برنامه و پروگرام منظم در زندگی به انسان موقع میدهد تا بهتر کار کند و مصدر خدمت بیشتر به هموطنان خود گردد.

جوانانیکه در زندگی اش پروگرام و برنامه بی وجود دارد میتواند در مسائل مشکلات زندگی فایده و وقت شناسی که جز تربیت امروزی شمرده میشود باید از طرف جوانان بصورت قطع مراعات گردد و قتیکه این امر از طرف جوانان بصورت مدد و رعایت گردد با لایحه برایش نوع عادت میشود که ترلا آن موجب ناراحتی او خواهند شد.



خسرو

خوشبختی جوانان

هنگامیکه انسان به دوره شگوفان زندگی یعنی جوانی گام میگذارد، همیشه پرسشهای در ذهنش پدید می آید، احساسات و نظریات جدید روانش را تسخیر میکند که بهترین همه این پرسشها واحساسا اینست: که چطور سعادت و خوشبختی خود را نیامیابد؟

بخطا نمانم همین سعادت و خوشبختی است که جوان دست به نوآوری، فعالیت، پشتکار و میزند.

اگر جوان خوشبختی و سعادت خود را جدا از جامعه و مردمش تشخیص دهد، اگر جوان سعادت خود را به افتخارات مان نمی، موفقیت عالی، ثروت، اندوختن پول و... لازم داند درین جست که او تلاش های بی دری کرده و اصلا سعادت و خوشبختی در مسان نیست و نخواهد بود.

جوانان باید بایک جهان بینی علمی، با نظریات پر ارزش اجتماعی و بایک برداشت درست از جامعه و مردمش به جدوجهد خیزد دست به نوآوری، فعالیت و پشتکار زند.

جوانان که منافع و ضروریات عظیم اجتماعی را بر منافع و ضروریات کوچک فردی ترجیح میدهند، جوانان که با وجدان پاک، درک وظیفه در مقابل میهن، عشق صادقانه مردم و کار شرافتمندانه تلاش و فعالیت می کنند ایشان واقعا به خوشبختی و سعادت دست

در زندگی اجتماعی فعل و انفعالاتی صورت میگیرد که این فعل و انفعالات عمل و عکس العمل های دویس خود دارد ولی نباید انرژي خود را صرف موضوعات عادی و پیش افتاده نمائیم.

در این جا روی سخن به خانواده های جوان است که خواه ناخواه برای بهتر شدن زندگیشان مجادله میکنند و شکمی نیست دوا این مجادله به موفقیت های نا یصل آید و یابریکس چندان موفقیت حاصل

نموده و او بابت این شده که شوهرش از او آزرده گردد. چند روزی این گله و گزاری و این شکوه و شکایت بین این فامیل دوام پیدا میکند تا اینکه حوصله خانم خانه بسر می رسد و بدو ن اینکه شوهرش را اطلاع سازد به خانه خوشیش می رود و موضوع را با خوشیش مطرح میکند ضمن

سعادت جوانان جدا از سعادت سایر افراد مطرح نمودن بگوئی بین شان ایجاد یک جامعه و در مقیاس کلی حتی میتوان گفت که خوشبختی يك ملت جدا از خوشبختی و باریک میکند و بین عروس و خوش کدورت سعادت سایر ملل و جوامع بشری نیست و سختی ایجاد میگردد و نتیجه این می شود عروس به خانه مادر شوهرش برای مدتی

چندی نرود و به اصطلاح قهر میکند. این وضع کم کم باب گله و گزاری و شکایت را بین این دو خانواده یکی خا نواده قدیمی و دیگری که تازه به زندگي خا نوادگی پا نهاده اند باز میکند با لایحه دانسته این گله و گزاری ها گسترش می یابد و کم در راه پیشرفت و تکامل وطن مبارزه و تلاش می نمایند. با اندوختن علم و دانش و کار شرافتمندانه در پروسه ترقی و تکامل فرهنگ تخنیک، زراعت، اقتصاد و... سهم می گیرند و در بیکار علیه امراض خانمان سوز اجتماعی از قبیل بیماری های گونه گونه، مواد مخدره قمار، جنایت ... حصه می گیرند.

آری! جوانان باید نسبت به نواقص اجتماعی و امراض ملوث جامعه سازش نا پذیر بوده و همیشه آماده مبارزه در راه سعادت مردم باشند.

همچو جوانان، شریف با آرماتها و ایده های مقدس مشعل خوشبختی و سعادت را در دست دارند و میتوانند زندگی را زیبا سازند.

شکوه و شکایت، گله و گزاری مسایلی که باعث کدورت خانواده ها میگردد

نکنند. خا نواده هو شیار و دور اندیش باشد وجود عدم موفقیت در زندگی خا نوادگی با امید ندهد و از کسی که سبب این شکست شده عقده بدل نمیکرد و زبان به شکایت ساخت.

و گله و گزاری باز نمیکند، بلکه بر عکس بلی، شرایط فعلی ما این اجازه را به باز هم بر تلاششان می افزایند تا با لایحه ما نهمید تا به این موضوعات پیوچ به موفقیت دست یابند و لی در این میان وی معنی و قعی بگذاریم خا نواده های جوان هستند خا نواده هاییکه از دور اندیشی و ما امروز وظیفه داوند تا از وقوسع ایمن صبر کار نگرفته به مجرد گوچتر یمن موضوعات جدا جلو گیری بعمل آورند و نارا حتی زبان به گله و شکایت میکشایند. با طرح حقایق از زندگی، معنی و قعی من خانواده را میشناسم که به گوچتر یمن زندگی را به آنها ی که کمتر میداندند موضوعی بزرگتر یمن پرو بلی را برای و یانمیدانند اساس يك حیات مرفه و سعادت مند را بهیچانند.

قصه از این قرار است: يك روز تا زه جوانان خا نواده دار و وظیفه دارند تا با عروس که بیشتر از يك ماه از از خواجش خرافات که گله و گزاری هم جز آن است نگذشته بود خانه ما در شوهرش به مهمانی مبارزه نموده و برای روشن ساختن اذهان رفت چند روزی او مهمان خوشیش بود تا خا نواده های شان از دلیل و برهان کار اینکه بالاخره به منزلت باز گشت، موقع بگیری ند و حقایق زندگی را آطور که هست باز گشت آنطور یکه لازم بود از خانواده برای ایشان مطرح سازند و قتیکه خا نواده شوهرش تمسک نکرد این وضع بر شوهر توانست واقعیت زندگی را درک کند و نیاز گران آمد و قتیکه به منزل برگشتند موضوع حقیقی زندگی را دانست و به اهمیت و ارزش را به همسرش ممو شود می نماید و او دا وقت بی برد دیگر هرگز زبان به گله به اشتباهش متوجه میسازد ولی این گستاخ و گزاری نمی کشاید زیرا مصر و فیت شوهر به مزاق خانم خوش نمی خورد های زندگی برای او این اجازه را نمیدهد فکر میکند که خوشیش شوهرش را تحریک که به این موضوعات فکر کند.



پیوست گذشته

م. عاقل بیرنگ کوهستانی

اکتوبر کبیر در رابطه با هنر و ادبیات

اشا ره کردیم که برای پیروزی انقلاب خلقی، باید شرایط عینی و ذهنی میسر باشد و اگر نه در فراز نای تاریخ دیده ایم که مپا رزات پراگنده و نامنظم، فردی و متشتت بی نتیجه مانده اند و به پیروزی نرسیده اند با ری در ۹ ژانویه (جنوری) ۱۹۱۷ به یاد بود روز «یکشنبه خونین» از طرف کارگران سراسر خاک پهنای روسیه و در شهرهای بزرگی مانند پتروگراد، باکو، مسکو، اعتصاب بزرگ برضد طرفداران فلسفه‌ی متحجر جنگ!

صورت گرفت، چون پیش از این کارگران آن شعور و یافته بودند که به پیش آهنگی آنان می توانست انقلاب به پیروزی قطعی برسد، در آن روز تنها در شهر پتروگراد (لنین گراد-امروزی) دوصد هزار کارگر دست به اعتصاب زدند و خواهان خانه‌ی جنگ داخلی گردیدند. در این هنگام در این روز تاریخی و سرلشت ساز تران مستبد برای سرکوبی آزادی خواهان و کسارگران شورشی، نیروهای نظامی خود را فرستادند، اما بر خلاف پیشبینی آن ها اندیشه‌های انقلابی در میان قوای مسلح نیز راه یافته بود و آنان به صف مپا رزان و آزادی خواهان پیوستند و یکجای با آنان سرود سرنگونی تزاران سیاه کار را خواندند، در این هنگام منشویک ها و گروه های افسوس

تو نیستی که دگرگونی بنیادی را نمی پذیرفتند و به یک سلسله رفویم های سطحی از طرف حکومت بورژوازی موقتی به سرکردگی گونسکی دل خوش کرده بودند می گوشتند که حکومت همچنان به دست بورژواها باقی بماند، پیش از این کارگران چنان که در این هنگام در سویس به سر می برد، جریان قیام کارگران را زیر نظر داشت و از هفتم تا زیر عنوان «نامه های افزود» دستورهای حزبی را صادر می کرد و کارگران را به ادامه اعتصاب و مبارزه فرا می خواند. ۱۰-اول در این نامه ها به جدیت تاکید می کرد که دشمن نباید توده ها را بیش ازین بفریبد، در این یادداشت ها، او نظر منشویک ها و سوسیالیست هایی را که فقط در لفظ انقلابی بودند و بقای حکومت بورژواها را می خواستند به شدت رد می کردند و کارگران و کشا ورزان را همچنان به ادامه اعتصاب فرا می خواندند. منشویک ها و سوسیالیست های لفظی به این بلور اصبرار می ووزیدند که هنگام انقلاب کارگری فرا نرسیده است و شرایط کاملاً میسر نگشته است. اما، ۱۰-اول این گونه دریافت ها را، بنادرهایی واهی و حتی احتمانه تعریف می کرد و پیرو ستیزه اعتصاب و مبارزه تاریخی قطعی و نهایی پیروزی را تاکید می کرد و هر اثر در خواست های پیوسته ی ۱۰-ل

بود که نخستین شماره «پراودا» از گان تشارتی حزب پشاهنگ طبقه ی کارگر منتشر گردید و به روشنگری خویش ادامه داد، در این نشریه بود که مقالات آنتونین و علمی پیشوای گازگران چنان به کارگران نیروی بیشتری بخشید و به ایما ی بیشترشان وامی داشت، صف خود را فشرده تر می کردند و برای آخرین یورش بسر روز سوم اپریل ۱۹۱۷ و ۱۰-اول، با زحمت فراوان در حالیکه پولیس های تزاری به شدت از بندرگاه ها و راههای آهن و میدان های هوایی مراقبت می کردند. با تغییر لباس و قیافه وارد پتروگراد گردید او در اینجا دوباره از شیوه ی پوشالی حکومت موقتی بورژوازی انتقاد کرد و آنرا پامندار منافع طبقات حاکم دانست که طر فدار توده ها، در پتروگراد بود که کارگران که تعداد آنان را در حد دوصد هزار می نو یسند به طور رهبر گرد آمدند و به سخن رانی های پر شور و انقلابی او گوش فرا دادند، با ورود رهبر موج اعتصاب و شورش و عصیان سراسر خاک روسیه را فرا گرفت و حکومت موقت که نماینده بورژواها بود بار دیگر دست به سرکشی و خوی و آخم کشی زد و تعداد زیادی از رهبران بلشویک را به زندان انداخت، و پولیس های حکومتی در

روز نامه ی «پراودا» از گان تشارتی حزب را آتش زدند و با این عمل خویش یک بار دیگر ماهیت پلید خویش را نشان دادند. ۱۰-اول، از روی تصادف در آن شهر خونی چنان به سلامت برد چون چند لحظه پیش آن محل را ترک گفته بود.

۱۰-اول، در ۲۵ اکتوبر برابر به ۷ نوامبر ۱۹۱۷ در حالیکه در خارج بود آخرین فرمان قیام مسلحانه را به عنوان فرار گام عسکری اسمونی که تبدیل به اردوی انقلاب گشته بود صادر کرد و به این وسیله انقلابی های مسلح قیام کردند و مراکز تلفن، پست، راه دیو، میدان های هوایی، راه های آهن را اشغال کردند، نیروهای اهریمین حکومت موقت تلاش های مذبوحانه کرد تا مگر بتواند انقلاب را به سر انجام نمایند و به این وسیله چند روزی بیشتر به زندگی تنگن خویش ادامه دهند. اما این آرزو را با خود به گور بردند ساعت ۱۰ صبح حکومت پوشالی بورژوا برای افسد سرنگون گردید، و به همان سرنوشت دچار شد که حکومت نیکولاهو تزاران پیدا کرد.

و به این وسیله قدرت سیاسی به دست پروتا را افتاد، چنانکه در آغاز اشا ره کردیم در این مقاله مختصر بر آن نیست که در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی انقلاب کبیر اکتوبر به بحث بپردازیم و تنها زمینه ی فرهنگی این رویداد شگفت تا ریخ بشریت را مورد مطالعه قرار می دهیم، تائیش از پیروزی انقلاب شکوهمند و زنجیر شکن اکتوبر در سال ۱۹۱۷ یعنی سه سال پیش از انقلاب ۲۷ دوسد از مردم روسیه بی سواد بودند و خواندن و نوشتن را نمی دانستند، هنگامی که قدرت سیاسی به دست پروتا را افتاد زمامداران تازه که با یگان مردم می داشتند و نمایندگان را ستین طبقات محروم جا مع بودند در بی آن شدند تا معارفی متوازن پیدا کنند و در میان مکتب و محیط اجتماعی همانا هنگی و پیوستگی برقرار نمایند پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اکتوبر تحصیل برای همه ی ملت های روس از مسکو گرفته تا سر زمین های دور افتاده یا کوت های اجباری گردید، چه رهبران تازه به این واقعیت باوری استوار داشتند که به یاری دانش است که می توان بر دشواری چیرگی یافت، و این خرد آدمیان است که جهان را دگرگونی می بخشند و نو سازی می نمایند. و با در نظر داشت این موضوع در سال ۱۹۴۴، ۶۴ درصد از بودجه ی دولتی ترکمنستان به فرهنگ و تعلیم سواد اختصاص داده شد دولت جدید ترکمنستان بخانه ها وارد سازندگی افراد به روشنی در یافته بود، از این رو به بنیاد کتابخانه ها و مراکز فرهنگی توجهی جدی نمود و تا سال ۱۹۳۹، ۸۲۶۶ کتابخانه ساخته شد و در این نو سازی فرهنگی از تحقیقات عالمانه ی دانشمندان ما نند: ای. و. میچورین، و. ک. ای. یو. لکسکی و ای. ب. پاولوف استفاده گردیده همچنان نظر یات اصلاحی دانشمندان محقق در زمینه ی اقتصادی مورد توجه دولت قرار گرفت از اثرات انقلاب کبیر اکتوبر است که اکنون آکادمی علوم شوروی در حدود پنج

هزار عضو دارد در حالیکه پیش از انقلاب دارای ۵ عضو بود و آنهم در محدوده شهر مسکو. دانشمندان جامعه شناسی نوین به این باور اند که بدون تیوری انقلابی پراتیک انقلابی کامل نیست، مبارزه ی طبقاتی نمی تواند به بروزی نهایی برسد مگر اینکه قبلا طبقه ی کارگر با سلاح بر این جهان علمی مجهز گردیده باشد و با این ارتباط نقی تو یستدگان، شاعران و هنرمندان نقی هنرمندان در گسترش و اشاعه ی جهان بینی علمی طبقه ی کارگر شایان توجه است. شعری که در ستایش آرمان های انقلابی سروده شده باشد کتابی گنه بر این بنیاد بدیده آمده باشد تا جاودان، تا بیکران می ماند، نوشته های که از اندیشه های مترقی و انقلابی مایه گرفته باشند. در اندکترین فرصت با یکدیگر نوده ای می بایند و سرود رنجبران می گردند. نویسنده گان می توانند خوب ترین اشاعه دهند گان نظریات انقلابی در میان خلق مابینند، چنانکه الکسی ماکسیم و یچ- بئسکوف گورکی در پیش از انقلاب کبیر اکتوبر به صف انقلابی ها پیوست و آرمان های مترقی طبقه کارگر را به بلور نشست و برای تحقق این آرزو دست به آفرینی آثار چمندی زنده نمی توان از تأثیر آنان در میان دهقانان کارگران و زحمت کشان دیده پوشید، و ما ناچودانی مادر او با توجه به آرمان های انقلابی نوشته است و نوشته های دیگر او نیز در بیان درد های طبقات محروم جامعه بدیده آمده است.

قلم او در مبارزه با تاریکی ها، برداردگری ها، خود سری های طبقات حاکم به کار می افتد.

او با موشکافی هنرمندانه و استعداد سنگینی که دارد همه ی کاس های جامعه ی انسان کشتی تزاری را باز می نماید و از مناسبات فرتوت جامعه ی طبقاتی انتقاد می کند. ماکسیم گورکی با الهام از اندیشه های پیشرو عصر خویش و پذیرفته عضویت حزب پیشواز طبقه کارگر روس کتاب های بلند بیاپی اویسب ولگردان، در اعماق اجتماع، در جستجوی نان، میراث، سه رفیق، چلکا ش، دوران کودکی، زندانیان، مالوا، دانتسکیم های من، و رمان انقلابی مادر را نوشت و به این وسیله رسالت اجتماعی تو یستدگانی را به پایان برد. کاوش در آثار و دیدگاه های اجتماعی گورکی مضمون فرصت فراوان است، گورکی از ادبیات و تو یستدگانی در باقی آثار هانه داشت و شناخت او از مسائل هنری، شناخت عمیق است، گورکی در زمینه ی ادبیات و هنر مقالات زیادی نوشته و این یادداشت ها در کتابی به نام ادبیات از نظر گورکی گرد آمده که کتابی است آموزنده و راه گشای آثانی که می خواهند، از راه قلم به خلق خدمت نمایند. و نویسنده گی را پیشه سازند، گورکی در این کتاب بر ادبیات رئالیستی گه بر بنیاد جهان-

بینی مترقی استوار باشد تا کید های مکرر دارد و دیدگاه های ادبی او را باز می نماید.

در این کتاب ماکسیم گورکی اندر زده های تو یستدگان جوان دارد و نامه های برای تو یستدگان بزرگان، مانند دومن رولان، لئون تولستوی و توان چخوف همچنان گورکی در این اثر کتاب های که دنیا را تغییر داده اند معرفی می کند و به سبب مکتب های که بر بنیاد فلسفه ی «اندیوید و آلبسم» در ادبیات پدید می آیند بر می خیزد، ادبیات از نظر گورکی، تکرار گشته های دیگران نیست، و جاده هموار کرده ی دیگران را پیمودن نمی تواند هنر باشد هنر یعنی عمل خلاق انسان. هنر یعنی آفریدن و تکامل بخشیدن، و بیان واقعیت های اجتماعی و در باقی هنر مندانه. گورکی سفرهای انقلابی را شعر نمی داند و برای تو یستدگان و شاعر مفر را تی جدی و ضعیف می نماید، در کنار اینکه نویسنده باید مبحث خود را خوب

شناخت و با انسان ها در آمیختگی داشته و اندیشه های پیشرو عصر خویش را بپذیرد و با ایمان را ستین دراه آرمان های اجتماعی مبارزه نماید باید، چر یان های ادبی جهان را پیوسته زیر نظر داشته باشد و شاهکار های ادبی تو یستدگان بزرگ جهان را بارها و بارها بخواند، تو یستدگان که تنها بر عصر انقلابی یک اثر اتکا می کند و یا فقط به محتوی می اندیشد و نقش شکل و یا قالب را نقی می کند، نمی تواند اثری ماندگار بیاورد. شکل و محتوی در یک اثر هنری باید هماهنگی داشته باشند. و این آرمان وقتی به تحقق می پیوندد که هنر منسب از سواد کافی بهره مند باشد و از آموختن هیچگاه سر نتابد، موج زمین خس و خاشاک را مجال پایداری نمی دهد و تو یستدگان می تواند قله ی تاریخ را فتح کند که آنچه را خود او و دیگران حس می کنند به نحوی هنر مندانه بیان نماید. در غیر این صورت نوحه سرایی



بیکر ماکسیم گورکی در شهر باکو

بیش نیست و مریخی مرگ خویش را می خواهد، یا ری گورکی در پیش از انقلاب کبیر اکتوبر باد آتش گسترده و دریا فست های عمیق از مسایل فرهنگی در راه تحقق آرمان های طبقه ی کارگر کار و بیکار انقلابی نمود و ازین رو نبوغ او ستودنی است و آثارش از چند و ما ندگار رد. نشاندن جامعه شناسی نوین ادبیات و هنر به طرود کلی فرهنگ را رو بنای تعریف می نماید، دویابی که در زیر بنای اجتماعی اثر می گذارد و امر دگرگون را ترسیم می بخشد. و با این مقدمات، بنیاد های فرهنگی را که در امر تحقق بخشیدن آرمان های انقلاب کبیر اکتوبر نمی تواند بی ارتباط باشد. با بد از سده های ۱۸ و ۱۹ به این سومورد مطالعه قرار داد، نخستین نطفه های ادبیات مترقی به وسیله کسان می مانند لومونوسوف (۱۷۱۱-۱۷۶۵)، آندروپوچ و کوفسکی (۱۷۸۲-۱۸۵۲)، سر می و یچ کربابیدوف (۱۷۹۵-۱۸۲۹) در خاک پهنای روسیه تزاری گذاشته شد، لومونوسوف، شاعر و منتقد و زبان شناس بزرگ روس است که در زمینه دستور زبان روسی نیز کاری شایسته انجام داده است، و هم او است که شبیهی کلاسیک ادبیات فرانسه را در ادبیات روسیه بنیاد نهاد. این شاعر و منتقد بزرگ، در زمینه نقد ادبی نیز نظر بانی نا زده سازنده دارد و در این راه تلاش های صمیمانه و انسان دوستانه کرده است.

ژو کوفسکی، مکتب رمانتیک را در ادبیات روسیه بنیاد نهاد و خواست های اجتماعی طبقات محروم را در بیان رمانتیک ارائه کرد و شیوه ی تازه ای او طر فداران زبانی یافت و پیروان بیشمار پیدا کرد. گربابیدوف، ساعر و نویسنده سیاست گری نیز در گسترش مکتب رمانتیک که ما به از مسایل اجتماعی می گرفت کوشش هایی انجام داد و این مکتب ادبی را باز آفرینی کرد و غم انسان را باز گفت و رنج او را شکافت و آرزو های رابیان داشت. رمانتیک را که می پیابید و فیشنهاد می کرد از نوع رمانتیکسم به سوار گونه غرب نیست که مسایل اجتماعی را متوقف ایستاد و متعجب مطالعه می نمایند. رمانتیکسم گرایی و ف مکتبی است پویا، سازنده و متکی به مسایل اجتماعی انسان و باز گو کننده واقعیت های اجتماعی در بیان هنری و این نوع رمانتیکسم رانمی توان در ادبیات و هنر نقی کرد، و آثار کنار گذاشت و در نقطه ی مقابل ریا لیسم قرار داد، آن مکتب هنری را می توان ضد ریا لیسمی حتی ضد هنری نام نهاد که با سدار و اشاعه دهنده اندیشه های منط اجتماعی باشند و بر حکم و ایسی قدرت های اهریمنی و بیداد گرانه طبقات حاکم تا کید کنند.



به فردا

به گلگشت جوا ن ،
یاد ما را زنده دارید ای رفیقا!
که مادر ظلمت شب،
زیربال وحشی خفاش خون آشام،
نشانده ایم این تگین صبح روشن را .
به روی پایه انگشتر فردا .
و خون ما:

به سرخی گل لاله ،
به گرمی لب تیدار عاشق ،
به پاکی تن بیرنگ زاله،
ریخت بر دیوار هر کوجه
ورنگی زد به خاک تشنه هر کوه
و نقش شدره فرش سنگی میدان هر شهری
و این است آن پرده نرم شگرفی

که می بافید

و این است آن گل آتش فروز شمعانی
که در باغ بزرگ شهر می خندد .
و این است آن لب لعل زنا نروا،
که می خواهید .
ویر می زند ارواح ما،
اندر سرور عشرت چای ویددان ،
و عشق ماست لای بر گهای هر کتاب
که می خوانید
• • •

شما ، یاران! نمی دانید ،
چه تباهی تن و تجور ما را آب می کرد .
چه لبهای بی به جای نقش خنده داغ می شد
و چه امید هایی در دل غرقا بخون نا بود می گردید
ولی ما، دیده ایم اندر نهان دوره خود :
سر آزاد مردان و افراز چو به دار .
حصار ساکت زندان

که در خود می فشرده نمه های زندگانی را

و رنجی کاندرون کوچه خود می مداخلت

آهن تن ها

طلسم پاسداران فسون هر گز نشد کارا ،

کسی از ما

نه پای از راه گر دانید

ونه در راه دشمن گام زد.

و این که می خندد بروی با صفا تان ...

و این که می خندد بروی با صفا تان ...

گواه ماست ، ای یاران !

گواه پای پیردی های ما ..

گواه حزم ما، گاز رزمها حانانه تر شد .

محمدرهی

پیوند

دمظلومانو مستی

و مونه لیدو چه خنگه نرید لیدو
دجایرو زورو رو لوو قصر و نه
و مونه لیدو چه خنگه غلییل غلییل شو
کبر جن دزمانو پلن پلن ختو نه
اوس به وگوری مستی د مظلومانو
به خو نخوارو ظالما نو قا تلا نو

د ظلم قصر

د ظلم له قصره تورلو گی چگیری
دچاهه پری لگولی دی او رو نه
دلته دیر پرونی خبری دتورسرو
دلته لوپ دپرو خلکو ناموسونه
اوس دخلکو په داد گاه کی حاضریری
ورکوی به درتلو جوا یو نه

شمع ...

ای ! شمع عقل من
آهسته تر بسوز
بگیر و با دوام
در لابلای تیر گیهای خیال من
دوستنت از ستاره اقبال من بتاب

• • •

در شامگاه دخمه تاریک ذهن من
وند کرانه های سپهر تصوم
با ذوق آرزو
امواج نور خویش بيفشان چو آفتاب

• • •

در ژرفنای عالم اندیشه های من
آنان که برق میچید از خنده شهاب
با کوکب امید
سر بر کشد ز دامن.....

• • •

اندر میان ظلمت پهنای خاطر من
سوزان و شعله ور
تا بنده تا سحر
پرتو نشان باش و فروزان و جلوه گر
حقا که در فروغ تو یابم رؤیای
نور محمد «فیضی» اسفنده تی

نامه‌یی برای تو

با سلامی گرم
با درودی پاک می آغازم این بیغام

حماسه زمان

ای طلایی رنگ
راستی از کدامین راز باتو پرده برگیرم
منکه چو نان کو دکی د لب خننه بازیچه اش را بی تو غمگینم
تو بدانی آسمان دیدمانم رانه ابوی جز برویای تو آکنده
چه خواهی کرد
قلبت آیا مهربا من هیچ خواهد داشت
چشمت آیا با من هیچ را ست خواهد گفت
کاشی با من مهربا ن بودی.
ای طلایی رنگ
ای تو را چشمان من دلنگ
زندگی را با ترنم های رنگین تگاهت بسته می بینم
با من آن را مشگران را آتش فرمای
تکدر ختی دور و تنها مانده ام ای بادکوبه ای پای
با من از گلگشت زرین بهاران مزد گمانی ده
من تو را با نوبی قمر پر شکوه عشق خواهم کرد

ای طلایی رنگ
ای ترا چشمان من دلنگ
عشق ما چون افسرده اما گرم
بانفیس فروغی زیر خاکستر
انتظار کننده های خشکتر رامیکشدنی تا ب

یک نفس ای یاد کولی پای
دامن پر چین و مهر افزای خود بگشای
تاکه آنرا پر زبار شعله های عشق گردانیم
من سطرشانه هایم را بسفر من های آتشی وام خواهم داد
ای طلایی رنگ

ای ترا چشمان من دلنگ
من غرور پس گر انم را که بر نیلی غبار آسمانها می نکاند بال
چون شکسته بر غنای بی
در حصار چشمتا بت بندی بخند می کردم
من نگاه مهربا تم را که از اعماق قلبم ریشه میگیرد
شادمانه تا بصبح انتظار میدوانم گرم

تا کدامین پنجه بگشاید قبا ی صبح آن دیدار

عشق من
تا نامه یی دیگر
خدا حافظ

فرهاد شبانی

آریا ای مبین آزاد من
آریا ای جنبش دریای رزم
آریا ای خفته در رگ های تو
خون گرم لاله صحرای رزم

توپناه مردم آزاده ای
توپناه راد مردان غیور
در خروش تند دریا های تو
می خرو شد موج توفان غرور

کوهساران بلندت پرشکوه
شاهد آزادی های تو بین
شرقی را در عصر رستا خیز خلق
مرز پر هنگامه شور آفرین

زیر ضرب دشنه گرم شفق
خون دشمن ریخت در دامان تو
سر کشید سوخته در کام سکوت
آتش آشفته پنهان تو

کوه پامیر بام دنیا شد بلند
همچنان براوج های افتخار
آفتابی تا شگفت از شرق رزم
مخفل اهریمنان شد سوگوار

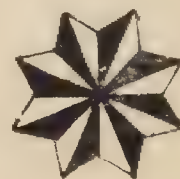
مستی حماسه شعر زمان
خفته اندر جنبش جاوید تو

در کران بیکران زندگی
خنده باره (پرتو) خودشید تو

بر تو نادری از شیر غان

پیمان شکن

هر عهد که با چشم دل انگیز تو بستم
فریاد زنان ناله کنان عریده جو یا ن
جز دل سیاهی ، فتنه گری ، هیچ ندیدم
دو شیزه ی سر زنده عشق و هوسم را
می خوردم و مستی ز حد افزوادم و آنگاه
عشق ز دل خون شده ام دست نمی شدمت
امشب همه را چون سر زلف تو شکستم
زنجهیر ز پای دل دیوانه گسبستم
چندانکه بچشمان سیاهت نگر یستم
دو غمود نهفتم بهر ایش بنشستم
پیمان تو ببر یدم و پیمان نه شکستم
من کشتش ای شوخ بدین عذر که مستم
در پای کشم از سر آشفتنی و خشم
روزی اگر افتد دل سنگ تو بدستم.



دستیای اطفال

اقتصاد را به اطفال بیاموزید

از خریدن چیزهای لوکس و تجملی
بهره‌مند و چیزی را انتخاب نمایند
که دوام‌کاری باشد اینکار
سبب می‌شود تا پسران و دختران جنس
های خوب و خراب را تشخیص نموده و
جنس‌های تجارتي و بازاری را نخرند
که اینکار يك نفع اجتماعي هم دارد و آن
اطفال خویش بیاموزید.



این دخترک کوچک از گدایش خیلی مواظبت میکند زیرا آنرا خودش
انتخاب و خریده است.

وگرخی نو باید به انقلابی روحیه
وروزل شی. خو به چیره خوا شیمینی
سره با بد وویل شی چی هغه وخت
چی به افغانستان کی دامیر یا لیژم
مزدوری کور نی یعنی دیجی‌گذاری
او فاسدی کور نی قدرت په لاس
کی لاره دتورو هر دوول، بدبختیو،
کې اوونو اورنخو نو به خواکی زموږ
زیار ایستونکی خلک ورسره لاس
په گریوان وه زمونږ زیار ایستونکو
خلکو دما شو ما نو روزنی ته هیڅ
پاملر نه کیده.

خوانان دی. نو ددی لپاره چی دسبا
ورخی دپولنی په جوړولو کی خپله
واقعی دنده او رسالت سر ته
ورسوی او خپلو خلکو ته دوا قعی
اوله ویاړ چکو خد متو نو مصدر

بدست میاورند میدانند که چگونه برای
مصارف خانواده مصرف کنند، و هم
اندکی پس انداز کنند طبعاً متوجه خرج و
مصرف کودکان خود نیز میشوند.
هر پدر و مادری باید بداند که اطفالشان
ماهانه چه اندازه پول برای تهیه وسایل
درسی، کرایه رفت و آمد و غیره ضرورت
دارد و به‌هنگام اندازه‌گیری برایش بدهد
برای کودکان کوچکتر باید خود والدین
وسایل مورد ضرورت را تهیه می‌نمایند
مگر دختران و پسران بزرگتر را باید
هر ماه پول مورد ضرورت نشان را برای
خودشان بدهند تا وسایل و شئای
مورد ضرورت شانرا خودشان تهیه نمایند.
نادر و پسر امروز به خرید
انتخاب و پس انداز آشنایی و علاقه پیدا نموده
و هنگامی که در آینده مردویان بزرگ
می‌شوند و اقتصاد خانه و حتی
کشور بدستشان سپرده می‌شود به طرق
داخل و خرج آشنایی و بلدیت داشته
باشند و بوجه احسن از عهد آن برآمده
بشوند.

پدر و مادر هنگامیکه پول جیب خرج
هر ماه برای پسر و یا دختر خود میدهد
باید طریق مصرف و امانت‌داری در دست‌آنها
نیز برایش گوشزد نماید. مثلاً برای
خریدن چیزهای مورد نیاز باید
برایش گفته شود که جنس، رنگ، مرغوب
بست و نوعیت را هنگام خرید مد نظر
بگیرند.

در جامعه امروز اقتصاد رول مهم داشته
و آگاهی در آن قسمت برای هر فرد ضروری
می‌باشد. در اینجا مقصد بنده دانستن
ارقایم و احمالیه‌های حیاتی نبوده
بلکه مقصد از ترتیب درست خرج، صرفه
جویی و عاید دو خانواده می‌باشد.
وظیفه والدین می‌باشد تا اطفال خویش
را از همان وقتی که کودکستان و یا به
صنوف ابتدایی شامل می‌شوند به
حساب خرجیدن، پس انداز و جیب خرج
آشنا سازند و برای نشان توضیح
دهند تا پول خویش را که والدین و یا
بعضی از اطرافیان به عنوان عیدی،
تخف و غیره برایشان می‌دهند چگونگی
بمصرف برسانند، اغلب کودکان دخل
و یا غولت دارند که پول‌های خود را
در آن جمع می‌کنند و بوقعی که
از آن استفاده می‌کنند و بیشتر برای مکتب
ساعت‌نویسی و یا تل‌درسی و یا ساعت‌های
بازی می‌خرند.

اطفال گاهی بهانه‌های مخلف از
والدین و یا خواهان و برادران بزرگتر
خود پول می‌گیرند و پول بدست‌آورده
را از بازار چیزهای غیر صحی می‌خرند
که سبب مریضی در آنها می‌گردد. و هم
به ترتیب آنها صدمه وارد می‌گردد.
سوالاتی پیش می‌آید که چرا والدین به
اطفال بی‌جهت پول می‌دهند؟ والدین باید
مطابق ضرورت برایشان پول بدهند
نه بنا به اینکه طفلشان نا زدنیه
است و قهر کرده مکتب نمی‌رود، که
چنین طرز تربیت غلط و گمراه کننده
می‌باشد.
بنابر افکار عامه از طریق نشرات مطبوعه
عانت بزرگترین خدمت برای هموطنان
می‌باشد زیرا هنگامیکه یک خانواده
منور و مستفکر و دارای سوبه علمی
بشوند و وضعیت که می‌تواند از عهد
تربیت سالم در قسمت اطفالشان بر
آیند.

گاهی سخت‌گیری زیاد از حد هم
سبب گمراهی می‌گردد بدین معنی که
بطفال هیچ پول نمی‌دهند به‌بهانه اینکه طفل بازار
خویش را بدست‌آورده و بول مجبور می‌شود که بدون اجازه از جیب و یا
بکس پدر و مادر بول مورد ضرورت خویش را
بردارد.

در خانواده‌ای که پدر و مادر زنند گسی
عرب برای خود و فرزندان خویش آماده
کرده باشند و پولی را که بازحمت

د نقیب لیکنه

ماشومان باید به انقلابی روحیه وروزل شی

دایو منل شوی، شگرند او
بنکاره حقیقت دی چی دن ورخی
ما شو مان دسبا ورخی دپولنی
په جوړولو کی ډیر ستر او درانده
مسئولیتونه په غاړه لری ځکه چید
ن ورخی ما شو مان دسبا ورخی

نمو و انکشاف طفل مهمترین شعب تخصصی تحقیقات روانی بحساب می آید

نظریه اهمیت خاص که بعد از پیروزی انقلاب نور در حیطهٔ بهبودی وضع و موقف طفل داده میشود از این روز (روژین المللی طفل) هم بحث یک روز مهم تجلیل بعمل می آید. به افتخار این روز مهم میخواهم وضع و موقف روانی کودک و توجه به آنرا در قرن گذشته رسمی نموده و موقف روانی و اجتماعی وی را و اینکه تاجه اندازه جهان امروز به نو نهالان خویش اهمیت قایل است در پر تو حقایق و معلومات دست داشته بررسی نمایم امید است که در زمینه روشنی انداخته بتوانیم تابا شد که توجه مزید والدین محترم و معلمان و باقی

در حیطهٔ نمو و انکشاف استعداد های نهفته اطفال طور شاید و پابنده عمل نیا مده است. چیزی که نظر انسان را دود گلسته جلب میکند معلومات اندکی دربارهٔ بهبودی جسمی، طرز لباس، تغذیه، تمرینات جسمی و ورزشیست و اطفال به ستین مختلف قیامند و بس. بشر شناسان عقیده دارند که موقف اطفال در جوامع بلوی به سطح دانش و تمدن هر عصر بستگی داشته است، ولی بصورت عموم ذهنیت عامه انسان های بلوی در همه طفل چنین بوده است که سر انجام وی باید فرد مفیدی برای والدینش به با راید وایشان را در تهیه غذای مناسب و مسکن یاری و مدد نماید و در وقت پیری و ذهیری اعصابی دست شان باشعور نگه بانی مربوطین فامیل هم نماید. انسان های بلوی اطفال خویش را مطابق به معیار معینی ضعیف و قوی و تربیه مینمودند و حیانا اگر طفل نمیتوانست به آن معیار های معین اجتماعی عیسوی توافق و سازش نماید آنرا فر دنا مطلوبی قلمداد می نمودند.

از آثار و نوشته های هور و افلاطون چنین بر می آید که ذهنیت تقریبا مشابهی درباره اطفال در بین مردمان تمدن های باستانی وجود داشت. چنانچه یونانی ها و رومی های باستان اطفال خویش را طوری تربیه مینمودند که تبعه لایق به بار آید. فلاسفه و سیاست مداران آن زمان نیز در تربیه طفل همت به خرج میدادند و او را به مسئولیت های آینده وی متوجه می ساختند چنانچه افلاطون فیلسوف مشهور یونان اولین مردی بود که تعلیم و تربیه را جهت کشف استعداد های مردم و نیز آنرا برای آماده ساختن افراد بسگا و های اجتماعی سیاسی و اقتصادی صائب دانست چنانچه وی به اقتصاد جامعه خودش انسانها را به طبقات مندرجی تقسیم نمود و اظهار داشت که هر طبقه به استعداد معینی که از آن پا فراتر گذاشته نمیتواند بدنی آماده است ولی درباره طبیعت و نمو و انکشاف طفل که نام مطالعه صورت نمیگرفت.

وضع طفل در قرون وسطی مانند سایر اوضاع روانی، اجتماعی و اقتصادی آن زمان به تیره گی میگردید و تا دورهٔ رنسانس بدین مثال بود. خوشبختانه که در دورهٔ رنسانس دلچسپی و مطالعه طفل و احتیاجاتش نیز ظهور کرد و در نتیجه ذهنیت فلاسفه و مریون راجع به طبیعت طفل بکلی عوض شده رفت چنانچه بعضی آنکه پروگرام تعلیمی و تربیتی را برای طفل طرح نموده باشند و طفل را به قالب آن باندازند، در این زمان طفل را معیار قرارداده و مطابق به استعدادش پروگرام درسی طرح می گردید، و روشنفکران آن عصر توانستند که ذهنیت جامعه را نیز درباره طفل تغییر دهند و سر به آ مشاهده می گردید و تحقیق و بصیرت فلهذا باید دانست که دلچسپی در مطالعه طفل از روش تعلیم و تربیه که میتوانست وی را بجهت یک تبعه مفید انکشاف دهد نشأت کرد و به مرور زمان معلومات راجع به طفل زیاد شده رفت و مطالعه طفل هم از شکل غیر مستقیم آن به شکل مستقیم در آمد که تا امروز هم حوام دارد.

از دوره رنسانس تا امروز طرز مطالعه طفل نیز به شکل و اشکال گوناگون در آمده است، چنانچه در ابتداء مطالعه طفل به اساس مشاهدات مستقیم صورت میگرفت و هدف اساسی آن حل پرابله های تربیتی می بود ولی امروز با وجود در نظر گرفتن مسائل تربیتی طفل، مطالعات در زمینه تجربی بود و مرکز اساسی مطالعه خود طفل بجهت یک شخص بوده و انکشاف همه جانبه آن مدنظر گرفته میشود. طوری که در بالا به آن اشاره شد شروع مطالعه علمی طفل در قرن هفدهم شروع گردید و علم بردار این نبضت علمی کومینوس، ریغورمیت و مری معروف تعلیم و تربیه چکوسلواکی دانسته شده است. کومینوس در سال ۱۶۳۸ کتاب مشهورش را تحت عنوان «مکتب و کودکی» به نشر سپرد و در آن، نوع تعلیم و تربیه که برای شش سال اول حیات طفل مناسب است بیان داشت. گرچه این کتاب اصولا برای عده محدودی که توانایی استفاده از معلومات آن کتاب را چه از نگاه اقتصادی و چه از نگاه موقف اجتماعی داشتند (یعنی خوانده و نوشته می توانستند تهیه شده بود با وجود آنهم

خریت سالیانی در تعلیم و تربیه کودک نموده است کتاب دوم کومینوس که در سال ۱۶۵۷ تحت عنوان «دنیا در تصاویر» نشر شد اولین اثر تصویری برای اطفال بشمار می آید. متن کتاب با تصاویر بزرگ مواد مربوطه را برای اطفال قابل شوک و فهم میساخت و سرانجام امتداد گردیده بود.

از نگاه تاریخی آثار کومینوس خیلی با ارزش است زیرا از یک طرف طفل را به حیث یک شخصی معین تحت مطالعه قرار میدهد و از طرف دیگر آن را مطابق به استعدادش تربیه میکند. نه آنکه وی را بدون در نظر گرفتن استعدادش به قالب معیار معین قرار دهد. در اواخر قرن هفدهم یعنی در حدود ۱۶۶۳ جان لاک از طریق و اصول طبی تربیه طفل ستایش به عمل آورد. تقریبا نیم قرن بعد از «ژان ژاک روسو» در کتاب «امیل» خویش از تربیه فردی و بصورت طبیعی طفل به تفصیل سخن راند.

پس از ریغورم های تربیتی اشخاص نامور دیگری، از قبیل پستالوتسی، هربارت و فروبل قابل یادآوری است. چنانچه فروبل را تا امروز در همه نقاط غربی به نام موسس کودکستانها میشناسند.

در اواخر قرن هجدهم دلچسپی به مطالعه طفل اوج گرفت بدون آنکه در این امر تأثیرات تعلیم و تربیه عمومی یا فامیلی از نظر انداخته شود. آثار و مآخذ پستالوتسی که به اساس مشاهدات وی از نمو و انکشاف پسر سه و نیم ساله اش در سال ۱۷۷۴ به نشر رسیده است، از اولین آثار علمی نمو و انکشاف طفل به شمار می رود.

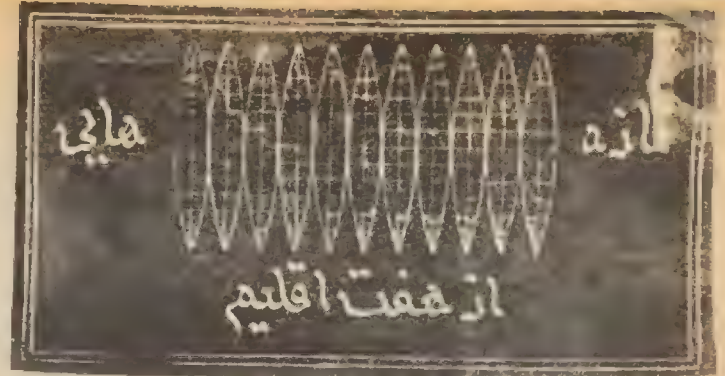
در سال ۱۷۸۷ طیب المانی به نام آیدمن مشاهداتش را در باره اطفال خودی که در سال اول حیات شان به عمل آمده بود به نشر سپرد این تشریح از جمله اولین آثار علمی است که رویه و سلوک طفل را توضیح می نماید. آثار پستالوتسی و آیدمن از جمله آثار پیش آهنگ در مطالعات وابسته به شرح احوال اطفال به حساب می آید. روش مطالعه طفل در قرن نهم به صورت بیوگرافی بود و شهرت زیادی هم کسب کرده بود.

استانی هال شخصیت معروف دیگری در ساحه روانشناسی است که به نام پدر نبضت مطالعه طفل شهرت دارد و در زمینه خدمات زاید الوصفی را انجام داده است. وی در اثر نوشتن بیوگرافی های زیاد در باره اطفال، انکشاف نظریات فلسفی و تربیتی در زمینه مطالعات مشاهده وی دلچسپی زیادی را در ساحه مطالعه طفل برانگیخت. دلچسپی عامه در ساحه مطالعات طفل هنگامی نیرو اوج گرفت که استانی هال کتاب را تحت عنوان «محتوی ذهن اطفال در موقع شمول به مکتب» در سال ۱۸۹۱ به نشر سپرد.

از حقایق بالا و نتایج همه جانبه آن چنین استنباط می شود که آثار و منابع قرون گذشته زمینه را برای مطالعات تجربی طفل آماده ساخته و دلچسپی اشخاص ذیصلاح را به مطالعه علمی طفل جلب کرده است که در نتیجه موسسات نشریات علمی و انجمن های علمی زیادی جهت اعتلا و بهبودی همه جانبه طفل در نقاط مختلف گیتی تأسیس و شروع به کار نمود، و اولین کنگره بین المللی مطالعه طفل در سال ۱۹۰۶ در برلین برگزار شد.

باقیه در صفحه ۵۸

مواد منفلقه و سه شاگرد هاهامبورگی



ترجمه و تنظیم از : میرحسام الدین برومند

یکصد میلیون دالر سرمایه شخصی

دیکتاتور سموزا

بن و بلای فتنه دیک باغ مجلل واقع در آژ و تکیون از اقوال صل دور تو جبهه یکننده را بخود میکشد . این و بلای بسیار شکه که تو سط محافظین و پاسبانان حمایه میشوند متعلق میشود به دیکتا - نور معروف سموزا که البته پا در خان فراوان احاطه شده است . زور نالیستان گزرا ر شاتیه دیده در مورد اینکه دیکتا نور نیکا را گوا در همین و بلای فتنه از مهمانان خوش گاه و بیگاه استقبال میکند . اخیرا تروپی از خبر نویسان گشت و شوی با دیکتا نور نیکاراگوا یعنی سموزا بعمل آوردند . سموزا ضمن این گفت و شنود طوری وانمود ساخت که تکلیف قلب دارد و برای او محال است که بهمه سوا لات پاسخ ارا فته بدارد . وی گفت که من از کمونست ها دل خوش ندارم چونکه در دنیای من فقط پول و سرمایه است که میتوانم ابراه داشته باشم و کمونست ها مغایر این عقیده بوده صلح و امنیت و نو عهد وستی را برترین همه چیز میدانند . بعضی از مسئولین و اشنگین مرا گول زدند لاکن برای من مباحات و افتخار است که در کانگرس امریکا دوستان خوش بی دایم که هموقت از من حمایت میکنند . این دیکتا نور مستبد خودش را شخصیت قابل افتخار دانسته و ادعا نمود که فلان وی مالک (۱۰۰) میلیون دالر میباشد . جان مطلب در اینجا ست که سموزا بار بار تاکید کرد که یکصد میلیون دالر ثمره دستمزد و عرق ریزی شخصی خودش است ، او در يك مدت کوتاهی با کمال عفریزی و جانتقبا نی این مقدار را کسب نموده است ، فعلا مبلغ بیست میلیون از جمله پول متذکره وارد اختیار دارم که متبایق را دزدیده اند . خیر پول های شخصی سموزا را بغارت نبرده اند بلکه دیکتا نور مزبور خودش پول مردم را به یغما برده و با چپا و لگری ها و حیل ها پیش باز هم او کنون استدلال میکند که شخصا این مقدار پول را کما می کرده مگر دیکتاتور مزبور چه هنری دارد

سه شاگرد ها مو رگی اخیر اموفق به کشف محلی گر دیدند که آنجا مهمات جنگی و مواد منفلقه و بسی و سایر دیگر جنگی زمان قبل از جنگ فانیستی ها آنجا مدفون و مخفی شده بود . بجهت اصابت یک ناو جنگ متعجز شده یکی ازین سه شاگرد کنجاکو تلفو دوی دیگر شدیدا زخمی و به شنا خانه انتقال داده شدند . مهمات جنگی مذکور در محلی بنا به مشقو لیسر یک مخفی گردیده بود پس از سال ۱۹۵۴ بود که جمهو ویت نام در ایالات متحد و تولید اسلحه های شیمیایی ، باکتریولوژی و اتومی را در آلمان ممنوع قرار داد .

گرچه مقامات آلمانی از موجودیت چنین مخازن آگاه بودند اما علت دوری گزینی ازین مخازن همانا دوری گزینی از مرگ و اثر انفلا ت ناسی از آن و گریز از مواد زهر آگین آن بودند . اینک مهمات جنگی تقریبا بیشتر از چهل سال قبل در حال بیرون آوردنست . معلوم میشود که آلمان تلاش برای محو مخالفین از طریق مسموم ساختن و بخش مواد زهر آگین تو سط فانیستی های مذکور صورت میگرفت .

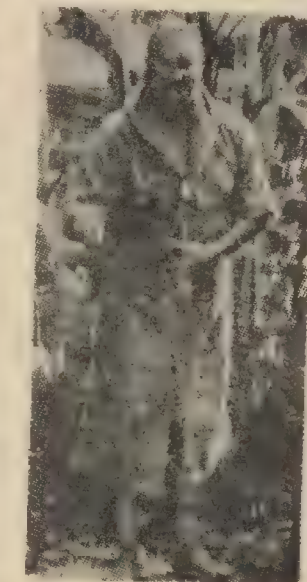
ارمانهای نژاد پرستان غرب در مورد موجودیت

این مخزن ، مهمات و مواد جنگی آگهی داشته و در سال (۶۰) آنرا منتشر ساخته بودند که بعد ها در سال ۱۹۷۰ مجددا «مارتین لو تشر» یکن از باشندگان محلی مزبور ، اسرار موجودیت یک مخزن بزرگ مهمات جنگی و نظا می را فاش ساخت . گفته شده که تقریبا (۲۵) کیلو گرام مواد مسموم کننده زهر آگین از مخزن یافت شده است اما ناظرین چنین استدلال میکنند که مقدار متذکره مواد سمی را باد قیمتی بوده و هم کهنه نیست بدین مفهوم که مواد مذکور در سالیان اخیر خریداری و آنجا نهفته شده بود و برای اینکه خود محکم باشد باشند . این اسرار را یکن از ژورنالیستان گزارشی داد که واقعت امر بخوبی هویدا گردیده است . اکنون که این گزارش به سایر کشورهای غرب انتشار یافته سوال اینجا ست که چه کسی در صورت واقعت بروز یک جنگ احتمالی در آلمان قدرال درین راه کشور مذکور را همراهی خواهد کرد . مسلما برای همجو ما نور هایی هیچ کشوری مواد زهر آگین نخواهد فرستاد زیرا جنگ ها ای که بوسیله مواد کیمیاوی تنظیم و هدایت شود زشت ترین نوع جنگ خواهد بود که سعادت کتله های بشری را بنوبه خود بهم میرساند .

نقش طبیعت در زندگی زنده حان ها



در طبیعت حیوانات فراوانی وجود دارد که موجودات آن ها برای بشر فواید و منافع زیادی را برای می آورد و انسان ها برای بقای خویش از گوشت ، پوست ، شیر و غیره وسایل پرورینی آن استفاده میکنند و با در سایر موارد از خود حیوانات کار میگیرند . برخلاف هستند حیوانات بیشتر آن که موجب دبت آنها مایه ناراحتی و ضرر انسان ها میگردند که از جمله حیوانات درنده ، پرازیته ها ، علف های هرزه بشمار میروند که تلاشی برای ریشه کن ساختن علف های زهر آگین و هرزه با جدیت دنبال شده است . لاکن پژوهش ها کاوش های تازه تر مدعی است که هرچند بیماری چیز ها در طبیعت اضافی و زیاده منما یند . لاکن در واقع همچو چیزهایی خالی از منافع نیستند بطور مثال بهمن نازگی ها ثابت گردید که گیاه های هرزه پس از خشک شدن دوباره بزمین ریخته و بوسیله آب باران و غیره دوباره مواد آن بزمین میروند و همین مواد دربار و در ساختن و حاصلدهی زمین حتی من حیث کود و یا بهتر از آن کار بدهد . البته پس از چنین عملیه ای زمین های مذکور حاصل مطلوب بار می آورد . با ارائه یک مثال دیگر که اینهم نتیجه تحقیقات مطلوب در زمینه میباشد . میتوان حکم کرد که همین عمل های فتنه و خود



سموزا دیکتاتور نیکاراگو مرحله گروموزور

این نوع گوزن ها موارد استعمال زیادی برای استفاده شیر دارند .

سبوكه در بعضی سواحل ابحار و نیلده و بعضا عطر گلبرگ های آن با عت نبدید حیات ما هیان آنجا میگرد علم کیمیا نابت ساخته که همچو گل ها دارای چنان ماده کیمیاوی است که بعضی افتین بروی زمین و انتقال آن توسط باد به آب بحر ، آبرای از هر نوع کثافات و آلودگی ها نموده ، تصفیه و فلتر مینماید . در بعضی حصص بعضی اسب های رنگی که با تنفس خود سم مملک تولید مینماید اما از همین نژاد اسب های بسیار زیاد اهلی ساخته شده اند که از مواد

می مذکور در موارد بخصوصی کار گرفته میشود لازم به تذکر است که یکی از عللهای زهر آگین موسوم به «تو بر» کلیاً یسلوز است بحدی خطرناک خوانده میشود که میگفتند بعضی نزدیک شدن به

همچو گل ها شخص هلاک میشود لکن با شکر فی نما به اینک چنین یک علف کشنده را وسیله موثر تر از هروسیلنه که اکنون کشف شده، برای تداوی سرطان های پیشرفته تجویز نموده اند. پس بطور قطع میتوان حکم کرد که تمام گیاه های هرزه حتماً کشنده اند چه گیاه ها بخاطر غذای مواد بیولوژیکی و کیمیاوی شان، لازمه بشر و طبیعت بوده و نیاز از طبیعت محو نباشد.

معجونه گردند. بعبارة دیگر میتوان با اتکاء به نظریات محققین، طبیعت شناسان «گیاه شناسان» حکم کرد که در طبیعت هیچ موجودی یافت نمیشود که سراسر بزیان بشر و خطرناک و مضر باشد.

امروز در بسیاری نقاط پرند های غار تگر و جود دارند که مرغ های زیادی را می بلعند. لکن چنین پرند های شکاری کنون در فارم های مخصوص طيور تحت تربیه گرفته و سپس ساخته میشوند نادانان کارهای نسبتاً ساده بر دارند. هر قدر تخنیک با سرعت سرسام آورنده

ندی بجلو گام میزند با همان تناسب انسان ها با انبوهی از مشکلات تازه رو برو میشوند، یکنوع نبات پست منجبت پایه اساسی برای ساختن باکتری

یو لوی کمک میکند. این شاخه جدید متضمن تهیه دارو های جدید تهیه شده از نباتات میباشند. در سالیان اخیر حتی استفاده با کتری و الحقی ها برای حل بسی از پرو بلم های زنده جان های کائنات لازمی بنده شده است. آخرین نظریات حکم میکند که لغت روی آب که در بعضی ابحار کشف میشود باعث موجودیت

آن موجودات میگرداند. «میکروارگانیسم» بهر که اند، یکی از عواملی که اینک بحال نباتات و حیوانات مفید واقع میشود و محصول لازم زراعتی را با لامیردها تا کثرت نفوس بشری در سیاره ما میباشند. امروز نظریه احصایه های ناشناخته شده تقریباً (۱۷)

میلیون نوع زنده جان اعم از حیوانات و نباتات زنده گی دارند. ابتدا زنده جان ها را (غیر از انسان) پنجاه فیصد تعریف کرده بودند که کمتر از یک فیصد آن میکروارگانیسم یا موجودات نرینه یعنی ویس کوچک بوده و متباقی پنجاه فیصد دیگر حشرات، حیوانات فزاریه و سایر موجودات زیر دریایی مخصوصاً ماهی هاییکه در زیر اعماق بحر زندگی دارند و همچنان نباتات منطلق پست موجودات زیاد شگفت انگیز خوانده شده اند که بی بردن به اسرار این موجودات مطالعات متداوم در کار دارد.

اساس مطالعات مراکز طبیعت شناسی از (۱۷۰۰-۱۹۷۰) تقریباً (۱۰۰) نوع حیوانات مرده و کاملاً نابود شده اند بدون آنکه نسل آنها ننگباری گردد و این مطلب میرساند که سرعت مرگ در حیوانات بطور مشهودی بالا رفته است و ریسو ج های اخیر میرساند که در سالیان اخیر در حدود (۷۰۰) نوع حیوانات تیره شده های دیگر را مرگ تهدید میکند که اگر عمیق تگر رسته شود، انواع زیادی حیوانات مورد هجوم و حمله مرگ قرار دارند اما شاید اندسته موجوداتی باشند که ما حتی نام آنها ننشیده باشیم

موش های صحرایی و گنجشک بهمان قسمیکه از یکطرف دشمن گشت و زراعت پنداشته میشوند درنگسپرداری دندان های شیر عاج فیل و غیره چیزهای ازین قبیل و انتقال آن در آشیانه ها یا فشان وسایل موادی که در طبیعت موارد استعمال دارد رو برآورده داشته و مفید نیز ثابت شده اند.

امروز جنگلات استوایی در تحت فشار طبیعت قرار دارد. کجا معلوم که با کشف و شناخت نباتات زنده گی میلیون ها انسان نجات یافته و یا در حال نجات باشد که مثال برجه همچو وسایل شفا بخش یکی هم بنسبیل است.

ممکنست در زیر جلگه های وسیع علف های پیدا شود که حیات هزاران هزار انسان در آینده بدان بستگی داشته باشد. دیدنه شود این تلاش ها برای رام ساختن طبیعت، شناخت بیشتر حیوانات و گیاه ها با چه سرعتی دنبال وجه فوایدی را در آینده ببار خواهد آورد و ما از آن گزاشی هایی خواهیم داشت.

آینده بدان بستگی داشته باشد. دیدنه شود این تلاش ها برای رام ساختن طبیعت، شناخت بیشتر حیوانات و گیاه ها با چه سرعتی دنبال وجه فوایدی را در آینده ببار خواهد آورد و ما از آن گزاشی هایی خواهیم داشت.

کودکان مبتلا به سیاه سرفه

در قفس ها

امروز در جوامع طبقاتی تضاد میان سیاه و سفید، غریب و دارا، شکل حادث آن موجود است و این رنگ و بوست جلد است که یکی را به سیاه روزی می نشاند و دیگری خوشبختی می آورد. ازینرو در یکی از شفاخانه های جهان موسوم به «یورس» واقع در آلمان غرب، شرایطی گوناگون دیگرست و با این استدلال که نیشود همه کودکان مریض را در شفاخانه

صاحب پذیرفت. بعضی دیگری از شفاخانه شماره ۳۰

بست میله هاست. یک طفل هشت ساله بنام «دنیامش» که سه سال قبل والدینش او را برده بودند و در چنین اتاق های قفسی گون «یورس» جاداده شده بود وقتی مجدداً مریض شد بجدی گریست و به نوحه وزاری نزد والدینش پرداخت و اصرار کرد تا نزد دکتران او را ببرند که بناچار والدینش پذیرفتند. «اینگبورگ» و «کریستیان» دو طفل چهل ساله که در تصویر دیده میشوند دوگانگی هایی اند که به سیاه سرفه مبتلا اند و روزگار آنها را بدینجا کشانیده. بهمن تازگی ها یکی از منابع نشراتی غرب نوشت که در حدود ۶۳ فیصد مبتلایان سیاه سرفه و امراضی سرایت از تداوی درست محروم بوده و اطفال از آلمان از تداوی درست محروم بوده و اطفال از رفتن به شفاخانه ها احساس ترس و گریز مینمایند زیرا آنجا مشکلات روانی سخت اذیت شان میکند.



اینگبورگ و کریستیان دو طفل چهارساله بیمار در قفس بیمارستان

هنر پیشه چیره دستی که لقب (رژیسور فوتوگرافی) را گرفت

شده قدیمی نشر میگردد و بهای بیشتری می یابد. فراد مطالعات امروز ارزش یک پورتیت یا تصویری که با پینل و رنگهای عالی کار شده، تصویر هائیکه با ماشین های جدید عکسبرداری و بطور برجسته تهیه شده قیمت بیشتر دارد و به جهت آنکه این بنجه هاست که روی کاغذ هنر آفرینشی میکنند و بازتابی از حقایق جامعه را همراه با هنر ضم ننوده و در مقابل دیدگان تماشاگر مجسم مینماید و خلایق هنری یک تصویر هنری و یایک نقاشی به طرز اندیشه، ابتکار و فهم هنری ایجاد گران بستگی دارد. لکن برانزدگی ها و خصوصیات که فن فوتوگرافی دارد و در اسرع وقت تصاویر مطلوبی را تهیه

در اواسط قرن ییشین فن فوتوگرافی ترقی شایانی نمود. با پیدایش و گسترش فن فوتوگرافی نقاشان و رسامان چیره دست ابتداء خودشانرا بدیخت احساس مینمودند چه ترس بیشتر شان از آنجهت بود که مبادا هنر شان دیگر بازاری نداشته باشد. کنون مالتصاویر پور تریتهای نقاشی و همچنان مجسمه های مرقمیتی از گذشته های دور داریم که هر یک بنوبه خود ارزش هنری بسزایی دارد. بسا گذشت زمان فهمیده شد که هنر نقاشی و رسامی با بیان آمدن فن فوتوگرافی ابتداً و بهیچوجه نمیتواند ارزشی را بیازد. هر قدر که تخنیک با سرعت سرسام آوری به پیش گام برداشت، هنرهای زیبا هر کدام بر ماهیت تر و خواستی ترشد یک پورتیت که در ۱۸۶۲ نشر گردیده بود در یکی از موزیم های جهان ارزش فراوانی پیدا کرد اینجاست که بکار دیگر نقاشان و رسامان دریافتند که هنر هنر است و هیچ هنری نمیتواند جای هنر دیگری را بگیرد. امروز یکی بی دیگر آثار رسامی

می بیند بجای خود مهم و در خور تقدیر است. وظیفه فوتوگرافی و برداشتن تصاویر کار ماشین مخصوصه است لکن نحوه تصاویر فوتوگرافی شده، گویایی تصاویر همه خصوصیات دیگری که خاصه یک عکس بقیه در صفحه ۵۸

سیری در جهان هنر

رقص هو پاک

هیچ تصور نمیرود کسه شما بنوا نید یک نفر او کرا نیشی را پیدا کنید که رقص محلی هو پاک را دوست نداشته باشد و خود شب هم در جوانی این رقص را اجراء نکرده باشد. هیچ مجلس بدون رقص هو پاک برگزار نمیشود. این رقص که خیلی ها در اوکرا این مروج است در مجا لس شب نشینی و عروسی ها، در جشن های ملی، روستا ها، در کارخانه ها و پارکها و شهر، در هر جا بیکه جوال

نان گرد می آیند و در هر موقعیکه مردم شاد و خوشحال می باشند اجرا میکنند. سوا لی پیدا میشود که محبوبیت عمو می این رقص محلی و دو ست داشتنی در چه چیز نهفته است؟ گفته میشود که علت محبوبیت این رقص در آنست که : «در این رقص خصوصیات اخلاقی و شور و شوق مردم وزنده دلی، نیرو و مهارت و رشادت و از خود گذشتگی آنها به نحو بازی آشکار و



هو پاک رقصی که در آن خصوصیات اخلاقی و شور و شوق و زنده دلی مردمان او کراین بغوی آشکار میگردد.

برای هنر پیشگان اما نور بشمار میرود.

استادان این رقص (هو پاک) در او کرا نین همواره میگویند تا شاگردانی نداشته باشند تا این هنر محلی شان هنوز هم به صورت خوبتر و بهتر رشد کرده و پیش برود.

رقص هو پاک در هر گوشه و کنار شهر اوکرا نین مروج بوده و خواهان زیادی دارد حتی گفته میشود که خرد سالان بالاتر از دوازده سالگی به این رقص می پردازند و در ظرف کمتر از یکسال آنرا خوبتر فرا میگیرند که بعد ها ایشان در مجا لس و شب نشینی ها به همچو رقص می پردازند.

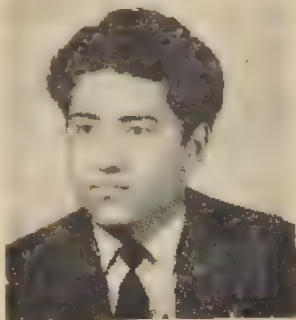
نمایان میگردد.

همچنان در او کرا نین هزاران گروه رقص اما توری و ده ها گروه رقص حرفه ای این رقص را اجرا میکنند. ولی دیده میشود که رقص هو پاک معیار و سر مشقی هم برای هنر پیشگان حرفه ای و هم

نوشته عزیز آسوده

صدوری یکی از بازیگران تیاتر

جان سپرد



ماخوش گریه ها و نفیر فریاد هارا از سالون های تیاتر می شنویم، از تماشاخانه ها از آنجا که هنرمندی ورزیده سالها از آن بازیگری می گذرد و از روی ستیز گریه های زندگی را بر تماشاگران می گذرد. و صد ها چشم جستجو گری که مشتاقانه او را می نگر یستند کنون با اندوه مرگ او در طوب اندونماک.

با اندوه مرگ سید عثمان صدوری، کسیکه سالها بر ستیز تماشاخانه ها و در قالب کترها تماشاگران را سر گرم می ساخت. او که با نوشتن درامه ها بریدی ها خرده میگرفت، و او که همیشه چیز هستی اش تیاتر بود و... جان سپرد و دوستدانش را هوا داران تیاتر را و آثانی را که در تماشاخانه ها راه دارند بسختی غمگین ساخت.

سید عثمان صدوری بتاريخ ۱۸ عرپ ۱۳۱۴ در گذر زراب خانه شور بازار کابل در یک خانه نواذ تقریبا بی بیضا عت زاده شد.

و از زمانیکه بیای خود برخاست، به تیاتر روی آورد و تا آخر عمر در همین مسیر استافت.

او شیفته تیاتر بود. و همین شیفتگی او را بران میداشت تا در همه جا و در همه وقت کار تماشاگری را سامان بدهد. لذا دسته های هنری از هنر پیشگان و بازیگران را گرد می آورد آنرا تنظیم میکرد و سر انجام تماشاخانه ای را سرو صوت می بخشید و این هنر را در هر جا عام تر و همه گیر تر می ساخت، ده سپارد و در ترین رده تا های کشور میشد.

آنجا که نه از تماشاگر خبری بود و نه از تماشاخانه، میرفت بدین رنگ و خستگی ناپذیر.

او خود درامه می نوشت، خود میکا می کرد و خود دیکور می ساخت و بالاخره خودش بود که آنرا کارگری دانی می نمود و خودش نقشی را تمثیل میکرد.

صدوری در بدترین شرایط دست بسا ین کار می زد.

محدودیت های مادی از یک طرف و اختناق ناشی از دقت هنر در زمان حکمرانی آل یحیی از سوی دیگر او را از پیگیری دین امر بر حذر میداشت. ولی هیچگاه از راهی که آمده بسود برنگشت.

صدوری در سال ۱۳۴۲ به تیاتر راه یافت. او آنقدر دین امر را شمهک شد که با تلاش نه در صفحه ۵۴



گروه هنری صد ساله ها

از سپوتنیک

ترجمه : احمد شاه

گروه هنری صد ساله ها

این گروه در جهان یگانگانه گروه هنری است که سن اعضای آن اضافه تر از صد سال میباشند و بطور مکرر بنام گروه هنری نژاد شناسی آهنگ ورقص اشخاص طویل العمر (مسن) ایخازی «نارتا» یا همیشه (ایخازی یکی از جمهوریات خود مختار در منطقه قفقاز اتحاد شوروی بوده و در جمهوریات گرجستان شامل میباشند. نفوس آن به چهار صد و هشتاد و یک هزار نفر می رسد و پایتخت آن شهر سوخومی میباشد).

لغت «نارتا» حماسه ملی را ارائه میکند که را جمع به برادر های قهرمان نوشته شده است. لیفا ریس فاکولته طب پوهنتون هارورد را جمع به این اشخاص چنین گفته است : (این ها واقعا اشخاص خوشبخت اند زیرا همه بر اثر زیاده و کارهای خود را به بسیاری ذوق و علاقه انجام میدهند اینها زندگی را به خوشی سیری میکنند و علاقه پر شور به محیط خود دارند. خندانند و آهنگ ورقص را بسیار دوست دارند).

این گروه هنری در سال ۱۹۴۸ توسط کودتوا رئیس کلوب هنر های ملی سوخومی تشکیل گردید. در آنوقت کودتوا هشت نفر اشخاص کوه نورد منطقه را جمع

شماره ۳۵

نمود که هنوز آهنگهای باستانی محلی در خاطراتشان باقی مانده بود و به آلات موسیقی محلی دسترسی داشتند. تمثال های اولین اعضای این گروه توسط نقاشان محلی در پارچه نقاشی شده و تنها هنوز در یکی از صالونها شهر گاگرا میباشند. این گروه هنری اضافه از سی سال است که به کار خود شروع کرده اند. اولین هنرمندان این گروه زندگی را بگذراندند، اما تعداد هنرمندان گروه مسن این منطقه رو به افزایش است. در حال حاضر در اتحاد شوروی اضافه تر از بیست هزار نفر زندگی میکنند که دارای سن اضافه تر از صد سال میباشند و درین جمله قسمت بزرگ آنرا مردم منطقه ایخازی تشکیل میدهند. اعضای این گروه در نقاط مختلف ایخازی زندگی میکنند و تنها قبل از کنسرت غرض تمرین گرد هم می آیند. گروه «نارتا» در بسیاری از مسابقات هنری چه در داخل و چه در خارج اتحاد شوروی

روی اشتراک ورزیده است منجمه در مسابقه هنر اما توری در مسکو، در مسابقه رقص های ملی در تبیلسی یا یخچت جمهوریات گرجستان اتحاد شوروی، و در مسابقه بین المللی هنر های فولکلور که توسط تلویزیون خلق مجارستان ترتیب گردیده بود حضور بهم رسانیده بود و در ضمن به دریافت جایزه (طاوس طلایی) نایل آمد.

آواز خوان این گروه تیمور نام دارد که چندی قبل یکصد و هشت سالگی خود را جشن گرفت و تا حال حاضر در کلخوز برای جمع آوری محصولات چای دوش بنوش با دیگران کار میکند. هنرمند دیگر آن داوید در منطقه بنام گوداوت زندگی کند. در حال حاضر گوداوت یکی از استراحتگاه های مشهور اتحاد شوروی در سواحل بحیره سیاه بشمار میرود. داوید در مکتب تحصیل نکرده است زیرا در آنوقت بعد از صنف دوم هر متعلم میبایست سالانه شصت ربل و غیره مواد

ارتزای بپردازد اما پدر داوید توان پرداخت این پول را نداشت. وقتیکه در گوداوت از پیروزی انقلاب اکتوبر اطلاع یافتند خلق آنجا گروه پارتیزانی را تشکیل دادند تا علیه ضد انقلابیون بجنگند و داوید یکی از اعضای فعال این گروه شد. هنرمند دیگر این گروه تاراش نام دارد. تاراش را شش در جوانی اشی تحصیل نکرده است و فعلا یکصد و هفت سال دارد و در موسم جوانی خود در کوه ها زندگی میکرد. بعد از پیروزی دولت شوروا به حیث آمران تلکشتا ورزی در جمهوریات خود مختار ایخازی کار میکرد. تاراش را جمع به سرگذشت خود چنین میگوید : «آنوقت بسیاری دشوار بود مردم از برتری های دولت شوروا آگاه نبودند و من مجبور بودم تاخو بی های کلکتیویزه نمودن زراعت را برای شان تشریح دهم. خودم به بسیار دشواری کار های خود را پیش میبردیم زیرا حروف و اعداد را نمیدانستیم، الفبای ایخازی فقط در دوران دولت شوروا باوجود آمد. اثر زی و عقیده راسخ بهما امکان داد تا ایجاد جامعه نوینی را آغاز کنیم». در اولین ایلانهای پنجساله شوروی تاراش بقیه در صفحه ۵۸

د تاريخي
تکامل په
اوږدو کی
د خلکو او
شخصیتو نو
رول

به داسی حال می چو دبیری بوئی
جهک اونه دو ینو نکي بر محنت د نیری
نهی تابدگون وو گیری دی دبیریت
دربمه برخه دسوسایلزم اوبی طیفو بولسو
دجو پولو دپا ره هلی خلی کو ی ت بیری
لوی استعماری امپراتوری دیویری سوی دی

دیو مستبد او ظالم رژیمونه چی لونه کولنه
پر تیر شوی وه له خاورو سره برابر
شوی دی یو زیات شمیر کولو به د مخکی
د مخ خڅه مخه شول او په لسگونو نو ئی یو-
لونه منځ ته واغلل او د زمانې ټول منځ
په دواندی روان دی د تاریخ ژوب او جنه حرکت
ویده ملتونه او پر گټی د غلت د خو به
او اوبیې کړی فی امارتجای او متر فسی
توتونو ترمنځ بی امانه وړونه ده ذوی
مفلکو دی نو و فکر او نه سره نصاحم کړی
په یوله نړی کی دجذب باتوسیند ځپانده
سوی دی د مینې او کر کی دیکلی او بدی
د تضادو احساساتو سر کټه تو پسان
په هستی را غلی دی . نو آ یا دا ممکنه ده چی
د تاریخ په دغو ځپاند و پیښو کی کوم نظم
او هدف وپینځلی شو ؟ آ یا تاریخی پیښی
د تضاد محصول دی که ددوی تر منځ
کوم ارتباط شه؟ ساینس او د بشر ژوند
د پیړیو پیړیو تجربو ښودلې ده چی د ټولنیز
ژوند پدیدی دینی قوانینو له خوا اداره
کیری خلک کولای شی چی د ټولنیزې بر-
خیا او اجتماعی پیښو ترمنځ او پکی وپینځی
و دهغو خڅه په عملی ژوند کی ګټه واخلی.

ددى لىم سىرىزى پە نىسبەت و ىللى شوچى
خلك نا رىخ جو ړوى خود خپل ميل اوآرزو
په اساس نه بللكى دعينى شر ا ىطو سره په
ار تباط او تر ټولو زيات دمل دى نعمتو نو
دټوليدى طرز سره داپى كوى په اساسى خلك
پارىخ جوړوونكى قوت بللى شو و .

به همدی اساس لکه خخته چي تو ليد
تکا مل به اوز تو کی د سا ده خخته بچیل او
کښته خخته مخ به پو رته دودې به حال
کی دی نو دخلکو رول هم دتاریخ په
جریان کی بدلون مومی دغه وږه تاریخ
کی دخلکو رول هم د تونلی تکا مل سره سم
زیا تیری لکه د نړی دکار گرانو ستر رهبر
چی غر گند کړی ده : «په بهر اندازه چسی
او لښز نجو لات ژور او هغه و ظنی چسی
د تونلی نو دی لپاره سرته رسیری جد تیوی
ده هم هغه اندازه هغه پر گنی چی د تاریخ
به چر یا ن کی گلون کوی ډیر پرا خسی
اورول بی ډیر فعالوی»

دعوت دښتولنيزى ودى سره جوړتحتسى
دنا دپخ لىكلو طرز هم بد لى موى او په
مقوفو پرمخ تللو مترقى ټولنو كى چى
سىاسى قدرت داكثريت خلكو په لاس كى
وى نو تاوېښ وپالېستېكه بڼه غوره كوى
دافسانى اوذهنى ليكونو دجوكاتخه آزاد-
يى . او يوازى دپا چېناو او نورو مقتدرو
شخصا صوبر قهر مانېو باندى اكفنا نه كوى
دفعال په توگه كله چى په اروپا كى دتفېلېزم
ناوړوځى منځ ته راغله اودكېتالېزم تر غښك
دودرېدل دنړى سىاسى تاريخ هم په خطا
ليسو لكى توگه منځ ته راغلى او دهر
هيواد دمورخيتوب په كړوسه وسه زياتو
پېښى چى ټول بڼه خمو صيتو نه په خپل
هيواد بوى اوږد كړى او ټول نا ودهاملا

او خصو صينو به به نورو هيواد و يو زوى زوى
به همدى اساس و يو چى د نا ريخ اساس
په او نه هغه وخت تشخيص كيد اى شى چى
د ټولنى اجتماعى سيا سى او اقتصادى حالت
در يښى بدلون ومومي او داستعمار چا نو د
فېرېت به خاى اكثريت خلك د قدرت وا گي
به لاس كې وا خلى .

به تاريخ گي دخلکو رول يوازي په دی پوري
اوه نملری چی دوی تولید ی قوتونو ته وده
او انکشاف ورکوي او دغی لاری څخه
د دوی ټولنی دجوو بڼت لپاره سرسری برابر
وی بلکی دوی ی هغه قوت هم دی چی دانلاو
ملی آزادی بخښو ونکو نهښتو او او مترقی
کسارگری جنبشونو و هیری اوسروښت
ټاکي . شک نشته چی د سو سیالستی نظام
دجووښت څخه د مخه خلک د خپل کار او
زحمت لمرنه وینی خود وی مبارزی اوانقلابی
ملی خلی د هغو مهمو عوا ملو د چملي هڅه
دی چی د سو سیالستی ټولنی د جووښت
په شوی دی .

دغه راز خلك په ټولنه كې د فر هنگډوډي
وټكامل محرکه قوت هم دی لکه موږ كې
چې په دغه هکله لیکي :

(خلک نه یو اړی هغه طاقت دیچې ما دی
غمتونه تولد وی بلکې د معنی اړخ جوړ او
یوازنی یې پا په منبع اومر چینه ده) له
همدې امله وایو چې خلکو کار او زحمت
غلم او هنر سر چینه هم ده ځکه چې خلک
ننګلونه ، غزلې ، شعرونه ، قصې ، هیرونونکي-
نڅا و ی او خوند وې هنر او نور
انار منځ تړاوې لکه چې وینو ډیروپیاوړو
هنرمندانو تل خپل غوره انار په هر جای
کې وی د خلاق کار په نتیجه کې د خلکو
منتخ را ایمنلی او بیرته یې نو موږې ورو-
استا د خپلې هنري استعداد په مرسته یه
هنري ماڼه سمبال، خلکو ته وړاندې کړې
دی.

با بد و ویل شی چی دخلکو مفیوم د تل
لیاوه ثابت او تفسیر نه منونگی نهدی بلکې
په او مری سر کی خلک دز حکمتنا نشو
نخه عبارت دی او یا په عقو ټولنو گی چی
نه بخلا کیدو نکی طیفنا تی تضاد مو جو نوی
ټول استعمار د شوی فقر و نه او طیفنا دخلک
به جملہ گی راخی او برعکس ټوله استعمار
جیان دخلکو دشمنانو په کتاو گی دریسری
خو بیا هم لکه مخکی چی ویل شول د خلک
مفوم جامد او تفسیر نه منونگی نهدی بلکې

توڻي د خانگر و شرا يلو په اساس سر بديلي
يو مې د مثال په توگه په ټولو هغو ټوټو کې
چې په تاريخي لحاظ لاتر او سه په فيو چا لږ او
با نيمه فيو چا لږ او کې واقع وي نو څرنگه
چې په دغه مشخصه مرحله کې دغه واز ټولنې
د دوو سترو دښمنانو يعنې فيوډاليزم او امپير-
يا ليزم سره لاس په گډيوان وي نو طبيعا
نول هغه گسان چې دغه دوو دښمنانو سره
پي گډي په تقاضا د کي وي او ياد هغو رښد
کي د مياويزي لپاره لستونې وا نغښتي وي دخلکو
په مجمله کي د اتلاي شي چې په دې ډول سره
سي بورژوا اولمي سوداگر هم تر يووڅخه
په پورې د فيو ډاليزم او امپرياليزم سره د گټو
په سر د تقاضا لږو له مخي مېاره کوي او
په زمينکېبا نو تر څرنگ د دښمنانو د
نا پو دي په غرض گډ سترو چو و وي او
دخلکو له مجملې څخه منحل کيږي.

داته دا خبره ديا وو نو ورځد جی د خلکو
د دفاع رول او اهمیت تر څنگ د جنبې او تېمن
دوی او نکا مل په پر څه کی شخصیتونه هم
ستر رول او ځانګړی اهمیت لری که څه
نهمی یو رڼواری لېکو الا انما کو ای چی علمی
دوی لید پیر وړان شخصیتونه نو تا ریسم
رول او ستر خلکو نقش په به ټولنه کی
هیڅ ارزښت نه ور کوی خو حقیقت دای
د علمی نړی لید پیر وړان دوی ددی ادعا
او اتهام په خلاف عقیده لری چی شخصیت
نشی کړای چی د خپلی خوښی او آرزو سره
سم د تا ریخی عینی جریان ته بد او
ور کړی او ددی واقعیت څخه هیڅ و څر
انکار نه کوی چی شخصیت د ټو لنی
چو په پست وده او انکشاف کی زیات تیر
او ارزښت لری .

دغه راز دعلمي نړۍ ليد ځلانده اصول
حکم کوي چې ستر او پياوړی شخصيت
د تصادف له مخې منځ ته نه راځي بلکه دهغوی
په ټيکنی شرايطو له مخې چې په خاص وخت کې دهغو
پيدا بڼست غوښتنه وکړي منځ ته ځي د مثال په
تړنگه سياسي ستر شخصيتونه د انقلابي پاڅونونو
او مترقي نهضتونو او کارگري جنبشونو په
منځ کې زيری، وده کړی او ستر توپیر او
سربېری . دغه راز دساينس او علومو په
تايغه عناصر هم هغو وخت را پيدا کيږي
چې د تو ليدی قوتونو وده او يا تو ليدنې
او تيا په دغه يا هغه ساحه کې لوی علمي
ننګشنا فوټه او بر مخبڼاوې ضروري و گڼي
او هنر مندان هم خپل هنري آثاومنځ ته
اوږوې چې په يوه مشخصه تاريخي دوره کې خلک
دغه ته او تيا احساسوي .

له همدی امله وایو چ په عمومی ډول
استو شخصیتو او ظوهور هغه وخت ممکن دی
چې د خلکو او نیا ورته احساس شي .
ډلری د حتمتکيا او لو موی ستر رهبر په دغه
هکله وایی : دغه مسئله چی هغه یادغه
شخص په یوه ځا نگرې هیواد کی په
خاصو شرایطو کی منځ ته راځی یوه بشپړه تصادفی
موضوعه لاکن که موږ دغه شخص د منځ
پوښو نو دده په ځای دبل شخص د منځ
په راتگ احساس پیدا کیږی او رښتیا هم
دغه واړ جا نشین پیدا کیږی خو دغه دوهم
نق هغه وخت پیدا کیږی چی د هغه لپاره
متکلی له عتکلی اجتماعی مفدا متاواقصادی
شرایط براب شوی وی .

به نتیجه کی وایو چی دخلکو پراخی
پراختی دتا ریخ واقعی جوړو نکی دی جوی
دغه پراخی پراختی بیا پر طبقو ویشل شوی
دوغه طبقی دمیاردی به جریان کی بیلا بیل
سیاسی تشکیلات او غونډونه
منځ ته راوړی دی ، دغه غونډونه هم په
خپل وار سره دپوی خاصی طبقی دگټو
ساختندوی وی او دخلو رهبرانو په مرسته
دخلو طبقا تی گټو دتر لاسه کو او لپاره
فعالیات کو ی در رهبرانو تارینی رول ددای
چو ی خلک منظم کوی د فعالیت سطحه یی پراخه
کوی اودکاملو دغونډو دتحقق او تائیم
په لوری دجری کوی په همدی اساس به
هره اندازه چی دخلکو فعالیتونو ته پراخه به
تولید ژوندکی یی نقش زیات وی په همدغه
مقدار اندازه یی پوه ، وتلی او تجربه
کارو رهبرانو ته اړتیا زیاته وی .
ژوندون

فصل تا بستان به پا یان رسیده بود اما تفریحگاه پتسو ندای گر-جستان، که در ساحل بحیره سیاه واقع گردیده، هنوز در اکتوبر ۱۹۷۸ مزدحم بود. سوال مهمی، که آیا نونا کسیکه برای مدت شانزده سال تاج قهرمانی شطرنج را حاصل کرده بود با ز هم قهرمان شطرنج جهان با قی خو اهد ماند یا اینکه این لقب را به ما یا متعلمه مکتب دختر یکه صرف دارای هفده سال می باشد و گذار خواهد کرد، درین جا در پتسو ندا فیصله می گردید.

اکثریت علاقه مندان شطرنج طر فدار نونا بودند. استاد با تجربه شطرنج گلی گور یک سو-یتو زر از یوگو سلا ویا، آشکا را اظهار نمود که به پیروزی نونا هیچ تردیدی نداشته و یگانه زن

کپ شطرنج زنان تبلیسی (بایتخت گرجستان) را بدست آورد. وقتی او نتایج خوبی در بازی قهرمانی زنان شهر بدست آورد به کاندید درجه استادی مفتخر گردید. او تیم ملی شطرنج شو روی را برای مسابقه بایوگو سلا ویا بوجود آورد. این اولین مسابقه بین المللی مایا بود. او بسیار خوب بازی کرد و هر چار بازی را برنده شد. کمی بعد او در بدست آوردن کپ اتحاد جماهیر شو روی سو سیاه لیستی خوب جلوه کرد و مقام دوم را بدست آورد. طبق قانون او حق دریا فت عنوان استاد شطرنج اتحاد جماهیر شو روی سو سیاه لیستی بدست می آورد. اما مشکلی در سر راه بود: ما یا فقط دوازده ساله بود، در حالیکه قانون

از سپو تنیک

ترجمه: خان محمد گورا

ملکه

که با عروسک ها بازی

میکند

داد، اما با آن هم مایا باید مایو-سانه از موقعیت خود دفاع مینمود. اینجا ست که با ید مهارت و اتکاء به نفس ما را تحسین کرد. از آن چال به بعد او بطور با شکو می از موقعیت خود دفاع نمود. نونا بسیار تلاش نمود که در بازی حرفه نقطه ضعفی پیدا نماید اما موفق نگردید. استاد بزرگ و آگائین اظهار نمود که «آنها تا زمانیکه به بازی ادامه خواهند داد که تنها شاهان در تخته شطرنج باقی بمانند» آنها ازین رهگذر مشابه هم اند.

زمانیکه بازی وارد ششمین سال



جوا یز و نشان افتخار قهرمان جهان ملکه شطرنج را میزبید.

معین نموده بود که استاد باید چارده ساله و یا بیشتر از آن باشد. چه باید میشد؟ واضحاً باید قوانین تغییر میخورد. بعد تر فدراسیون جهانی شطرنج به عین پرو بلم مواجه گردید. در سن سیزده سالگی مایا ادعای عنوان استادی بین المللی را نمود. در پانزده سالگی او استاد بزرگ شطرنج بین المللی بود، و در شانزده سالگی رقیب ملکه شطرنج جهان، بنابر این چو، در هفده سالگی نباید مالک این لقب می بود؟

نیم نمره مشکل

بازی پانزدهم جویان داشت. رقیب ملکه شطرنج جهان یعنی مایا با دانه های سفید بازی می

آهسته بازی کرده نمی تواند و این امر او را از درگیری با ساعت (بازیکن با یدمطابق ساعت و در وقت معین عمل نماید) نگاه می دارد، لیکن او بعضاً اشتباهات احمقانه می نماید. این بار نیز چنین اشتباهی را مرتکب گردید. وقتی بازی از سر گرفته شد مایا دانه را با شتاب ردو بدل کرد و با این عمل نونا را در اجرای مانور که پیوسته در فکر آن بود یاری رسانید: (نونا) چانس پیش نمودن پیاده خود را یافت. در نتیجه دانه سیاه چانس واقعی برای برد داشت. قهرمان حرکتی را که برای او چانس بردن داشت از دست

عزت خود شد و داوران آماج دگسی گرفتند تا چگونگی جریمه بازی را به رشته تحریر درآورند. ناگهان نونا با ایستاد و توجه همه را جلب کرد و دست رقیب خود (مایا) را فاش کرد. بعد او را بوسید و این اولین تبریکی برای مایا نسبت بردن مقام قهرمانی بود. بعد نونا به تنها یی ستیج را ترک گفت، مایا با چشم های طفلانه به آن صوب که رقیبش، ملکه اش، بت اش، ... ناپدید گردید. خیره می نگریست.

باخونسردی کامل خواهش را قبول کرده و هر دو یکی از دندانهای استدیوم ورزشی می نشینیم اسم خود را حسین عضو تیم و لایت بلخ معرفی کرده میگویند: از ولایت بلخ از ولسوالی دولت آباد می باشد.

خوب حسین جان مدتی چند سال می شود چای انداز هستید و انگیزه ای که باعث شد تا یک پهلوان قوی و چابک انداز ما هر شوید چه بود؟

ساز خوردی به پهلوانی شوق داشتم و دایما پهلوانی می کردم (پهلوانی محلی). مطابق رسم و رواج ولایات سمت شمال باید بگویم که فعلا هم پهلوانی می کنیم و هم بزکشی، در میله های رسمی مانند میله گل سرخ که از اول حمل شروع والی ۱۰ نور ادامه پیدا می کند مما بقات

پهلوانی ولایات سمت شمال هم آغاز یافته و تماشاچیان زیادی دارد که من به نوبه خود درین مسابقات حصه میگیرم باید بگویم تا حال در ۹۰ و ۱۰ ولایت سمت شمال پهلوانی قادر به این نه شده که مرا مغلوب نماید از همان آغاز زیکه پهلوانی می کنیم تا امروز در یکی و یا دو مسابقه اگر مساوی شده با ششم دیگر تمام غالب می باشم. فراموش نمی شود وقتی که هشتاد کیلو وزن داشتم با حریف چهار پهلوان نامی سمت شمال که ۱۱۶ کیلو وزن داشت مساوی شده بود که غالب مساوی شناخته شدیم اگر بگویم صفت از خود می شود چرا میگویند هر کس صفت خود را بکشد ناصفت است مگر چون شما پرسیدید می گویم که اکثراً تکت های مسابقات پهلوانی من در اینجا به صد افغانی هم فروخته شده که ازین بازی و مسابقات تعایف زیادی بدست آورده ام که حسابش را نمیدانم. شما چرا پهلوانی را به شکل پهلوانی الملی آن تمرین نکردید تا در پهلوانی پهلوانان افغانی در خارج کشور به مسابقاتی در داخنتید؟

با یادداشت علاقه زیادی داشتم تا در مسابقات عمومی که از طرف ربا ستعالی ورزش دایر می گردد شرکت نمایم که به همین منظور مدت شش ماه شاگردی



صحنه ای از مسابقات بزکشی و استدیوم ملی ورزش کابل

تیم های ولایات بلخ و تخار قهرمان مسابقات بزکشی امسال شناخته شدند

بای از رکاب اسب به زمین می نهد چای انداز است جوان خوش اندام و بشاشی از وی خواهش می کنیم تا چند لحظه وقت خود را صرف صحبت با خوانندگان صفحه ورزشی و نودن نماید.

به مسابقات پرداخته و بعد از مقابل شدن هر تیم به مقابل یکدیگر که به صورت دور اجرا گردید به ترتیب ذیل بایان گرفت: در گروپ الف تیم ولایت بلخ با کسب (۳۲) امتیاز و ۷ نمره عمومی قهرمانان گروپ تیم ولایت جوزجان با کسب ۲۵ امتیاز و پنج نمره عمومی دوم تیم ولایت بغلان با کسب (۴۴) امتیاز و ۳ نمره عمومی در گروپ الف سوم اعلان گردید. در گروپ ب: تیم ولایت تخار با داشتن (۴۵) امتیاز و ۶ نمره عمومی قهرمانان گروپ تیم ولایت سمنگان با کسب (۳۱) امتیاز و ۴ نمره عمومی دوم تیم ولایت بدخشان با کسب (۳۴) امتیاز و ۲ نمره عمومی در گروپ ب سوم شناخته شد.

بعد از ختم مسابقات قهرمانی گروپ الف بایان از چاپ اندازان ولایت بلخ بای صحبت می نشینم تا ببینیم پهلوانان چای انداز ما ازین بازی های پر شور و هیجانی چه خاطراتی دارند.

جوانی که بعد از ختم مسابقات قهرمانی

مسابقات جالب و هیجانی بزکشی که بنا بر تاریخ ۲۵ غروب بایان یافت تیم ولایت بلخ قهرمان مسابقات در گروپ الف و تیم ولایت تخار در گروپ ب قهرمانان اعلان گردید.

بکمنبر ریاست عالی ورزش با اظهار مطلب فوق گفت:

مسابقات جنجال آفرین بزکشی که بنا بر تاریخ ۱۶ غروب دو استدیوم ملی ورزشی آغاز گردید بعد از مسابقه های چشمگیری بین چای اندازان جوان به ترتیب ذیل حاکمه پذیرفت:

در مساوی ۱۶ میزان که بین تیم های ۹ ولایت به مناسبت تجلیل از انقلاب کبیر کتو در صورت گرفت از هر ولایت سه چای انداز و سه اسب شرکت نموده و در

بایان تیم ولایت کندز با کسب امتیازات بیشتر کب قهرمانی آنروز را بدست آورد در مسابقاتیکه بنا بر تاریخ ۱۷ غروب آغاز گردید تیم های ولایات جوزجان، فاریاب، بلخ، بغلان و کندز در گروپ الف و تیم های ولایت تخار، بدخشان، سمنگان و پروان در گروپ (ب) با هم



صحنه مباح دیگری از بزکشی

شروع می شد خرچ و خوراکی یک نفر
چاپ انداز را تضمین می نمودند که در
هین مدت در حدود ۳۰۰ هزار افغانی
بصرف یک پهلوان چاپ انداز را بدوش
میگرفتند خوشبختانه با پیروزی انقلاب شکو
همند نور به دوره با داری و خانانی
خانه داده شد فلذا تمام مصارف است
چاپ انداز از طرف دولت وعده داده شده که
بعد ازین چاپ اندازان ما می توانستند
باسور و شوق زیاد تری به این بازی ادامه
دهند و هم در ایام فراغت یک نفر چاپ
انداز می توانند هر حرفه ای که دلرد مشغول
آن باشند.

چاپ انداز اینکه داخل میدان مسا
می شوند آیا همه همین وظیفه دارند
تا بزرگ بر داشته و به دایره حلال برسانند
و یا چطور؟

در هر میدان مسا بقه که از یک تیم
ده نفر شرکت می کنند و رؤسکاران
فوتبال و ظایف جدا گانه دارند
که ازین جمله دونفر وظیفه کولکپیرو
داشته و نمیگذارند سوار کاران نیم مقابل
بزرگ را به دایره حلال برسانند هم چنان
دونفر دیگر وظیفه دارند و فیکه یکی از
اعضای تیم بزرگ بر داشته و می خواهد
آنها از بیرق عبور دهد او را مراقت کرده
اگر بزرگ دستش رها می گردد و وظیفه
دارند تا بزرگ بر داشته و از بیرق عبور
دهند و یا اینکه خود را شریک عبور
بزرگ بیرق با تیم مقابل با زندگی
هر صورت باید یک نمره به نفع تیم
خود کما می کنند این دو نفر را به نام
چنگیر یاد می کنند. متباقی شش نفر
وظیفه دارند تا به کمک یکدیگر و پاس
دانش ها ی خوب به یکدیگر بزرگ را به
دایره حلال برسانند و یا از بیرق عبور
دهند.

ضمن صحبت می گوید: نرسیدید
که آیا از دواج کرده اید و یا خبر؟
به جواب سوال خود چنین می گوید:
یا زده ساله یویم که جیرا هسری برایم
بقیه در صفحه ۹۹



مسابقه بزکشی آنقدر پرشور و جالب است که تماشاچیان را به هیجان می آورد

بر گردم حال که قبرمانی مسابقات
را بدست آوردیم و بایک عالم خویش
و خاطرات فراموش ناشدنی مخصو صا
تحولاتی که بعد از پیروزی انقلاب
سکون مند نبود در همه شئون زندگی
مردم ما رو نما گردیده دوباره به ولایت خود
میگردم.

تا ثیرات انقلاب ظفر مند نور را درین
کشی چگونه توجیه می کنید؟
قبل از انقلاب شکست نا پذیر نور چاپ
اندازان کاملاً در اختیار صاحبان اسست
بودند، فیو دا لاینکه اسپ داشتند سه ماه
قبل از اینکه مسابقات آغاز یابد و تمرینات

درعین لحظه سیمایش برآز سرور و
شادمانی دیده می شود بخاطر اینکه تیم
اوشان قبرمان عمومی اعلان شده به
یاسخ سوالی به گفتار خود چنین ادامه
میدهد:

در ضمن پهلوانی رفقا و دوستانم
تقریباً کردند تا چاپ اندازی تمام
و هم علت عمده ای که من بزکشی شد
این بود که دایما در هر جا و هر مجلس
غیرت، شجاعت و مردانگی نیاکان خود
را می شنیدم چو شی به دلی و شوقی
به سرم پیدای شد که من هم فرزندان

مردم شجاع، دلیر و با غیرت هستیم
از آنها چه کمیدارم همان بود که یارا
به رکاب اسب گذاشته مدت چندین مرتبه
و در سال ۱۳۵۱ عضو رسمی تیم ولایت
بلخ شناخته شدم. بعد از آن در هر دور
مسابقات بزکشی که از طرف ریاست
عالی ورزش در کابل دایر می گردید شرکت
می کردم جای افتخارم بر اینست در هر
دور مسابقات بدون تحفه امتیاز پسرانه

ولایت خود گرفته ام اگر چه ازین راه پول
زیادی بدست آورده ام اما نزد من مادیات
آئند را ارزش ندارد چیزی که من به آن
اوزش و اهمیت قابل می باشم کسب امتیازات
بیشتر و قبرمانی تیم ما می باشد
چرا؟ و فیکه ما به کابل می آییم تمام مردم
ولایت ما چشم به راه اند تا چاپ اندازان
شان چه افتخاری کما می کنند
آیا برویا باخت که در صورت باخت پاهایم یاری
آنها نخواهد داشت تا پس به ولایت خود



حسن پهلوان چاپ انداز معروف ولایت بلخ



نمایی از مسابقه جالب بزکشی

واژه های سیاسی، اقتصادی

و اجتماعی

انقلاب اجتماعی :

آموزش مترقی و انقلابی (انقلاب اجتماعی) نقش آن برای تحقق بخشیدن به تحول بنیادی زندگی جامعه و تأمین رفاه و زحماتکشان، بخش بسیار مهمی در فلسفه ای مترقی بطور اعم، و ما تر یا لیزم تاریخی بطور اخص است. انقلاب اجتماعی چیست؟ انقلاب اجتماعی از جهت ماهیت خود عبارتست از شیوه قانونمند حل تناقضات اجتماعی و اجرای آنچنان چرخشی در زندگی جامعه که انتقال از یک مرحله تاریخی به مرحله ی عالی تر یعنی از یک جامعه ی دایره ای طبقات انباشته (آشتی ناپذیر) به یک جامعه ای مترقی تر را میسر میسازد و یا عبارت دیگر انقلابات اجتماعی یک تحول کیفی و بنیادی، یک چرخش عظیم و اساسی در حیات جامعه است معنی انقلاب در علم جامعه شناسی مترقی عبارتست از سرنگونی یک نظام اجتماعی کهنه و فرسوده و جایگزین کردن آن به یک نظام اجتماعی نو و مترقی، مثال بزم انقلاب کبیر فرانسه که یکصد و نود سال قبل روی داده، یک انقلاب بورژوازی بود. زیربنای نظام فیودالی فرسوده و منتهی به سیاسی آن یعنی سلطنت سلسله ای بورژوازی هارمندهم ساخت و نظام سرمایداری را که در آنوقت هنوز مترقی بود، جایگزین آن ساخت. انقلاب کبیر اکتوبر «که در آینده مفصلاً بر رسی خواهد شد» یک انقلاب عظیم اجتماعی بود، زیرا که نظام کهنه و فرسوده فیودالی و سرمایداری را ریشه کن ساخت و جامعه ی نوین سوسیالیستی را که بزگترین چرخش در تاریخ بشری است بنا نهاد.

نیروهای مترقی و تحول طلب اجتماع از طریق انقلاب راه تکامل جامعه را بسوی جلو می گشایند و گسترش سریع جامعه را در جهت ترقی تا مین می کنند و همین جهت رهبر بزرگ پروتار یایی

جهان انقلاب را «لگو مو تیسف تاریخ» نامیده است. بایه ای اجتماعی همه انقلابات اجتماعی تضادها نیست که در شیوه ی تولید نمات مادی وجود دارد. وی (رهبر کارگران جهان) می گوید: «نیروهای مؤلده مادی جامعه در مرحله معینی از رشد خود با مناسبات تولیدی موجود یا با مناسبات مالکیت که پیمان قضا پی آنست و آن نیروها نتوان اکنون در درون این مناسبات بسط می یابند، وارد تضاد می شوند. این مناسبات از اشکالی برای تکامل نیروهای مؤلده به بندی بر باقی آن بلبل می گردد. درین موقع است که دوران انقلاب اجتماعی فرا می رسد...»

انقلاب مهم ترین مرحله در تکامل حیات جامعه است. جهان بینی مترقی، انقلاب را نتیجه ی ضروری و اجتناب ناپذیر تکامل اجتماعی منقسم به طبقات آشتی ناپذیر میداند. در همه ی جوامعی که در آن طبقات با منافع متضاد وجود دارند، تکامل اقتصادی و اجتماعی و تحولات حاصله به تدریج و مرحله بمرحله شرایط و عوامل دیگر گوناگونی عمیق و بیش از دی را بحد بلوغ می رساند، پخته می کند و سرانجام تغییر بنیادی نظام اجتماعی را ممکن و میسر و ضروری نماید. اهمیت انقلاب اجتماعی در آن است که بهنگام انتقال از یک فور ما سیون اجتماعی، اقتصاد دی به فور ما سیون دیگر و مترقی تر، شکل کهنه شده ای مالکیت و مناسبات تولید را ملغی می کند و مناسبات مسلط تولید را که مانع ترقی اجتماعی است بر هم میزند و مناسبات نوینی برقرار می سازد که موجب رشد سریع این نیروها میشود. ما این پروسه در تاریخ بهنگام گذار از بردگی به فیودالیزم، از فیودالیزم به سرمایه داری و از سرمایه داری به سوسیالیزم روبرو

هستیم.

تحول از جامعه کفون اولیه به بردگی بصورت تجزیه طولانی جامعه ای کفون اولیه انجام گرفت. تحول از بردگی به فیودالیزم با قیام های بردگان و دیگر توده های فقیر و منتهی شدن نظامات مستبد و بول و منحصرت بردگی در زیر ضربات مهاجمان خارجی همراه بود. پروسه انتقال از فیودالیزم به بورژوازی بوسیله یگر شته انقلابات بورژوازی

واری در اروپا و امریکا و آسیا انجام گرفت و تحول از سرمایه داری به سوسیالیزم با انقلاب پروتاریا که طبقات و قشرهای دیگر زحمتکش را بعنوان متحد با خود همراه دارد انجام می پذیرد ولی این انقلابها در همه ای نقاط جهان در یک وقت و با یک شکل و یا در جای دیگر لیزم و قاطعیت یکسان انجام نمی گیرد و در همه ای این نکات تنوع زیادی دیده میشود. و نیز همه ای انقلابات هدف خود را تغییر فورماسیون قرار نمی دهند و گاه با ایجاد تحولات مهمی در درون فورماسیونها بسنده می کنند. مانند انقلابات ملی در کشور های مستعمره و وابسته که هدف آن کسب استقلال است نه تغییر مناسبات تولیدی و انتقال از بورژوازی دموکراتیک در انقلابات بورژوازی دموکراتیک نوع کهنه که بورژوازی لیبرال آنها رهبری میکند (مانند انقلاب ۱۸۴۸ در فرانسه که در آن خلق هامپرو نشان خود را بر سیر انقلاب می گذراند).

انقلاب یک طبقه ای خاص را بر سر نگون می کند و طبقه ای دیگری را که معرف مناسبات تولیدی پیشروتری است، بقدرت می رساند میتوان گفت که انقلاب نوع جدید و مترقی تر دو استراتژی نشان نوع قبیله دوالت میکند. مسئله ای اساسی در هر انقلاب عبارت از مسئله قدرت سیاسی است. گذار قدرت از دست طبقه خاص کمپو سیده بدست طبقات پیشرو و مترقی، مضمون اساسی هر انقلاب است. انقلاب مظہر عالیترین شکل پیروزی مبارزه ای طبقاتی است و طبقات

مترقی از طریق انقلاب و کواته کردن دست طبقه خاص که هر تجمع فاسد راه تکامل جامعه ای خسوفش را باز نمیکند. انقلاب اجتماعی عمیق ترین و اساسی ترین تغییرات را در جامعه سیاسی، اقتصادی واید یولوژیک جامعه وارد میسازد و از پیش و پس سیاسی آنرا تغییر میدهد. گاملا روشنی است که برخی تغییرات سیاسی اصلاحات یا اقدامات در چهار خوب یک نظام اجتماعی معین با همان قدرت سیاسی دولتی و با همان طبقات خاص که نفوذ توان انقلاب نامید اگر چه تبلیغ و سرو صدا در باره آن گوسها را کرکند. برای توضیح بیشتر این موضوع بهتر این مثال سرو صدا یی زیاد بود که توسط رژیم داوود تو سطر یکصد اجیران براه انداخته میشد و یک تغییر شخص را بجای شخص دیگر با حفظ همه اسامیات سابقه به اصطلاح انقلاب نامیدند و انقلابیون به اصطلاح ملی خود را انقلابیون تمام عیار!!! جازند و با ندو لنی و در پارلی منسوب به طبقات خاص که هر تجمع را بنام به اصطلاح حزب انقلاب ملی اشتباه می کردند و سر کرده ای کودتایی سرطان ۱۳۵۲ را رهبر انقلاب نامیده با این اعمال خود نه تنها خود را رسوا میساختند و سلاختند بلکه انقلاب یعنی مقوله ای علمی بر معنی را که مختصراً فوقاً توضیح شد مسخ و قلب کرده بخور خلق می دادند یعنی «رژیم اختناق و ترور محمد داود به منظور فریب توده ها تخدیر هو شیاری و منحرف ساختن آنان از حقایق بخصوص مقوله ای بزرگ و علما پر مفهوم انقلاب را باز یچه ای خود ساخته بود و بغرض جلو گیری از آشنایی ای اندیشه های انقلابی و پیشرو عصر ما و به منظور جلو گیری از آگاهی توده های مردم خائنه ایید یالوژی علمی را وارد خواند واید یالوژی غیر علمی به اصطلاح «ملی» خود ساخته، التقاتلی، بی پایه و جعلی خویش را که عملاً فاقد محتوی ملی بود اشتباه می کرد. از توضیحاتی که دادیم معلوم میشود بنابر مرحله ای تکامل اقتصادی و اجتماعی و طبقات در

حال مبارزه چند نوع انقلاب اجتماعی
 می را می توان تشخیص داد مثلا
 انقلاب بورژوازی و انقلاب بسور-
 ژوادمو کر اتیک، انقلاب سو سیال-
 لیستی و غیره، باید دید هر انقلاب
 چه تضادها پیرا حل میکند، چه
 وظایف اجتماعی را انجام میدهد.
 هر طبقه ای را از قدرت ساقط می
 سازد و چه طبقه ای در راس انقلاب
 قرار دارد تا نوع آن انقلاب اجتماعی
 را تعیین کرد. مثلا انقلاب کبیر
 اکووبر یک انقلاب سو سیال لیستی
 انقلاب کبیر فرا نسه یک انقلاب
 ورژواری بود.

باید یک مطلب دیگر را نیز تصریح
 کنیم و آن اینکه گذار قدرت دولتی
 در دست هر طبقه ای بدست
 طبقه ای دیگر انقلاب
 نیست. زیرا همان طور
 بلکه مفهوم انقلاب کبیر
 حکومت از جانب طبقه ای مرفه
 و پیرو تر را ایجاد میکند بنحوی
 که راه تکامل جامعه را بگشاید
 و اگر نه اگر طبقه ای منحل و ارتجاع
 می شود طبقه ای مرفه تر را مکتوب
 کند و به حکومت برسد این عمل
 ضد انقلاب است نه انقلاب.

انقلاب با نیرو و با شرکت توده
 های خلق انجام می گیرد. دارای
 عیج وجه مشترک با کودتا
 و انقلاب در با ری و اینگونه افراد
 مات که در تاریخ نمونه های آنها
 فراوان دیده میتوانیم، نیست.
 چنین اعمال سران حکومتی، اشخاص
 ص و دسته های متعلق به همان
 طبقات حاکم و وابسته به همان نظام
 اقتصادی و اجتماعی را عوض
 میکند. تغییر و تبدیل میدهد و
 ویا فهای ظاهری را تحول می بخشد
 در حالیکه انقلاب سراسر
 نظام اجتماعی، اقتصادی را عوض
 میکند و طبقه ای جدید و مرفه تر را به
 قدرت می رساند. برای تحقق
 هر انقلابی شرایط عینی (وضع
 انقلابی) و شرایط ذهنی (وجود
 سازمان انقلابی) ضرور است.

آری شرایط به معنی کمی مفصل
 تر عبارت است از آنکه هیئت حاکمه
 دیگر قادر نباشد بشیوه ای سابق
 حکومت کند و توده های خلق نیز دیگر

نخواهند به همان شیوه ای سابق بر می
 گزیند. آنها حکومت شود. در شرایط عینی
 انقلاب بحران سراسری جامعه را
 فرا میگیرد و فعالیت خلق هایشکل
 بی سابقه بالا می رود. و شرایط
 ذهنی عبارت است از وجود سازمان
 متشکل انقلابی که بتواند خلق های
 آماده به فداکاری و از خود گذر
 را دنبال شعارهای صحیح بکشد
 انقلاب را رهبری کند و آنها را به ثمر
 برساند.

نیروی محرک انقلاب آن طبقات
 و گروه های اجتماعی هستند که
 تحول انقلابی را اجرا میکنند. البته
 ترکیب نیروهای محرک انقلاب به
 بنیاد اقتصادی انقلاب، و وضع
 عینی طبقات در جامعه مربوط
 است ولی عوامل دیگری نیز مانند
 آگاهی انقلابی و اجتماعی و تشکل
 خلق هادین امر مؤثر است. در همه
 انقلابات اجتماعی که در آن گروه
 ها و طبقات مختلف بعنوان نیروی
 محرک انقلاب عمل می کنند همیشه
 یک طبقه است که می تواند نقش
 رهبری را ایفا کند و این رهبری
 موجب پیگیری و رادیکالیزم کامل
 آن انقلاب است.

این رهبری را در هر کردگی یا
 (هر مونی) مینامند. عمل آگاهانه
 و فعالانه ای طبقاتی که نیروی
 محرک انقلاب هستند علیه نظام
 موجود در جامعه مذکور مهم ترین
 خصلت انقلابی است که بسط میابد
 زیرا نه تشدید تناقضات اقتصادی نه
 وجود محمل های عینی تحول انقلابی
 (یا وضع انقلابی) به تنهایی و
 بخودی خود هنوز به معنی انقلاب
 نیست. انقلاب فعالیت مستفلا نه
 و مبتکرانه بی خلق است. همانا
 این فعالیت مجددا نه، فداکارانه و
 آگاهانه بی توده های خلق که
 البته در اثر تشدید تناقضات
 اجتماعی و اقتصادی و در شرایط
 بروز وضع انقلابی پدید می شود.
 می تواند موجب تحقق انقلاب شود.

مسئله اساسی هر انقلاب
 مسئله قدرت و یا حاکمیت دولتی
 است. رهبر انقلاب کبیر اکووبر

از دست طبقه ای بدست طبقه ای
 دیگر علامت نخستین و عمده و
 اساسی انقلاب، هم به معنی آگیدا
 علمی و هم به معنی علمی - سیاسی
 این مفهوم است. اگر انقلاب
 با شکست مواجه شود طبقه ای
 از تجاعی و ضد انقلابی حاکمیت را
 حفظ می کند. اگر پیروزی انقلاب
 ناتمام و ناقص باشد آن بخشی از
 نیروها که حاضر به سازشند
 وارد قدرت می شوند و برخی از
 شعارهای خود را که ضد انقلاب
 حاضر به پذیرش آنست به شیوه
 رفور میستی عملی می کنند. گاه
 خود ضد انقلاب مجبور می شود (به
 قول او لین رهبر پرو لئاریای
 جهان) اجرا کننده و صایسای آن
 انقلابی شود که خود آنها سرکوب
 کرده است. زیرا از تجدید وضع
 انقلابی هراسان است.

اما اگر انقلاب کاملا پیروز شود
 را دیکالی ترین نیروها براس
 قدرت قرار می گیرند. آن موقع
 است که انقلاب می تواند تحولات
 اقتصادی - اجتماعی مطلوبی را که
 در برنامه ای خود قرار داده بود
 عملی کند. علامت پیروزی یک
 انقلاب این تحقق عملی برنامه ای
 اقتصادی - اجتماعی آنست. شیوه
 های تصرف قدرت حاکمه و شکستن
 و نو سازی و تجدید سازمان ماشین
 دولتی که نتیجه بی محتوم آنست
 نمی تواند برای کشورهای مختلف
 برای ادوار مختلف تاریخی و در
 شرایط مختلف بین المللی یکسان
 باشد همه چیز بسته است به
 تناسب مشخص نیروهای طبقاتی
 درجه آگاهی، تشکل زحمتکشان
 قدرت مقاومت عناصر مخالف
 انقلاب و نیز آداب و موازین و
 موسسات متداول در جامعه معین
 که در آن انقلاب رخ می دهد. انقلاب
 دو شکل عمده بخود می گیرد.

۱- انقلاب غیر مسلح
 (یا موافق اصطلاح متداول که
 خندان دقیق نیست: انقلاب قهر
 آمیز): زمانی است که تسلط طبقه
 انقلابی از طریق توسل به اسلحه

(قیام مسلح و جنگ انقلابی) تامین
 می گردد (مانند انقلاب کسوف در
 ۱۸۷۱ و انقلاب کبیر اکووبر در
 ۱۹۱۷، انقلاب کیوبا در ۱۹۵۰ و
 ۱۹۵۸ و غیره).

۲- انقلاب مسلح
 در جریان انقلاب مسلح آمیز
 تصرف قدرت حاکمه از طرف طبقه
 انقلابی بدون خو نریزی و توسل
 به سلاح انجام می گیرد.
 مانند انقلاب مجارستان در ۱۹۱۹
 لینن درین مورد می نویسد:

«تشکل انتقال بد یکتا توری
 پرو لئاریا در مجارستان اصلا
 مانند روسیه نیست: دول
 بورژوائی داو طلبانه استعفا داد.
 طبقه کارگر وحدت خود را سریع
 برقرار کرد و این وحدت
 سو سیالیزم بر پایه ی برنامه
 کمیونیستی بود. ولی خواه در
 شکل غیرمسلح آمیز و یا مسلح
 آمیز تحول انقلابی فقط بصورت
 تحمیل اراده ی خلق های انقلابی بر
 مخالفان قابل تحقق است.

پرو سة بسط انقلابی جدا گانه
 سو سیالستی واحد تحقق انقلاب
 در سراسر جهان (انقلاب جهانی
 سو سیالستی) یک پرو سة
 طولانی است. کارل مارکس و
 فریدریش انگلس انتقال به
 سو سیالیزم را یک عمل یکباره
 نمی دانستند، بلکه دورانی از
 تکامل تاریخی می شمردند و تجدید
 سازمان سو سیالستی جهان در
 نظر آنها یک پروسه ی بفرنجی بود
 که در هر کشور مناسب با شرایط
 داخلی و بین المللی می باید شکل
 گیرد و تحقق یابد. لینن برآن بود
 که انقلاب جهانی در شرایط نوین

از طریق انفکاک تدریجی کشورهای
 ثیکه در آنها تضادها از همه جا
 شدید تر و مواضع پرو لئاریای
 انقلابی از همه نیرومندتر و مواضع
 سرمایه داری از همه گزند پذیرتر
 است انجام می پذیرد. و درین
 مورد لینن تصریح می کند که:

«در ابتدا انقلاب در چند و جنبی
 در یک کشور سو سیالستی ممکن
 است ...»

دوستان عزیز!

با محبت و توفیق

شعر و داستان مطالب و کتب
و غیره را به شما تقدیم می‌نمایم



نویسنده: عبدالحمید فرخنده

وطن

وطن ای مهر زیبا جان فدایت
شکوه و شان و پیروزی برایت
نوی زاد گاه شیران، کپساران
ز آشنایان شنیدم ناله هایت
زدشتو داهنت گلشن خجل گشت
سکندر شد محو نغمه هایت
نو پروردی دلیران هرز مانسی
یکی رستم از آن نشانه هایت
غرور آسبا است بام دنیا
دمیدست راز هنی از نوایت
بهر سو بنگرم سر سبز بنسیم
گهر باشد ابر بر دره هایت
به نیسانت اگر کسی کینه تو زد
به لرزه آید از آن نعره هایت
به عالم نامی است لعل بد خشان
چی آب زندگانی چشمه هایت
خرامان هر طرف حورو پری وشی
همه گل رواند چون لاله هایت
بنایم میهن آزادگان را
بود همزم دایم در صفایات
«یوسف هرمز»

بنه پیغام

مستی به میخانه کی ساقی جام را کوئی
ملهم دی فزخی زده چی انعام را کوئی
بستی وه بهستی کی حرکت و خای به خای
خوبو نفو کی یار د زده آرام را کوئی
بنسکی انگیزی وی چی بدل به لوی بد لون شو
خواری او نیستی لایه وخت نیک نام را کوئی
عاشق او معشوق واده آزادشوی له قید ونو
نکل به ووادی تگ دی نوی پام را کوئی
مستی کرم چی هندی اوبه دی کبی دی رازونه
عمل یونوی رازدی نیک الهام را کوئی
خوبیره له جانشه خنجر ونه دی مات شوی
ساقی به سرو پیالو کی بنه پیغام را کوئی
«حنه» هله لیکه بنه شعرونه او نفی
داد نور اتلا ب دی جی مرام را کوئی

قسمت «حسن»

ص ۴۴

خنده ها و غمها

شبهای پاییز بود . باد باز مزه محزون و
گرفته در لای شاخه های درختان می پیچید و
برگهای نیمه جان را ناخود کشان کشان برده
سکوت شبانگاهی را بهم میزد . ایلمیه آرام
بود ، از دو اتاق روشنی به بیرون میروید
و در دل تاریکی ها میخیزد ...

غبار با نگاههای سنگین و خواب آلود
ورقهای کنفرانس را یکی بعد دیگر آهسته
آهسته از نظر گذراند و بعد در حالیکه آنرا
در گوشه میز می انباشت ، خیازه ای کشیده
گفت: « زحمت بسیار کشیدیم ، اما ... » او
سختی رانانام گذاشته آه سردی کشید ،
از جایش برخاسته مقابل آیینة فرار گرفت .
خودش را سرنابه پاورانداز کرده زیر لب
گفت : لعنت بر توای خجالت !

او نگاهی را از آئینه برجده به رمی
میخوب کرد . لحظه طولانی در اندیشه های
فور و درازی غوطه خورد . سال گذشته را
بیاد آورد که میخواست روزی نخستین اثر
هنری اش را در مجسمی بخواند ، اما لورزشی
در صدا و اندامش پدیدار گشته چنان او را
میگیرد که کاغذ ها از دهنش فرو افتاده
و در میان خنده های پیهم شوندگان ، مجلس
را ترک میگوید .

این خنده ها گاهگاهی در گوش غبارطنین
می انداختند و همچون موربانه جسم و روانش
را میخوردند و خرد میکردند . غبار که بیکار
دیگر به یاد این خاطره غم انگیز افتاده بود ،
لرزش محسوسی در بدنش احساس کرده
و عرق سردی بر پیشانی اش نشست . او در
حالیکه چشمش به زمین بود ، همچنان غرق
در اندیشه بود که باز شدن دروازه او را
بخود آورد . به سوی در تگر بست ،
چشمش به گل آقا افتاد . از مو های سیخ
سیخ دانست که در قمار باخته است . گل-
آقا معیوم و گرفته به جیر کشن نزدیک شد ،
غبار تک سرفه ای کرده پرسید : « چه شده ،
گل آقا ؟ »

گل آقا با صدای گرفته و معیوم گفت :
« میزدیم ، غبار ! بزدیم . بود و نبوده پای باک
باخیم . »

غبار با نسمی که نمسخر از آن میباید
به گل آقا گفت : « ارباب جوهره پدرت ،
به جوانی و خرابان ده سمت شمال نام داده ،
بجیش ایقدر بیدل ؟ »

گل آقا نگاه خصمانه ای به غبار انداخت
و در حالیکه زار لب میفرید به جایش خزید
و رویش را با هوجایی پوشاند .

غبار به یاد هیاهوی روزی افتاد که به
گل آقا گفته بود : « قمار زدن شبانه یک
محصل نیست ، ما باید هدفهای بزرگ و انسانی
در سر داشته باشیم . »

و گل آقا در جواب گفته بود : « فیلسوف
صاحب ! از نصیحت تان فوق العاده ممنون ،
اما خواهشم این است که این سخنان
ارزشمند تان را به کرد کان بگویند ، من یک
جوانم ، جوان ... »

غبار دوسه بار کلمه جوان را زیر لب
زمزمه کرده خموش شده بود .
هیاهوی آن روز و سخنهای گل آقا که بار
دیگر در دماغ غبار ، جان گرفته بودند ، آرام
آرام ناپود شدند .

غبار با حالتی کمی اندوختن به پیش
رو کرد ، یک جلد کتابی که عثمان برایش
آورده و مجموعه چند داستان ماکسیم گورکی
بود روی کمپلش قرار داشت . او کتاب را
ورق زد و چشمش به نخستین عنوان داستان
افتاد : « حسانه مادر » و اولین جمله داستان
را زیر لب خواند : « مادر ، زن راسر چشمه
فنا ناید بر زندگی پیرو ز گهر است ،
ستا یش کنیم . » بعد کتاب
را زیر بالشتش گذاشته به جایش دراز کشید .
خواب آرام آرام در چشمش جا گرفت و او را
بسی دنیای بیخبری کشاند .

رانام

دنصرت سرب جندی لانندی

قدم زدی به تراکت او به رموزه و راه خاندی
زدهی هنی کرم شوخو سرگو مسویریم برما
کاندی

له حیدار کنی تسم مجنون بید بخیری ریریم
که هر خومره زگی بنگ کیم ویلی کسیری
ستاند و باندی

له حیدار کنی تسم مجنون بید بخیری ریریم
که خدای دی نهوی باره داجینی سی راناندی
چه پر قولو غبارو ، ریفانی بریالی سی

تخکه خوینی به به زوندکی دنصرت سرب جندی
لانندی

زخه خمل نادره « توان دیلتون نلری چه اویدی
مسندر لره راحت دی که وی پروت پر شر باندی
شعرازا : محمد نادر

خدمت بشر

روزی به خضر گفت سکندریه من نمای
جاییکه چشمه سار آب حیات است اندر آن
خندید خضر و گفت : بکن خدمت بشر
خواهی اگر توزیست ترین دهر جاودان

درازه توده ها

هرگز از یاد توده ها نرود
آنکه در راه تسوده ها میرد
نام او را بس از گشت قرون
خلق با احترام می گیرد

فیاض «مهر آیین» خرم

زوندون

يك آبش، آب ميتوشد. با خود ميگويد : نبايد بنيه كه به او دارم. اگه بنيه يك كمی عقل هم ده كلیش باشه، بايد به خاطر اینکه از تشنگی نمره، مره بکشد و او بهی خوش بگيره . ولی به بیدار هستم . كه نزدیكم بیایه ميکشمش . (او تشنگیاش بیرون می آورد، وبالی زانوایش ميگذارد) بعد ميگويد : کاش كه به كاریز هابرسیم، لولیم از خشکی ميتركد، عنقریب مره جل اهد زد .

جوالی (باخود ميگويد) : مه بايد پتك اوره كه داباشی بری مه داده، تقسیم كنم. زیرا نمره زنده وسالم برسم وونیمه جان باشه، ميتانه، قدرت داره مره محكمه كنه، بندی ه ویزه .

(جوالی پتك آب خورا بیرون می آورد و بطرف سوداگر رفته وپتك آب خورا بطرف سوداگر پیش ميکند . سوداگر دفعتاً جوالی به عقب خود ميپند. فكر ميکند جوالی زينباری نوشیدن سوداگر چیزی می میده است وازین خاطر در صدد كشتن وداگر برآمده است، پتك آب را تشخيص ده نتوانسته وهر حالیکه فریاد ميزند : تگه دور پرتو ... بالای جوالی فریميکند . دست جوالی بانك آب هنوز هم بطرف

آنجااست كه فراریان سوناه دارند وآنجااست كه جانیان وفزدان ميپوشانسد جنايات خورا در پاكتی تحت عنوان قانون .

مجلس قضا داير ميشود . زن جوالی وداباشی هم در داخل سالون مجلس در جاها نشان قرار دارند . داباشی به زن جوالی : آيا شما خانم جوالی مقتول هستين ؟ مه داباشی هستم كه شوهر شماره به جوالی گری ای سوداگر انتخاب كدم . شيدم كه شما از محكمه می خواهين كه برای سوداگر جزا داده شود و نیز آرزوی جبران خساره را نسبت مرگ شوهر خود نموده ايد . مه هم به همی مناسبت اينچه آلمم . مه ميتانم ثابت كنم كه شوهر شما بی گناه كشته شده . چیزی كه بی گناهی شوهر شماره ثابت ميكنه ده جيبم اس .

شاگرد هوتلی كه به عقب آنها نشسته خطاب به داباشی ميگويد : شنيدم كه تو چیزی ده جيب داری كه بی گناهی جوالی ده ثابت ميكنه، مه پريت مشوره ميتم كه ازش صرف نظر كووھيچ از جيبت لكش . داباشی : بانم كه زن بيچاره جوالی دست خالی از بجه بره . شاگرد هوتلی : می خواهی كه نام تره

ترجحه دكتور نجيب الله يوسفی

رتو لت برشت

قاعده و استثناء

جوالی

هم ده لست سیاه نوشته كنن ؟ داباشی : مه در مورد مشوره تو فكر ميكنم . دادگاه تشكيل جلسه ميکند . قاضی وكونفر معاون اوو ارد تالار جلسه شده و حاضرین به احترام به پامی خيزند. از دره وازه دیگری متهم (سوداگر) وارد سالون شده وبجایش قرار ميگيرد .

گروپ سوداگران دومی كه به عقب سوداگر وجوالی در حر كت بودند هم وارد سالون شده وبه جاهايشان ميبنشند . قاضی : جلسه امروزی را افتتاح مينمايم. اولاً خانم مقتول ميتواند حرفهای خود را بيان كند .

خانم جوالی : شوهرمه باروبستره ايسن آغاره فورسارس دشت ويبابان ياهی به پشت خود بود. قبل از ينكه سفر پاين ايانده ای آغاوهر بافتنجه زد وكشت . گرچه شوهرم ديگه زنده نمیشه ولی از دادگاه توقع دارم كه قاتلش به جزای خود برسه .

قاضی : بر علاوه شما خواهان جبران خساره گرديده ايد ؟ خانم جوالی : بلی، فرزند كوچكم و مه

وداگر دراز مانده است . سوداگر: خوب، تومی خواهی همسرای ينكه ده فرق مه بزنی و مره بكشی ، خي بگی ديگه : بالای جوالی چند فیر می كند . (جوالی زمين ميفافتد) . در دادگاه :

در گوشه از صحن دادگاه زن جوالی اين شعر را قبل از داير شدن قضا برای حاضرین مي سرايد :

در جنگل ابوه دزدان قضا جلسه ميکند و هنگاميكه بی گناه مرده باشد. قضا جلسه نموده او را محكوم ميکند در گورستان مصيبت رسيدگان ومظلومان ما شكست خورده گانيم فيصله های قضا

مثل سایه های كارد جلادان آخ، كارد جلادان كافيست كه از آن بوشي برای حكم قضا گردد . پرواز را بين، پرواز لاشخوران را آنها لعنتی های دشت ويبابان خشك اند قضا به آنها غذا خواهد داد وآنجااست كه جانیان پناه دارند و

به جز از شوهرم كمی دیگری را نداشتم و ندايرم كه ماره نان بته... قاضی : خطاب به خانم جوالی : من شماره ملامت نميكنم . ادعای مادی شما در مورد احتياجات زندگی تان حق مسلم شماست ... بعد خطاب به گروپ سوداگران دومی، ميپرسد: شما بعد از ينكه به هان رسيد يد، داباشی مستعفی را استخدام نموده وبنابال سوداگر وجوالی براه افنديد . لطفا مشاهدات خود را در محضر قضا بيان كنيد .

يكی از سوداگران : وقتيكه ما رسيديم، تاجر پتك آب كه كمی آب در داخل آن بود در دست داشت وجوالی بروی زمين افنديده وجان داده بود .

قاضی خطاب به سوداگر متهم : آيا شما جوالی را كشتيد ؟ سوداگر : بلی، چون او خيال سو قصد رانست بمن داشت .

قاضی : او چگونه به شما خيال سو قصد داشت ؟ لطفا توضيح كنيد ؟ سوداگر : او می خواست كه از پشت سريم حمله نموده وبأ سنگی كه در دست داشت به فرقم بزند .

قاضی : آيا ميتوانيد دليل حمله او را نسبت بخود بيان كنيد ؟ سوداگر : من ... دليل حمله او را نمی فهمم، او اصلاً دليل نداشت .

قاضی : آيا شما نسبت به جوالی رویه را روا داشته ايد كه دليل به حمله سو قصد او شده باشد .

سوداگر : نخیر، هرگزنی . قاضی : آيا داباشی مستعفی كه قسمت اول سفر را همراهی نموده است، اينجا حاضر است ..

داباشی : بلی صاحب . قاضی : لطفا شما نظر تان را بيان كنيد ؟ داباشی : تا جاييكه مه همراهی داشتم ، می فهمم كه سوداگر عجله داشت خود را هرچه زودتر به جبرگارسالدم .

قاضی خطاب به سوداگران گروپ دوم : آيا شما فكر ميكنيد كه سوداگر متهم و همراهانش با سرعت غير عادی به پیش رفته باشند .

يكی از سوداگران گروپ دومی : نخیر، آنها يگروز نسبت بما پيشی داشتند وناآخر هم ای فاصله را حفظ كردند .

قاضی خطاب به سوداگر متهم : فكر نمی كنيد كه شما به خاطر حفظ ای فاصله بالای جوالی مقتول وداباشی فشار آورده باشيد ؟ سوداگر : فشار آوردن بالای جوالی وظیفه من نبود، ای وظیفه داباشی بود .

قاضی خطاب به داباشی : آيا سوداگر متهم به شما وظیفه نمیداد كه جوالی را به رفتن هرچه سریعتر مجبور كنيد ؟

داباشی : من اضافتر از حد معين با لای جوالی فشار نياوردیم . هنوز رویه من با جوالی تا اندازه دوستانه بود .

قاضی خطاب به داباشی : پس چرا تجار شما را به هان از كار برطرف نمود ؟

داباشی : به خاطر همین، چون به عقیده سوداگر رویه من هر برابر جوالی بسیار دوستانه بود .

قاضی : پس شما بايد باجوالی رو یه دوستانه ميگرديد ؟ آيا شما فكر ميگردين كه جوالی مقتول كه با او بايد رویه دوستانه

ميشد، انسان جانی وشيطان عفتی بوده باشد . داباشی : نه خير، او همه چیز را حوصله ميتونه، بخاطر اينكه به گفته خودش اگر حوصله نكند وی را اخراج خواهند كرد وزن وفرزندش از گرمی خواهند مره .

قاضی : آيا اوبسيار زجر كشيده بود ؟ كوشش كنيد جواب خود را واضح ومشخص بيان كنيد وحاشيه نرويد. واقعيت را بخواه

خواه كشف خواهيم كرد . داباشی : من فقط تا استيشن هان باآتم همراه بودم .

شاگرد هتل باخود : (درست است) قاضی خطاب به سوداگر : آيا بعد از استيشن هان بين شما وجوالی چیزی رخ داده، باشد كه دليل بر خشم جوالی نسبت به شما شده بتواند .

سوداگر : نخیر ، از طرف من چنين چیزی هر گز اتفاق نيافتاده است .

قاضی : كوشش كنيد خود را باكثر از آنچه كه شنيد بشنوید ، اگر شما بسا جوالی همیشه به ناز ومحبت رویه ميكرديد پس چرا او نسبت به شما خشمگين ميشد ودرصدد سوء قصد نسبت به شما ميبرآمد. كو شش كنيد علت خشم او را بيان كنيد تا واضح شود كه شما فقط از خود دفاع نموده ايد و مجبور بوديد از خود دفاع كنيد. در باره سخنان من خوب فكر كنيد .

سوداگر : من بايد يك چیز را اعتراف كنم . يگروز من او را زدم .

قاضی : آها ، وشما فكر ميكنيد كه به خاطر همین يك دفعه لتوكوب او از شما متنفز شده بود

سوداگر : نخیر ، چون من بر علاوه لت وكوب ، وقتيكه اونمی خواست از دریا تير شود. تفنگچه را به پشتش گذاشتم ومجبور ش ساختم كه از دریا تير شود . البته كه در همین گيرو دار دستش شكست و من طبعاً مقصر بودم .

قاضی با كمی تبسم : منظور شما اينست كه جوالی فكر ميكرد كه شما در شكستن دست او مقصر هستيد ؟

سوداگر هم بالابن متبسم: بلی، ولی حقيقت ای بود كه من ميخواستم او را از غرق شدن نجات بدم . و او را از دریا كشيدم .

قاضی: خوب بعد از ينكه شما داباشی را مستعفی ساختيد، باجوالی رویه كرديد كه در نتيجه حسی خشم ونفرت اون نسبت به شما زياد شد .. وی (باعدای آمرانه خطاب به داباشی): پيش ازین چطور بود، اعتراف كنيد كه قبل ازین هم جوالی ازین مرد متنفز بوده، هه ماوشما اگر كمی فكر كنيم ميگوييم كه بايد قبل ازین هم جوالی ازین مرد متنفز بوده باشد. وقتيكه يك آتم كه مزد كارش چندان قناعت بخش نباشد، لت وكوب هم شود، با زور تفنگچه به خطر انداخته شود و حتی دستش بخاطر مفاد انسان ديگر بشكند... درين شرايط عادی وطبعی خواهد بود كه انسان نسبت به همچو اشخاص (به سوداگر اشاره ميكنند) متنفز خواهد بود .

داباشی : ولی جوالی نسبت به سوداگر نه تنفر داشت ونه حس انتقام .

ناتمام

همچنان نمایشات دیگری صنایع مستظرفه اتحاد شوروی که در پاریس، پراگ، لندن، برلین، گرنید مورد علاقه فراوان مردم شهرهای مذکور واقع گردید.

تبادل گسترده هنرمندان بین ممالک آسیایی، آفریقایی و آمریکایی را تسهیل برای مردم اتحاد شوروی این فرصت را مساعد گردانیده تا در باره آرت و هنر کشورهای هنر کشورهای هند، برما، فلپین، افغانستان، مصر، کینی، برازیل و غیره معلومات خوبی کسب نمایند. در سال ۱۹۷۲ بیش از یکصد هفتاد متخصص اتحاد شوروی در زمینه تربیت افراد سایر کشورها، در رشته آت و هنرهای لانه سپهر گرفتند و یکصد و نه نفر از جمله این متخصصین به کشورهای اروپای شرقی، مسافرت نمودند در قاهره توسط متخصصین شوروی، یک انستیتوت بالت و گروه هنری اوپرا بوجود آورده شد.

همچنان متخصصین شوروی در این شهر موفق شدند تا یک گروه سرگسی ورقشهای ستجمی محلی ویتنامی و روسکار برای برپا افشان، فعال سازند. اساسی خواهی حکومت جمهوری خلقی کانگو، متخصصین شوروی ملت یکمال را در بازید از آن کشور صرف کردند تا برای

اگر چه امروز هنر مندان و آرتیستهای بزرگ و کهنسال ازین رفته اند اما از آنها آثار ارز شمند و جاودان وجود دارد که همه در اختیار مردم است.

بناهای تاریخی، بناهای تئاتر، مجسمه ها و غیره، همه اشیای با ارزش و گرا تنها نیست که از پدران ما، باقی مانده اند و این میراث حقایقی را، پیرامون چگونگی کلتور اجداد و نیاکان ما بیان می نماید. چون هنرهای ظریف، بی نظیر و نفیس و زیبا پسندی های مردمی ما باشد و در هر زمان مورد دلچسپی و علاقمندی خلقها، قرار گرفته و میگیرد هنر مندان حتی در سیاه ترین دوره ها و تحت تسلط ستمگرترین رژیم ها نیز کارهای مهم و با ارزش هنری را، خلق نمود و تقدیم خلقهای پلاکتیده و ستم دیده شان کرده اند.

لذا حفظ و نگهداری این چنین آثار نفیسه و سایر آثار هنری، وظیفه هر انسان و وطن پرست و مردم دوست محسوب می شود. هنر مندان و مردم روسیه نیز، در تحت تسلط تزارهای ظالم، آثاری را بوجود آوردند و از خود یادگار گذاشتند که

کلتور در ...

دارای ارزشهای فراوان می باشد و مردم با احساس اتحاد شوروی، چه در زمان انقلاب و چه در زمان جنگ ۱۹۱۴-۱۹۱۸ چنان با دل و جان از این میراث گرانبهای پدران شان پاسداری نمودند و به حفظ و نگهداری آنها کوشیدند که حتی یک مجسمه هم از بین این آثار خراب نگردد و از بین نرفت.

رهبران، کارگران و عماران انقلاب کبیر اکثر بر به مردم خود گفتند: «باید بدانید که این سرزمین با نامهای داشته ها و آثارش مربوط و متعلق به شما می باشد و هنر و آت مردم جدید، بزودی در این دیار نشو و نمو میکند»

این وانمود می سازد که حتی از روزهای نخست انقلاب، دولت اتحاد شوروی متوجه کلتور پروروسی و محافظت آن بوده چنانچه در همین زمان یک لست مفصل از تمامی، نقاشی ها مجسمه ها و کتابخانه های که در قصرها، کاخ ها و خانه های اشخاص سرمایه دار وجود داشت تهیه نموده بود.

کلکسیون مشهور نقاشی های روسی و اروپای غربی که امروز در گالری «تری توکوف» نگهداری می شود و قصرهای پتر و گراف که امروز بنام لینن و ادیان می شوند با تمام آثار موزیم ها و صالون های هنری و آثار ظریف باستانی، امروز همه دولت متعلق دارد و از طرف بودجه مخصوصی که بنیان گذار آن، لینن بود واریسی

و محافظه می شود. اکنون خلقهای اتحاد شوروی، با عشق و محبت سرشار و سرهای بلند از آثار باستانی شان، دیدن می نمایند و سواد لانه بیش از صد میلیون نفر از ۱۹۱۴ موزیم بازدید بعمل می آورند.

این موزه ها، همه مربوط به دولت بوده و از تمامایان پول گرفته نمی شود آثار موزه مرکزی «لنین» که در شهر مسکو موقعیت و شهرت جهانی دارد مربوط به بزرگسای سیاست و فعالیت های ساتیفک و شخصی وی می باشد.

همچنان موزه شهر داولو نو فک «مرکز تولد لینن و موزه لینن در سایرینا معروف است.

چاییکه لینن در آن تعبد شده بود خیلی معروف است.

موزه دیگر شهر مسکو موزه انقلاب نیز خیلی نامشاه دارد این موزه تاریخ نهضت انقلاب را در روسیه نشان میدهد و اینند به صورت روشن و همه جا نبه فعالیت ها و دست آوردهای انقلاب اکتوبر را، از قدیم تا کنون دیده میتوانند.

در موزه های ذیل آثار پر ارزش و بخصوص جمع آوری گردیده است موزه مارکس و انگلس، موزه لئو تولستوی، مسلح اتحاد شوروی، موزه پولی تخنیک، موزه خلقهای شرق و موزه مهندسی که همه در شهر مدون مسکو می باشند.

موزه دفاع از ستالین گراد، موزه دفاع از لینن گراد و موزه کیهان نور دانگا و موزه آنتروپولوژی که مربوط به پوهنتون مسکوست.

موزه اکادمی ساینس اتحاد شوروی، موزه ادبیات و امثال آنها که هر کدام علاقمندان زیاد دارد.

تعداد موزیم ها و گالری های آت اتحاد شوروی یک صد هفتاد و دو می رسد و در گالری «تری توپاکوف» که در شهر مسکو، موقعیت دارد گذشته از آنکه سی و هفت هزار اثر نقاشی، مجسمه و آت گرافیک از قرن یازدهم تا قرن بیست، وجود دارد آثار گرانبهای از آرتیست های زمان اندری او بلف «قرن یازدهم» نیز در آن نگهداری می شود.

قصر های لینن گراد که در سرزمین اتحاد شوروی، بزرگترین و در دنیا، نیز از بزرگترین موزه های آت محسوب می شود، در این کاخها بیش از دو نیم میلیون اثر تاریخی جهان دیده می شود.

موزه لینن گراد از نگاه داشتن کلکسیون های ممتاز نقاشی قرن هجدهم و نوزدهم شهرت فراوان دارد. بر علاوه تابلوهای نقاشی در این موزه، مجسمه های معروف و گرانبهای نیز گذاشته شده است.

موزه و ششکین در شهر مسکو، دارای بهترین آثار نفیسه شرق باستانی و اروپایی غربی بخصوص آثاری از فرانسوا میباشند. موزه ها و گالری های آت، در شهر کیهانریکا-تلیسی-باکو-یاری-وینون و دیس-برکی-ازگوتسک و غیره

شهرهای بزرگ اتحاد شوروی آنها را بخود جلب می کند، گذشته از شهرهای بزرگ در شهرهای کوچک شوروی نیز امروز گالری های برای نمایشات و نگهداری، مجسمه ها و آثار نقاشی بوجود آمده اند و عموماً آثار نقاشی و مجسمه سازان اتحاد شوروی در این موزه ها و گالری ها بچشم میخورند.

تکامل هنر بخصوص هنر نقاشی روی هنر در خدمت مردم و واقعیتن سو سیالیتی می چرخد و منعکس کننده طرز تفکر و زندگی نوین، خلقهای اتحاد شوروی و ساختمان، جامعه کمونیست است در قرن بیست آغاز گردید زیرا پرنسپ های ایدیا لوی واقعیت تگری سو سیالیتی در مورد هنر در همین زمان تیار نمود و آت و هنر و طریقه های پیشرفت و ترقی آن، مورد توجه فوق العاده قرار گرفت.

همان بود که نقاشی های انقلابی سایر واقعات مهم تاریخی که بعد از انقلاب اکتوبر به بیان آمد، اهمیت خاص اجتماع پیدا نمود و در نتیجه تابلوهای مهم و گرانبهای، از زندگی و فعالیت های وطنپرستانه لینن، از جنگ های دلیرانه ازجیات خلقهای ستم دیده اتحاد شوروی، خلق گردید.

در اتحاد شوروی، به بهترین و باارزش ترین نقاشی و مجسمه ها، جوایزی که بنام پیشوای مردم آن سرزمین لینن، مسما گردیده داده میشود. چنانچه تابلوی نقاشی در «سرگی گیرا سیموف» بنام زمستان شوروی یکی از این جوایز را کما می کرد.

آثار و بناهای تاریخی:

در سال ۱۹۱۸ با اثر ابتکار لینن پروگرام مخصوصی جهت خلق آثار یادگاری، برای افراد برجسته و آتانی که در راه و وطن محبوب شان فداکاری و جانپازی نموده اند و دست گرفته شد این پروگرام که از نخستین روزهای طرح و تطبیق یک پروگرام مترقی در جهت پیشبرد کلتور مردم و تعلیمات هنری شناخته شد در تکامل آت و هنر آن کشور خیلی موثر واقع گردید و هنر مندان شوروی را به مرحله نوینی وارد گردانید.

امروز دولت اتحاد شوروی از دو صد هزار بناهای یادگاری و تاریخی محافظت میکند و همه ساله مبالغ زیادی برای ترمیم و مراقبت این آثار تخصیص داده میشود چنانچه طی سالهای ۱۹۶۵ و ۱۹۶۹ دو صد میلیون ربل برای این کار به مصرف رسید و ساختمانهای باستانی شهر مسکو، بناهای تاریخی با ارزشی آسیای مرکزی که با سلوب ممتاز مهندسی قرون وسطی، کار شده اند، تحت ترمیم و اعمار مجدداً قرار گرفتند.

کشور شوروی، بعد از جنگ دوم بهین پرستانه، جهت احیای مجدد و ترمیمات فعالیت های دامنه دار و کارهای پیگیری انجام داد و شهرهای «پولسک» و «پوشکین» که در جوار لینن گراد موقعیت دارند و با اثر حمله نازی ها بکلی

آرت وصایع دستی:

در بهلوی صنایع مستظرفه، روی همرفته، در تمام جمهوری های اتحاد شوروی، آرت وصایع دستی پیشرفت و ترقی نیان نموده است و جمهوری های آلتی اتحاد جماهیر شوروی کارهای ممتاز صنایع دستی شان خیلی معروف می باشد:

او کراین در صنایع سیرامیک و کارهای چوبی، بلا روس در سیرامیک دست دوزی، از بکستان در صنایع دستی دوزی، سیرامیک و مجسمه سازی سنگی آذربایجان در صنعت قالین و جاجاد و صنایع آهنی و سیرامیک.

کارهای اکثر اسلادان صنایع جمهوری های مذکور شهرت جهانی دارند. چنانچه فالین ترکیمن و مرتبان های نقاشی شده اوکراین و نقره کاری شمال قفقاز در اکثر کشورهای جهان معروف میباشند. استعداد اما نوری:

خلفای اتحاد شوروی، بدون در نظر داشت ملیت و لسان، در جهت تکامل کلتور می شان، فرصت های مساعدی در اختیار دارند چنانچه حقایق ذیل درستی این حقیقت است.

سالانه در حدود ۲۴۵ میلیون نفر از خلفای کلتور شور را، از تیاتر ها و کنسرت ها و پنجاه میلیون نفر از سرکس ها، صد میلیون نفر از موزه ها و پنجاه میلیون نفر از سینما ها تماشا می نمایند.

طبق از فلم بونسکو، اتحاد شوروی در مورد شمار آتانی که به تیاتر ها، سینما ها و کنسرت ها میروند ریکارد جپانی دارد.

برس معلوم میشود که در اتحاد شوروی برای تکامل و پرورش استعداد های خلفای و سایر زیادی بکار گماشته شده و راه بکلی برای تکامل کلتور شور هموار گردیده است. چنانچه امروز در اتحاد شوروی، بیش از بیست و سه میلیون نفر بصورت با نور مصروف فعالیت های هنری می باشند.

بریزنفل طی جلسات بیست و چهارمین کانگرس اتحاد شوروی گفت:

« هنر خلق اتحاد شوروی، نماینده زندگانی خلاق، مردم اتحاد شوروی می باشد ».

آرنست ها، موسیقی نوازان و هنر-مندان اما تور اتحاد شوروی در کلوب ها و محافل کشور شان سالانه بیش از دو میلیون کنسرت و نمایش را اجرا و برگزار می نمایند و بیش از چهار صد میلیون نفر از نمایشات و کنسرت های آنها با علاقمندی فراوان دیدن می نمایند.

برای تشویق و تشویق فانی هر چه بیشتر هنرمندان اما تور جوان، برای آرتیست ها، هنرمندان، گروه های هنری ممتاز و درازنده بهترین لقب افتخاری، یعنی لقب

« هنرمند خلقی » یا « گروه خلقی » داده میشود و کسب این لقب افتخاری آرزوی بزرگ هر هنرمند، اتحاد شوروی می باشد. در اتحاد شوروی، هفت صد هشتاد تیاتر، شش صد سی گروه رقص دسته جمعی و ارکسترها و صد ها گروه رقص مردمی، سرکس های آماتور و جود دارند که آنها بر علاوه سالون های نمایش، استودیو های هنری و رانیز در اختیار دارند. عموماً دایر کت ها و آرتیست های که بر هنر ملی هنرمندان آماتور می پردازند متخصصین و هنرمندان توانا و معروف می باشند و تجارب زیادی در کارهاشان پیدا شده باشند. در مورد تیاتر های خلقی اتحاد شوروی گفتنی های زیاد وجود دارد اما این گفتنی ها را مختص به چند مثال میکنم:

گروه بسالت مردمی « داس و چکش، امروز شهرت شایانی کسب نموده است.

نمایشات این گروه، در کوبین هاکن هلمنگی و پاریس، با موفقیت های بی نظیری رو برو و مورد استقبال بی مثل تماشاچیان واقع گردید.

ستاری یوف، یکی از دلوان های اتحاد شوروی، با اثر هنر نمایی های حیرت انگیز خود، از جانب جمهوری «باش گیر» لقب افتخاری « آرتیست » را بدست آورد. هم چنان آوازی که توسط گروه آما تور کاپلا در قصر کلتوری مسکو اجرا و ریکارد شده بود، بصورت بی سابقه ای فرو میزد. مردم استونی به آواز خوانی خلقی علاقه مند می شدند و پنج فیصد مردم این جمهوری با آواز خوان های دسته جمعی ارتباط دارند.

در شهر ها و قصبات این جمهوری همه ساله بصورت معمول جشن های آواز خوانی دایر می گردد و آرتیست های اما تور در این مراسم شرکت می کنند چنانچه در جشن های آواز خوانی چند سال قبل این سرزمین بیش از سی هزار آرتیست و هنرمند اشتراک نموده بودند که در حدود دو صد هزار نفر از آنها دیدن نمودند.

آواز خوان های دسته جمعی و کمپوز-رها ی استونی در جهت تیاتر و مهارت بر سر می برند.

جشن ها و هنر نمایی های خلقی که بطور منظم، در اتحاد شوروی، برگزار می گردد، در حالیکه نشان دهند استعداد مرقی مردم آن کشور می باشد زمینه خوبی را، در جهت برابری و برادری بین ملیت های مختلف کشور شور را، فراهم گردانیده است.

امروز در اتحاد شوروی، این مهم نیست که یک تبعه آن در کجا زندگی می کند زیرا او نه تنها بسمیل و آرزوی خود، گداری برای پیدا نموده بلکه فرصت خوبی برای تبارز دادن استعداد و باقت خود نیز دارد. مثلاً در گوشه دور دست شما لسی اتحاد شوروی، ولایتی بنام « گله دان » قرار دارد که هزاران کیلو متر از سرزمین ادوایی اتحاد شوروی، بلور افتاده و روز-کاری حکومت تزار های روسی، دشمنان

سیاسی خویش را، باین سرزمین میخشد، تبعید می گردند، اما کنسون این ولایت، از نگاه کلتوری، از سایر قسمت های اتحاد شوروی، چندان تفاوت ندارد. همچنان امروز احتمال نمیرود در اتحاد شوروی، مرکز بود و باش پیدا شود که ساکنین آن، مکتب، کلوپ، کتابخانه ویا پروکتور سینما، در اختیار نداشته باشند. گذشته از آن، با نندگان این گونه نقاط، به پروگرام های رادیو گوش میدهند و تلویزیون را تماشا میکنند.

ولایت گله دان، در جمله فد راسیون های جمهوری اتحاد شوروی، از نگاه فیصدی تورات روزنامه ها و مجلات در ردیف اول قرار دارد و مقام دوم را بعد از مسکو، در خرید کتاب حائز می باشد.

در این سرزمین یک تیاتر موسیقی و درام یک سازمان مردم شناسی و چندین گروه هنری دسته جمعی اسکیمو ها، فعالیت دارند.

روزنامه های اتحاد شوروی و مجلات آن مردم را از وقایع و رویداد های سر-تاسر اتحاد شوروی با خبر می سازد و اطلاعات نوین را در اختیار آنها میگذارد بطور مثال خوانندگان این وسیله اطلاعاتی میدهند که یک سرکس جدید که درای دوهزار چوبی می باشد در یکی از شهر های سائیریا اعمار گردیده و با یک کاری آرت در ولایت ما لری ساختمان شده و یاد دوشهر با کولتیف کریموف آرتیست مشهور آذربایجان، برای یک موزه مخصوص که تازه افتتاح گردیده یک تخته فالین گران بها را، اهدا نموده است.

همچنان، خوانندگان مذکور، در باره نقاشی های مردمان توکر این، در مورد شخصیت ها و کارگران و زارغانی که بصورت دسته جمعی کار می کنند و مفتخر به القاب قهرمان کارگران سوسیالیستی شده اند، ازین طریق معلومات کسب مینمایند و میدانند که با ترویشنهاد آرتیست های اتحاد شوروی گروه هنری او برای شهر کیف و تیاتر بالت آن از مناطق مختلف کشور شان بازدید بعمل آورده و نمایشاتی را برای مردم عرضه داشته اند. گذشته از آن توسط این روزنامه ها و مجلات مردم فهمیده میبایند که بنای یادگاری، به افتخار شاه عره مشهور اوکراین دوشهر باتسو احداث گردیده و بافتخار نوینند بزرگ شوروی توستی

بنایی دوشهر مسکو ساخته شده و بسا کانی در هفت جلد، که ۲۵ سال تمام را، تهیه و طبع آن در بر گرفت، از جانب برآمده است. در مطبوعات اتحاد شوروی، روزانه از این گونه خبر ها خیلی زیاد به نشر می رسد و این تبارز قوی کلتور ملیت های مختلف اتحاد شوروی را نشان میدهد.

شاعر بزرگ « لتوانیا » که حایز جایزه نشان لنین نیز گردیده است، چنین می نگارد: منسل نو و پرتو بخ لتوانیا را، بخوبی

می شناسم و به ایستار و نو آوری های آنها آفرین میگویم. این نهضت انقلابی و زندگی ساز کارگران است. نیرومندی و شادمانی آفرین این انقلاب در آواز های پر شور و رقص های دسته جمعی هنرمندان لتوانیا موج می زند.

آواز های هنرمندان با نوا های روح و قلب مردم و در رقص های رقصان ز پیله روی و خوش بیکر.

آرزو ها و تمنییات یک خلقی برای تشویق فانی هر چه بیشتر مردم شان برای روز افزون کشور شان و صلح جهان، نهفته است.

وقتی ما آواز آواز خوانی را می شنویم در حقیقت آواز شادمانی های مردم بگوش ما میرسد و زمانی که رقص شور آفرین را می تگریم با دید متوجه میباشیم که ملت ما در آغوش انقلاب می رقصند.

مردم اتحاد شوروی، به آرت و هنر خوشی اهمیت زیادی قایلند زیرا در همه کار های هنری آنها، سبک مبین پرسانه سوسیالیستی، بچشم میخورد و آینده درخشان تر در آن تجلی داد و پرورداری و برابری در آنها موج می زند.

خلاصه هنر سوسیالیستی آنها، آینه ایست که در آن تاریخ جهان آینده نشان داده می بیند.

سینما:

لینن در آغاز اقتدار شوروی گفته بود که از جمله هنر های ظریف، سینما، برای مردم دارای ارزش و اهمیت خاصی میباشد. این گفته لینن چون سایر حرف های او خیلی معقول و بجاست زیرا نقش سینما در تکامل و سیاست مردم، خیلی با رزو روشن است.

اتحاد شوروی در زمینه سینما، میراث نا چیزی از حکومت سابق بدست آورد که این میراث شامل دو هزار سینما تیاتر و چند لابرا تو را فلم بود و در جمله فلم های که از رژیم سابق بجا مانده بود چند فلم مستند و لچسپ از « داکو متری » و چند حلقه فلم جدید و خوب از « فیچرز » بود که همین ها، اساس سینما توگرافکی اتحاد شوروی را تشکیل میدادند.

دولت اتحاد شوروی از همان روز های آغاز تسلط خود هنر سینما و فلم های را که محصول میزرات او بود بحیث یک اسلحه موقر، در تگر گونی اقتصادی و اجتماعی بکار برد.

در کشوری که تازه انقلاب سوسیالیستی برپا گردیده بود سینما، مردان جنگی و متفکرین دست بهم داده در تلاش شدند تا اهداف سوسیالیستی خود را به پیمان و وسیعی، بکرسیم پیروزی بنشانند. تکامل فلم های جدید روسی، بعد از امضاء فرمائی، توسط لینن، در مورد ملی ساختن صنایع فلم سازی، آغاز گردید. و در نیمه قرن بیست و فلما ی، شوروی را هنر را بسوی پرده های سینما های جهان باز نمود.

مغوی پی ژوندی دی

ژان لافایت

(تیرپسی)

دل نه باسی او د کوم سټاک کار د وړ
کولو لپاره یې بیا ټی شار لو ز مو زده کړی
کړي او نه ځوان سړی دی نو ځکه
زموږ (کاپو) دغه موضوع ته مو ځه کړی
او په لاس کې یې یو یون وړ کوی او هغه
د څار وړ و یو غونډی ته د کار د باره
ما موږ وی او ورته وایی چې ورو ورو کارو
کړی . خو دغه مهر یا ټی یو له مقدر څخه
سره نه رسیری، کار یو چې یو فا سس
الاقلاق سړی دی ټکلی او ځوان بنسديان
ور با ندی گران دی او (شار لو) دغه
لپاره یو نوی ټکلی رډی شار لو هم دخپل
تقو د څخه زموږ د کار وړو دسپکو لو لپاره
کته اخلی خو ښایي چې سپادو څخه خپل
کلو ما ندو بد له کړی ځکه چې د (کاپو) چال
چلند به دغه په وړاندی ډیر خطرناک لار
بلو ټکی منځ ته راوړی .
وخت د تیریدو په حال کې دی، ما وکړای
سوی دسیمون او اندره سره یه گمبه
یو سگرت و ځکوم (شارلو) هم ددی لپاره
چې بو دود و ځکوی زموږ خوا ته د رومی
اوبو اسپانسوی د نیمایسې سگرت به
بلل کی. مو ز ته یو څه اور را کوی .
شار لو په ډیر غور سره وایی .
زموږ اوس نور د پخوا ټو په ډله کې
ن.

سیمون چې لاثرا اوسه دن سهار د پښی
له امله کړ پړی ژایی .
نه څو مړه شل لری ، اوه څو منسره
غری .
په هر صورت ما ز ډیگر د سهار په
پر تله آرا م تیر پری . داسی حال کې
چې دسا نو ټکو څخه سرگی بلی خواته
ته او وو ، زموږ ټول زبا د دادی حسی
لر کارو کړو .

دځوانو روسانو (کومانډو) دماز دنگر
په پنځه نیمو بجو له زینو څخه یو ر ته کړی
(دغه ډله دهغو رو میا نو څخه جوړ شوی
چې د څو اوسو څخه تر اته لسو کالو
پورې عمر لری او دوی دد پرو دټوډ لرو
لپاره گمارل شوی دی اوله همدی امله
نیم ساعت منځ کی رخصتیری) او زموږ
وارد هم دد رسیری خودغه دانتظار نیسې
هیڅ پای نه لری .

دما ښام به سیمون نیمو بجو دټکلی غږ
پورته کړی ، بند بان د کار د څخه لاس
اخلی بیام وهل او ټکول بیل کیری د
حاضری وخت دی . ټول سوپدی یو ته
دغږیو کسونه چې جسد و نه یی هلته
پاس داغزی لرو نکو مزو په سر کی

دلم کیدو خبره منځ کی نشته ، داویو
غږیو موبی شوی ، گوسنسی
مو له کاره لو بد لی دی او دد ټکلی
لانډینی یو څی پوری نښتی دی. مو پرسی
له ارادی څخه و لای یو او ډیر احتیال
لری چې که زموږ له ډلی څخه که م یو
پر ځکه و لو پری د پور نه کیدو یو
په و نه لری . دادی دارودو گاه ستر ی
دروازی نور سبد لو اوکله چې دروازی
څخه تیر یو و موږ شمیری ، دا رډو گاه
غولی نه رسیر و او ددی لپاره چې د بار
دد رو ندوالی څخه خلاص شو ځغلو او د
پخلنځی وړه نه رسیر و. اوف، څو مړه
څا نو ته سټاک حسی کړو ، د یگو نه مو
پر غمکه ایښی دی ، ساه تازه کړو او خپل
پی حسی لاسونه ښو روود (ریمون) رنگ
ژ پړ او ښی او داسی ټکلی چې له حاله
په لای شی . ورو ورو ونی پر مخ و هوا و دده
غښلی اوده هغه ساتی .

اوس ښایی چې بیر به ستا نه شو او
ددی لپاره چی ژور ورسیر و موږ ته
دیری اموږ کوی (کاپو) زموږ دخپله
کبله داسی څخه جزالیدلی او ددی
لپاره چې خپل ځان دجزا څخه و ژغوری
او هر راز چې کړی دغه ختم لافسی
کړی. له همدی کبله دخپل گمډ بند په

مرسته زموږ دگي نښتوب له پاره هللی
ځلی کوی . په یو یو ساری گری ند خوب
سره د زینو څخه ټکنه کیر و او موږ
پسی دټکنځلو غږ پوره دی . اوس بیام
بغږل عادی کار بوخت یو . ښایی چې
دورځی یوه بجه وی . پدغه وخت کی یوه
بله ډله دراودو گاه څخه راستنیری دوی
دکما فا نو او مد فوع موادو د وړو لپاره
مو ظف شوی و . ددغو موادو مربع شکله
جیی د څلور و کسو له خوا و ډل کیری
او هره ورځ وروسته دغرمی له پدوی څخه
یوه ډله مامور کیری چې دښیدانو سارا -
ناستی او نور څو سامیان هغو انځونه
یوسی چې داسی - اس دکورونسو د ټکنسلا
لپاره جوړ شوی دی . سیمون د همدغو
مواد و وړو لو لپاره مو ظف شوی و .

داتو مباحثو په اوږدو کی دغه دوه کارونه
یعنی دڅو ډ و ټنډو د یگو نورو د کتافا نو
دو بیلو وړل د فرا نسو بانو له خوا سرته
رسیری .

په کار ځای کی دننه کار ادامه لری. پس
له غرمی نه کوه ناوړه پیښه منځ به نشه
را ځی پرته له دی نه چې (شارلو) زموږ له

فرا نسوی بند بان زموږ نښی (کو ما ند)
جو پوی .

اوس چی (کاپو) پردیوال ولاړ دی . هرڅوک
داسی ټکناره کوی چی کار کوی خو په
حقیقت کی کار نه کوی او ټول د شکلی
انتظار با سی خو پدی هم یو هیږ و چی
که (کاپو) متوجه شئ شتر خطر به مو
بهدید کړی ، داکار زموږ په منځ کی دله
سترگو سره کار) په نامه مشهور شوی
دی اود (کار له سترگو سره) په نڅ کی
باید ځانته یومشو لا هم پیداکړو.

زموږ د (کو لیست دو ستا نو نه یون
چی ډیر ټیت فد لری او موږ د (جی جی) په
نامه ورته غږ کړو خپل مخ مانه گر ځوی
او وایی .

هر گری !
ره بفر یا ژر خواب وړ کوه .

هلو سیر سی .
دهغه یوه همکار وایی :

ها لوی .
زما د کسار د خواب لپاره کوم شی

نلری .
دوه و ښت ! دوه و ښت !

دخطر اعلان ! یعنی (کاپو) بیر نشه
راغلی . او موږ په کار او حرکت پیل کړو
په همدی وخت کی سیمون چی زما له
څخه نه تیر پری زما په غوږ کی د سو
چانو م اخلی اوږه په دغه غوږی واهمه
کړی چې د (کاپو) درانگ له امله منځ
ته ر اخلی چیغه کوه .

هر دبا ! اوس د تاسی نوبت دی .
ښاغلو .

دخبر اترو دغه ښه چی دنابلد و خلکو
دباره معنی او مفهوم نلری یوه جا لیه
سر گری ده .

اوهغه داجی : بوسری یونوم ا خللی
دوهم سړی ته ښایی چې یو بل نوم چی
داهری نوم د لمری ټکی سره پیل شی او

هدا راز داهری نوم سره ورته وایی
ولری . و وایی اوکه ونشو کړای چی
داکار وکړی لوبه یی پایلی وی.

اوس موږ فرا نسوی لیکوال شم و .
ځنی و ځنو نه دغه لو به څو ورځی اوږد پری
څکه چې د التیا پای ته رسولی کو ماسان

کار ندی . خو باید یوه شی چی زموږ دلووی
وخت زموږ دکار په څرنگوالی یو .
اوه لری . ځنی و ځنو نه د ډیر صبر لرو
خو ځنی داسی ورځی هم وی چی ټو لسه

ورځ په کار بوخت یا تیر کیر و . دمحال په
تو گه نن دهغو ورځو څخه دی چی دوی یی
وخت ډیر لږ دی. (کو ما ند و ټو هر ر)

(نوبرکاپو) او (کاپو) ټول دخانری لپاره
را غل . یو چکی زندانی چی د (کا پو)
مرستیال دی له دی نه مخکی یی موږ سره

ډیر غرض نه کاهو خو اوس موږ سره ښه
ایښکي نه لری او داوږ دوه کی باران
اجازه نه را کوی . سر بیر به دی باران

اوری او دلته باران یو و حشنتا ک شی دی.
زموږ دلو یی سره هم چندان مته نشته .
د مثال په تو گه زموږ یو ملگری (ژان)

چی نوی یی خپل تحصیلات یا یی نه رسولی
دی ددغی لوبی سره هېڅ مینه نلری . او یا
د اجی د (پو رنو) یو او سیدو ټکی چی

(موریس) نوم یی داسی وایی : باید دغه
لوبه پریر وړو اوبوه بله لوبه وکړو .

(نوربیا)
ژولدون

دخپلو وطنوالو په منځ کی وی . زما دولتی
وضع همدا سی ده یعنی دشارلو ، موریس
او ژان سره یو ځای کار کړو خو سیمون

بدجانی شوی او ددیو روس ، اوبوه اسپانوی
او یوه یو گوسلا و ی سره یوځای کار
کوی موږ دکار دپیل څخه راهیسی د هغوی

چنچال او رو، اسپانوی چی پخوا تی دی
د تیریدو وی ټو ټی وری او اوس یی ځنی
نه غواړی چی کار وکړی نو ځکه (کا پو)

دهغو ی سره چنچال کوی . کله چی
سیمون غواړی هغوی سره پخلا کړی د
نورو بند یانو دگوا ښو نو غږ بور تسه

کیری .
دری ډلی روسی بند بان ، ددی ډلی
یو گو سلاوی بند بان او یوه ډله لسه

د دی ډلی روسی بند بان ، ددی ډلی
یو گو سلاوی بند بان او یوه ډله لسه

د دی ډلی روسی بند بان ، ددی ډلی
یو گو سلاوی بند بان او یوه ډله لسه

د دی ډلی روسی بند بان ، ددی ډلی
یو گو سلاوی بند بان او یوه ډله لسه

د دی ډلی روسی بند بان ، ددی ډلی
یو گو سلاوی بند بان او یوه ډله لسه

یلاخله نبود. و فیکه وارد ویتنام شد. و غلبات انقلابی پر داشت. برای و کون حزب کمونیست کورس انقلابی اداره نمود و آنها را به تیوری انقلابی و نماز طیفه کارگر مجبور نمودند. و این تیوری انقلابی در امر ساختن و تکیه بر نقش میمی را ایفا نمود. هوچی مین و فیکه در ویتنام بود. و احزاب انقلابی را نیز تیر می کرد. این روزنامه بنام «ویتنام آزاد» شهرت داشت. در سال (۱۹۶۱) هوچی مین در هوشمین برای انی حزب کمونیست چین که در یک بویتنام شمالی و فیکه داشت. و فیکه کتر انی تصمیم گرفت تا به به های گو رلایی دست بزند. در کتر انی نیز تصمیم گرفته شد تا از کورس ویتنام به غلبات انقلابی داجه شود. در نتیجه همان شد که در سال (۱۹۶۲) هو فیکه نصیب ویتنام را گردید. در باره کتر انی مذکور تا به و آن دانشگاه» صد را عظم ویتنامی چین گفته است: «نخستین قدمی که من این بود تا در سال (۱۹۶۱) من آزادی (جبهه و بت مین) را تاسیس کردم.

در نامه سال (۱۹۶۲) هوچی مین تازم می گردید. وی می خواست با حزب کمونیست چین رابطه قایم نماید. و فیکه می خواست از سر حد چین عبور نماید. طرف مقامات (کورمنا لنگ) دستگیر و دو سال حبس محکوم گردید. در کتاب «زندگانی کورمنا لنگ» تذکر رفته است که هوچی مین (۳۶) بار زندانی شده بود. هوچی مین در سال (۱۹۶۴) ویتنام را ترک کرد و به کورس ویتنام باز آمد. این پروگرام او لی و علی حزب کمونیست آنرا جبهه ویت مین نامیدند. به حیث پروگرام او لی و علی حزب د آمد. پس از انعقاد کتر انی مذکور در (۱۵) و (۱۶) آگست سال (۱۹۶۵) آزادی ملی که رهبری آنرا هوچی مین داشت. حکومت موقت و فنی انقلابی ویتنام را تاسیس گردید.

انقلاب (۱۹۶۵) به پیروزی انجامید. در (۲) سپتامبر همان سال، هوچی مین در وطن تاریخی خود، آزادی ویتنام را اعلام نمود که در نتیجه، جمهوری دموکراتیک در نخستین جلسه شورای ملی که در جنوبی (۱۹۶۶) برگزار گردیده بود. هوچی مین به حیث رئیس جمهور و صدراعظم ویتنام انتخاب گردید. هوچی مین تا سال (۱۹۵۵) به حیث صدراعظم ویتنام انقادی و طافه می نمود.

استعمارگران فرانسوی که جمهوری ویتنامی نو بنیاد ویتنام را نمی توانستند تحمل

بقیه صفحه ۱۹

آزادی فرد بدون...

شناسی و به بررسی مختصات فرد انسانی معصور می کنند و تازه آن فرد انسانی را نیز بشکل مطلق. همیشه یکسان و لا تغییر در تاریخ و دینار می گیرند. مانند نظریات مکاتب متعدد بورژوازی از قبیل (اگر یستاد نسالیزم، کتودولسم و پروسوالیزم) که همه آنها برپایه فلسفه اصالت فرد قرار دارند. نظریات آنارشیستی خورده بورژوازی برپایه اندیوید یا لیزم پایه فلسفی سرمایه داری اندیویدالیزم افراطی خورده بورژوازی است. است و برین پایه است که سود جویی و خود پسندی توجیه می گردد.

و اما کولکویزم یا اصالت جمع یعنی منش جبهه در نقطه مقابل این تیوری اجتماعی (منشی فردی) قرار دارد و به آن تیوری علمی و اخلاق می گردد که طبق آن منافع جمع و جامعه بر منافع فرد مقدم است و حفاظت و تکامل شخصیت فرد و رفاه او از یوغ منافع های اجتماعی فقط و فقط برهانی جمع و تکامل آن مربوط است. و تنها جامعه ای که افراد با حقوق برابر و بشکل داوطلبانه در راه پیشرفت منافع عمومی جمعی می کوشند می تواند یک جامعه واقعی و انسانی باشد.

روس اصالت جمع سوسیالیستی مبتنی بر مالکیت اجتماعی و مایل تولید است بدون ایجاد یک مالکیت اجتماعی و یک جامعه بدون استثمار فرد از فرد شرایط واقعی برای تربیت همه گانی جامعه بارز جمع بوجود نمی آید و روابط همکاری و تعاون جانشین روابط استثمار و استغری نمی شود.

جامعه بدون استثمار فرد از فرد می تواند آنگنان شرایطی بوجود آورد که در آن هم آهنگی واقعی بین منافع فرد و جمع پدید آید و لازمه ی برآورده شدن خواسته های فرد (چنانکه در سرمایه داری دیده می شود) سرکوب منافع جمع نباشد.

ازین پایه ی فلسفی (اصالت فرد و اصالت جمع) دونوع روحیه و دونوع طرز تفکر ناشی می شود. از اصالت فرد روحیه ی خودپسندانه و طرز تفکر ذهنی که نمایان خود را منفعه بر واقعیت می سازد و از اصالت جمع روحیه ی

اقتصادی و اجتماعی کمون از هیچکس نه مسا می فروغ نورزید. در سال (۱۹۵۵) هوچی مین به طور افتخاری عضو بت (جبهه وطنی ست ویتنام) به حیث منشی کمته هر کزی حزب کارگران ویتنام انتخاب گردید.

در سپتامبر (۱۹۶۰) و فیکه سو مین کانگرس حزب اتحاد بافت. هوچی مین به حیث منشی عمومی حزب کارگری ویتنام و «لید وان» به حیث منشی اول حزب انتخاب گردید. در اپریل سال (۱۹۶۰) هوچی مین در یک رساله مشهور خود چنین نوشت: «انصار سو مین لیزم در مملکت ما و عضو بت ما با خاندان سو مین لیزم در واقعیت این معنوی را در بر میگیرد که ما همیشه طبق نظر یا ت رهبر انقلاب کبیر اکبر عمل می نمایم و این از امکان دور نخواهد

انقلابی همیستی و تعاون و طرز تفکر اصولی و یعنی که واقعیت یعنی مصالح تکامل جامعه را بر تمایلات خواسته های ذهنی مقدم می شمارد. اینک برمی گردیم بر واقعیت های جامعه ی خود، و بخصوص درین مطلق تاریخی ای که سرنوشت ساز حیات آینده خلق یعنی قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان در دست نسوبه و تدوین است. قانون اساسی ما متواند ازین معک یعنی دور جویی تشریح شده در فوق، سر فراز برآید. زیرا در آن شرایطی سرهم اندی شده است و او می دهد که در خدمت جمع یا طبقات روحیه ی کولکویزم می باشد. دموکراتیک بودن و در خدمت همه خلق بودن قانون اساسی جدید جمهوری دموکراتیک افغانستان را می توان در بیانیه ی تاریخی رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی ولسری وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان کسه بناسیت افتتاح کار کمیسیون طرح قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان ابرار فرمودند. بدانیم، ایشان در یک بخش ازین بیانیه ی شان فرموده اند: «درین مرحله ی تکامل دست آورد های انقلاب سور، حزب دموکراتیک خلق افغانستان که عمده منوچه انکشاف اجتماعی، اقتصادی کشور و رشد نیرو های تولیدی و تسریع ازدیاد تولیدات در داخل افغانستان عزیز است، با در نظر داشت بدیغی های ناشی از نظام های مطلقه، دیکتاتوری های فردی، کم بها دادن به نقش توده های خلق، اثر نامطلوب کشش شخصیت و عدم توجه به کار دسته جمعی پوره منفعت است ... رفقای مبارز و وطن پرست آگاه ما می دانند که تمام قوانین اساسی که قیلا در افغانستان بود همچو سایر قوانین نظام های استعماری منافع طبقات حاکم استثمار گر را

تأمین و محافظه می کرد قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان ... طبق گفته ی رهبر کارگران جهان به خلق زحمتکش خدمت می کند و همیشه خدمت می کند و وسیله ی نیرومند است در مبارزه بخاطر تحقق جامعه ی

بود که کشور ما که ما لای سا لحت استعمار قرار داشت از طریق راه و شمس غر سو ما، بداری به جا معده فاقد استثمار فرد از فرد برسد. هوچی مین در روابط خود با کلیه عمالک سو مین لستی مخصوصا با اتحاد جماهیر شوروی سو مین لستی سهم فغال گرفت و در بیست و دو مین کانگرس حزب کمونیست اتحاد شوروی چنین گفت: «نخستین و اتحاد جماهیر شوروی سو مین لستی، بهلول به پهلوی مبارزه ای شرکت خواهد کرد و برای برقرار نمودن صلح، دموکراسی، آزادی ملی و جبهه نسبی نوین سو مین لیزم خواهد بود. هوچی مین یک مبارز واقعی و انقلابی ویتانر نامیو نا لست و مبارز بود. مبارزات و کار تا به عمای هوچی مین برای همیشه در قلب های انسان های مترقی ویتنام و جبهان جا و دانی خواهد بود.

فاقد از استثمار فرد از فرد...

آزادی و حزب خلقی ما با تکیا به قوه ی برپایان خلق وایدیالوژی دور انسا زعصر ما که محور اساسی آن کولکویزم یا اصالت جمع است و بهروزی و بهزیستی فرد را تنها تنها دوبروئی و بهزیستی خلق مضمیر میداند در صدد ایجاد جامعه ی است که:

۱- مسابلی را که در دوران های گذشته ی تاریخ خلق ماضور محض بود به واقعیت سرسخت و قابل احساس و لمس مبدل سازد. ۲- خلق را به فرما زوای حقیقی و جمعی کشور مبدل سازد. ۳- از گسلیهی اسکال استعمار او را رها سازد.

۴- برتری های طبقاتی، قشری، نژادی ملی و غیره را از بین ببرد، و برابری واقعی اجتماعی را تأمین نماید. ۵- به نحو اصولی دموکراسی نوع جدیدی را برقرار سازد و در برابر ملیون ها انسان امکان عملی سهم گیری را در اداره ی امور تولید دسته جمعی شهری و نیمه سام جامعه بگشاید.

۶- برای هر انسانیکه استعداد کار دارد، کار در رشته ی تخصص را تضمین کند، و یکبارگی و نهیدستی را پایان بخشد.

۷- بدون استثناء برای همه ی اتباع امکان فرا گرفتن آموزش را تا قیل فرهنگ جهانی بگشاید. ۸- کمک طبی و همگانی و رایگان، تأمینات اجتماعی، منازل راحت و مناسب برای همه انسان ها تقدیم بدارد.

۹- رشد همه جانبه و عوزون شخصیت انسان را با هدف و بلان تأمین نماید و این مسئله را به مثابه مسئله اساسی یش بگشاید. ۱۰- به رشد پایه دار تولید و رفاه همگانی خلق و انانیل سازد و انسان را از تشویش فردا رها سازد و به آینده مطمئن سازد.

۱۱- از سیاست صلح و همکاری بین خلق ها که بطور فوری ملتی شده خواهد بود به شکل انحراف ناپذیر پیروی نماید.

زنده باد انسان زحمت کش. زنده باد رفاه همگانی و دسته جمعی. مرگ بر همه انواع ظلم و ستم. زنده باد آزادی به معنی واقعی آن.

جیل پر شا او خوا لفا با ندی د
سو زند ه لمر ژرینی و پانگی خو ژی موی
وی . د شپې د شپاړ پوړی سترې پر خښی
لوړ اخستی وچی دود یی آن دور څی لادلیر
وړانگی نو ر پخو نی کړی او آسمان یی
تیا ره کړی ؤ .
هوا بده وه . دجیل ددوی او لو نو بله ستر
نسور چک سره ښکاریدل او د فرس
پلنو نورو ډېرو خو روونکی نو دو څه خوړوله
هره خوا شنی وړی - ډوی ما شی اولی
چی کله کله به په نو دو خاورو کینا ستنی
او بیر ته به وا لو نلی . ددوی دحر کاتو
نداره ډیره سترې کوو نکی وه . خو بسل
هیڅ مصر وقت نه ؤ .

په ټول جیل کی کراړه کراړی وه - سونو-
مانه قره یان ډله ډله په سیو ریو کی بند
شوی ؤ ، ځینی ویده وځینی په چرت کی
ډوب او ځینو بیا ورو - ورو او په ډیره لسی
یو له بل سره خبری کولی .
تر جیل بهر - ښار دلمر په سو زند ه
وړانگو کی دیوه نا دوغ په شان و چ
پروت ؤ او د جیل دمدير له کوره څخه
د بیا نو آواز اور بدل کیده .

په نری رنځ یوه اخه قیدی چی (میشی
ژمنش)لو میدی سر و ښو راوه او خپل
ډنگر سپیره مخ یی چی واده - واده توودل-
غونه یی دود لود ل آسمان ته ونيو ه .
شو نلی یی څر ږندی شوی او د مخا مخ

دستر سووړی لکوال

ماکسیم کور کی اسر

ژوند

کړکی په ننداره او دپا نو د خواړه آواز
په اور پیلو پوخت شو .
ژوندان پاشی (کر ناشف) چی زما څنگ
ته په زینه نا ست ؤ مانه وکتل او ورویی
وویل :

زه بو سو دایی سړی یم او تل چرت
و هم . ځینی خلک ممت او د حراره دی
په داسی حال کی چی زه ډیرغلی ، حلیم
او تر م پیدا شوی یم .
ومی ویل :

- مطلب دی دای چی زه سوا ندی سړی
یی ؟...
- ټول شیدی ؟... حلیم یازده سواندی...
دانو خبری نه غواړی ؟

خپل سگرت یی پر ځمکه وغورزاوه او
وی ویل :

زما له پا ره یو شی دی ، چی څنگه
دی زه وی هغی وابه !... زما عقیده دوسینی
په شان پخه ده اونه بد لیسری او ستا له
عقیدی سره هم چی وایی انسان آزادی به
اډه لری . موافقه یم . دا هیڅ امکان نه
لری .

صفحه ۵۰

داخلت چی دلته و پنی یوه ورځ ټول
آزاده ؤ... او اوس یی په دی احاطه
کی را پلن کړی دی . ځینی یی ځینی بیه
خینځر او زو لنو کی ښکیل شوی پرا نه
دی . څوک هم آزاددی ، خودهغه آزادی څه
کته لری ؟... په دی پوله دنیا کی دا سی
حزک شه چی خولا نه احترا م و لری ؟...
هغو خلکو چی خپلو کړو وړو او احساساتو
تهیی آزادی و رکړی او له چو کا نه
و نلی دی . څوک نه ورته شوی دی .
(کرنا شف) خپله وسپینه خو لی لیری
کړه ، خپل سپیره و پینه یی سم کړ لاړ
خپلو او ږ دو - اوږ نو گو یو به حسره
شو .

له ډیری مو دی را غیسی په دی هڅه
کی و م چی ددغه ضعف یا شی دروندانه
به کسه ، چی د حضرت مسمیح دانفور به
شان چوپ او آرام ؤ ، یوه شم . با شی
ژبی بیژی او ژوری سترگی در لو دی . هر
جا او هر شی ته به یی تیز او دمسق
کتل اوویل بهی چی :

زه سو دایی خو نرم سړی یم !

خو دا خبری یی هو مره زیانی او ډله
پسی تکرار کړی دی چی چانه منلی .

په ملگرو یی گران نه ؤ او ټول تر ینه
و یر بدل . په قید یا نو هم گران نه ؤ
او سره له دی چی دانو رو با شیا نسو

ژباړونکی : احسان آرینزی

کتل ، (کرنا شف) دما شو ما یو د محصوصی
خو نی په هر وا زد کی درید لی ؤ . دهر اڅ
درو ځی و وړانگو په بلو شو کی یی ځخ
دهغه چا په شان چی ناحایی په خوړو
اخته شی او و غواړی چی جمعه و کړی
خو خو له پته و نیسی - ډا روونکی اوغځپلی
ښکا رنده .

دا غځپلی - هیچانی خو غلی صور تهو-
مره ډا روونکی وچی بو گا م پر شاپو لایم
اوستر کی می پتی کړی . یوه سینه ورو -
سته می سترگی پرا نمنلی ، هملنه ولاړی
او قیدی ما شو ما نو نه خیر شوی و غر
می پروکی :

(پاول استیا نو بیج)

هیچانی شو او پوښتنه یی وکړه :

- څوک یی ؟...

زه ، د ٦ ځونی .

... هه .. نه یی ؟ تر اوسه نه بیرویده
شوی ؟...

نه ، نه یم ویده شوی . نه ولی ولاړی ؟...
آه ، پر درد گارا ټول ویده دی ... ته
ولی ؟...

سولی دا سی یی . کرنا شف ؟... څه
شوی ؟
هیڅ . نه فکر کی ډوب وم .

پر دی لنهی مکا لیم وروسته ورو روان
سو او لری و لاړ .
پر دی د محه می حی حلی ځی غوسی
و حی :

- مادی د ژوند په کیسه خیر کړه...!

خو هغه راته ویلی ؤ چی :

- ته زما د ژوند کیسی نه څه اډه لری ؟...
زه ځوان یم . با ید ستا سو له بحر یو
څخه استفاده وکړم !...

خوده به خواب راکی چی :

زه له دی دنیوی خبر یو څخه با ک یو
شلی سړی یم چی ټول سودا یی ژوند می په
کراړه تیر کړی دی .

ده به له هری خوا څخه په میینه میینه
جبری کولی خو د خپل زو ندرانه په پر څه
کی یی سکوت غوره کړی او هیڅ یی به
ویل . خو یوه ورځ یی په پهاغه وویل چی :
دا ستا اونه ، انسان نه شی روز لای
فقط دما پلو درک او فکر دی چی خلک
په ډیرو شیا نو پو هو لای شی . انسان
کو لای شی چی له هری افدا نی نه بسو
دا ستان جوړ کړی او هم کو لای شی چی
له یوه ریشیا سره پنځه در واغ وواپی .

خو د مسا بلو درک او انسان نی تفکر له
دروا غو سیره نه جو ډیری - همد غه را ز
انسان د ارقا مو او اعدادو تر تاثیر لاندی
دی او ارقام په هره بڼه چی و لیکل شی ،
درواغ نه وایی .

(کرنا شف) ما ته ډیر متوجه ؤ اوله
ماسره یی هومره علاقه در لوده چی له
ډیری هغی سره سره یی نه شوای پټولای
یوه شپه یی دو سپینزی کړ کی دپنجرو
څخه له ماسره خبری کولی :

- اورید لی مو دی چی به لیکوالی لی تی ډیری
پسی کتلی او ښه آرا م ژوند لری ، سته
ده ؟

هو...!

... هه ... شرا ب خوری ؟...

نه .

سته پانی ؟

نه ، بیا هم دوه م .

عجیبه ده . زه هیڅ نه پوهیږم چی بیاولی
پا څی ؟ ... دپیوزلو پاڅون خو غلی دکل
لری . مگر ددی په څپته مړو رو شتکر
په پا څون خیرا نیرم . داد ما سو ...
کا رته ورته دی . دهه ؟...

ما هڅه وکړه چی دی په موضوع یو
کړم . ډیری خبری می ورته و کړی . ده هم
غوږ نیولی ؤ څونا خاږه یی وویل چی . هر
څوک پخپل کارینه بو هیږی اوولای...!

دیوی بو دی ور څی په سپار می تسلیم
ونیو چی د(کرنا شف) دژوندانه په اسرارو
یوه ستم او بهدی کار بریالی ستم .
(کرنا شف) په ډیر احتیاط خپل شاپو
خواته وکتل او خبری یی پیل کړی :

- ددغه هیواد منځنی طبقه چی ژوری ریښی
نه لری . هیڅ په درد نه خو ږی او درو-
ندانه و فتح یی هم دانورو په پر نله گډی
وډه او نا منظمه ده .

ټول سو دایی دی مثلا زما پلار
(با لچک) کی زاده شیا ت پلو درل جو .
له اته کلنی څخه دا لو ټونکو په ښکا
پیل و کړ . په لس کلنی کی یی دشاگردی
اوزده کو لو له پاره یوه پوسمین-
گنډو نکی ته و ر تسلیم کړم .

(دزده کو لو) کلمه اصلا یو یی مقبو نه
او یی ما نا کلمه ده . ځکه له بشر څخه
تر شرا بو اوسنی - لاس او پښی غورزولو
او وخت ضایع کړو او پر نه څه شی ز ده
کید لای شی ؟... له ټیکه مر غه دناړونی
له امله په شرا بو عادت ته شوم او تر ٣٦
کلنی یعنی دو اده تر ما شیا به می پنځه
هم و نه لیده . که څه هم چی په ١٧ کلنی
کی یو ځل له پوی پښی سره مخا شوم
خو زه علامت نه وم . زما یو مښین گنډو-
نکی استاد یوه بی اډبه ، سپین سترگی اوسرا-
بی پنځه درلوده . دپنځه په ما یسی شوه .
یوه شپه زما خو نی ته راغله . زه ه-
ځوان و م لیز تر م شوم او ... خو نس-
یو هیږم چی ولی می له هغه شسی څخه
ورو سته له دنه کار څخه زه بور شو او
کر کی می ور څنی را غله .

(کرنا شف) پښی خوا به و کتل ، لاری
یی نو کړی او خپل سگرت یی ولگا وه او
پهداسی حال کی یی چی کړی کړی دودیسی
توخوله ایست ، خپروته دوام ورکړ :

- پلار می به سو داگری کی مانه و کړه
او کا راو کسب یی پر پښو د او پسه
نلایی لاس پوری کړ ، لنهله موده ورو سته
په جیل کی مړ شو . ښه شو چی مړ شو
ځکه چی هغه شسی غل ؤ او ډېره ما ته
ژوبله به یی پښو له .

یو اوود اسویلی یی وکیښ اووی ویل :
سه ا زما دتر څه ژوندانه کسبه ده خو

څه کو لای شیم ؟ یو وخت له یوه سړی
څخه چی (مینز و ف) نو میدی ډیر ویر-
یدم . ارواښاد د (گستا نین و سلیو بسج
سیروفینف) ډیر ډیل ، عباس ، خوشتم سړی ؤ .
پسه کو ر ... ښه یا غ ... او لنهله داجی
ښه ژوند یی درلوده ، اوله هغو کسانو څخه ؤ چی
ژوندون

(لیچکوف) نو میدی او بنځه یی مېره شوی وه. (لیچکوف) ډیر چا لاکه بېو دی ډوله سړی و، بنځی یی یوه ډیره ښکلې خور درلوده چې کله کله به د (لیچکوف) لیدلې ته را نلله.

خپلو او پد او وښو موزو ته یی وکتل اوغلی شو، ومی ویل:

هر ورو مین شوی یی...؟
کا به، کا به، کا به یی را نه وکتل او به قهر یی وویل:

مینوب لېو تنوب دی... دا خومینوب نه دی چی په تنگ شې نومین شې، ده ساده خو هو ښیار سړی یم، که ښاغلی نه یم نو ما شوم هم نه یم. هېڅو فت نه یم مین شوی، یوه شوی گرا نه.

یو نفر به می ولید چی نن شته خو سیا نشته. نن به یی یو نفر عسکری لکه بېوه او سیا یل نفر، تور مو نه به یی وهل، آه... له دغه پنځ څخه می بد را تلل مایه ویل چی په یوه لوی لرمی می په خت ختومی، مرگې را یادشو، په دې فکر کی ډوب شو چی آخر به څه را با ندی کیږی

په شپو شپو به نه ویده کیدم، چی را یاد په سول چی ټول مری او زه به هم د نورو په شان مړ شم، سخت به و بیرنم تل به په همدی چور تو نو کی ډوب زم، د یوه عسکر د مړ پنی پځ به می چی واورید په بیر به می ځان و پور ساوه (لیچکوف) به خنډل او ویل به یی چی:

خوا پی چی هر پنه زده کړی...؟ زده کړه... زده کړه، یوه ورځ به نه هم تر دغه آزمونه تیر یږی...

(لیچکوف) له ناروغانو او مړیو سره بلد شوی و ځیکه چی په زر گرو لاسو تنه یی هغی بلی نری ته استولی و. خو دا خبری ما ته بیخی نوی وی او ډیر یی خورولم.

(کرناشف) یو اوږد اسو یلی و کښی، په پنی لاس یی خاورو ته اشاره وکړه او وی ویل:

زده دله له هغی جلی، یعنی د (لیچکوف) د ښځی له خور سره آشنا شو م.

یوه ورځ دواړو له خنکی او آسمان اور او اوبو څخه خبری کولی، د خبرو لکه جر یان کی ماورته وویل چی: را ځه

له ما سره ژوند وکړه، عسکری می چی خلاصه کړه دواړه به واده وکړه. په اول کی یی لږ نه او نو و کړل خو آخر را ضی شو. دگم ژوند په لو مړیو و ختسوکمی یعنی په داسی شرایطو کی چی هر څه دواړو له پا ره نو یی دواړه ډار خو ښی و او ژوند مو ښه تیر ند...

او ټول هغه ناوډه او خورونکی افکار چی د مرگ له وبری څخه ما ته پیدا شوی و له ماته هیر شول.

ښکلې جلی وه؟
بده نه وه. سینه خو په تکره وه

ښه لاس، پنی. نو له لاند هدا چی ښه اندام یی درلود... ښکلې ښځی ټولی بویل ته ور نه دی صر ف یوه لږ خوا نه وی او بله لږ زده... کو به ورځ به جر (لیچکوف) و وظیفه درلوده ا طاق ته به ورغلم اوله هغی سره می شوخی کوله...

کله کله به چی زه هلته ویم پاتی به ۵۱ هڅ کی

ساعت جو پو نکی ښه خو شا له او مست سړی و، زما سره یی هم ښه و صبح کو له خور مان چی په جزا محکوم شو دمحاکمی تر مجلس د مخه دخارتوالی رئیس ورو غوښتم او ویل:

دا دوه خبره ده او ته پکی نه شی شامل.

لنډه موده وروسته عسکری نهولا ډیر از یو کال می په کنسک پیاده کی تیر کړ، دوه کاله می هم دیوه رو غتون دسر کاتب په تو گه وظیفه اجرا کړه.

(کرناشف) ناڅاپه له ځایه راځد، سگرت یی ولگاوه او ورو یی وو یل:

له مرگه ویر یږی؟
نه!

ما هم مخکی تر دی چی رو غتون نه

تر ورځی پو دی یی مقامت وکړه او هیچاته یی سر ټیټ نه کړ... بیا ناڅاپه مړ شو!... څه مو کړی وی. هغه هم دمیا رزی طر فدار و!...

(کرناشف) وځنډل، زوی زوی سرگی یی د مخ په غونډو کی نشو تی...

او د لو مړی ځل له پاره می دده مو سکه ولیده...

سار یو ستین گنډونکی وروسته له یوه ساعت جو پو نکی سره شا گرد ش م.

ساعت جو پو نکی سم سړی نه واولادبلا وسخا نو و سکی او میده. دری کاله می له ده سره تیر کړل، په دریم کال یوه شوم چی داسی دسرو زرو

فلای سکی جو پو وی څوله خانه سره می پرېکړه وکړه چی: (په مایوری څه

هرچا دستاواعتز په خاطر احترام ورته درلود. یوه ورځ یی بی له کوم دلیل څخه زما په و هلاس پوری کړ. ماویل چی ژر به ستړی شی او وهل به بس کړی خو ده دوام ورکړ او زما ویننه یی را ره تارکېل ما یی سترگوته په ډیر ځیر وکتل ځکه اوریدل می و چی که څو ک

دسپی سترگو ته په ځیر وگوری سدی له حملی څخه ډډه کوی خوده لاهم، سو کونه، ځپیری او لغتی وادو لی. د یر عصایي و او سترگی یی دویو دجامو نو

په شتاق نکی سړی او پتی وی. تریوه پنه یی و نیو م او ډیر بیر حمه یی پرځیکه ورپسې کشولم، زه هیڅ نه پو هیدم چی چیری می وپی؟...

ډیر ځنډ وروسته... خلک را ټول شول او زه یی تر ښه خلاص کړم. خپل لاس او مخ می پو یو نخل او دکود په لور روان شوم... په لاره کی می ناڅاپه

دا په گستا تنین سیز وف سترگی ولگدی چی دیوه بل نفر څنگ ته ولاړ و. زه یی کلک و نیو م او له ښا ره یی و یستم. دا مهال یوه شوم چی آخرت ته می لیری ځکه می ډیری چیغی و کړی او په زار یو می خو له ستړی کړه.

ده وویل:
هه... بالاخره تسلیم شوی؟

وی خنډل دری رو بله یی را کړ لا و وی ویل:

په دی پیسو دوا واخه... او با به کو ه چی زما سره میا رزه ونه کړی...

اریان شو م چی کو به مبارزه؟ زما مبارزه خو داوه چی دده وهل ټکول می وز غل.

(کرناشف) یو سو پا سو بلی و نسب او ادا می یی وکړه:

یاره چی دا (زغم) څومره خطر نا ک شوی دی! د (زغم) په هغو م کی غمی غرور پټ دی چی هېڅ قدرت یی له مینځه نه شی وړ لای، دری کاله د مخه همد لنه یوهلک وچی ځیل پلندر (۵) یی وژلی و... ډیر

سیطان هلک و. ظاهر ا ډیر موده اوبه نریبی هلک و... او هیجا یوه تلمه خبره یم نه شو ای ختی او رید لای.

نوښته می وکړه:
په گنا یی ا عیاف کړی و؟

سولی...؟ په کور کی یی ویلی و چی داجنایت ده کړی خو په رسمی تحقیقاتو کی یی یوه خبره هم ونه کړه، وی واهمه

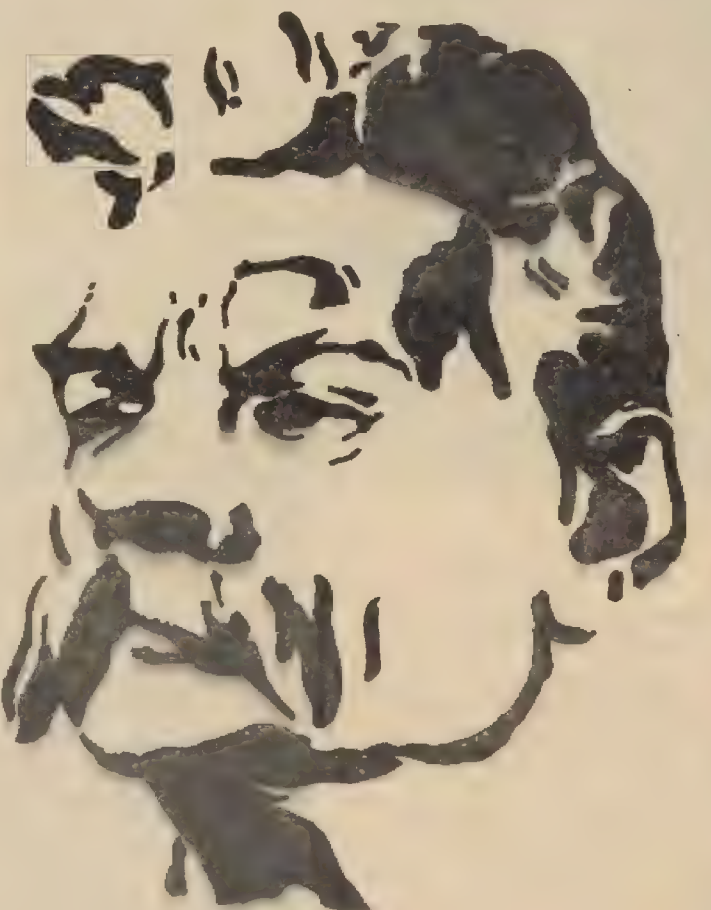
نندی یی کړ... خو هیڅ گټه یی و نه کړه... پنه څوله به ناست ونه ییگی کولی او نه زاری! نو ډیری هېڅ ښه

سا نه یی په ځیر ه کی نه معلومید او به یی هسک نیولای و. دده داو ضح هومره خورونکی وه چی ما مالیم سړی

نحمل ته کړه او ښه په خوند می ووا هه خوده په ډیره بسی پروا یی او حتی موسکا زما سترگوته کتل. لکه

څخه خبره چی نه وی بینه شوی. هلک به مو ووا هه، خو به دی ښه ووهیو سی دا کار هېڅ گټه نه لری، د محاکمی

پلندر پلندر...
شماره ۳۵



ولا په شم، دمرگ په باره کی څه فکر نه و کړی. نه می مرگ په یاد وانه خدای...

کلیسا ته تلم خو خدای به رانه هیر و، بی له و یری می ژوند کاوه، خو په دی پوهیدم چی خدای شته خو نه و یریدم

اصلامی ویره نه پزندله. خو په رو غتون کی هر نا روغ له مرگ سره لاس او گر

یوان و. نن به یی یو نفر و و د از مست بل... کله نا کله به یی څلور پنځه حتی

لس بوولس تنه هم بوول...

ورو موسکی شو او وی ویل:

په رو غتون کی یو کمپوزیچ جسی

اډه نه لری، په ما کارمه لره، ته چی هر څه خوا پی هغه کو ه!... ساعت جو پو نکی زه هم، پخپل کار و ورگم کړم او ما هم مو ضوع څا رندو یو نه ور

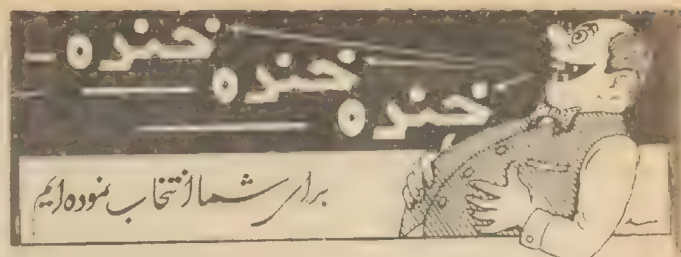
سوله.

ساعت جو پو نکی و نیول شو او کورنی رلا شی. د څا رندو یو په دفتر کی

ساعت جو پو نکی په ډیره بی پروا یی وروبلو یوه سکه له جیبه راو استه او وی

ویل: «ما پیسی دتاسو له پیسو نه څه نو بیر لری!...» دا هم ستا سو څپسیر

په شان څلیری. شر لکری او په زار کی چلیری!...



شوخی بامزه

دو دیوانه در باغ شفاخانه مشغول گردشی بودند ... در همین موقع ناگهان چشم یکی از آنها به گربه ای افتاد .. با ادب و تواضع پیشش رفت و تعظیمی کرد و گفت :
- سلام عرض میکنم آقای پلنگ !
دیوانه دیگر دست او را گرفت و گفت :
عجب آدم دحقی هستی .
دیوانه اولی با تعجب پرسید :
چرا ... برای چه ؟
- برای اینکه ، این پلنگ نیست .
دیوانه اولی خنده ای کرد و گفت :
- خودم هم نمیدانم ... حواسم باین (زرافه) کمی شوخی کرده باشم !!



عزیزم آهه ... آخرین احمد که سامانهای بازی خود را نبرداشته است، تا آمدن تو ساعت من ترمی باشد.

کمی تعجب کرد و پرسید از مدتی که بچه مو مشکلی پیشش آمده بود پرسید :

- چرا موهای تو مشکلی و موهای خواهرت طلائی است؟
پسرک با سادگی جواب داد :

- برای اینکه خواهرم شبیه مادرم موهایش را رنگ کرده بود، بدنیا آمد. !!

نامزد بازی

احمد تا مز دشن را بسیار دوست داشت ... روزی برای اثبات عشق خود به نامهای برای نامزدش نوشت :
- عزیزم ... ای امید عشق من ترا همیشه می پرستم و حاضر باشم بخاطر تو از کوهها و دشتها و دریاها و کشتزارها گذر کنم و روی ماه ترا برای لحظه ای ببینم ... وقتی نامهای تمام شد ... زیر نامهای اضافه کرد عزیزم ... ای عشق پاک من ... اگر فردا با ران با رید قرار ملاقات ما پس فردا خواهد بود !!

در همان شب که مادرم موی خود را رنگ کرده بود

مردی که به خانه ای میهنی رفته بود دید یکی از بچه های آنها مومشکی و دیگری موطلائی است.



نرس باس قربان چند دقیقه بعد پایتان را باز میکند !!



چطور کم خانم بیدار نشود ...!

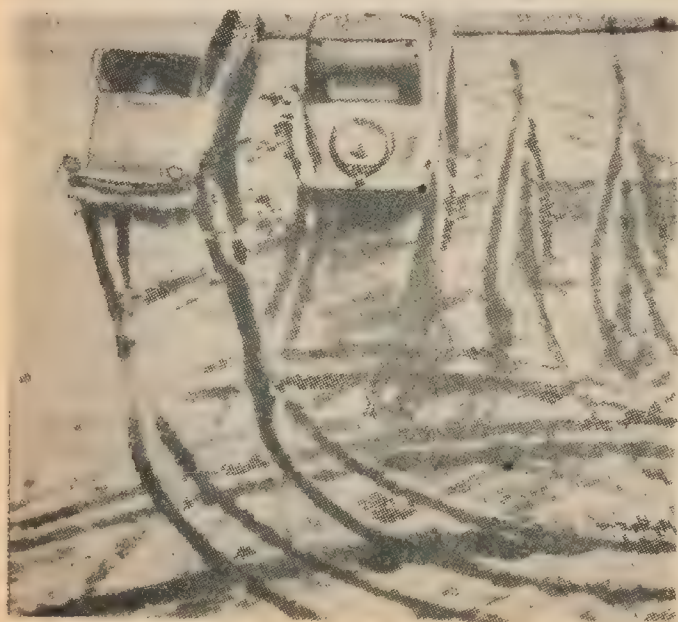
تصویر «رقص» اثر ایلینا



شدت از سایه و تاریک ها برای زنده
ساختن و گویا بی تصاویر شس کار
میگیرد. یکی از نمونه هارا میتوان
در عکس دید که (علف ها) نام
دارد. در این تصویر در منسوی
باریکی به شدت در برابر هم قرار
گرفته است.

او کار ها ی شس را خود نفد
میکنند و حاضر است از اصل های
که به آن باور دارد به شدت دفاع
نماید. در حالیکه عکاسان روز
نامه ها به دنبال زوایای بی سر گردان

زوایای بکرو دست نخورده را بیابد اند. ایلینا گاهی به عکاسی
به چنین دلیل است که زوایای نوی حوادث عادی دست می زند و از بین
در تصاویر وی جان میگیرد. او به آن بهترین تصاویر میسازد.



تصاویری که مسیر زندگی...

بقیه صفحه ۱۷

در بین تمام آنها احساس کرده که
بیشتر به عکاسی علاقه دارد. او گاهی به ثبت تصاویر ویر
احساس و روانی دست میزند.
او در برداشتن تصاویر از مناظر
طبعی و زندگی های ساکنان مهربان
زیاد داشته ولی لحظه ای از جزیان
های زندگی روزمره عقب نمی ماند
او گاهی به ثبت تصاویر ویر
احساس و روانی دست میزند.
او در برداشتن تصاویر از مناظر
طبعی و زندگی های ساکنان مهربان
زیاد داشته ولی لحظه ای از جزیان
های زندگی روزمره عقب نمی ماند



.....



تصویر بنام «اولین برف»
اثر ایلینا

تصویر «یاری» اثر ایلینا

شعر و ویتنام

چیز هائیکه دهان و تنای را محاطه صوره است جان می‌گیرد. پیشه های کینه، احاطه ها از نامی سبز، شایعه های دیر، مان همه در هیچ درسیلا ساحن دنای دیون هریهان آن جان می اوسونک کلمه بکشد با تلاش این سخور و شعرای همعززش شعر روایتی ویتنام به سمت تصویری و انعکاسی شدن راه می پیماید. طوب مثال میوان از شعر او به نام «درشالزاره» که در سال ۱۹۵۰ سروده شده است یاد کرد. در این شعر تصویر همس می بازی را می‌یابیم که در انتظار شومر خویش است

در باغچه ما باز به قدر دلخواه کبله و مانده رنگ گرفته است.

من به باغچه خویش و به گشتزار نگاه میکنم و تر باره تو می‌اندیشم محبوب در اشعار جان می اوتونک در باره وقت ریفرم رضی که زمان بزرگترین دگرگونی هادیده است زیاد سخن می‌رود. آخرین جمله های شعر «ملاک و بلنگ» او که در سال ۱۹۵۳ سروده شده است آهیکه دعوت به نبرد و قیام را دارد.

بلنگ گاهی بر میل نیست بجه خوکی و بر یاید مگر از دیوار ها و از عداها می هراسد و اما نه اشک و نه التماس

به صفحه ۳۶

بازیگر ورزیده...

وجدیت در بیدار ننداری شهر مزار سرفیف همکاری داشت و برور آنرا انکشاف دادوبه بلخ ننداری مسمی ساخت. همچنان سا ختخان اییک ننداری را در سمتگان به انجام رسانید.

در سال ۱۳۵۰ امتیاز نقاش ننداری را کسب کرد و آنرا بنام یکی دیگر از هروان این راه اکریم نقاش نامگذاری کرد.

او در خلال آنکه به هنر تیاتر اشتغال داشت در سره میاشت هم کار میکرد.

«صدوری انسان خیر اندیش و نیکخواه بود او در تیاتر خدمات زیادی انجام داد، او علاقه زیاد داشت دسته های هنری را گرد آورد و به ولایات مسافرت کند و دو آنجا نمایشاتی برپا نماید او آرزو داشت که در همه ولایات تیاتر بمیان بیاید. از همین جهت او در چند ولایت تیاتر را انکشاف بخشید. او به سیورت علاقه داشت و سخف و نطق ورزیده یی بود...»

«صدوری کار هایش را از زندگی مردم جامعه اش بر مبداتست. و در تمام این برداست

صفحه ۵۴

و چپا دست می‌دایم
که آهنگ ها بالا قرار می‌گند

که آهنگون نشاط و امید دهان بدان سستاست
به بحر درین حد

در گشتزار برنج
که زر افشان است

خمیده قامت
درو میکنم

ساقه های برنج نرم است
ولیکنی آرام

ولیکنی میزنم
لیکنی روشن

ولیکنی پرغرور!
پس از انقلاب ادبیات اقلیت های ملی

نخستین گامها را برداشت.

قل از آن ملیت های کسو چک ویتنام
(شمار ملیت ها و گروه های اقلیت در ویتنام

به شصت میرسد) خط و نوشته نداشتند.
نانگ کوالک بیان شاعری از قبیله نایی در

برای شعری به نام «باز گشت به دهکده»
در سال ۱۹۵۰ جایزه فسرول جهانی خرابین

و محملان را در برلین به دست آورد. شعر و
که بدیای دجشن دست بکشد و روزی

زندگی تو در ویتنام به شمار می‌رود.
از امروز غلف هاراه را نخواهد گرفت

ابتدال و بی‌مایگی بدور ماند.
همطور صدوری علاوه بر کار نمایشگری

باجراید و روزنامه هاهمکاری داشت و فعالیت
به‌شهر میرسانید.

علاوه او به هنر بدی بود که هنر مندان
محلی را گرد می‌آورد. گسرت ها و نمایش

هایی را بر گزار می‌کرد و هنر را به دوستداران
آن‌عرضه میداشت.

بعنوان نمونه خیر اندیشی میوان یادآور
شد که صدوری موسسه قائین بافی را بنام

شرکت سهامی صنعتی مجتبی بنیان گذاری
کرد تا با تولید میوبین و آنانی را که نمیتوانند

به کارهای دیگر اشتغال ورزند، گرد آورد و
بکار همارد و میگویند این آخرین فعالیت خبر

خواهانه و انسانی او بود.

مختصر اینکه صدوری مرد و پس از مرگ
او هفت طفل نیز از او مانده تا بر مرگ او اشک

بریزند و سو گوارانه نوحه سرایی کنند. اما
این تنها خانواده و هفت فرزند او نیست که

در مرگ او می‌گریزند. دیگران هم می‌گریزند،
مردم، نمایشگران، نمایشخانه ها علاقمندان

هنر و هنرمندان تیاتر هم می‌گریزند و غمگین
هستند.

سالون های تیاتر دیگر از هنر وری صدوری

وید. تقریباً هر کسی که
بروش در کوره راه های جنگ مقاومت نام

بیدار در درجه دست خود را در
قطعه شمع دارد.

در واقع میوان گفت که در ویتنام همه
شعر می‌سرایند و اما کمتر شعری به گتر

و احساس مندی و عشق داغ به وطن به نایبه
اشعار هوجی من میرسد.

نسیم گرم ساقه هارابه نوازش می‌گیرد
و برگ های لطیف را ناراحت می‌سازد

در پیرامون دریاست همه چیز به خواب رفته
مگر تنها قلب من بیدار است

قلبی که سر سخت و نا آرام است
و تپش هایش به خاطر ویتنام است.

مجموعه شعر هوجی من که در سال ۱۹۶۷
چاپ شد شهرت بزرگی اید و به دست

آورد. درباره اشراج هاومشاعره هاد واحد
های ارتش مردم و آن به فصل سخن

گفت. در آن مشاعره هاتا پنجصد قطعه
فراهم می‌آمد و اشعار فراوانی در خریده های

دیواری و مجله های غیر ادبی حساب
میرمید.

براز هلبه نخواهد شد. و کل خنده تماشاگران
مشتاق و آرزومند که با ظرافت ها و سیرین کاری

های سید عثمان صدوری خو کرده بودند.
نمی‌سگفت.

حکونه میوان باور داشت که تما سازگان
آشنا و قدیمی تیاتر، به سالون تیاتر بسیارند

فضای پر جنب و جوش تماشاخانه را حس کنند
و در روی سن در اخله نمایش صدوری را

نبینند. و یقانه صمیمی و محبوب میکازنده‌اش
را در برابر خود نیابند، او را که زشتی ها و

خرافه پسندی های زندگی را بدی ها و بیسه
کرداری و آنچه که همه ربه ستوه آورده بود

بیاد انتقاد میگرفت و در قالب کرکر ها و آدمها
حلول می‌یافت و خصایل ناچور و ناخواسته آنها

را افشا میکرد و بریشخند میگرفت.
صدوری همه قلبهایی را که سرور را در آن

راه داده بود، همه چشمهاییکه با حرکات و کلمات
او درخشیده بودند حالا با مرگ او و در تپستی

او بسختی مخزون اندواشک آلود.
و با یاد او در هر تماشاخانه بی کمیدی عسا

جای خود را به تراژیدی ها میدهد. و جز این
چهارمیتواند باشد!

بایان

زولون

به ورته وویل چی:

«میره دی مخامخ دو ته ناست دی ... ته حق له لری چی تر ما پر ته له بل شی سره مینه و لری ... لږ صبر و کړه او لاد به هم پیدا کړی!»

زما په عقیده اولاد یو ۱۵ کلن لگښت دی، ځکه تر پنځلسو کلو پری لسه اولاد څخه هیڅ راز گټه نه شی اخستل کېدای سره له دې به می هم تا تیا تا ته و یسل «خه فکر کوی ؟ .. گرانی له ما څخه خه شی مه پتوه، په وښتیا اولاد غواړی؟» خو دا به غلی شوه او بلی خوا ته به یی وکتل .

ما په ډیره شوخی وړ سره کړه له ځمکې او اسمان ، اورا وا ووب به وړ سره غږ یدم ، ددی تو پری له احسا س څخه به خوشا له کیسم، نور نو د پخوا په شان له مرگ څخه نه ویر یدم: «مرگ تو لوله پاره یو عمومی شی دی... څوک ځینی خلاص شوی دی چی زه په ځینی خلاص شم ؟! ...» خو هغه می کړه له چی دا ډارو لکې خبری د تا تیا تا مغزو ته وونښاسم ...

خوشې وروسته ، زما ښځه حامله شوه، له خانه سره می ویل چی: «چاره نشته څوک چی گل غواړی با ید اغزی یی هم وغواړی !» دامبال ما ډیره هغه گو له چی تا تیا تا تر خو ږ گو ته و نیسم او ښه پوره یی وپیروم: «پام گسوه ښځی ، ښایي چی بچی دی په څیته کی مشی...» ته به ژو ندی گززی خو په څیته کی به دی یو پری پروت وی ... «دا خبری می هره ورځ وړ ته تکراروی ، په شپږ مه میاشت تا تیا تا ناروغه شوه او اولاد یی نقصان کم ...

ما ډیره علاقه در لود ه چی خپله ښځه وو هم ، اعتراف کوم چی دا گناه می کړی ده . کله کله به می وهله او ژوبلوله دا به په غیر و خبرو جا مو پر ځمکه یا پر کت خپلا سته او ما په یی هجا مو له شلید لو برخو څخه تا وده او ژوندی وجود ته کتل .

(گر ناشف) په ورو اونورمه ژبه خپلو خبرو ته دوام ورکړ:

لو ځی او ښکلی به یی پر ځمکه یا پر کت ډیری سپینی ښکار یدی ، زما په عقیده په ټوله دنیا کی دښخی تر و هلو خوا ږه څه شی نشته . ترو هلو بیا دهغو شیو خو ند زیات دی چی په کراره ورته گسوی او زده پر سوزی ... آه ... چی څو مه تائیر کړی ! بیچاره ښځه می ، ترو هلو وروسته به اوږده پر یو ته اوما ته به یی کتل ، ما به هغه څوړوکی کنځواړی او بدی ورځی وا په یداد کړی چی ډیر کلو ته پخوا نورو خلکو په ما تحمیل کړی وی ، زده به می و سو زید ... په خدای قسم چی څو ځلی می ددی پر حال وژول ، منی یی ؟ دیوه مائوم په شان به می ژول .

هو ، پر ښو به ور یت شوم ، څو ځلی به می یی ښی ښکل کړی او زاری به می

ورته و کړی ، څو ځلی می ښینه نړینه و غوښته : «ماوښنه گرانی ... زه نور وځلکو ډیر خورولیم - ما ډیر وهل خوږ کی ...» عقل به یی زما خبری و منلی خو زده یی ته ښلم . زه یی د سترگو په عا جزی پوهیدم چی زده یی له ما څخه بددی او ما نه ښی ... په چورت کی به ډو به شوه اوسترگی به یی په یو ه لکی کی خښی کړی ، خپل شو ندی به یی چیچلی او احسا سات به یی پټول . ما فکر کاوه چی داله دی ژوند د راضی اومر وړ ده . مافکر کاوه چی دی ته تر وهلو وروسته د غر وړ احسا س پیدا کړی، کمپمټ دهغه ژندانی هلك

په شان ۱۱! ما به چی و هله دی به ډو ډو زما سترگو ته کتل . په زده کی به می وویل : «نه، نه! ...» مانه شی بیولی! ... زه په دی خبرو ښه پوهیدم: (کر ناشف) یوه تر څه مو سکا و کړه اووی ویل:

ژمون ناخوالی ووخ په ورځ ډیریدی ، د اپریل د میاشتې په یوه خواږه سهار کی له لمر ختو سره جوخت له خو به راوپیښ شو م .

هوا ډیره معطر وه .. شا او خوا می وکتل ښځه می نه وه ۱۲! دیوی بدی ښی په فکر کی ډوب شو م .. خو پلې نه می منلی کړی ، هوری د تېکاوې یوه کو چنی کړکی راو تلې وه .. ښځی می له دغی کړکی څخه خان کښته ورځړولی ؤ، دښی پښی مو تی یی ښوریدی ! هک پک پاته شوم نه ، می چیغی وهلی شواي او نه کوم اقدام ، فقط لایوم او دهغی دمر گ ننداره می کوله ۱۱!

دجیل سا تو نکې (کر ناشف) غلی شو، ماوویل:

«عجب .. بیا څه و شول ؟ - او څه شوی وای ؟! .. هیڅ .. هغه څه چی کیدل ! زه پخپله گناه اترا ف کوم. زما په زده کسی دکسات او غوړوړوډی څی راو لاړی شوی ، ما ویل چی دا منحوس ښځ او داکمکی ککری په سو گو نو ښه

ماشومان باید

عیاشی او نورو ناوړو فسادونو څخه لرې وسات ی . هغه وخت چی ماښوم د شپږ یا اوه کلنی سن ته ورسیږی او په ښوونځی کی شامل شی ددی سره سره چی میندی او پلرو نه دهغوی په روز نه کی مسؤ لیت په غاړه لری څو پلوی وخت خاص مسؤ لیت دمترقی او وطن پا لو نکو ښوونکو په ښه غاړه ده . وطن پا لو نکې ښوونکی خپل هیڅ ډول هلې ځلې ونه سیبوی او خپل شاگردان با ید په خلقي او

وځم . خو دده مخ دغم، غو سی او ارمان له زوره هو مره ویرو نکې شوی و چی دیوه خو ږو نکې سپی په شان هری خوا ته کتل او غاښونه یی چیچل .

عقید ی وروړه زما د ژوند خو ږی شی همدای وی . زه شل میا شی او نه ور ځی ژوندی و م .. دنا تیا تا تر مو ښی وروسته زه هم مو شو م خو دی خوا هه خوا به گر زید م او یوه گو له مری به می پیدا کوله ، له هر شمسی اوهر چا څخه می خان لیری کړاو یوازی شو م .

(کر ناشف) پا خید او ولاړ . نیمه شپه به چی تر گزنی وروسته ورو راغی، له وسپیزو پنځرو څخه یی راوکتل او پوښتنه یی وکړه :

«ته یی ویده شوی ؟

«نه! ..

سولی ؟

«چورت وهم او فکر کوم»

پر ځمکه اوږد و غزید ، دی نه لیدل کیده

خوږخ می یی اوږید:

«ته وایی چی درس ووايه اوښیان زده کړه ۱۱! ... په بشپړ څخه څه شی زده کیدلای شی ؟ زه ستا عقیده نه منم ، ستا عقا بدد منلو وړ نه دی او ولاړ .

ډیر غمد منتظر شوم چی یو ږغ و اورم غو ږونه می دتوماچی د یوه ډز او ریدو ته تیا و کړی ؤ. په توره شپه کی غلی شیبی ورو - ورو تیر یدی ، دا مېل دار سطاودا

خبره راپاده شوه چی ویلی یی و: «هغه کسان چی له ټو لنی څخه لیری و ونډکوی ددولت هیڅ جز نشی بشپړ و لای ، داډول کسان یا خالقین دی یاوحشی خناور ۱۱! ...

دمخامخ کو چنی کړکی له خیر نی هیند اری څخه وروړه او ځلیدونکی ستور ید مصنوعی ملغرو پشان لږ تیاره ښکاره

یدل ، زه ور پا خیدم او د کمیس په لستو کی می د هیند اری په پا کو لو یل وکړ ...

پای

انقلابی یو مه سنبال وروزی . نو ددی لپاره چی ما شو مان د سبا ور ځی دټولنی جوړو نکې خپل رسالت په ښه توگه تر سره کړی او خپل ور سبا رل شوی دندی لکه څرنګه چی لازمه ده سر ته ورسوی او درهما ، سو کاله ، پسیا، سمسور او غوړ ید لی افغانستان لپاره وا قی خد متونو مصدر وګر ځی یووار بیا دپیاوړو میند و او وطن - پالونکو ښوونکو پام دی ته راګر - خوږ چی با ید ما شو مان پهخاصه انقلابی رو حیه وروزی اودکارګری طبقی په اید یا لوژی یی سنبال کړی .

در گذشته صنعت

هر مورد دست دوزی های که روی فرآورده های پوستی صورت میگرفت نظرات بخت يك حرفی چیست ؟

برای شما معلوم است که هر امعه بر علاوه جنسیت آن باید دواوی رنگ، شیب و بالاخره زیبایی باشد و خریدار استفاده کنندگان هم به این موضوع زیاد علاقه دارند تا فرآورده پوستی که آنها می خرید بر خود دار از زیبایی باشد که این زیبایی بستگی زیاد به دست دوزی های دارد که روی فرآورده های پوستی از قبیل پوستین، پوستکی، کلاه، موزه، موزه ها و دیگر لباس های پوستی بکار میرود. و باید این دست دوزی ها از نظر اکت زبانی بر خود دار باشد تا توجه علاقمندان را جلب کند. رنگ خود پوست نیز نقش زیادی در جلب و جذب خریدار دارد از همین رو توجه میشود رنگهای که طرف توجه مردم است بیشتر در فرآورده های پوستی بکار رود.

غیر از پوستین، پوستکی و دیگر لباس های پوستی، چه چیز هایی دیگری میماند ؟

در سابق مخصوصا در فصل سرما جافری یا بهتر بگویم لحاف پوستی زیاد طرف توجه قرار داشت که اکثر این جافری ها از پوست گوسفند و بز ساخته میشد. تریب ساختن آن خیلی ساده بوده بدین معنی که چند عدد پوست را با هم یکجا مید و خندو مید روی دیگر آن را با تکه ضخیم می پوشانند تا به اصطلاح رو به میگردند این جافری را لحاف پوستی نظر به مصرف تعداد پوست و اندازه آن قیمت بلند و پایین داشت ولی اکنون کمتر از آن استفاده بعمل می آید گرچه عده علاقمند جافری هنوز هم هستند و بعضی ها چنین چیز را فرما می دهند حتی بعضی ها این جافری ها را از پوست گوسفند انتخاب میکنند و لی نظر به قیمت آن امروز کمتر خریدار دارد.

از نظر ت این صنعت آیا شکاف نموده است یا خیر ؟

بلی صنعت پوست دوزی نظر به گذشته تحول زیادی نموده است امروز در کشور ما دستگاه های وجود دارد که با مدرن ترین وسایل مجهز می باشد. این دستگاه ها انواع مختلف پوست ها را نظریه مقاومت و جنسیت آنها شست و شو آتش و رنگ میدهد. که تسلیات زیادی و برای صنعتگران این رشته فراهم ساخته است.

در گذشته چون از این و سابق عصری کمتر در کشور ما دیده میشد از همین نگاه پوست های که عرضه میکرد دید یکنوع پوی داشت که باعث دزدگی خریداران میگردد و لی حالا این نواقص همه بر طرف شده و تمام پوست های که از این دستگاه ها بیرون می شود مطابق استاندارد بین المللی آتش داده میشود و گوشت چکرتین بو و تعفن ندارند که این

حد جوئی از رنگی در این صنعت بشمار به مغازه دیگری که بزرگتر و روشن تر از مغازه اولی است میروم، آفتاب عصر از پشت ویتترین های شیشه یی روی فرآورده های پوستی میتابد و بعضی پوست ها در زیر انوار طلایی رنگ آفتاب زبانی خاص بخود میگیرد. در این مغازه هم مشتریانی زیاد مصروف خرید اند برای اینکه ذوق خریداران و علاقمندی آنان را بدانم از چند مشتری که مشغول دیدن فرآورده های پوستی بودند پرسیدم :

آیا از این پوستین که خریدید اید از قیمت، دوخت و دیزاین آن راضی هستید میگوید بلی، او تر از همه چون این

فرآورده مال و ظنم است و دوم اینکه در فصل سرما بهترین لباس و محافظ بشمار میرود از این رو با خرید آن هم خدمت به وطن و طند ارا نم میکنم و هم از سوز سرما خود را محافظه میکنم به این دو دلیل از خرید آن را غمی هستم. در مورد دیزاین و زیبایی آن باید بگویم که هیچ کشوری این فرآورده های عار را ندارد. من به جرئت میگویم زیبا یی خود بر نری زیادی نسبت به فرآورده های خارجی مثلثا به دارد.

از يك سیاح خارجی که سخت علاقمند این فرآورده های پوستی بود پرسیدم از نظر شما این ساخته های صنعتگران ما چگونه است ؟

میگوید ؟ کشور شما واقعا زیبا است



یک طریقه آتش دادن پوست در گذشته

کانکور پوهنتون

شامل به پوهنتون معلوماتی بدست داشتیم امتحان شامل به پوهنتون را امتحان مشکلی یافته بودم، اما اینکه وارد صحنه امتحان شدیم بسیار زیاد آسان و وقت آن هم کافی بود.

قسمیکه آسیه متعلم لیسه آریا نا میگوید آیا واقعا سوالات ریاضی رشته اجتماعات مشکل بود و یا آسان.

به نظر من هر شاگردیکه اجتماعات می خواند باید از ساینس هم معلوماتی داشته باشد که به نظر من سوالات ریاضی بخش امتحان اجتماعات آسان بوده و وقت آنهم کافی بود. ناگفته نماند گفتنی دیگری دارم و آن اینست که امتحان شامل به پوهنتون باید بعد از امتحانات سالانه اخذ می شد چرا که اکثر امضا مین درسی ما ختم نشده که

ازین ناحیه شاید شاگردان به مشکل برخورد باشند. شما کدام پوهنتون را انتخاب کرده اید ؟

سدر قلم اول ادبیات را - چرا ادبیات را پوهنتونی دیگری نیست که شاگردان رشته اجتماعات را جذب کند ؟

چراست ولی اینکه علاقه مغرطم به ادبیات و علوم اجتماعی است می خواهم در آینده معلم شوم.

اگر موفق نشد چه طور ؟ پس کار می کنم چرا که وضع اقتصادی ام آنقدر خوب نیست که تا سال آینده انتظار بکشم و اطمینان هم دارم که باید کامیاب شوم زیرا آنقدر درس خوانده ام که به نظر خودم کافی است.

تنها درس های صنف دوازده را خوانده اید و یا ... ؟ - نه ! هر شاگرد یک به دوره ثانوی یعنی صنف دهم میرسد باید از آغاز صنف ده به قدر کافی درس

والیه این زیبایی را میتوان در فرآورده های شما دید. پوستین ام واقعا زیبا است این زیبایی را هنر مندانشما خود چندان کارهای شان مخصوصا با دست دوزی های که روی آن کرده اند ساخته است. ما هم در کشور خود از این چیز ها می سازیم و لی هرگز نمیتواند جای این ها را بگیرد.

خانم این سیاه وارد صحبت میشود و میگوید من آرزو داشتم از کشور زیبا یستان افغانستان دیدن کنم و بیشتر علاقمندان من هم بخاطر این بود که روزی بتوانم یکی از این پوستین های زیبا را با خود بکنورم ببرم. در بین زن ها بالا پوست پوست بهترین و گرانبها ترین هدیه بشمار می رود. وقتی که شوهری به همسرش بالا پوست یا پوستین هدیه میدهد زن میداند که شوهرش چقدر او را دوست دارد و چه اندازه به او علاقه مند است. حالا ببینید که شوهرم اگر این بالا پوست را برای من خرید واقعا مرادوست دارد و مالی بدو ستیش شک میکنم. شوهرش میس خندید و بالا پوست را به خانمش میدهد و میگوید:

ایمن هم از چال های زن است آفتاب در پشت کوه های بلند آهسته آهسته نا دید میگردد، دوکان پوست فروش هم نیمه تاریک میگردد از دکان بیرون میروم، بیرون هوا سرد است آرزو میکردم، ایکاش من هم از آن پوستین های گرم میدانستم در خیال پوستین خریدم و آنرا پوشیدم گرمای لذت بخشی در خود احساس کردم وقتی بشود آدم خود را نزدیک خانه خود دیدم نمیدانم این حرارت و گرمای پوستین بود که در خیال پوشیده بودم یا علت آن چیزی دیگری بود. بهر حال من احساس سرما نکردم.

های خود را بخواند که به غیر از امتحان شامل به پوهنتون دایمابه دردش خورده باشد شاگردان نباید صرف برای امتحان شامل به پوهنتون درس بخوانند.

در همین لحظه شاگرد دیگری خود را چنین معرفی کرده و میگوید :

اسم محمد عثمان و شاگرد نیمه جیبیه می باشم رشته ایکه امتحان داده ام ساینس می باشد. به نظر من امتحان شامل به پوهنتون امروز نهایت دشمن و ساده بوده شاگردیکه يك اندازه خود را تکلیف بدهد، از خودش گزرا نی صرف نظر نماید و محتما درین امتحانات کامیاب شدنی است. در قسمت چگونگی امتحان باید گفت که امتحان امروز نظر به اینکه قبلا معلومات داشتیم نهایت آسان بود امید وار هستم تمام شاگردانیکه درین امتحان حصه گرفته اند کامیاب شوند.

کلتور در اتحاد شوروی

این زمان تعداد زیادی از نویسندگان قصه نویسان با استعداد، داستان‌ها، اکتورها و فیلم‌برداران بوجود آمد و سعی و تلاش خستگی ناپذیری را داشتند تا بر تئیس‌های، واقعیت‌ها، سوسیالیستی، شان را توسط هنر، برای مردم جهان وانمود سازند.

منتقدین سراسر جهان تا همین امروز «کشتی جنگی پوتین» را که در اتحاد روی تهیه شده بهیچ بهترین فیلم جهان شناخته شده.

از موفقیت جاودانه این فیلم و غیره برای آن زمان شوروی، در روشنگری و یقین و تأثیر لیکوی انقلاب کبیر اکتوبری است سینماهای اتحاد شوروی از آغاز سوسیالیسم خود، هنر و آرت ملیت‌های مختلف را جان بخشید و در پروسه تکامل داد و دیری نگذشت که فلسفه‌ها، انسان‌ها، دره‌ها، جمهوری‌های اتحاد روی پا بر سر فعالیت گذاشتند چنانچه همین زمان بود که در اوکراین، کازاکستان، ترکمنستان، خذما و درجهان، سینمای کشورش انجام داد و فلسفه‌های را، با واقعیت‌های تلخ انقلاب و روش‌ها و استقبال مردم، مردم توان دادند همچنان فیلم‌سازان ورزیده جارجیا، منستان، در جهت تکامل فلسفه‌های روی خدمات‌شان را انجام دادند.

یکی از فلسفه‌های ممتاز سال ۱۹۲۰ شوروی «چاپوف» نقش حزب را، بهیچت نمی‌کنند و رهبر خلق، در پروسه انقلاب سوسیالیسم نشان داد و رول چاپوف را بهیچت روی جنگ داخلی پروسه‌ها، ترسیم کرد و بر فلسفه‌های تاریخی که حقایق تاریخی را ملا می‌سازد عبارت انداز سه درام، «ما کسیم گورکی» و غیره.

فیلم دیگری که مقام برجسته‌ای در صنعت فیلم سازی حایز گردیده عبارت از آن است که پیرامون زندگی و فعالیت لنین می‌چرخد در جریان جنگ عمومی بین پرستانه ۱۹۴۱-۱۹۴۵ فیلم‌برداران، شش بدوش جنگجویان و طبعیست مملو، در جبهه جنگ قرار داشتند و از وخبم ترین، سوفترین و خوگین ترین نبردها، فیلم‌های می‌کردند. اکثر این فیلم‌ها برادران، بین رفتند اما با استفاده از فلسفه‌های آنها، «بیتری ولاموف» و همکارانش توانستند، برای مستند در باره عساکر جرمینسی، نزدیک مسکو تهیه کنند و ستمگرهای، فلسفه‌های نازی‌ها را، جلو دیدگان مردم جهان قرار بدهند.

در سال‌های بعد از جنگ، یک تعداد زیاد فیلمسازان جوان و با استعداد، صنعت فیلم سازی اتحاد شوروی را، با کارهای پرثمرشان، در روند تکامل، پیشرفت قرار دادند و فلسفه‌های زیادی، در جنگ‌های وطنپرستانه مردم شان تهیه کردند.

تاریخچه سینما اتحاد شوروی نما یانگر این حقیقت است که کسب شهرت یک فیلم، وابسته به طرز تفکر و عمل کرد هیروی، آن فیلم است و هیروی که در یک فیلم حصه می‌گیرد باید باو ضاع زندگی و حتی خصوصیات و مشخصات مردم خود، آشنا می‌داشته باشد در حالیکه بتواند واقعیت‌های بنیادی زندگی را برای مردم روشن می‌سازد و موضوعات برجسته و حاد روز را برایشان نمایش نماید این قدرت را نیز داشته باشد که تماشاچیان را خوش و محبوب نگه دارد.

دو فیلم دیگر یک‌بار بعد از جنگ در اتحاد شوروی تهیه گردیده یکی فیلمی در باره سرگشتگی لنین و دیگری پیرامون سگسوتی در پوتلند می‌باشد، این دو فیلم نیز در نوع خود از فلسفه‌های ممتاز شوروی بشمار می‌رود.

همچنان فیلم‌سازان سایر جمهوری‌ها، روسیه شوروی، هر یک به نوبه خود، در ساختن فیلم‌های مستند و مرقی، پیشرفت خوبی نموده اند چنانچه فیلمی بنام «پدریک

عسکر» که در آن، اکتورها و جارجیا نقش‌های را ایفا نموده اند در داخل و خارج کشور شو راها، مورد ستایش زیادی قرار گرفته است.

در پنجمین فستیوال فیلمهای اتحاد شوروی فیلم جارجیایی بنام «گرمی دستهای شما» بهترین فیلم سال شناخته شد و در بین فیلمهای سایر جمهوری‌ها، مقام اول را احراز نمود.

اکثر فیلم‌های جارجیایی، از سعی و تلاش جوانان شوروی، در ساختن یک جامعه کمونیستی حکایت می‌کنند در جمله فیلم‌های مستند شوروی یکی هم «قصه تیل کین» است که در آن اکتورها، های فعال و ورزیده نقش دارند. این فیلم حائز جایزه لنین گردیده است.

گذشته از فیلم‌های که از آن ذکر می‌گردد، در جمهوری‌های شوروی سالانه یک تعداد فیلم‌های زیادی تهیه می‌گردد که یک تعداد از فیلم‌های مستند بوده و پیرامون کسب نوردی و استقرار صلح در جهان و مبارزه انسان با طبیعت و غیره می‌چرخد.

صنعت فیلم سازی اطفال نیز امروز با وجود خودرسانه و استودیوم فیلم سازی «گورکی» که برای اطفال فیلم تهیه می‌دارد درجهان‌پسند

نظرگاه‌های

بقیه صفحه ۲۵

زندگ درجهان به صدا در آمد»، «خاطره‌های ایو لیتک» «جنوری». اثر اخیر الذکر نظرگاه‌ها می‌باشد که تجارب روانی را منعکس می‌سازد و ایجاد آن شکل خیلی اقتصادی صورت گرفته و این اثر در زمره آثار، نام‌های طراز اول محسوب می‌گردد.

سیمای مشخص این گرد همائی جوانان خلاق و استعداد‌های آینده هنرهای زیبا، در صوفیه، عبارت از سطح عالی تخصصی، دلیری نو جوئی در تحقیق و آگاهی کیهانی است.



مانند است. این استودیوی عصری و مجهز سالانه بیست تا بیست و پنج فیلم نماشایی برای کودکان می‌سازد.

بر علاوه فیلم‌های مستند و فلسفه‌های در اتحاد شوروی می‌تواند یو فیلم برداری دیگر نیز وجود دارد که فیلم‌های جالب تعلیمی، کارتونی و مایمی می‌سازد.

در سال ۱۹۷۱ یکصد و هشتاد و یک فیلم معروف فلسفه‌های و سی و هفت فیلم مستند و معلوماتی و علمی، در اتحاد شوروی ساخته شد و ۱۱۰۲ فیلم کوتاه، در حدود ۱۱۶۷ نیور ریل برای نمایش آماده گردید که پنجاه فیصد این فیلم‌ها در دست یوهای جمهوری‌های متحد شوروی تهیه گردید.

فیلم‌های اتحاد شوروی، در یک صد و هفت کشور جهان در معرض نمایش قرار می‌گیرد. در سال ۱۹۷۱ شوروی دارای دو هزار یوتم سینما می‌بود که از آن جمله سه صد و سی و یک واحد آن در دهکده‌ها و قصبات فعالیت می‌کردند.

امروز این رقم چندین فیصد افزایش یافته و روزانه از سیصد تا چهارصد میلیون نفر از سینماهای شوروی دیدن می‌نمایند و تعداد بینندگان سالانه آن کشور به چهار هزار و هفت صد میلیون نفر می‌رسد که میلیون‌ها نفری که فیلم‌های تلویزیونی را تماشا می‌نمایند شامل این رقم نمی‌باشد.

فلسفه‌ها زان اتحاد شوروی با سایر همکاران سوسیالیستی خود در داخل کشور و خارج آن، به فعالیت‌های دامنه داری مصروف می‌باشند و متحدانه به فیلم سازی می‌پردازند و ساخته‌هایشان را در فستیوال‌های بین‌المللی فیلم بمعرض نمایش و قضاوت می‌گذارند.

در مسکو، هر دو سال بعد، فستیوال بین‌المللی فیلم‌های برگزار می‌شود و فلسفه‌ها زان جهان با این فستیوال شرکت می‌نمایند.

در هفتمین فستیوال فیلم که در شهر مسکو شعار «صنعت فیلم سازی از نگاه بشر دوستی و صلح در سر تا سر دنیا و دوستی بین مردمان جهان» برگزار گردید بیش از یک هزار آرتیست و هنرمند و فیلم‌بردار از هشتاد کشور جهان اشتراک ورزیده بودند.

بر علاوه فستیوال‌های فلسفه‌های موصوف، مسابقاتی در زمینه فیلم‌های هواز افسانه‌های فلسفه‌های کوه‌ها و فلسفه‌های اطفال نیز در مسکو دایر می‌گردد و پیرامون پیشرفت

هر چه بیشتر صنعت فیلم سازی تنها میمی اتخاذ می‌گردد. چنانچه بعد از هفتمین فستیوال مسکو، مباحثه‌ای در باره «سیمای چگونگی نقش‌ها را باید در پیشرفت مراهای سوسیالیستی ایفا نماید» صورت گرفت.

در سال ۱۹۷۲ فستیوال فیلم در شهر تاشکند دایر گردید و شعار آن این بود: «برای صلح، ترقی اجتماعی و آزادی مردمان جهان»

هنر پیشه چیر دستی

خوب است. اینها که هیچکدام مستقلا به کمره ارتباط نمیگیرند بلکه این فوتوگراف است که از زوایای مختلف، از دید مختلف و با اندوخته هایی که زمینه دارد، تصاویری از اجتماع را در روی کاغذ منعکس میسازد. فوتوگرافی که هنریست ریالستیک، امروز طرفداران زیادی دارد (والیری پلاتنیسکوف) یکی از همپو مردانست که بالای کمره تسلط نام دارد و مواقع تنها فوتوگرافی های او کافی است که از شخصیت هنری ویروزی های او حکایه نماید.

وی مدعی است که یک فوتوگراف نباید حتما بیرو سبک های (سیونیسم) و یا (سورئالیسم) باشد بلکه طراحی های او به اساس برداشت های محیطی که از آن عکس می بردارد و بر اساس معیار های انسانی و کاملاً ریالستیکی استوار بوده، خصایص مشخصات، درد ها و غصه ها و آلام جامعه را در تصاویر زنده بسازد و فوتو هایی که می بردارد ابتکاری و دارای سبک مخصوص همان جامعه و چه بهتر اگر یک مودل خاص و استثنایی باشد. بدون شک امروز سیر عکاسی و فلمبرداری تا آنجا انکشاف یافته است که به اوج شگوفایی خویش رسیده و تصاویر چاپ شده در روی کاغذ یا نقش شده در پرده های سینما ها و صفحات تلویزیونی گواه خوب این ادعاست. مطالعات نازده که در زمینه صورتگرته چنین وانمود میکند که هرچه امروز کمره های جدید مدرن خودکار میتوانند تمامی وظایف یک فوتوگراف را ایفا و خود هدف را تعیین، زاویه معینه را برای گرفتن عکس مشخص و همپو اساسات دیگر را رعایت مینماید. اما باز هم نقش یک فوتوگراف مؤثر بیشتر از نقش یک کمره خودکار است و به عبارتی دیگر انسانست که با تخنیک و علم پیشرفته خود چنین کمره های ساخته (والیری پلاتنیسکوف) نه تنها یک فوتوگراف چیره دست اتحاد شوروی است بلکه خود یک محقق علمی، یک کیمیدان، فزیکدان، میخانیکر و سازنده عینک های دوربین است که در هر یک از رشته های مذکوره ید طول و حاکمیت نام دارد که آتم بوضاحت میتوان موصوف را از قلم و منگوره اش، از احساسات و از استعداد و بکار گرفتن آله ها و وسایل علمی اش اودهر پدیده هستی آرا به کاوش میگیرد. به عبارتی دیگر اوفوتوگرافی نمیکند بلکه از طرف فوتوگرافی مسایل مربوط به محیط ماحول را کشف و در برابر دیدگان سایرین قرار میدهد، و در واقع کاوشگری های او الهام بخش فعالیت های هنری اش است. موصوف در برابر یک پرش مفسر هنری متذکر گردید که: فوتو را بوبرترانی وجود دارند که صنعت شان در عین ها نبسته است، فوتوگراف مؤثر همانست که عکس هایش به تنهایی گواه و گویا باشد و عکس هایش تنهایی نقطه اوج مثلا یک حادثه را بیان کند. بعضا فوتوگرافی هایی یافت میشوند که آثار شان بیشتر به گرافیک، نقاشی و رسمی نزدیک دارد...

(والیری پلاتنیسکوف) اخیراً از طرف مقامات هنری اتحاد شوروی لقب بخصوصی یا فت

لقب رژیسور فوتوگرافی. او یک تصویر را، یک نمایش را فرض میکند، نمایشی که بیننده را راضی نگه دارد. پلاتنیسکوف علاوه از طراحان لباس است که برای تیپ و قیافه هر کس مطابق احوالش لباس طرح می کند. وی دیکور تصاویر صحنه ها و سن ها را نیز عهده دار است. برای فوتوگرافی وی گاهی از یک فضای آزاد کار میگیرد، زمانی از یک سر، زمانی در هوافوتوگرافی مینماید... و بعضا فقط یک اتاق خالی کافی است کسه نامبرده تصویری از آن در برابر چشم بیننده بگذارد. سیم او برای انتخاب گرکتر هادر آثار هنری و یا معمولاً فوتوگرافی های خودش پس مهم است. وقتی او فوتوگرافی مینماید اساسات هندسی را نادیده نمیگیرد. در

بقیه صفحه ۳۳

نمو و انکشاف طفل...

قرن بیستم تأملاتی به نام قرن «طفل» شہرت داشت. در این قرن نشرات زیادتر و مطالعات دامنه دارتری که تاریخ جهان نظیر آثار انشان داده نمی تواند در حصه بهتر ساختن زندگی طفل که یک حیات مرفه و بهتر را به سر برده بتواند صورت گرفت. «تالیات» معینی در قرن بیستم در ساحة مطالعه طفل و روانشناسی آن صوت گر فته است که پنج دهامیل قابل یادآوری است.

۱- پیشرفت در زمینه روش و اصول معین مطالعه طفل (از مطالعه فردی به مطالعه گروهی).
۲- دلچسپی در ساحة های اختصاصی مطالعه استعداد های طفل.
۳- نسبت استفاده از اندوخته های احصایه و ارزیابی در ساحة مطالعه طفل (انکشاف تست های معیاری ذکاء توسط الفرید بین و سمیون در سال ۱۹۰۵ و تست های شخصیت و استعداد و غیره توسط دیگران).
۴- دلچسپی در روانشناسی اطفال منحصر (اطفال با استعداد ولی منحرف).

۵- تحقیقات وسیع و دامنه دار در زمینه نمو و انکشاف اطفال، پیش از مکتب رفتن. از زمان جنگ جهانی اول به این طرف دلچسپی در حصه اطفال و کودکان قبل از رفتن به مکتب (از تولد تا سن شش سالگی) زیاد شده است. چنانچه شیر خوار گاه ها، کودکانها، کلینیک های جسمی و روحی طفل و مراکز مطالعه طفل در یوفنتونیا به روانشناسان این موقع را مساعد ساخته است تا به روجه آرام مطالعات علمی خویش را در حصه کودکان و اطفال قبل از رفتن به مکتب ادامه دهند. روانشناسان از نگاه های مختلف اطفال و تحت مطالعه قرار میدهند چنانچه ساحة های ذیل را میتوان بصورت عموم در زمینه تشخیص داد:

الف: روانشناسی که به مطالعه قوانین ارثی مشغول اند، قوه های دینامیک طبیعی را در رشد و رسیدگی طفل تأکید مینماید. این مطالعات روانشناسان را وامیدارد تا موضوعات از قبیل پروسه های انکشافی، نارمهای سنی، تفاوت های فردی و محدودیت های نمو و انکشاف طفل را تحت غور و مداقه قرار دهند.
ب: روانشناسی که به مطالعه محیط و کلتور

فوتوگرافی های او بر سیل مثال میشود نویسنده نه چندان جوان را در یک محیط نور افشیده مصروف کار یافت.

یک صحنه خزانیه را بخود مجنون مینماید. علاقمند باری یک تصویر تنهایی از آسمان صاف نیلگون را می بیند و این عکس ها هر کدامش حالات گونه گونه شادی، غم، خشم طبیعت و در مورد زندگی و سر نوشت انسان ها را بازگو میدارد. او است که به بعضی از هنر پیشگان سینما مینماید که چگونه یوز بگیرد و یا در فلم دست به چه حرکات جالبی در محدوده گرکترش بزند. در تیاتر متحرک که فقط با حرکات خاص ابقاء میشود بدون آنکه حتی یکی از هنر پیشه ها حرف بزند در فوتوهای او جان میگیرد. موصوف مکتب عالی دولتی را در قسمت فلم فرا گرفته است. صنعت عکاسی برای وی

عمیق و همه جانبه در زمینه بیپوی وضع و موقف طفل در افغانستان و جهان داشته و دارد.

از اینرو بین المللی طفل بیعت روز مهم ملی و جهانی استقبال نمود و از آن تجلیل بعمل می آورد. و کام های سریع و وسیع را جهت نمو و انکشاف همه جانبه طفل مطابق به پلان های مربوطه روی دست گرفته است. و این خود قلمی دیگر است جهت رسیدن به جامعه فراوانی و فارغ از هر نوع استثمار تحت شعار مصونیت، قانونیت و عدالت.

«به پیش بسوی آینده خوش و آرام برای همه اطفال جهان»
بقیه صفحه ۳۷

گروه هنری

در قطار پیش آهنگان مسابقات کار قرار داشت. در جلسه عمومی پیش آهنگان عاشق کار گر کلخوز همجواری خود شد و چندی بعد پس هم ازدواج کردند. درین وقت تاراش شصت سال داشت. در حال حاضر تا راش دو دختر، سه پسر و هفده نوا سه و کوا سه دارد و یکی از فعالین گروه هنری خود میباشد. رقص گروه (نارتا) تار کوك سال گذشته صد سالگی خود را جشن گرفت. مردم قره یو مزاج کنان می گویند تار کوك به مادر خود شباهت دارد. زیرا مادر شش یکصد و چهل و سه سال زندگی کرد.

این يك حادثه طبیعی است. که با بلند رفتن سن، ضعف مزاجی ایجاد میشود اما گروه هنری صد ساله ها این مقوله را رد میکنند زیرا تاهنوز نیروی جسمانی خود را حفظ نموده اند. رهبر گروه چنگلیا تعداد گروه هنری را به یکصد و دو نفر بالا برد. درین جمله دو نفر زن شامل میباشد. به این لحاظ این گروه را بنام صد برادر قهرمان و دو خواهر نیز یاد میکنند و هنوز هم به فعالیت های هنری خود ادامه میدهند.

اقدام يك جانبه در ...

سخن دیگر به این ارتباط اینکه مسئله جنگ و صلح اصلا در وضع کنونی کسبه کدام های بی شما و اسلحه در کشور دای جهان انیا و گردیده به يك کشور ویا کشور های خورد و بزرگ محدود نما نده و فرار محاسبه دقیق دانشمندان اگر جنگ سوم جهان را دیوانه ای بر افروزد به تنها بشریت نتایج آت را نخواهد دید بلکه خود نیز از میان خواهد رفت زیرا اسلحه اتومی و استراتژی یکی جهان موجب خطرناک می نماید که فقط دیوانگان آنرا قبول ندارد و پس ...

مپاس صادقانه خلق های جهان به کشور های صلح دوست و به خصوص متحد شوروی از آن جا منشأ دارد که امروز اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیالیستی همراه مبارزان راه صلح و تأمین

بقیه صفحه ۴۱

تیم های ولایت بلخ...

بگیرد میگوید:

قبل از پیروزی انقلاب شکو همنه شور و قتیقه کابل میادیم در گاراج های غازی سند یوم که نه در داشت و نه دروازه برای ما جای داده می شد، مثل اینکه مسافری در مسجد خواب کند ، چند روزی راسپری می کردیم . اما بعد از پیروزی انقلاب نور که به کابل می آیم قسمیکه شما خود مشاهده میکنید تما می لوازم ما اند خیمه بستر خواب که همه دو شک های اسفنجی می باشد از طرف دولت مسیبه گردیده است ، در خوابگاه پاندا زان هم تغییرات زیادی آمده کدر سابق چنین نبود . قبل از انقلاب و قتیقه به کابل می آمدیم بستره و همه لوازم از خود ما

بقیه صفحه ۲۴

ما بخاطر صلح ...

ما عقیده راسخ داریم که صرف علایق طبیعی همسایگی و همکاری این خلقهای منطقه ما صلح، آرامش و ثبات را استحکام می بخشد . ازینرو تا زمانیکه صلح واقعی تأمین نشده و استقلال ملی تحمیل خلق عرب صحرا نگر دیده ، نوده های ملیونی عرب صحرا از مبارزه بر ضد دشمنان خویش دست نخوا هند کشید .

سوال - شما نقش نیرو های مترقی را در معضله بحرانی غربی چگونه ارزیابی می نهائید ؟

جواب - ما نبرد هدف مند و قانون نمندانه را برای احقاق حقوق

گر چه گفتنی های زیادی داریم اما با يك شعار به سخنان خاتمه میدهم که زنده و جاوید باد خلق افغانستان و در انتظار با دیرق ملکون زحمتکشان افغانستان .

پس چاب انداز دیگری دو برو می شوم فکر می کنم که رئیس تیم ولایت بخار باشد می گوید با هم مر صحبتی آغاز می کنید و یا نه ؟

چرا نه ! می گوید اسم عبدالقد و سر و رئیس تیم ولایت بخار می باشد پیش ازینکه از نامبرده پرسشی صورت

بیکار ادامه بد هند .

آنجکه درجریان مبارزه علیه جنگ و نیرو های جنگ طلب از اهمیت شایسته برخوردار است ، مسئله درك قد و نیرو های در گریز در مقابل هم است . با یسد

همچنان با یسد نیروی خود و دوستان صلح یا با سداران صلح را نیز با یسد دقیقاً فرمید و نباید احساساتی و بسودنا مستی لیت در زمینه بر خورد صورت گیرد . به ارتباط گفته های که آمد و به استقبال از ابتکار و يك جانبه اتحاد شوروی در مورد تقلیل قوا در اروپا بیکار دیگر رسالت و مسئولیت هوا خواهان صلح را تا کید نموده آرزو مندیم تما صلح دوستان دريك سنگر از صلح جهان دفاع نمایند و از دست آورده های تاریخی

بود صرف نان ما بد و ش دولت می بود که اصلا خورده هم نمی شد اما بعد از پیروزی انقلاب شکو همنه شور و قتیقه کابل میادیم در گاراج های غازی سند یوم که نه در داشت و نه دروازه برای ما جای داده می شد، مثل اینکه مسافری در مسجد خواب کند ، چند روزی راسپری می کردیم . اما بعد از پیروزی انقلاب نور که به کابل می آیم قسمیکه شما خود مشاهده میکنید تما می لوازم ما اند خیمه بستر خواب که همه دو شک های اسفنجی می باشد از طرف دولت مسیبه گردیده است ، در خوابگاه پاندا زان هم تغییرات زیادی آمده کدر سابق چنین نبود . قبل از انقلاب و قتیقه به کابل می آمدیم بستره و همه لوازم از خود ما

بقیه صفحه ۲۴

ما بخاطر صلح ...

حقوق خویش به پیش می بریم . خلقی که بدور جیبه پولیساریو حلقه زده اند با تصمیم حل ناپذیر در راه نیل به هدف مبارزه می نمایند . الجزایر در قسمت معاونت و همدردی با خلق ما جای ارزشمند داشته و همیشه از ما حمایت کرده است . یقین کامل داریم که هر گونه حل مسئله صحرا بدون شناخت حق خود ارادیت ، استقلال ملی و تمامیت ساحت جمهوری دموکراتیک عربی صحراوی حل عادلانه و عملی این معضله نمی باشد و در ستیز برحق ما درین راه نیرو های صلح و ترقی سهم بزرگی در حصه مورال خلق ما ادا نموده و به جمهوری دموکراتیک ما از امداد مادی نیز مضایقه نکرده اند .

بشریت که طی قرون متعادی تهیه شده و به میراث مانده پاسداری نموده و هر چه بیشتر در فتنه صلح محبتی را بر افرازند .

در فرجام دیگر ابتکار دولت اتحاد شوروی راه خلق قبر ما آن کشور تبریک گفته واز تما نیرو های صلح خواهی خواهیم تادیرین روند انقلابی متحدانه عمل کنند و متحدانه تصمیم بگیرند، تصمیمات فردی و صدا های جداگانه به گوشتی نمی رسد و چایی رانی میرد .

ارز شمند و مهم عمل مشترک و مبارزه مسلحانه علیه دشمن مشترک است . و جنگ طلبان و جنگ افروزان بدون شک دشمن مشترک بشریت بحساب آمده و با يك مشت واحد و نیرو مند تمام نیرو های تحول طلب و صلح دوست از میان می رود .

پیروز باد صلح دسراسر جهان !
مرک بر نیرو های جنگ طلب !
برافراشته باد درفش صلح درگیتی !

برای بز کشی تریه می شود از نسل خوب باشد و به صورت درست تربیه شود . اسب به هر اندازه ای که تند رو باشد رول ندارد تا مطابق به خواست چاب انداز به طرف دایره حلال خود را نکشاند .

رئیس تیم ولایت بخار می گوید : امپیکه برای بز کشی تریه می شود با یسد از دوسالگی تحت تربیه قرار گیرد که ابتدا توسط یک نفر بنا می سائز تربیه می شود بعد از یکی دو سال کم کم به میدان بز کشی عادت داده می شود مهمتر از همه خوراک اسب است که در پهلوی علوفه روغن زرد ، تخم مرغ و یا روغن کنجد بوده که سالانه مصرف عمومی يك اسب به ۸۰-۹۰ هزار افغانی میرسد یعنی مصرف سالانه يك اسب برابر و یا زیاد تر از مصرف سالانه يك نفر چاب انداز می باشد .



مدیر مسئول : شیر محمد کاوه
معاون : محمد زمان نیکرایی
امیر چاپ : علی محمد عثمان زاده
تلفون دفتر : ۲۶۸۱۹

مطبعة دولتی

مَقَامُ الْمَرْغُوبَةِ : مَقَامُ الْبَغْيِ !



تجربہ گاہ